



شورش صدر
خروج حکیم

سیاست عراق به چه سمتی می‌رود؟

کابینه ائتلافی

- دولت جدید حسن روحانی از راست‌گرایان عمل‌گرا، اصلاح‌طلبان و نزدیکان او تشکیل شده است
- برخی نمایندگان مجلس پیش‌بینی می‌کنند که سه وزیر پیشنهادی روحانی رای نخواهند آورد

غرب‌زدگی؟

چهار شخصیت سیاسی درباره سلفی نمایندگان
با موگرینی با مثلث صحبت کردند

قدرت گرفتن اعتدال و توسعه

ریاست محمود واعظی بر دفتر
رئیس‌جمهور چه معنایی دارد؟



دو جاده متفاوت

عاقبت همکاری تیلرسون - ترامپ
به کجا می‌انجامد؟

سروصدای ترامپ

امریکا و کره شمالی به جنگ
نزدیک می‌شوند؟

بازهم اول شدیم

رتبه اول اپراتورهای تلفن همراه کشور



مها اول

با ارزیابی رسمی سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی

www.mci.ir



با شما همیشه اول هستیم

با کوثر کارت

از تیم محبوبتون حمایت کنید



امکان افتتاح حساب در هر یک از ۳۵۱ شعبه موسسه اعتباری کوثر در سراسر کشور
حمایت از تیم بدون پرداخت هزینه و تنها با افزایش تراکنش های مالی با کوثر کارت





فکرشو بکن.

۱۰۰ جایزه

هزار میلیون

ریالی

هشتمین مرحله قرعه‌کشی سپرده‌های قرض‌الحسنه پس‌انداز



بانک انصار

مرکز خدمات مشتریان ۰۹۶۳۰۰
www.ansarbank.ir

[AnsarBank](#)
[@Ansar_Bank](#)

کلیدهای گفتن و شنیدن با کودکان و نوجوانان

نام مؤلف: آدل فابر، الین مازلیش / مترجم: زهرا جعفری

ناشر: مؤسسه انتشارات صابرین

تعداد صفحات: ۲۷۳



پیش از تألیف این کتاب، خانم فابر و خانم مازلیش در حوزه ارتباط میان بزرگسالان و کودکان، فعالیت‌های بسیاری داشته‌اند که از جمله آن‌ها می‌توان به کارگاه‌هایی اشاره کرد که ویدئوهای آن‌ها هزاران مخاطب داشته است. طبیعتاً مخاطب برنامه‌های او، در درجه‌ی نخست، والدین و معلمان هستند که برقرار ساختن یک ارتباط سالم با کودکان و نوجوانان، بیش از هر چیز دیگر، برایشان از اهمیت برخوردار است. این کتاب، حاصل سال‌ها کار و تجربه حرفه‌ای این دو نویسنده است و می‌تواند در خصوص درگیری‌های والدین با فرزندانشان، برای آن‌ها بسیار راهگشا باشد. پدر و مادرهایی که در میان حجم انبوه اطلاعات در دنیای امروز، گاهی سردرگم می‌شوند؛ این کتاب از مجموعه کتاب‌های «کلیدهای تربیت کودکان و نوجوانان» است که مخاطب اصلی آن‌ها والدین هستند و سعی دارند تا یک سلسله راهبردهای عملیاتی را در اختیار پدر و مادرهای امروزی قرار دهد.

مؤسسه انتشارات صابرین کتاب حاضر را با عنوان «کلیدهای گفتن و شنیدن با کودکان و نوجوانان» به چاپ رسانیده؛ اما این کتاب، پیش از این هم با عنوان‌هایی مانند «به بچه‌ها گفتن، از بچه‌ها شنیدن» و «چگونه به کودکمان گوش کنیم و چگونه با او صحبت کنیم؟» توسط ناشران دیگری به چاپ رسیده بود.

این کتاب شامل هفت فصل است که در فصل اول، بحث کنار آمدن کودک با احساساتش مطرح می‌شود. در این فصل احساسات مختلف کودک، اعم از خشم، ترس و ... و نحوه‌ی مقابله‌ی با آن، بررسی می‌شود. از فصل دوم تا ششم، به ترتیب، مباحث مربوط به جلب همکاری، جایگزین‌های تنبیه، تشویق به استقلال، تحسین و تمجید، و آزاد کردن کودکان از نقش بازی کردن، طرح‌شده و به‌صورت بسیار کاربردی، با مثال‌ها و تمرین‌های متنوع، راهکارهایی در این زمینه‌ها ارائه می‌شود. در نهایت، در فصل هفتم، مؤلفان به جمع‌بندی و نتیجه‌گیری و بیان اهداف خود از این کتاب، می‌پردازند.



مجلت

جلد دوم

سلفی باموگرینی

عکس گرفتن برخی نمایندگان مجلس باموگرینی به مهم ترین مساله هفته تبدیل شد





بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَكَلِّكَ جَعَلْنَاكَ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ
وَيُكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا

هفته‌نامه سیاسی، فرهنگی با رویکرد خبری، تحلیلی

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: مصطفی آجورلو

سردبیر: سعید آجورلو

تمام مقصد، اجرای اسلام

الآن وقتی است که ما بخواهیم این کشور را از این آشفتگی‌هایی که دارد نجات بدهیم، باید همه و همه نظر را به اسلام بکنیم؛ تمام مقصد اسلام باشد. اسلام است که می‌تواند ما را به سعادت دنیا و آخرت برساند. اسلام است که برای ما آزادی، یک آزادی سالم، آزادی صحیح، تأمین می‌کند. اسلام است که می‌تواند ما را مستقل کند. اسلام است که می‌تواند روح ما را قوی کند، و به تبع آن جسم ما هم قوی بشود. ما همه الآن محتاج به این هستیم که در این آشفتگی‌هایی که البته بعد از هر انقلاب آشفتگی‌ها هست

و بحمد الله انقلاب ایران یک انقلاب کم‌آشفتگی است آشفتگی هست اما نه مثل آنها که در جاهای دیگر، انقلابات دیگر بوده است. انقلاب روسیه و انقلاب فرانسه ضایعاتش خیلی بوده است.

بحمد الله ایران، آن هم از برکت اسلام است؛ برای اینکه این مردمی که انقلاب کردند اسلامی بودند؛ مردمی نبودند که بخواهند بیجا خرابکاری بکنند؛ به حد خودشان کردند، به آن اندازه‌ای که مفید بود می‌کردند، به آن اندازه‌ای که مجاز بود می‌کردند. و لهذا بعد از انقلاب اینطور آشفتگی‌هایی که در جاهای دیگر بود، اینطور آشفتگی‌ها نیست. البته یک گوشه‌هایی از آن رژیم باز باقی است، و یک عمالی هم از خارجیه‌ها باز در بین مردم باقی هست لکن آن هم باید به همت ملت، به همت همه با هم، این آشفتگی‌ها

خبرنامه

سروصدای ترامپ

جنایت در سرپل

عقب‌نشینی سعودی

احمدی‌نژاد را محاکمه کنید

۱۵-۸

گفتارها

ورود به جنگ سرد نوین

چه کسانی می‌ز مذاکره را می‌چینند؟

معمای جیبر

هزینه‌های سازش، فرصت‌های چالش

۳۱-۱۹

سیاست

کابینه ائتلافی

کرباسیان فرد موفق بوده است

بوروکرات‌ها به جای تکنوکرات‌ها

انقلاب در دفتر روحانی

۴۷-۲۹

تحریریه:

دبیر تحریریه: مصطفی صادقی

سیاست: مصطفی صادقی (دبیر) - علی حاجی ناصری - امید کرمانی‌ها

حنیف غفاری

بین‌الملل: سعیده سادات فهری (دبیر)

اقتصاد: محمد مهدی صدرزاده (دبیر)

دیدار: افشین خماند (دبیر)

ورزش: مهدی ربوشه (دبیر)

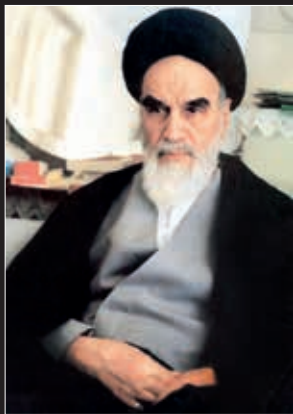
فکرنو: علی حاجی ناصری (دبیر)

فرهنگ: امیر خوش صحبتان (دبیر)

بازار: محمد شکراللهی (دبیر)

مشاور هنری: نیما ملک نیازی

مثلاً: هفته‌نامه‌ای خبری، تحلیلی است که سعی دارد روایتی منصفانه و عادلانه از واقعیت‌ها ارائه دهد. نامش تمثیل و اشاره‌ای است به سه ضلع استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی. مرامش تقویت گفتمان انقلاب اسلامی، چارچوبش اسلام، انقلاب، امام و رهبری، آرمانش گسترش و سیادت اسلام‌خواهی در سراسر جهان و عزت مسلمانان، توسعه و پیشرفت ایران اسلامی و رفاه مردم شریف ایران و رونق گرفتن عدالت، مرزش رواداری و تألیف قلوب اهالی انقلاب و ایستادگی در برابر مقابلان گفتمانی و عملی نظام و سیاق و مشرب‌مان نجابت قلم و روزنامه‌نگاری مومنانه و تلاش در جهت رونق گرفتن سنت گفت‌وگو میان فرهیختگان و نخبگان کشور است. امیدواریم که در روایت‌مان صادق، بر مرام‌مان مستمر و دائم، بر چارچوب‌مان مستقر، بر آرمان‌مان مومن، بر مرزهایمان مراقب و هوشیار و بر سیاق‌مان استوار بمانیم.



مقابل یک مملکت طاغوتی. طاغوت را که از بین بردید، باید به جای آن یک مملکت اسلامی و یک مملکت الهی درست بشود. مقابل طاغوت، الله است. با رفتن «طاغوت» باید مملکت «الله» پیدا بشود، مملکت الهی پیدا بشود. و آن هم با همت همه است. [نه] روحانیون می‌توانند تنها کار را انجام بدهند و نه دولت می‌تواند تنهایی انجام بدهد و نه قشری از اقشار ملت. همان طوری که همه پیش بردید، با هم مسئله را پیش بردید، با هم پیروزی را تا این حدود ایجاد کردید، نایل شدید به پیروزی، باز هم با هم باید این قافله را به منزل برسانید. اگر با هم نباشید، اگر این قوا همه با هم مجتمع نشوند، نمی‌توانند کار انجام بدهند.

ان شاء الله رفع بشود، و بعد هم با همت همه سازندگی شروع بشود، به همت همه، اسلام آنطوری که خدای تبارک و تعالی امر فرموده است تحقق پیدا بکند.

همکاری برای ساختن کشوری الهی

الآن الفاظ است، باز پا را از الفاظ بیرون گذاشته ایم [به] جمهوری اسلامی رأی هم دادیم اما آن معنا و آن محتوایی که باید تحقق پیدا بکند باز نشده است. الآن آشتی‌گیا همه جور هست. تحول لازم دارد از همه چیز آن، که بخواهد بشود همه آن آثار طاغوتی، که در همه جا الآن هست، الآن هم آثار در همه جا هست، همه اینها باید متحول بشود؛ تا اینکه اسلام به اینطوری که، به آن چهره زیبایی که دارد تحقق پیدا بکند؛ یک مملکت الهی بشود در

بین‌الملل

۵۴-۶۹

دوجاده متفاوت
متحدان ناامید از کاخ سفید
شورش صدر - خروج حکیم
معمای یک سفر



فرهنگ

۴۸-۵۳

سلفی با موگرینی
قانون انتخابات را اصلاح کنیم
سلفی از خودمان
غربزدگی؟



ورزش

۷۰-۷۵

محکوم است
دوام حکومت طاهری
وزارت ورزش مجمع غیرقانونی برگزار کرده؟



طراح جلد: مصطفی مرادی



شماره پیامک: ۳۰۰۰۴۱۱۷۱۱

با تشکر از: دکتر دارابی - دکتر آیت‌الله ابراهیمی - حسین محمد پورزند
مهندس صدوقی - حسین مجاهدی - حاج آقا توکلی - محمدابراهیم محمد پورزند
امیر آشتیانی عراقی - علیرضا حسن‌زاده - دکتر عیسی رضایی - سید حمید خالقی
هادی انباردار

سازمان آگهی‌ها: تلفن: ۰۹۱۳-۸۵۰۵۸۴۸
چاپ: هنر سرزمین سبز - پردازش تصویر رایان
توزیع: نشر گستر امروز
نشانی: تهران، خیابان شهید عباسپور (توانیر)، خیابان نظامی گنجوی، کوچه پناه،
پلاک ۱۹
تلفن: ۸۸۱۹۸۲۰۷

گرافیک و صفحه‌آرایی: فاطمه قناتی - علی آجورلو
و افشین جم
پردازش تصاویر: هومن سلیمیان
عکس: امیر طلایی‌کیوان - عدنان جعفری و محمد برنو
ویرایش: ژیل شاکری - امیر عزیزی و نرگس حاجیلو
حروفچینی: داود حشمتی
مدیر مالی: محمدرضا پالیزدار
سازمان آگهی‌ها: محمد شکراللهی
بازرگانی و بازاریابی: محمدعلی آجورلو
امور اداری: علیرضا اسداللهی - علی اکبر پیمانی
انفورماتیک: شهرام زحمتی
ناظر چاپ: بابک اسکندرنیا

تنش در شبه جزیره

در اوج تنش‌ها بین آمریکا و کره شمالی، دونالد ترامپ با افتخار از دستور خودش برای نوسازی زرادخانه اتمی آمریکا سخن گفته است. رئیس‌جمهور آمریکا در تویتر شخصی خودش بدون اشاره مستقیم به کره شمالی این طور نوشته است: «اولین دستور من در مقام ریاست‌جمهوری، بازسازی و نوسازی زرادخانه اتمی من بود. اکنون این (زرادخانه) قویتر از هر زمان دیگری است».

تیتریک

سروصدای ترامپ

آمریکا و کره شمالی به جنگ نزدیک می‌شوند؟

گفتند که اطمینانی به شیوه مدیریت ترامپ ندارند. از نظر ۳۳ درصد از شرکت‌کنندگان در این نظرسنجی، ایران «تهدیدی جدی» است و ۲۰ درصد هم چین را تهدیدی جدی برای آمریکا می‌دانند. در ادامه تحولات در این مورد آسوشیتدپرس گزارشی با این موضوع منتشر کرد: «۳۰ موشک کره شمالی که قادر به هدف قرار دادن «گوام» هستند».

«هواسونگ-۱۲»

این موشک با سوخت مایع است و برای شلیک از سکوهای متحرک زمینی طراحی شده است و قبلاً گزارش شده بود که این موشک‌ها برای حمله به آلاسکا و هاوایی ساخته شدند. ماه می گذشته کره شمالی دو آزمایش موشک هواسونگ-۱۴ را انجام داد. تحلیلگران گفتند که بخش‌هایی از خاک آمریکا از قبیل لس آنجلس و شیکاگو می‌تواند در بُرد این موشک‌ها قرار گیرد.

تحلیل مسیر پرواز آزمایشی موشک‌ها در ماه می نشان داد که بُرد هواسونگ-۱۲ بین چهار هزار تا هفت هزار کیلومتر بود.

«موسودان»

تحلیلگران می‌گویند که بُرد احتمالی موشک موسودان با سوخت مایع، ۲۵۰۰ کیلومتر است و این موضوع اغلب مناطق آسیا و اقیانوس آرام را در برد آن قرار می‌دهد.

«پوگو کسونگ-۲»

کره شمالی برای اولین بار در ماه فوریه توانست این موشک که از زیر دریایی قابلیت شلیک دارد را آزمایش کند؛ موشکی که با سوخت جامد کار می‌کند و برد متوسطی دارد. تحلیلگران می‌گویند که پوگو کسونگ-۲ توانمندی تسلیحاتی کره شمالی را ارتقا داد چرا که موشک‌های با سوخت جامد در قیاس با موشک‌های با سوخت مایع، از امکان شلیک سریع‌تر و مخفیانه‌تری برخوردار هستند.

هرچند برخی کارشناسان در کره جنوبی می‌گویند که برد این موشک احتمالاً به گوام می‌رسد، مقامات وزارت دفاع کره جنوبی با اشاره به آزمایش این موشک در ماه می اعلام کردند که تخمین می‌زنند برد پوگو کسونگ-۲ حدود دو هزار کیلومتر است که این میزان برای هدف قرار دادن پایگاه‌های آمریکا در ژاپن کافی است اما به گوام نمی‌رسند.

در قبال کره شمالی، مدعی شده که این استراتژی در کار موثر افتادن و تأثیر گذاشتن است و «فشارها دارد خودش را نشان می‌دهد». این مقام ارشد آمریکایی با ادبیاتی تند علیه کره شمالی تصریح کرد که «به نظر نمی‌رسد (رهبر کره شمالی) زبان دیپلماتیک را بفهمد». وزیر خارجه آمریکا با دفاع از استراتژی واشنگتن در قبال کره شمالی، مدعی شده که این استراتژی در حال تأثیر گذاشتن است و «فشارها دارد خودش را نشان می‌دهد». تیلرسون افزود کره شمالی هنوز هم می‌تواند تحت شرایط مناسب و از طریق گفت‌وگو از شرایط جاری خارج شود. او در ادامه دفاع از اظهارات تند ترامپ تأکید کرد رئیس‌جمهور آمریکا می‌خواسته روشن کند که آمریکا «توانایی بدون تردیدی برای دفاع از خود و حفاظت از متحدانش دارد و ترامپ خواهان آن بوده که «کره شمالی از هرگونه اشتباه محاسباتی پرهیز کند».

در اوج تنش‌ها بین آمریکا و کره شمالی، دونالد ترامپ با افتخار از دستور خودش برای نوسازی زرادخانه اتمی آمریکا سخن گفته است. رئیس‌جمهور آمریکا در تویتر شخصی خودش بدون اشاره مستقیم به کره شمالی این طور نوشته است: «اولین دستور من در مقام ریاست‌جمهوری، بازسازی و نوسازی زرادخانه اتمی من بود. اکنون این (زرادخانه) قویتر از هر زمان دیگری است».

ترامپ افزود: «امیدوارم که ما هرگز مجبور به استفاده از این قدرت (قدرت اتمی) نباشیم اما این را بدانید که هیچ زمانی نخواهد بود که ما قویترین کشور جهان نباشیم (همیشه آمریکا قویترین کشور جهان خواهد بود)».

به موازات ادامه تنش‌ها بین آمریکا و کره شمالی، نتیجه یک نظرسنجی در میان آمریکایی‌ها نشان می‌دهد که ۶۲ درصد از آنها، پیونگ‌یانگ را «تهدیدی بسیار جدی» می‌دانند. یک رسانه آمریکایی یک نظرسنجی در این کشور حول موضوع تنش‌ها با کره شمالی ترتیب داده و نظرات آمریکایی‌ها را جویا شده است.

نظرسنجی «سی‌ان‌ان پُل» نشان می‌دهد که ۶۲ درصد از مردم آمریکا، کره شمالی را «تهدیدی بسیار جدی» برای کشور آمریکا می‌دانند. ۷۷ درصد از شرکت‌کنندگان در این نظرسنجی معتقدند که کره شمالی توان هدف قرار دادن خاک آمریکا با موشک را دارد. در این نظرسنجی، درباره نظر آمریکایی‌ها درباره سیاست و مدیریت دونالد ترامپ در قبال کره شمالی هم سوال شده است. ۵۰ درصد از شرکت‌کنندگان آمریکایی از شیوه مدیریت ترامپ در قبال کره شمالی انتقاد و ۳۷ درصد حمایت کردند و ۱۳ درصد هم

جدال میان ایالات متحده و کره شمالی بالا گرفته است؛ جدالی با طعم هسته‌ای. ماجرا از آنجا شدت بیشتری گرفته که رسانه دولتی کره شمالی می‌گوید این کشور در حال بررسی حمله موشکی به سرزمین‌های آمریکا در جزیره گوام در اقیانوس آرام است. ساعاتی بعد از هشدار شدید «دونالد ترامپ»، رئیس‌جمهور آمریکا به کره شمالی، یک مقام ارتش این کشور گفت کشورش در حال بررسی حمله موشکی به نواحی اطراف «گوام» است. یک سخنگوی ارتش خلق کره در بیانیه‌ای که در خبرگزاری رسمی کره شمالی منتشر شد گفت این کشور آماده است سرزمین‌های آمریکا در جزیره گوام را هدف حمله موشکی قرار دهد. وی گفت ارتش کره شمالی با دقت در حال بررسی «حمله به نواحی اطراف گوام با موشک‌های بالستیک راهبردی میان‌برد، از نوع هواسونگ-۱۲ است». جزیره گوام واقع در غرب اقیانوس آرام یکی از سرزمین‌های تابعه آمریکا و از پایگاه‌های نظامی مهم این کشور در خارج از سرزمین اصلی این کشور است. در بیانیه‌ای دیگر به نقل از یک سخنگوی ارتش کره شمالی این کشور نقل شده پیونگ‌یانگ در صورت مشاهده اقدامات تحریک‌آمیز از طرف آمریکا اقدام به انجام حملات پیشگیرانه خواهد کرد. کره شمالی قبلاً گفته بود آماده است با نیروی هسته‌ای راهبردی خود «درس سختی» به تحریکات نظامی آمریکا بدهد. اما در واکنشی به این ماجرا وزیر خارجه آمریکا می‌گوید که تهدید کره شمالی علیه واشنگتن، «قریب‌الوقوع نیست» و «آمریکایی‌ها شب‌ها آسوده بخوابند». وزیر خارجه آمریکا در اظهاراتی به مردم این کشور درباره «قریب‌الوقوع نبودن» تهدید حملات کره شمالی اطمینان داد. در حالی که اظهار نظر شدید‌ال‌لحن رئیس‌جمهور آمریکا علیه کره شمالی، واکنش تهدیدی‌آمیز پیونگ‌یانگ درباره هدف قرار دادن جزیره «گوام» آمریکا را به دنبال داشته، حالا چهارشنبه وزیر خارجه آمریکا هم در این باره اظهار نظر کرده است. «رکس تیلرسون» گفته که تهدید کره شمالی، «قریب‌الوقوع نیست» و «آمریکایی‌ها باید شب‌ها آسوده بخوابند».

وزیر خارجه آمریکا افزود رد و بدل کردن تهدیدات بین این کشور و کره شمالی، بدان معنا نیست که واشنگتن در حال حرکت به سمت اقدام و گزینه نظامی است. وی با دفاع از اظهارات جنجالی اخیر ترامپ تأکید کرد که این مواضع در واقع ارسال پیامی قوی «به زبانی است که کیم جونگ اون (رهبر کره شمالی) خوب می‌تواند آن را درک کند». وزیر خارجه آمریکا با دفاع از استراتژی واشنگتن

جنایت در سرپل

گروه تروریستی داعش و طالبان، شیعیان را به قتل رساندند

نظر مثلث



گروه تروریستی داعش و طالبان در منطقه شیعه‌نشین میرزاولنگ در استان سرپل افغانستان ۶۰ نفر از شیعیان مظلوم این منطقه را به شهادت رساندند. مردم منطقه می‌گویند تروریست‌ها که برخی پرچم سیاه داعش و برخی پرچم طالبان را در دست دارند ۴۷ دختر جوان را با خود برده‌اند. تعلل حکومت در فرستادن نیروهای کمکی به سرپل با انتقادات گسترده شهروندان مواجه شده است. آنها حکومت و نیروهای ناتو را متهم به سکوت در برابر قتل عام مردم در منطقه میرزاولنگ می‌کنند و می‌گویند که مقامات دولتی هیچ کاری برای نجات جان مردم در این منطقه انجام نداده‌اند. استاندار سرپل می‌گوید بر اثر درگیری چند روز آخر بیش از ۶۰۰ خانواده آواره شده‌اند. وحدت به خبرنگاران گفت: «هنوز عملیات نظامی برای سرکوب مخالفان مسلح دولت در میرزاولنگ اجرا نشده است اما به زودی آغاز خواهد شد.» استاندار سرپل می‌افزاید که منطقه میرزاولنگ به یک مرکز تجمع طالبان و داعشیان تبدیل شده است.

مقام‌های محلی در ولایت سرپل در شمال افغانستان می‌گویند گروه طالبان ۲۳۵ غیرنظامی در اسارت را پس از مذاکرات ریش سفیدان و والی این ولایت با گروه‌ها کرده است. ذبیح‌الله امانی، سخنگوی والی سرپل گفت که بسیاری هنوز در منطقه میرزاولنگ که به دست طالبان است، اسیر مانده‌اند. دفتر رسانه‌ای ولایت سرپل با انتشار عکس‌هایی از افراد هاشده‌نوشته است که نیروهای زمینی و هوایی وارد ولایت سرپل شده‌اند. مقام‌های ولایت سرپل پیش از این از کمبود نیرو برای جنگ با طالبان در این ولایت شاک می‌بودند. یک مقام محلی که نخواست نامش گرفته شود، گفته بود که در ولسوالی (شهرستان) صیاد، که میرزاولنگ بخشی از آن است، تنها ۲۵ نفر پلیس مستقر بود و نه در جریان جنگ و پس از آن هیچ نیروی کمکی به منطقه نرسید. این منطقه را طالبان شبه تصرف کردند و به گفته مقام‌های محلی ۵۲ غیرنظامی را به طور فجیع به شهادت رساندند. محمد اشرف غنی،

رئیس‌جمهور افغانستان گفت که انتقام قتل عام میرزاولنگ را می‌گیرد. وی در مراسمی گفت که دشمنان دین و وطن در میرزاولنگ نشان دادند که هیچ مرزی را نمی‌شناسند. غنی ضمن ابراز همدردی با خانواده‌های قربانیان، تاکید کرد: «وعده می‌دهم که فرزندان دلیر ما در نیروهای دفاعی و امنیتی انتقام آنان (قربانیان) را خواهند گرفت.» دیروز ذبیح‌الله امانی، سخنگوی والی سرپل گفت طالبان در روستای میرزاولنگ برخی را سلاخی کردند، شماری را سرپریدند، عده‌ای دیگر را از کوه به زیر انداختند و بعضی دیگر را به گلوله بستند. سخنگوی گروه طالبان گفته است که جنگجویان این گروه تنها افراد مسلح و اعضای پلیس محلی را در این محل کشته‌اند و کشتن غیرنظامیان را رد کرده است. برخی رسانه‌ها نیز از عملیات مشترک طالبان با گروه تروریستی داعش در جنایت وحشیانه میرزاولنگ خبر داده‌اند. مقام‌های محلی در سرپل گفته‌اند که در پی شکست نیروهای امنیتی در منطقه میرزاولنگ، اعضای طالبان ۵۲ نفر از ساکنان غیرنظامی این منطقه را به صورت فجیعی کشتند. محمد اشرف غنی، رئیس‌جمهوری افغانستان در مراسمی با حضور مقام‌های ارشد امنیتی از گروه خاصی به عنوان عامل این کشتار نام نبرد اما گفت: «دشمنان دین و وطن در میرزاولنگ نشان دادند که هیچ مرزی را نمی‌شناسند.»

او ضمن ابراز همدردی با خانواده‌های قربانیان، تاکید کرد: «وعده می‌دهم که فرزندان دلیر ما در نیروهای دفاعی و امنیتی، انتقام قربانیان را خواهند گرفت.» رئیس‌جمهوری افغانستان جنایت میرزاولنگ را نمونه تازه‌ای از تغییر ماهیت جنگ دانست و گفت که علت آن، شکستی است که دشمنان در جنگ رویارو با نیروهای امنیتی متحمل شده‌اند. اشرف غنی در حالی سخنرانی خود را با این اظهارات آغاز کرد که پیش از او، هیچ یک از مقام‌های ارشد امنیتی و دادستان کل کشور در سخنرانی‌های خود اشاره‌ای به کشتار میرزاولنگ نکردند. او در این مراسم که برای امضای تفاهت‌نامه مبارزه مشترک با فساد در نهادهای دفاعی و امنیتی افغانستان برگزار شد، گفت: «فساد باعث تلفات می‌شود.» رئیس‌جمهوری افغانستان تاکید کرد که میزان پاسخگویی در نهادهای امنیتی و دفاعی باید افزایش یابد و ساختارهای آنها هم باید به گونه‌ای تغییر کند که تاثیرگذاری آنها را بالا ببرد. بهرام قاسمی، سخنگوی وزارت امور خارجه ایران جنایت هولناک گروه‌های تروریستی در منطقه شیعه‌نشین میرزاولنگ در استان سرپل افغانستان که منجر به شهادت ده‌ها تن از مردم این منطقه شد را به شدت محکوم و ضمن تسلیت به ملت و دولت افغانستان و خانواده قربانیان این جنایت ددمنشانه و غیرانسانی، با آنها ابراز همدردی کرد. قاسمی با توجه به کینه‌ورزی و خصومت دیرینه دشمنان بداندیش ملت مظلوم افغانستان، دولت و همه آحاد مردم آن کشور را به هوشیاری هرچه بیشتر فراخوانده و بر ضرورت حفظ وحدت و همبستگی بیشتر آنان در برابر این گونه فجایع تلخ انسانی و اقدامات تفرقه‌آمیز و فرقه‌گرایانه گروه‌های تروریستی تاکید کرد. ▶

کابینه جدید

لیست کابینه جدید توسط حسن روحانی هفته گذشته به مجلس ارائه شد. این لیست همان گونه که انتظار می‌رفت با واکنش‌های متعددی مواجه شد. در این میان اما اعتراضات شدید اصلاح‌طلبان به رئیس‌جمهور قابل توجه بوده است. آنها که انتظار داشتند حسن روحانی کابینه را اصلاح طلب کند اکنون با لیستی مواجه شده‌اند که برخی از اصلاح‌طلبان هم دیگر در آن حضور ندارند. به نظر می‌رسد این ماجرا نقطه جدایی اصلاح‌طلبان از حسن روحانی و ایجاد شکاف در ائتلاف برجای مانده از سال ۹۲ باشد. سهم‌خواهی اصلاح‌طلبان از حسن روحانی هر چه زمان می‌گذرد بیشتر نمایان می‌شود. کسانی که می‌گفتند این پیوند ناگسستی و پایدار است حالا در انتظار فصل جدید سیاست‌ورزی در ایران هستند.

کالی که نکوست

همین روزها وزرای پیشنهادی برای کسب رای اعتماد راهی پارلمان خواهند شد. آنها هر کدام این روزها در کمیسیون‌ها برنامه‌های خود را برای نمایندگان شرح می‌دهند. نکته اما اینجاست که هم این افراد پیشنهادی و هم نمایندگان باید دقت داشته باشند که مردم نظاره‌گر آنها هستند و در خاطرشان می‌ماند که هر کدام از این افراد چه وعده‌هایی می‌دهند. پس کاش وعده‌هایی که امکان عملی شدن ندارند یا ساختارهایی موجود امکان اجرای آنها را نمی‌دهند نه از سوی این افراد بیان شود و نه اگر از سوی این افراد بیان شد مورد پذیرش نمایندگان و مبنای رای اعتماد آنها قرار گیرد.

مواجهه با خصم

ایالات متحده همچنان علیه ایران و برنامه توافق هسته‌ای خصمانه رفتار می‌کند. تحریم‌ها یکی پس از دیگری تکرار می‌شوند و تمام تلاش‌ها برای برهم خوردن برجام در حال انجام است. حالا مهم این است که اینجادر تهران چه تصمیمی برای مقابله با آمریکا گرفته خواهد شد. به نظر می‌رسد دولت جدید باید رویه‌ای تازه را برای برخورد با این رفتار خصمانه داشته باشد. دوران بلخند تمام شده است.

عقب نشینی سعودی عربستان تصمیمات تازه اتخاذ کرده است

حکومتی هم از سقوط مصون بماند. بند سوم، تضمین سلامت و مشارکت اقلیت ها در دولت آتی سوریه است. بند چهارم، پایان دادن به اقدامات مسلحانه و وجود سلاح سنگین به خصوص در اِدلب و مبارزه با مخالفان این قضیه است. بند پنجم، همکاری بین ارتش آزاد و ارتش سوریه برای مبارزه با تروریست ها در آینده است. پیشتر عربستان مکرر اعلام می کرد که اسد باید از قدرت کنار برود و در انتخابات آینده هم حضور نداشته باشد اما اکنون از همه این پیش شرط ها عقب نشینی کرده است. منبع رسانه ای وابسته به معارضان سوریه چند روز پیش گزارش داد که عادل الجبیر، وزیر خارجه عربستان در دیدار با نمایندگان هیأت عالی مذاکره کنندگان معارضان سوریه و ریاض حجاب رئیس آن به آنها گفته که بشار اسد در قدرت باقی است و امکان کنار زدن او در آغاز مرحله انتقالی نیست و باید طبق این واقعیت وارد مذاکرات آتی شود و مدت حضور او در مرحله انتقالی و اختیاراتش در آن مرحله را بررسی کرد. ▶

این یادداشت قرار است در نشست ماه آینده طرف های معارض سوریه در ریاض مورد بررسی قرار گیرد؛ نشستی که عربستان تلاش می کند گروه های معارضان سوریه مستقر در قاهره و مسکو را در آن شرکت دهد. به گفته منابع معارض سوریه، هیأت عالی مذاکره کننده مخالفان سوریه و عادل الجبیر، وزیر خارجه عربستان در دیدار اخیر خود با یکدیگر درباره بندهای آتی به توافق رسید. بند نخست، موافقت با حضور هجده ماهه بشار اسد در دوره انتقالی سوریه و حق وی برای نامزدی در دور بعد ریاست جمهوری این کشور است. بند دوم، تضمین حفظ ارتش و دستگاه امنیتی سوریه و فروپاشیده شدن آن است تا نهادهای

اخیرا پایگاه خبری شبکه ماهواره ای الجسر وابسته به مخالفان سوریه فاش کرد، عادل الجبیر وزیر خارجه عربستان در نامه ای به هیأت عالی مذاکره کننده مخالفان سوریه (مقیم ریاض) گفته که واقعیت سوریه نشان می دهد که کناره گیری بشار اسد از قدرت در زمان فعلی، غیرممکن است و باید درباره مدت حضورش بحث شود. چند روز پیش افشا شده بود که عربستان در مقابل موضوع ریاست جمهوری بشار اسد عقب نشینی کرده است. اکنون پایگاه خبری «العهد» لبنان، جزئیات جدیدی از این امر منتشر کرد. العهد به نقل از منابعی از بین معارضان سوریه نوشت،



خاندان حاکم سعودی که با برکناری محمد بن نایف، ولیعهد سابق و ده ها تن از شاهزادگان و افسران بلند پایه ارتش و دستگاه امنیتی داخلی عربستان و نقل و جابه جایی صدها تن از کارکنان ارشد وزارتخانه های مختلف شدت گرفت. از سوی دیگر عربستان تلاش می کند تا نشان دهد موضوع قطر را نیز با آرامش بیشتری دنبال کرده و از تنش بیشتر با این کشور بپرهیزد. در این وضعیت باید دید کدام عامل باعث شده تا عربستان دست به چنین چرخشی در مواضع خود بزند؛ واقعیت های میدانی در جنگ سوریه یا مشکلات داخلی تغییرات حکومتی در پادشاهی عربستان؟ ▶

است و آن را در سه مورد زیر خلاصه کردند. مساله نخست شکست عربستان در جنگ یمن است که هم اینک به دنبال توقف آبرومندان آن است. مساله دوم تنش با قطر است که به نظر می رسد در سایه مواضع غیرقطعی آمریکا به طول خواهد انجامید، چرا که واشنگتن گهگاهی جانب ریاض را می گیرد و گهگاهی با دوحه همراهی می کند. اما مساله سوم مربوط به اوضاع داخل عربستان و ترتیبات فراهم شده برای پادشاهی محمد بن سلمان ولیعهد عربستان است، آن هم در سایه اختلافات داخل

واقعیت میدانی یا بحران های داخلی چرا عربستان تغییر موضع داد

رسانه ها گزارش دادند که عادل الجبیر گفته «ورود به مذاکرات بر اساس دیدگاهی جدید که منطق بر واقعیت های میدانی و وضعیت بین المللی جدید باشد، ضرورت دارد». او همچنین هشدار داده که اگر معارضان خود را با این دیدگاه منطق نکنند، «قدرت های بزرگ شاید به دنبال راهکاری خارج از معارضه بگردند». چرخش کنونی در مواضع عربستان در پی توافق مستمر بین آمریکا و روسیه بر سر ایجاد مناطق کاهش تنش حاصل شده است و نشان می دهد که واشنگتن بر سر سوریه تسلیم روسیه شده است.

عربستان در برهه پیش رو که محمد بن سلمان جای پدرش را خواهد گرفت سرگرم حل بحران های ذکر شده خواهد بود و این گزینه را عربستان به توصیه امارات برگزیده است.

برخی بر این باورند که بحران های گریبانگر عربستان نیز از جمله دلایل تغییر موضع عربستان در قبال سوریه

واکنش به شایعه اختلاف میرسلیم با حزب متلفه

محمد مهدی اسلامی با تایید سخن محمدنبی حبیبی برداشت برخی رسانه ها از سخنان حبیبی که اختلاف مذکور را اختلاف شخص میرسلیم با حزب تلقی کردند، را نادرست دانست و افزود: «جناب آقای میرسلیم در انتخابات خود را ملزم به مصوبات شورای مرکزی دانست و هیچ گاه نظر فردی را بر نظر اکثریت مقدم نکرد». اسلامی فضا سازی برخی رسانه ها را که مدعی شکاف نسلی در حزب شده



بودند نادرست دانست و افزود: «در محاسنی که اکثریت و اقلیت در شورای مرکزی شکل می گیرد، همواره شاهد طیف گوناگون سنی اعضا هستیم. بر خلاف برخی برداشتها، اختلاف نظر در حزب امری جدید نیست.»

انتقاد علی مطهری از مراسم تحلیف روحانی



مطهری با انتقاد از عدم دعوت از علمای اهل سنت و روسای جمهور سابق در مراسم تحلیف ریاست جمهوری دولت دوازدهم گفت، در این زمینه کوتاهی صورت گرفته است. علی مطهری اظهار کرد:

«برای مراسم تحلیف باید از علمای اهل سنت و رؤسای جمهور قبلی آقایان خامنه ای و احمدی نژاد دعوت می شد. این استدلال که به خاطر کمبود جا اینها دعوت نشده اند قابل قبول نیست.» وی افزود: «به جای این توجیه ها اعتراف کنیم که کوتاهی شده است.» نایب رئیس مجلس در پایان گفت که مجلس و دولت هر دو در این موضوع مقصر هستند.

انتقاد تند و بی سابقه فاطمه هاشمی از رئیس جمهور

فرزند ارشد مرحوم آیت الله هاشمی گفته: «هاشمی یک تفکر بود، یک جریان بود. با اسم بردن یا اسم نبردن، این جریان یا تفکر تحت تاثیر قرار نمی گیرد. با نام نبردن از آیت الله هاشمی در مراسم تحلیف شخصیت خودشان را نشان دادند؛ خصوصا افرادی که با حمایت آقای هاشمی روی کار آمده اند. شخص رئیس جمهور امروز که رای شان را گرفته اند، آقای هاشمی را فراموش کرده اند.» او همچنین



تاکید کرده که روحانی هیچ شباهتی به آقای هاشمی ندارد و ادامه می دهد: «آقای روحانی حتی با وزیران خود هم وقت ملاقات نمی گذارد و وزیران ایشان هم در همین دولت از ایشان گله دارند.»

جعفرزاده: افتادن سه وزیر قطعی است



غلامعلی جعفرزاده
ایمن آبادی نماینده مردم رشت
در رابطه با معرفی کابینه گفته
که سه وزیر می افتند. او معتقد
است که رحمانی فضلی دارای
ابهاماتی است. وی افزود:
«اوضاع رحمانی فضلی با توجه
به این ابهامات جالب نیست.»

نماینده مردم رشت در مورد وضعیت دیگر وزرا گفت:
«اوضاع جهرمی (وزیر پیشنهادی ارتباطات) نیز در بین
نمایندگان خوب نیست. اوضاع بطحایی وزیر پیشنهادی
آموزش و پرورش اصلا خوب نیست.»
جعفرزاده در پایان خاطر نشان کرد: «افتادن سه وزیر
یعنی (بطحایی، جهرمی و رحمانی فضلی) قطعی است.
در این میان اگر وزیر پیشنهادی کشور بتواند ما را قانع کند
شاید بتواند رای بیاورد. البته باید گفت احتمال قانع شدن
ما کم است.»

داعش مدعی اسیر کردن یک ایرانی

پایگاه خبری الفرات
وابسته به گروه تروریستی
داعش مدعی شد در عملیاتی
که در منطقه «الجمونه»
واقع در نزدیکی گذرگاه مرزی
«التف» در مرز میان عراق و
سوریه انجام داده، یک رزمنده
ایرانی را به اسارت خود درآورده



است. داعش مدعی شده است در این عملیات دست کم
۶۸ نفر از رزمندگان حاضر در منطقه الجمونه را به شهادت
رسانده و هفت خودرو و زرهی سنگین و نیمه سنگین را نیز
منهدم کرده است.

علاوه بر این خودروهای حامل تیربار و موشک انداز
و همچنین مقادیر زیادی مهمات به غنیمت گرفته شده
است. داعش همچنین با انتشار تصویری اعلام کرد که
یک رزمنده ایرانی را نیز در این عملیات به اسارت درآورده
است.

استعفای دقیقه نودی گزینه وزارت علوم

پهروز نعمتی سخنگوی هیأت رئیسه مجلس با اشاره



به معرفی ۱۷ تن از اعضای
کابینه دولت دوازدهم از سوی
دولت به مجلس، گفت: «آقای
روحانی در این لیست فقط
گزینه پیشنهادی وزارت علوم
را معرفی نکرده است.» وی
افزود: «آقای خاکی صدیق که
عنوان گزینه پیشنهادی وزارت

علوم مطرح بود، ساعت ۲۱:۳۰ دقیقه شب گذشته انصراف
خود را برای این سمت اعلام می کند که در این شرایط آقای
رئیس جمهور باید فرد دیگری را برای تصدی سمت وزارت
علوم به مجلس معرفی کند.» سخنگوی هیأت رئیسه
مجلس درباره زمان دقیق معرفی گزینه پیشنهادی وزارت
علوم از سوی دولت به مجلس، تصریح کرد: «از معاون
پارلمانی رئیس جمهور خواستیم که گزینه پیشنهادی وزارت
علوم را به زودی به مجلس معرفی کند.»

احمدی نژاد را محاکمه کنید

درخواست عضو جامعه روحانیت از قوه قضائیه

تخلفات فراوانی دارد، که بخشی از این تخلفات در دوران
ریاست جمهوری آقای احمدی نژاد رخ داد؛ یک مورد از آن
در زمینه قانون یارانه ها بود که باید این تخلفات از سوی
دیوان محاسبات کشور و قوه قضائیه پی گیری می شد
تا مشخص شود که اگر ایشان صلاحیت برای ادامه
ریاست جمهوری را ندارند این موضوع اعلام شود.»
سخنگوی تشکل مهم اصولگرایی معتقد است که
قوه قضائیه باید به این پرونده رسیدگی کند و می گوید:
«خواسته جامعه روحانیت مبارز این است که قوه قضائیه
پرونده های آقای احمدی نژاد را مورد بررسی قرار دهد و
هرچه حکم شد، قابل قبول است. این درست نیست که
آقای احمدی نژاد هر از گاهی بیاید و سخنانی را نسبت به
مسئولان عالی رتبه نظام و خصوصا مسئولان قوه قضائیه
مطرح کند.»

او صراحتاً احمدی نژاد را نه یک «طلبکار» بلکه
«بدهکار» خطاب کرده و معتقد است: «آقای احمدی نژاد
ظاهراً خودش را در شرایطی می بیند که از موضع طلبکارانه
سخن می گوید اما ما می خواهیم بگوییم که ایشان بدهکار
است، بیاید و بدهی اش را پرداخت کند. مردم از رسیدگی
به پرونده دانه درشت ها حمایت می کنند و امیدوارم قوه
قضائیه وظیفه خودش را انجام دهد.»

مصباحی مقدم همچنین به موضوع دلخوری ناطق
نوری از این تشکل اشاره کرده است. او اشاره می کند:
«یکی از دلایل کناره گیری ناطق نوری از جامعه روحانیت را
می توان موضع نگرفتن این تشکل در خصوص ادعاهایی
بود که احمدی نژاد علیه وی مطرح کرد، دانست.»
سخنگوی جامعه روحانیت ادامه می دهد: «به نظر می رسد
این موضوع را می توان نقطه آغازی برای کناره گیری آقای
ناطق نوری دانست. البته من به صراحت اعلام می کنم که
جامعه روحانیت مبارز نتوانست به رای اکثریت اعضایش
در زمینه حمایت از آقای احمدی نژاد چه در دوره اول
ریاست جمهوری و چه در دوره دوم برسد و اینکه بگویند
جامعه روحانیت مبارز به دلیل حمایتش از احمدی نژاد باید
عذرخواهی کند، این یک آدرس غلط است.»
وی همچنین در پایان ابراز امیدوارم می کند که
«برادر بزرگوار ما (ناطق نوری) به جامعه برگردد ولی هنوز
تلاش های ما موثر نشده است.»

از آن مناظره معروف در شب شامگاه ۱۳ خرداد ۸۸ به
بعد، احمدی نژاد کاری کرده بود که رابطه میان ناطق نوری
و برخی دیگر از اعضای جامعه روحانیت مبارز با این تشکل
به افتراق منجر شود. با این حال این جامعه تلاش کرده تا
هزینه رفتارهای احمدی نژاد را نیز درازد و با انتقادهایی بعضاً
تند و تیز به احمدی نژاد حساسیت را از او سوا کند. اگرچه
نتوانسته دیگر آن رابطه ها را ترمیم کند.

در نوبت های مختلف سخنگوی جامعه روحانیت
حرف هایی در مورد احمدی نژاد زده است که او را به طور
کل زیر سؤال می برد. اما این بار بحث فرق می کند.
مصباحی مقدم می گوید: «احمدی نژاد تخلفات زیادی داد
و قوه قضائیه به آن رسیدگی کند»

حجت الاسلام غلامرضا مصباحی مقدم سخنگوی
جامعه روحانیت مبارز در نشست خبری خود که هفته قبل
برگزاری شد به نقش مهم کادر سازی در احزاب اشاره کرد
و با بیان اینکه این نهادها و تشکل ها نیستند که باید جای
خودشان را به تشکل های جدید بدهند، گفت: جامعه
روحانیت مبارز یک نهاد سیاسی با کارکردهای اجتماعی
و فرهنگی است. آنچه مهم است این که افراد باید عوض
شوند و ما در قالب جامعه روحانیت مبارز مرتب دست به
دعوت از جوان ها زده ایم و سعی کرده ایم کاستی هایمان
را برطرف کنیم..

او همچنین خبر داد که این جامعه در آخرین جلسه
خود اظهارات اخیر آقای احمدی نژاد و برخی اطرافیان
ایشان در پی دستگیری آقای بقایی و آزاد شدن وی را با
قرار وثیقه که شبهه ناک شد، مورد بررسی قرار داد و تاکید
می کند: «سخنان آقای احمدی نژاد حتی به شکلی مطرح
شد که مرجع ضمیر آن سخنان مشخص نیست و معلوم
نیست شخصی که آقای احمدی نژاد از «او» بی که صحبت
می کند کیست که گاهی به هشتاد ساله یا نود ساله بودن او
تاکید می شود.»

مصباحی مقدم می گوید: «آقای احمدی نژاد در
سخنانی که در خوزستان داشت هم حرف هایی رازد که
درباره آن تفسیرهای فراوان مطرح شد. ایشان از زمان
ریاست جمهوری هم سخن از داشتن فهرستی از مفسدین
اقتصادی به میان آورد و بیان کرد که این لیست را افشا
می کند اما هیچ گاه این اتفاق نیفتاد. احمدی نژاد خودش

هیچ امام جمعه ای به تحلیف دعوت نشد، نه شیعه و نه سنی

به دنبال جنجال برسر دعوت نشدن مولوی
عبدالحمید، نایب رئیس مجلس در پاسخ به انتقاد جلیل
رحیمی جهان آبادی، رئیس فراکسیون اهل تسنن در عدم
دعوت از مولوی در مراسم تحلیف رئیس جمهور، توضیح
داد: «هیچ کدام از امامان جمعه شیعه و سنی برای مراسم
تحلیف دعوت نشده بودند.» همچنین مسعود پزشکیان
نایب رئیس مجلس شورای اسلامی در خصوص تذکر این



نماینده گفت: «اگرچه دکتر
لاریجانی در جلسه علنی اعلام
کردند در اینجا لازم است
بگوییم مولوی عبدالحمید و
دیگر بزرگان اهل سنت اساس
وحدت مملکت بوده و همه آنها
برای ما با ارزش هستند.»

اعتراض به راهپیمایی در کابل



نادر قاضی پور و
محبوب در تذکر کتبی
از چهار وزیر خواستند که
در برابر راهپیمایی مردم
افغان در کابل موضع گیری
کنند.

نادر قاضی پور نماینده
مردم ارومیه و علیرضا
محبوب نماینده مردم تهران در ادامه فعالیت های
مشترک شان، در تذکر کتبی مشترک به وزرای کشور،
اطلاعات، دفاع و امور خارجه، خواستند تا برخورد
مناسب برای جلوگیری از راهپیمایی افغان ها در کابل
داشته باشند.

روزانه حجم بسیاری از عکس‌های خبری به ما می‌رسد. تعداد این عکس‌ها آنقدر زیاد است که گاهی به راحتی از کنار آن عبور می‌کنیم اما شاید بهتر باشد روی بعضی از عکس‌ها تامل بیشتری داشته باشیم. مثلث در این صفحات، هفته را با مرور عکس‌ها از نو یادآوری می‌کند.

تصویرنگاری





لاریجانی و قالیباف با مترو در راه فرودگاه



دیدار رئیس مجلس سنای پاکستان با رئیس مجلس خبرگان رهبری



حضور پوتین در مسابقات رزمی



دیدار سفیر چین با ولایتی



دیدار عماد خمیس نخست‌وزیر سوریه با شمعانی



اختتامیه پانزدهمین جشنواره بین‌المللی امام‌رضا (ع)

به اینستاگرام مثلث بیونید

اینستاگرام هفته نامه مثلث فعال شده است. کاربران این شبکه اجتماعی می توانند با پیوستن به اینستاگرام مثلث تصاویر مربوط به هفته نامه را مشاهده کنند.

mosalas_magazine



شکاف بر سر کابینه

محمد معینی: با این حساب اگر وزیر معرفی نشده علوم، «۵۰ سال منفی» داشته باشد، میانگین سن کابینه ۹۶، به ۵۲ میرسد و وعده محقق میشه! آقایان قدری صبر پیشه کنند خب.

بهمن: در کنار افراد ناامیدکننده کابینه (رحمانی فضلی، آذری جهرمی، سلطانی، بیطرف و...) بودن سیدعباس صالحی تو ارشاد جای صالحی امیری اتفاق خوبیه.

حافظ حکمی: کابینه معرفی شده اگر مورد انتقاد برخی حامیان روحانی باشد- که انتقاد حق شان است- از بهترین کابینه قابل تصور #نیسی صدها برابر بهتر است! **امیر یعقوبعلی:** کابینه دولت روحانی به طوری چیده شده که ماله کش ترین ماله کش ها رو هم با چالش مواجه می کنه. اما شما می توانید.

خلیل الله بلوچی: شما یادتون نمیداد ولی می گفتند: رئیس پیروز بشه اقلیت ها رو حتی تو مراسم تحلیف هم دعوت نمیکند، مثل روحانی نیست که وزیر اهل سنت داشته باشه.

Moloud Hajizadeh: حضور مجدد #ربیعی تو کابینه نتیجه کدوم عملکردشه؟

Fereshtetabani: به عنوان یک شهروند مطالبه گر می گویم: #نه به بیطرف #نه به ربیعی #نه به رحمانی فضلی. حالا نوبت نمایندگان است که نقش خودشان رو درست انجام بدن.

ملیحه ریاضی: آخوندی، بیطرف، ربیعی همه شون برای اهداف دولت روحانی گزینه های مناسبی اند. مشکل ماییم که انتظار دیگه ای از دولت داشتیم یا داریم. ▶

به گونه ای که امروز فاطمه هاشمی در گفت و گو با روزنامه فرهیختگان گفته است: «آقای روحانی نمی تواند جای آقای هاشمی بگذارد، چون اصلا نه تفکر آقای هاشمی را دارد و نه شجاعت ایشان را و نه پشتکار و فعالیتی که آقای هاشمی داشتند. هیچ کدام از آنها را آقای روحانی ندارد.» در زیر بخشی از انتقادهای اصلاح طلبان در توییتر را به کابینه روحانی می خوانید:

محمد: در کابینه معرفی شده پیام مردم در دو انتخابات اخیر بازتاب اندکی داشته. سخن گفتن از برابری آحاد ملت و نادیده گرفتن زنان و اقلیت ها به چه مناسبت. **بهمن دارالشفایی:** برای این کابینه رای ۲۴ میلیون و مجلس همسوتر لازم بود؟ با همون ۱۶ میلیون و مجلس قبل هم که تقریباً همین رو معرفی کرده بود. **جواد:** کابینه دوازدهم در مجموع قابل درک است؛ اما این خطای فاحش هیچ توجیهی ندارد: کشوری که نیمی از جمعیت و اکثریت فارغ التحصیلش زنان اند وزیر زن ندارد!

Nima Chehreh: حتی احمدی نژاد ۳ زن به عنوان وزیر را به مجلس معرفی کرد، و در صورتی که نه روحانی و نه خاتمی هیچ زنی را به عنوان وزیر معرفی نکردند.

سمیه توحیدلو: وعده دولتی با ۳۰ درصد خانم و جوان، نتیجه اش شده دولتی یک سال پیرتر از قبل، بدون زنان وارد کردن نیروی متولد ۶۰ هم میانگین را بالا نبرد.

سعید شریعتی: وعده روحانی تو این بود میانگین سنی کابینه ۵ سال کاهش پیدا کنه. تو این ۱۷ نفر نسبت به ۹۲، حداقل یک سال #کابینه پیرتر شده؛ ۵۷ در ۹۲ به ۵۸ در ۹۶.

معرفی کابینه دوازدهم بیش از آنکه برای اصولگرایان اهمیت داشته باشد شکاف میان اصلاح طلبان را ایجاد و نمایان کرد.

هنوز مواضع رسمی اصلاح طلبان در مورد کابینه شروع نشده بود که از همان ساعات اولیه معرفی اسامی فضای مجازی پر شد از گلایه ها و انتقادهای کابینه دوازدهم روحانی. امیرحسین تابستی در این باره می نویسد: «چرا حسن روحانی برای کابینه دوازدهم مقابل اصلاح طلبان ایستاد؟ سرانجام لیست نهایی پیشنهادی حسن روحانی به مجلس برای معرفی کابینه دوازدهم معرفی شد و آنچه اکنون بسیار به چشم می آید؛ اصرار روحانی بر «استقلال» از اصلاح طلبان است، به گونه ای که جز دو نفر از وزرای پیشنهادی، هیچ چهره شاخص دیگری از این جریان در فهرست کابینه بعدی دیده نمی شود و جالب تر آنکه روحانی بر خلاف تمام شعارها و وعده هایش به اصلاح طلبان درباره به کارگیری وزیر زن در کابینه، حتی یک زن را نیز مجلس معرفی نکرده است.

این مشی روحانی نشان می دهد وی تمام تلاش خود را به کار بسته تا با نگه داشتن اصلاح طلبان به عنوان یک «اقلیت ضعیف و مدیریت پذیر» زیر دست خودش، خود را در نقش جایگزین هاشمی رفسنجانی به عنوان رهبر اصلی «خط سوم» تعریف کند و با استقلال از اصولگرایان و اصلاح طلبان، جریان «تکنوکرات» را هدایت و راهبری کند.

هرچند این نقش آفرینی روحانی امروز منتقدان سرسختی حتی از دل خانواده هاشمی پیدا کرده است،

روز خبرنگار در نگاه رهبرانقلاب:

بدون دوربین ها، قلم ها و دلسوزی های شما خبرنگارها برای تهیه و تنظیم اخبار، این کارهای ما مثل یک چیزهای تثبیت نشده است



جهانگیری به دنبال انتقادات از کابینه تلاش کرد اعتراضات را مدیریت و از کابینه حمایت کند



حاج قاسم و فرزند شهید مدافع حرم علی امیر شکاری

سلفی بارنو

همزمان با اتفاق سلفی نمایندگان با موگرینی و مراسم تحلیف رئیس جمهور، شرکت رنو قراردادی را با ایران امضا کرد. این قرارداد از دو سو در فضای مجازی به بحث و بررسی گذاشته شد. برخی آن را تکرار اعتماد به فرانسوی ها می دانستند که در زمان تحریم ها ایران را رها کرد و رفت و خسارت های زیادی را بر صنعت خودرو ایران تحمیل کرد و برخی از آن استقبال می کردند. با همین نگاه حجت الله عبدالملکی روزنامه نگار تحت عنوان «مصدق سلفی حقارت در صنعت خودرو» می نویسد: «وقتی باتوهم انتقال فن آوری، صنعت خودرو کشور تقدیم اروپایی های می شود... امروز قراردادی بین شرکت #رنو فرانسه و نماینده وزارت صنعت ایران (شرکت ایدرو) منعقد شد که در نتیجه آن پس از چند سال حتی مونتاژ کاری خودرو هم به خارجی ها واگذار می شود... این در شرایطی اتفاق می افتد که مدیران صنعتی دولت حسن روحانی دچار توهم انتقال فن آوری هستند... بنده چند سوال مطرح می کنم: ۱- شرکتی که خودش به جهت مازاد تولید، دچار کسری جدی بازار در جهان است، چرا باید کمک کند کشور دیگری به خودروساز حرفه ای تبدیل شود؟! ۲- اگر شرکت هایی مثل رنو یا پژو مایل به انتقال فن آوری به ایران بودند، چرا طی ده ها سال حضور خود در ایران چنین نکرده اند؟! ۳- اصولاً شرکتی که تمام قدرتش به فن آوری اش است، چرا باید این ابزار مزیت را به کشور دیگر تقدیم نماید؟! ۴- پس از تأسیس کارخانه مونتاژ کاری جدید با سهامداری رنو و توسعه اتی این چنین شرکت هایی، کار خودروسازهای داخلی چه خواهد بود به جز واردات خودرو کامل؟!»

نتیجه این می شود: رنو قطعات ساخته شده کشورش را در ایران مونتاژ می کند تا هم از شکل گیری صنعت بومی خودرو در ایران جلوگیری و در نتیجه بازار بزرگ خود را حفظ نماید، و هم از واریز شدن «حتی» سود مونتاژ کاری به جیب خودروسازان ایرانی جلوگیری و در نهایت رانت کنونی شرکت های داخلی را تصاحب کند. متأسفانه این کارها در اقتصاد کشور از سنخ همان سلفی های حقارت آمیز است...

کنایه دهباشی به کابینه روحانی

انتخاب انبوه وعده ها مبارک

حسین دهباشی، خبرنگار و مستندسازی است که با حضور در تیم تبلیغاتی حسن روحانی در انتخابات یازدهم ریاست جمهوری و ساخت مستند تبلیغاتی وی به شهرت قابل توجهی رسید. دهباشی مدعی است که بسیاری از شعارهای تبلیغاتی و حتی متن سخنرانی های روحانی را در انتخابات یازدهم ریاست جمهوری مانند «پناه می برم به خدا از بستن دهان منتقدین» را او پیشنهاد داده است.

این مستندساز اما پس از مدتی با تغییر نظر از حامی روحانی و دولت یازدهم به منتقد آن تبدیل شد، به طوری که مدتی قبل از شکایت این دولت از خود خبر داد. اما حالا دهباشی در تازه ترین پست صفحه توئیتر خود به لیست وزرای پیشنهادی کابینه دوازدهم واکنش جالبی نشان داده و نوشته است: «انتخاب انبوه وزرای اهل سنت، زن، جوان، متخصص و غیرامنیتی مبارک باد! به امید تداوم همین روند در انتخاب معاونین رئیس جمهور!» او همچنین در ادامه توثیق قبلی آورده است: «تبریک ویژه بابت تداوم حضور جناب آقای رحمانی فضلی در وزارت کشور و چشم انداز روشن انتخاب استانداران و فرماندارانی کارگشته و سختکوش و مردمدار!»

بررسی رسانه ای هفته

یک روز رحم اجاره ای بود حالا آلزایمر گرفته است!



یک روزنامه اصلاح طلب بالحنی تهدیدآمیز نوشت روحانی دچار فراموشی و آلزایمر شده است. روزنامه قانون در گزارش صفحه اول خود نوشت: «روحانی بی شک مدیون پشتیبانی و کمک هایی است که آیت الله هاشمی رفسنجانی به وی کرد و سبب شد تا مردم و سایر جریان های سیاسی به حمایت از شیخ دیپلمات وارد عرصه شوند. اما گویی خاک، این محبت های آیت الله را بسیار سرد و روحانی آنها را فراموش کرده است. فرضیه دیگر نیز آن است که گویی روحانی مانند برخی، دچار توهم شده که ۲۴ میلیون رای به دلیل محبوبیت شخص اوست. به نظر، این خیال سبب شده که روحانی به خودمحوری برسد و حتی یادی نیز از بزرگان خود نکند. نمود اصلی این نوع تفکر آقای روحانی را در مراسم تحلیف مشاهده کردیم. روحانی که مدام در برنامه های تبلیغاتی اش ذکر هاشمی می گفت، در این دو مراسم از زمین و زمان تشکر کرد ولی یاد آن مرحوم نیتفاد. البته مگر می شود این شکوه و جلال مراسم تحلیف را دید و یاد معمار آن نیتفاد؟! «قانون درباره «آلزایمر خطرناک» می افزاید: «این فراموشی زود هنگام آقای رئیس جمهور شاید چندان در میان مشکلات و معضلات کشور جایگاهی نداشته باشد ولی کسی که یک بار فراموش کند، به راحتی به این روند فراموشی ادامه می دهد؛ یک روز وعده هایی که به مردم داده و یک روز قسمی که خورده یا حتی روزی فراموش می کند که چرا مردم به او رای دادند. شیخ دیپلمات باید بداند سیاست داخلی با سیاست خارجی تفاوت دارد و مردم ایران، دیپلمات های انگلیسی و فرانسوی نیستند که با آنها با دیپلماسی برخورد کرد بلکه با این ملت که به او اعتماد کردند باید صادق بود.» استعمال این ادبیات در حالی است که روزنامه قانون اسفند ۹۲ ضمن مصاحبه با ابراهیم اصغرزاده، از قول وی مدعی شد دولت روحانی، رحم اجاره ای اصلاح طلبان است! پس از وی نیز عبدالله ناصری ضمن تایید این گفته اظهار داشت: «اگر دولت چنین اصلاحات را خوب نگه دارد، مجدداً آن را اجاره می کنیم.»

چین، حساب شرکت های ثبت شده ایرانی غیر فعال را مسدود می کند

روزنامه آرمان نوشته است: «چین حساب های برخی ایرانیان را بلوکه کرده است. این قسمت جدید سرپال بلوکه کردن حساب های ایرانیان است. چندی پیش و در خردادماه هم کارفرمایی صنعت پتروشیمی در نامه ای تاکید کرده بود که امکان حواله کردن پول صادرات محصولات پتروشیمی از چین وجود ندارد و این مبالغ و پول ها در چین بلوکه شده است. گرچه در برخی نقل قول ها حکایت تحریم های آمریکا علیه ایران مطرح می شود، اما واقعیت این است که اصلاح قوانین بانکی مبتنی بر قوانین پولشویی و مبارزه با تروریسم، چندی است به جد از سوی نظام بانکی چین پیگیری می شود. هرچند همین سه روز پیش و پس از تحریم های جدید آمریکا علیه ایران، تجار کشورهای همسایه هم در تب و تاب بستن حساب ها برآمدند تا احتمالاً کوچک ترین رودررویی با آمریکا هم نداشته باشند. امارات متحده عربی به بهانه تحریم های دو ماه پیش ایران به دلیل فعالیت های موشکی، بازی جدیدی آغاز کرده و حساب های شرکت های ایرانی را که چندان مواضع روشنی ندارند، بلوکه می کند. البته چنین بهانه ای تنها در دست این کشور عربی نبود و عمان، کویت و قطر هم در حاشیه خلیج فارس با این کشور همراه شده اند. آن سوی مرزها هم چین خبری از کره و تایوان به گوش می رسد و چنین رفتاری به تازگی از سوی جمهوری آذربایجان هم دیده می شود. گرچه همان روز مسعود دانشمند، رئیس اتاق مشترک ایران و امارات، پولشویی را بهانه ای برای این نوع رفتارها عنوان کرده بود، اما همایش در اتاق بازرگانی مشترک ایران و چین به «شرق» می گوید: «چینی ها حساب های شرکت هایی که کاغذ کمپانی اندو فقط کار کاغذی می کنند، یعنی ثبت شده اند و کار نمی کنند را می بندند.» به گفته اسدالله عسگرولادی، شرکت هایی که فعالیتند و کار می کنند در امان هستند. این وضع در امارات هم به همین شکل است. این موضوع پولشویی است و به تحریم ربطی ندارد.»



نظر عجیب ابطی در باره نامه های مردم



محمدعلی ابطی، رئیس دفتر خاتمی در مصاحبه با روزنامه شرق و در پاسخ به این سوال که «سخت ترین و زمان گیرترین کار دفتر ریاست جمهوری چیست؟» گفت: «بخش سنگین این ماجرا مربوط به جمع آوری نامه های مردمی است که بعضاً با کامیون به دفتر ریاست جمهوری می رسیدند... متأسفانه بسیاری از نامه های مردمی خیلی نامه های قابل نیست. برخی می گویند چون رئیس جمهور آمده به او نامه بدهیم که شاید در امور مالی گشایشی حاصل شود به همین دلیل هم تقریباً همه نامه های مردمی درخواست کمک مالی است.» ابطی در ادامه و در پاسخ به این سوال که «جمع آوری نامه از چه زمانی مرسوم شد؟» گفت: «این سیستم که دو ماشین مسئول جمع آوری نامه های مردمی شوند، در زمان آقای هاشمی باب شد و به ما هم رسید. در دوران احمدی نژاد با شدت بیشتری ادامه یافت. با وجود این جمعی از مردم اصرار داشتند شخصاً نامه را به رئیس جمهور بدهند و به ماشین حامل رئیس جمهور هجوم می آوردند اما باز هم فرقی نمی کرد و ما نامه ها را از رئیس جمهور می گرفتیم و در یک جا جمع آوری می کردیم و پاسخ می دادیم... نامه های درخواست کمک مالی به سازمان های مربوطه ارجاع می شد، چون رئیس جمهور هم نمی توانست از جیب خودش بپردازد. بین نامه ها اما نامه های پیدای شد که خیلی احساسی بود. ما آنها را از نامه های مالی جدا می کردیم و به رئیس جمهور ارائه می دادیم. آقای خاتمی هم برایشان پاسخ می نوشت. همان موقع کتابی هم با عنوان «پی نوشت های رئیس جمهور» منتشر کردیم.»

واشنگتن علیه مسکو

تنش‌های موجود میان آمریکا و روسیه با اختلاف مواضع طرفین در بحران‌های بین‌المللی آغاز شد ولی راهبرد روسیه برای ایجاد نظامی چندجانبه در سطح بین‌الملل و تلاش آن برای ایفای نقش در بحران‌ها در جایگاه یک قدرت بزرگ جهانی که در تقابل با راهبرد آمریکا در حفظ برتری خود قرار دارد، باعث تعمیق و تشدید تنش‌ها و گسترش آن شده است.

گفتارها



ورود به جنگ سرد نوین

تحریم روسیه چه اثراتی دارد؟

واقع تدریجی‌های ترامپ و یک‌جانبه‌گرایی‌های سیاسی او در مسائل مختلف داخلی و بین‌المللی، عامل اصلی این دو‌دستگی و شکاف در ایالات متحده آمریکا است که مهم‌ترین وجه این امر، جنگ سرد ترامپ در عرصه بین‌المللی است. از جمله اولویت‌های ترامپ ترمیم روابط واشنگتن-مسکو بود که با تصویب و اعمال این تحریم‌های اخیر کنگره، روابط روسیه و آمریکا نه تنها از این هدف دور می‌شود بلکه بیش از گذشته دچار آسیب می‌گردد. اعلام محدودیت در کادر شاغل در سفارت آمریکا در مسکو شروع این روند است که می‌تواند در آینده ابعاد جدیدتر و بیشتری را در بر بگیرد. روسیه در جریان اخراج دیپلمات‌های خود از آمریکا در دوره اوباما خویشتن داری به خرج داد ولی این موضوع این بار ادامه نداشته و در جریان تصویب تحریم‌های کنگره آمریکا علیه روسیه، پوتین در واکنش به این قانون، تعداد ۷۵۵ دیپلمات آمریکایی را اخراج کرد. ولادیمیر پوتین همچنین در یک گفت‌وگوی تلویزیونی گفت: «روسیه ممکن است اقدامات بیشتری را علیه آمریکا در نظر بگیرد اما در حال حاضر با این کار مخالف است.»

استقلال‌یافته شوروی سابق به‌رغم استقلال خود، باز هم به روسیه گرایش داشتند و به‌طور سنتی روابط گسترده و استراتژیک خود را با مسکو از دست ندادند. روسیه گرچه شاید توان فرهنگی و سیاسی لازم را برای بازآفرینی کشورهایی که پیش از این در اروپا از هم‌پیمانان مهم او بودند، نداشته باشد، اما در منطقه، کشورهای مهم و قدرتمند دیگری وجود دارد که بتوان با آنها، با گسترش روابط دوستانه‌تر روند حرکت خزنده و سریع غرب برای تسخیر و سلطه بر منطقه را گرفت. تنش‌های موجود میان آمریکا و روسیه با اختلاف مواضع طرفین در بحران‌های بین‌المللی آغاز شد ولی راهبرد روسیه برای ایجاد نظامی چندجانبه در سطح بین‌الملل و تلاش آن برای ایفای نقش در بحران‌ها در جایگاه یک قدرت بزرگ جهانی که در تقابل با راهبرد آمریکا در حفظ برتری خود قرار دارد، باعث تعمیق و تشدید تنش‌ها و گسترش آن شده است. از زمان مطرح شدن ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا و بعد از انتخابات و روی کار آمدن او، آمریکا هم در عرصه داخلی و هم در عرصه بین‌المللی درگیر یک جنگ سرد سیاسی شده است. در



سیدمرتضی جلال‌زاده

کارشناس مسائل بین‌الملل

روسیه به‌عنوان یکی از کشورهای قدرتمند دنیا، اکنون در شرایطی قرار گرفته است که باید یک انتخاب و انتقال دوراندیشانه، منطقی و معقول را تجربه کند. مسکو که به‌خاطر اتفاقات اوکراین و کریمه از سوی غرب به‌ویژه آمریکا تحت فشار قرار دارد، تهدیدات و تحریم‌هایی را احساس می‌کند که به‌گونه‌ای شبیه تهدیدات و تحریم‌های غرب و آمریکا علیه ایران است. آمریکا با فشارهای خود بر روسیه سعی دارد تا علاوه بر اینکه نفوذ و تاثیر خود را در معادلات بین‌المللی نشان دهد، جایگاه مسکو را در منطقه و جهان تضعیف کند. استراتژی بلندمدت آمریکا با همراهی اتحادیه اروپا پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، که باعث تضعیف جایگاه و اقتدار این کشور در دنیا شد، اکنون بر یک فروپاشی دیگر استوار شده است. جمهوری‌های

ترامپ و معمای پیونگ یانگ

خط قرمز استراتژیک آمریکا در شبه جزیره کره

اکبر جهانی

روزنامه نگار

جزیره کره فکر می کند.

با این حال در این معادله، موضوعات و مولفه های دیگری نیز وجود دارد که نمی توان به سادگی از کنار آنها گذشت. یکی از این مولفه ها، قدرت پاسخدهی کره شمالی به تهدیدات موجود از سوی آمریکا است. واقعیت امر این است که پیونگ یانگ با تقویت توان موشکی و هسته ای خود، هم اکنون قدرت پاسخدهی عملی به تهدیدات نظامی ایالات متحده آمریکا و دو متحد منطقه ای آن یعنی ژاپن و کره جنوبی را داراست. از این رو هر گاه اوضاع در شبه جزیره کره رو به وخامت می رود، واشنگتن به همراه سئول و توکیو مجبور به عقب نشینی مقطعی و اتخاذ رویکرد تدافعی می شوند. تجربه سال های اخیر بارها این مساله را به اثبات رسانده است.

اگرچه اقدامات کره شمالی سختی با ایجاد صلح و ثبات در شبه جزیره کره ندارد اما باید این حقیقت را مدنظر قرار داد که چنین اقداماتی از سوی پیونگ یانگ، نوعی واکنش نسبت به سیاست های مداخله گرایانه آمریکاست. به عنوان مثال، تست موشکی اخیر کره شمالی، فضای سنگینی را بر شبه جزیره کره حاکم ساخته است. مقامات پیونگ یانگ صراحتاً اعلام کرده اند که این اقدام در پاسخ به تهدیدات ایالات متحده آمریکا و کره جنوبی صورت گرفته است.

آزمایش موشکی اخیر کره شمالی، شوک سختی به مقامات آمریکایی وارد ساخته است. ایالات متحده آمریکا که طی دهه های اخیر با سیاست های خود متحرک به تنش زایی در شبه جزیره کره شده است، هم اکنون در سردرگمی مفرطی نسبت به اقدامات پیونگ یانگ به سر می برد. کره شمالی اعلام کرده است که موشک بالستیک قاره پیمایش که به تازگی ساخته شده قادر به حمل کلاهک اتمی بزرگ است؛ اظهاراتی که سبب شد تا واشنگتن خواستار یک اقدام جهانی برای محاکمه پیونگ یانگ به خاطر پیشبرد برنامه تسلیحاتی اتمی اش شود. برخی کارشناسان در حال حاضر معتقدند این موشک از بردی برخوردار بوده که می تواند به ایالت آلاسکای آمریکا و همچنین بخش هایی از خاک این کشور برسد. واقعیت امر این است که اصلی ترین مقصر در شکل گیری این روند، حرکت پیونگ یانگ به سوی استفاده از سلاح های خطرناک، دولت ایالات متحده آمریکا است. همان گونه که اشاره شد، هر دو حزب دموکرات و جمهوریخواه در ایالات متحده آمریکا در این خصوص رویکردی مشابه و یکسان دارند. در دوران ریاست جمهوری اواما و حضور دموکرات ها در کاخ سفید، سیاست های تحریک آمیز واشنگتن، سئول و پیونگ یانگ را در آستانه جنگ با یکدیگر پیش برد. در دوران ریاست جمهوری ترامپ نیز این روند ادامه دارد.

در نهایت اینکه ایالات متحده آمریکا خط قرمز استراتژیک بررنگی در منطقه شبه جزیره کره ترسیم کرده است. این خط قرمز استراتژیک، «پرهیز از ایجاد ثبات در شبه جزیره کره» است. هر گاه ثبات در شبه جزیره کره حاکم شود، قدرت مانور ایالات متحده در این منطقه کاهش بیشتری پیدا خواهد کرد. در این صورت، ایالات متحده آمریکا دیگر قادر به تقابل استراتژیک با روسیه و چین در شرق آسیا نخواهد بود. بنابراین، سیاست های مداخله جویانه و تحریک آمیز ایالات متحده آمریکا در شبه جزیره کره، بر اساس نوعی محاسبه بلندمدت و استراتژیک صورت می پذیرد. ►

رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا همچنان در مصاف با معمای پیونگ یانگ سردرگم مانده است دونالد ترامپ اخیراً تحریم های وضع شده از سوی کنگره آمریکا علیه سه کشور ایران، کره شمالی و روسیه را مورد تأیید قرار داد. این اقدام، با واکنش صریح مقامات کره شمالی رو به روشد.

با این حال، تصویب تحریم های جدید علیه کره شمالی، به سنا و کاخ سفید ختم نشد. شورای امنیت سازمان ملل متحد نیز در تازه ترین اقدام خود، تحریم های جدید علیه کره شمالی را مورد تصویب قرار داده است. در این خصوص شاهد همکاری هر ۵ عضو دائمی شورای امنیت با یکدیگر بودیم.

صورت ماجرا این گونه است که به دنبال تصویب قطعنامه ۲۳۷۱ پنجم آگوست سال جاری میلادی در شورای امنیت سازمان ملل متحد علیه کره شمالی که به ابتکار آمریکا تهیه و تدوین شده بود، پیونگ یانگ نیز نسبت به عواقب این اقدام به واشنگتن هشدار داد. بر این اساس قطعنامه جدید شورای امنیت، تحریم های پیشین سازمان علیه کره شمالی را شدت بخشیده و بر فشارهای بین المللی به این کشور می افزاید. متعاقب این اقدام، سارا سندرز سخنگوی کاخ سفید با صدور بیانیه ای در این باره اعلام کرد: «دونالد ترامپ رئیس جمهور آمریکا از همکاری اعضای شورای امنیت سازمان ملل در تصویب قطعنامه اخیر علیه پیونگ یانگ تشکر کرده است!»

پس از تصویب قطعنامه ۲۳۷۱ علیه کره شمالی، ترامپ مدعی شد که کشورها برای پرداختن به مخاطرات کره شمالی در حال همکاری هستند. این در حالی است که ترامپ به خوبی نسبت به رویکرد متفاوت دو کشور چین و روسیه نسبت به پرونده هسته ای کره شمالی آگاه است. آنچه مسلم است اینکه پکن و مسکو، هر دو به خوبی نسبت به بازی خاص واشنگتن و هر دو حزب دموکرات و جمهوریخواه در شبه جزیره کره آگاه هستند. اساساً مداخله گرای ایالات متحده آمریکا در شبه جزیره کره با هدف مهار روسیه و چین از سوی ایالات متحده آمریکا صورت می گیرد. بنابراین، ولادیمیر پوتین رئیس جمهور روسیه به همراه همتای چینی خود، بارها درخصوص بازی نامتوازن واشنگتن در شبه جزیره کره هشدار داده و خواستار پایان دادن به سیاست های تحریک آمیز آمریکا در این حوزه شده اند. پس از سرکار آمدن دونالد ترامپ نه تنها سیاست های تحریک آمیز و مداخله گرایانه ایالات متحده در شبه جزیره کره متوقف نشد، بلکه شاهد تشدید این سیاست ها بودیم.

شواهد و مستندات موجود نشان می دهد که بازی خطرناک ایالات متحده آمریکا در شبه جزیره کره همچنان ادامه دارد. برگزاری مانورهای مشترک نظامی با کره جنوبی از یک سو و بیان تهدیدات محرک علیه پیونگ یانگ، منجر به ایجاد آرایش جنگی در شبه جزیره کره گردیده است. این در حالی است که بسیاری از تحلیلگران مسائل کره نسبت به ایجاد جنگی خانمان سوز میان دو کره هشدار داده اند. با این حال به نظر می رسد ایالات متحده آمریکا در سایه تفکر اتلانتریک گرایی و دیگر مبانی فکری و عملی در سیاست خارجی خود، همچنان به مهار چین و حتی روسیه از طریق افزایش دامنه دخالت و مداخله خود در شبه

سناریوی جنگ سرد آمریکا و روسیه به سبک ترامپ، کاملاً با دیگر جنگ های مذکور متفاوت خواهد بود. ترامپ به دنبال تقابل مستقیم با روسیه و پوتین نیست. ترامپ به دنبال سیاست مهار و هم گرایی همزمان با روسیه در بسترهای مشترک منطقه ای و بین المللی است. ترامپ می داند که در خلاء وجود سیاست راهبردی آمریکا در زمان اواما، روسیه توانست جایگاهی راهبردی در تحولات بین المللی از جمله مبارزه با تروریسم در سوریه، تقابل با آمریکا و اروپا در اکراین، هم گرایی با چین و... پیدا کند. بنابراین نقش آفرینی دولت ترامپ در مدیریت تحولات بین المللی بدون هم گرایی با روسیه امکان پذیر نخواهد بود. از سویی دیگر این دو کشور، اختلافات فاحشی در موضوعات خاص بین المللی از جمله ایران، چین، اوکراین و ناتو دارند. از طرف دیگر کابینه ترامپ از سوی مخالفان داخلی در موضوع روسیه تحت فشار است. قضایای مربوط به مایکل فلین (مشاور امنیت ملی مستعفی ترامپ)، دادستان کل آمریکا (جف سشنز) و جارد کوشر (داماد پهلوی ترامپ) و... در موضوع ارتباط با سفیر روسیه و طرح موضوع دخالت روسیه در انتخابات آمریکا، منجر به ایجاد نوعی دودستگی در موضوع مواجه و تقابل با تعامل با روسیه شده است. بنابراین جنگ سرد آمریکا و روسیه ادامه خواهد داشت. اما قالب و قواره آن با تغییراتی مقطعی روبه رو خواهد شد. تغییراتی که با تعامل و هم گرایی مصلحتی شروع خواهد شد و با تقابل دیپلماتیک به پایان خواهد رسید. در واقع مبنای جنگ سرد آمریکا و روسیه در سناریوی تعریفی ترامپ، سیاسی و دیپلماتیک است.

نتیجه

به این نکته بایستی توجه کرد که بعد از ورود آمریکا به معادلات جهانی، واشنگتن همواره نیاز به دشمن داشته و با وجود آنکه جهان از فضای جنگ سرد فاصله گرفته اما آمریکا همچنان به روسیه به عنوان رقیب و در شرایط خاص به عنوان دشمن می نگرد. ۱۷۰ میلیون کیلومتر مربع وسعت جغرافیایی و قابلیت های خاص ناشی از این جغرافیا و منابع وسیع، روسیه را برای آمریکا رقیبی قابل، تعریف کرده است. بهانه های حقوق بشری آمریکا در خصوص روسیه بیشتر یک فریب است، برای آمریکا اولویت ها امنیتی و تأمین منافع حرف اول را در تعیین سیاست های خارجی که روسیه را هم شامل می شود، می زند و از هر چیزی مهم تر است. ترامپ یک چالش جدید در نظام بین الملل است که پیامدهای امنیتی جدیدی در داخل آمریکا و عرصه بین المللی، به همراه خواهد داشت.

این نکته را نبایستی از یاد برد که در وضعیت کنونی، متحدین آمریکا همچون گذشته با این کشور همراه نیستند، در این زمینه گفته «پنس استولتنبرگ» دبیرکل ناتو مبنی بر اینکه: «ناتو خواهان جنگ سرد جدید نیست و به دنبال تقابل با روسیه نیست. ناتو خواهان رقابت تسلیحاتی جدید نیست» قابل تأمل باشد و وضعیت متحدین آمریکا را به خوبی روشن کند. دولت ترامپ سیاست مدون و جامعی جهت تقابل و تعامل در عرصه بین المللی ندارد. جنگ سرد ترامپ، برنامه ای مدون و دراز مدت ندارد. دولت آمریکا توان مقابله و مهار یک جانبه روسیه را ندارد. آمریکا و دولت ترامپ در گام نخست نیازمند بازبینی و ترمیم اوضاع داخلی است و هدف اصلی از جنگ سرد جدید، اقتاع افکار عمومی داخلی آمریکا و جبران هزینه های سیاسی، اقتصادی و امنیتی از دست رفته در دوره های قبلی است. البته رویکردهای اتخاذی کشورهای مذکور در نتیجه یا عدم نتیجه جنگ سرد ترامپ تأثیرگذار است. ►



چه کسانی میز مذاکره را می‌چینند؟

رویکرد چین و روسیه نسبت به بحران هسته‌ای کره شمالی

حنیف غفاری

روزنامه‌نگار

۲ در سال‌هایی که چندین دور، شاهد شکست مذاکرات شش‌جانبه هسته‌ای میان کره شمالی و ۵ کشور ایالات متحده آمریکا، کره جنوبی، ژاپن، روسیه و چین بودیم. بسیاری از تحلیلگران مسائل آسیای شرقی بر این باورند که زیاده‌خواهی‌های واشنگتن و متحدان منطقه‌ای آن، نقش به‌سزایی در شکست این مذاکرات ایفا کرد. با تشدید بحران‌های موشکی و هسته‌ای در قبال پیونگ یانگ، سوال مهمی ذهن مخاطبان مسائل بین‌الملل را به خود مشغول کرده است؛ اینکه چه کسانی در نهایت میز مذاکرات هسته‌ای و موشکی جدید را در شبه جزیره کره می‌چینند؟ برگزاری مذاکرات دوباره در شبه جزیره کره چه بایسته‌ها و مولفه‌هایی دارد؟ واقعیت امر این است که ایالات متحده آمریکا سعی دارد مانند زمان برگزاری مذاکرات شش‌جانبه بر سر برنامه هسته‌ای کره شمالی، ابتکار عمل و محوریت مذاکرات را در دست گرفته و از این طریق، به مدیریت اهداف و منافع خود در شبه جزیره کره و آسیای شرقی بپردازد. این در حالی است که اگر سکان هدایت مذاکرات بر عهده ایالات متحده آمریکا باشد، نتیجه این مذاکرات چیزی بهتر از مذاکرات شش‌جانبه قبلی نخواهد بود؛ آنچه مسلم است اینکه این بار میز مذاکرات را باید بازیگران دیگری بچینند؛ بازیگرانی که نسبت به ماهیت رفتار ایالات متحده آمریکا در شبه جزیره کره برآورد دقیق‌تری دارند. آنچه مسلم است اینکه هر میزان دخالت آمریکا در مذاکرات احتمالی بیشتر باشد، احتمال شکست مذاکرات یا نتیجه‌گیری ناقص از آن

پیونگ یانگ را محکوم کردند، به اقدامات تحریک‌آمیز ایالات متحده آمریکا علیه کره شمالی نیز اشاره مستقیمی کردند. بر اساس آنچه ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهور روسیه اظهار کرده است، مسکو و پکن معتقدند که کره شمالی باید برنامه‌های موشکی و اتمی‌اش را متوقف کند و آمریکا و کره جنوبی نیز دست از انجام برگزاری مانورهای نظامی در این منطقه بردارند. پوتین در این خصوص می‌گوید: «ما با رئیس‌جمهور چین توافق کردیم که از ابتکار عمل‌های مشترک‌مان بر مبنای «برنامه قدم به قدم» روسیه برای سازش کره و ایده‌های چین برای توقف فوری فعالیت‌های موشکی و اتمی کره شمالی و همچنین توقف مانورهای نظامی مشترک آمریکا و کره جنوبی، حمایت کنیم. این دو کشور در خصوص بسیاری از مسائل بین‌المللی مواضع مشترک یا بسیار نزدیکی دارند. ما قصد داریم تا همکاری‌های خود در زمینه سیاست خارجی را بیش از پیش توسعه دهیم. ما معتقدیم جهان بسیار ناآرام و آشوب‌زده است و درگیری‌های داخلی به‌طور مداوم پدیدار می‌شود و مشکلاتی از جمله مساله شبه جزیره کره و بحران سوریه همچنان پیچیده و بغرنج مانده‌اند.»

واقعیت امر این است که چین و روسیه، چرایی دخالت ایالات متحده آمریکا در شبه جزیره کره را بیش از هر زمان دیگری درک کرده‌اند. بنابراین رمزگشایی از اظهارات ولادیمیر پوتین چندان دشوار به نظر نمی‌رسد. مسکو و پکن بر اهمیت در نظر گرفتن نگرانی‌های کره شمالی در خصوص امنیتش تاکید کرده و این نگرانی‌ها را «توجیه‌پذیر» خوانده‌اند. واقعیت امر این است که دامنه دخالت ایالات متحده آمریکا در شبه جزیره کره روز به روز بیشتر می‌شود. در چنین شرایطی پکن و مسکو به درستی دریافته‌اند که حذف ایالات متحده آمریکا از حضور نظامی دائمی در شبه جزیره کره، مقابله با روسیه و چین است. این رویکرد در دوران ریاست جمهوری اوباما نیز وجود داشت اما در دوران ریاست جمهوری ترامپ و با وجود حضور جمهوریخواهان در کاخ سفید تقویت شده است. ترامپ در راستای توجیه مداخله‌جویی نظامی خود در شبه جزیره کره، به وجود منطقه‌ای ناامن نیاز دارد. این در حالی است که رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا از سوی دیگر نگران واکنش کره شمالی نسبت به تهدیدات خود است. ترامپ دریافته است که مواجهه با پیونگ یانگ با توجه به قدرت پاسخ‌دهی نظامی کره شمالی نسبت به تهدیدات آمریکا آسان نخواهد بود.

از سوی دیگر، ترامپ به خوبی دریافته است که روسیه و چین نیز در بسیاری از مقاطع، خصوصاً در مقاطع سرنوشت‌ساز در این خصوص با ایالات متحده همکاری نخواهند کرد و بالعکس، در مقابل واشنگتن خواهند ایستاد. سرانجام اینکه روسیه و چین باید هر چه سریع‌تر میز مذاکرات مستقیم میان دو کره را بدون دخالت ایالات متحده آمریکا بچینند. هم‌اکنون شبه جزیره کره آستانه تحولاتی ناخوشایند است. این تحولات، در سایه مداخله مستقیم ایالات متحده آمریکا و پیروی نسبی کشور کره جنوبی از سیاست‌های واشنگتن و وارداف تازه‌ای گردیده است. در این میان، بهترین راه برای حل و فصل بحران کره، حذف واشنگتن از این معادله و گفت‌وگوی مستقیم و رو در روی مقامات دو کره است.

با این حال دو کرات‌ها و جمهوریخواهان ایالات متحده آمریکا هر دو به بهانه‌های گوناگون، از چینی‌سازی میز مذاکره دو‌جانبه میان سئول و پیونگ یانگ جلوگیری به عمل آورده‌اند. در این میان، تلاش کشورهایی مانند چین و روسیه نیز حداقل تا کنون به نتیجه نرسیده است. از این رو لازم است چین و روسیه، اقدام جدی‌تری در مواجهه با سیاست‌های آمریکا و در نتیجه، ایجاد ثبات در شبه جزیره کره صورت دهند. ▶

نیز بیشتر خواهد شد. از سوی دیگر، مقامات دو حزب دموکرات و جمهوریخواه آمریکا باید به سوال معینی پاسخ دهند؛ اینکه چرا واشنگتن طی سال‌های اخیر بارها مانع از مذاکرات مستقیم دو کره بر سر حل بحران‌های امنیتی در منطقه شبه جزیره کره شده است؟ در اینجا چه ملاحظه‌ای از سوی مقامات آمریکایی وجود دارد؟ آیا ایالات متحده آمریکا نسبت به مذاکرات مستقیم دو کره و عدم مداخله در این معادله نگران است؟

پاسخ این سوال مثبت است. واشنگتن در صدد است در متن هر نوع مذاکره‌ای در خصوص امنیت شبه جزیره کره قرار داشته باشد تا از این طریق، دامنه و بازه قدرت خود در این منطقه را حفظ کند. در چنین شرایطی نیاز است روسیه و چین نقش به‌مراتب پررنگ‌تری را در مواجهه با سیاست‌های مداخله‌جویانه ایالات متحده آمریکا در شبه جزیره کره ایفا کنند. مسکو و پکن نباید فراموش کنند که یکی از اصلی‌ترین اهداف ایالات متحده آمریکا از مداخله مستقیم در معادلات شبه جزیره کره، مهار چین و روسیه و اعمال فشار بر آنهاست.

اخیراً، در جریان آزمایش موشکی کره شمالی، مقامات پکن و مسکو در عین اینکه چنین اقدامی از سوی

واشنگتن در صدد است در متن هر نوع مذاکره‌ای در خصوص امنیت شبه جزیره کره قرار داشته باشد تا از این طریق، دامنه و بازه قدرت خود در این منطقه را حفظ کند

حال واکنش فوری دولت کره شمالی نشان داد که پیونگ یانگ مرعوب لفاظی‌های دونالد ترامپ نشده و برای هر حادثه‌ای آمادگی دارد.

پیش از این هم استفاده بیش از حد رئیس‌جمهور آمریکا از ادبیات تحریم علیه روسیه باعث شد که کرملین هم به اقدام متقابل متوسل شود و بیش از ۷۰ نفر از دیپلمات‌های آمریکایی را از روسیه اخراج کند.

حالا به نظر می‌رسد استفاده بیش از حد رئیس‌جمهور آمریکا از ادبیات تهدید نظامی و تحریم علیه دیگر کشورها نخست اینکه کارایی خود را از دست داده است، دوم اینکه ضعف آمریکا را در اقدامات یکجانبه به اثبات رسانده است. سوم اینکه این اقدامات موجب انزوای آمریکا و همراهی نکردن متحدانش با سیاست‌های یکجانبه‌گرایی واشنگتن شده است. در این مورد رویکرد ترامپ در تشدید تحریم‌های ایران برای وادار کردن تهران به خروج از برجام و همراهی نکردن متحدان اروپایی آمریکا با این سیاست قابل اشاره است. چهارم اینکه کشورهایی چون کره جنوبی و ژاپن متوجه شده‌اند که این لفاظی‌های ترامپ نه تنها موجب ثبات منطقه شبه جزیره کره نشده، بلکه به افزایش توانمندی کره شمالی و تهدید بیشتر این کشورها منجر شده است.

تنها دستاوردی که این سیاست‌های ترامپ برای آمریکا داشته افزایش فروش کارخانه‌های تسلیحات این کشور است، به طوریکه شرکت لاکهید مارتین، روز سه‌شنبه اعلام کرد مشتریانش پس از افزایش تنش در شبه جزیره کره به‌طور فزاینده‌ای به دنبال خرید سامانه‌های دفاع موشکی هستند. البته باید گفت این مساله می‌تواند دستاوردی کوتاه مدت برای آمریکا باشد و در صورت حذف آمریکا از منطقه شبه جزیره و روی آوردن این کشورها به حل اختلافات از طریق مسالمت آمیز دیگر نیازی به خرید و انباشت سلاح هم نخواهد بود. ▶



تاکتیک پیونگ یانگ

ادبیات تهدید آمیز ترامپ دیگر کارایی ندارد

■ رضا محمد مراد

کارشناس مسائل بین‌الملل

بلافاصله پس از استفاده مجدد ترامپ از ادبیات تهدید، دولت کره شمالی اعلام کرد در حال بررسی حملات موشکی به منطقه‌ای در مجاورت پایگاه‌های نظامی آمریکا در جزیره گوآم است. جزیره گوآم در اقیانوس آرام میزبان پایگاه هوایی «اندرسن» آمریکا و محل استقرار هواپیماهای بمب افکن و استراتژیک این کشور است.

اظهارات تند و تهدید آمیز رئیس‌جمهوری آمریکا در واکنش به گزارشی مطرح شد که ادعا می‌کرد دولت کره شمالی موفق به ساخت یک کلاهک هسته‌ای کوچک و قابل نصب در داخل موشک‌های خود شده است اما با این

۳ پاسخ فوری کره شمالی به تهدید نظامی رئیس‌جمهور آمریکا علیه پیونگ یانگ این واقعیت را روشن کرد که کاربرد بیش از اندازه ادبیات تهدید از سوی ترامپ کارایی آن را از بین برده است.

دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا در یکی از آخرین تهدیدهای خود علیه پیونگ یانگ هشدار داد به سود کره شمالی است که دیگر آمریکا را تهدید نکند؛ زیرا در غیر این صورت با خشم و آتشی روبه‌رو می‌شوند که جهانیان تاکنون شبیه آن را ندیده‌اند.

معمای جبر

آیا ریاض از رادیکالیسم برمی‌گردد؟

■ عبدالرضا خلیلی

پژوهشگر

پادشاهی سعودی در قبال سوریه کاملاً مشخص و مبتنی بر بیانیه ژنو ۱ و قطعنامه ۲۲۵۴ شورای امنیت سازمان ملل است که بر تشکیل یک نهاد انتقالی برای اداره سوریه تأکید دارند. در این بیانیه همچنین بر تهیه پیش‌نویس قانون اساسی جدید سوریه و برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری بدون هرگونه حضور اسد در کل فرایند انتقال قدرت تأکید شده است.

اصرار ریاض بر تغییر مواضع ندادن در زمینه سوریه در حالی است که برخی دیگر از کشورهای اتحادیه عرب و مخالف دولت بشار اسد - مانند امارات متحده عربی، ترکیه و تونس - نیز همزمان مواضعی به سود دولت و ارتش سوریه اتخاذ کرده‌اند. منابع مختلف یکشنبه اعلام کردند امارات متحده عربی در پیشنهادی از آمریکا و چند کشور اروپایی خواسته است بشار اسد رئیس‌جمهور سوریه در قدرت باقی بماند و حمایت از تروریست‌ها در این کشور کاهش یابد زیرا اکثر مخالفان سوری را گروه‌های تروریستی تشکیل می‌دهند. این منابع همچنین افزودند امارات از آمریکا خواسته است حمایت از مخالفان سوری را کاهش دهد و به بشار اسد پیشنهاد همکاری در قبال دور شدن از ایران را بدهد. از سوی دیگر برخی منابع در ائتلاف ملی سوریه اعلام کردند دولت ترکیه از هفته گذشته حمایت مالی از این ائتلاف را قطع کرده به همین

بر اساس گزارش برخی رسانه‌های جهان وزیر خارجه عربستان گفته است ماندن بشار اسد در قدرت یارفتن او را، سوری‌ها تعیین می‌کنند.

بر اساس این گزارش‌ها عادل الجبیر، وزیر خارجه عربستان گفته که بودن یا نبودن بشار اسد رئیس‌جمهور سوریه مساله‌ای است که سوری‌ها از طریق گفت‌وگو آن را تعیین می‌کنند... عربستان بر ضرورت دستیابی به راه‌حلی سیاسی تأکید می‌کند که یکپارچگی سوریه و نهادهای آن را حفظ کند. اما بلافاصله پس از انتشار این خبر، خبرگزاری رویترز به نقل از عادل الجبیر، وزیر امور خارجه عربستان سعودی گزارش‌های رسانه‌ای مبنی بر اینکه عربستان سعودی در حال بررسی یک سازوکار انتقال سیاسی است که در آن اسد در قدرت باقی می‌ماند را رد کرد.

رسانه‌های مختلف از جمله شبکه خبری دولتی راشاتودی روسیه اعلام کردند عادل الجبیر کمیته عالی مذاکرات مخالفان سوری را در جریان این تصمیم عربستان قرار داده است. اما وزارت خارجه عربستان سعودی با صدور بیانیه‌ای این گزارش‌های رسانه‌ای منتسب به عادل الجبیر را غیردقیق خواند. در این بیانیه آمده است: «مواضع

علت (ائتلاف ملی سوریه) با شرایط مالی سختی مواجه است. نماینده پارلمان تونس هم تأکید کرد: «ملت تونس از برقراری مجدد روابط دیپلماتیک با سوریه حمایت می‌کند». مبارکه البراهمی که در چارچوب هیاتی پارلمانی به سوریه سفر کرده است، گفت: «ما می‌دانیم آنچه در سوریه رخ می‌دهد نتیجه پذیرش دموکراسی نیست، بلکه عده‌ای می‌خواهند سوریه را به خاطر مواضع ثابت ملی که در خصوص مسائل عربی و در رأس آن مساله فلسطین اتخاذ کرده، مجازات کنند. از همین رو تمامی افراد مشکل‌دار از سراسر جهان جمع‌آوری شدند و به سوریه فرستاده شدند تا در این کشور این همه ویرانی و خرابی را که ما به چشم می‌بینیم رقم بزنند.»

حمایت برخی کشورهای اسلامی و عربی از دولت سوریه در حالی است که بسیاری از شبکه‌های خبری از تسریع پیشرفت‌های مهم ارتش سوریه و جنبش حزب الله در برابر تروریست‌ها خبر می‌دهند؛ پیشروی‌های مهم در نزدیک «رقه»، «دیر الزور»، «میدان»، در مرز استان‌های رقه و دیر الزور - تسلط کامل بر شهر السخنه، آخرین پایگاه داعش در استان حمص، چاه‌های نفتی و تپه‌های موجود در عمق بادیه، موفقیت ارتش سوریه در پیمودن هفتاد کیلومتر، فاصله میان شهر تدمر تا شهر السخنه و... ظاهراً پیش از حتمی شدن پایان جنگ در سوریه کشورهایی که بیشترین نقش را در این بحران داشته‌اند راه عقلانیت را - هر چند دیر - پیش گرفته‌اند و می‌کوشند زمینه را برای بهبود مناسبات با دمشق فراهم کنند و تکذیب سخنان عادل الجبیر نیز ظاهراً برای حفظ مناسبات با متحدین سوریه، ریاض و تروریست‌ها صورت می‌گیرد. ▶

هزینه‌های سازش، فرصت‌های چالش

منطق جمهوری اسلامی در روابط بین‌الملل چیست؟

رضا رحمتی

پژوهشگر

از دیرباز در روابط بین‌الملل نظریات متعددی برای شناخت نحوه رفتار بازیگران دولتی ارائه شده است، از نظریات واقع‌گرایانه گرفته تا نظریات سازه‌نگارانه. نظریات تصمیم‌گیری در سیاست خارجی و روابط بین‌الملل که بر «انتخاب عقلانی» تاکید می‌کنند، مسائل مربوط به «هزینه-فایده» را در حوزه سیاست خارجی مورد توجه قرار می‌دهند. نظریه انتخاب عقلانی که به دنبال افزایش کارایی و به حداکثر رساندن مطلوبیت برای یک بازیگر است، بر اساس محاسبه هزینه-فایده تنظیم شده است و به عبارتی فرد را در سیستم ارزیابی «از دست داده‌ها» در مقابل «به دست آورده‌ها»، یا به زبان ساده‌تر، «داده‌ها» در برابر «ستانده‌ها» قرار می‌دهد. تمام بازیگران در عرصه بین‌المللی در این نظام تصمیم‌گیری قرار می‌گیرند. بسیاری از کشورها این رهیافت را در سیاست خارجی خود می‌پی گیرند و بر اساس آن نگاه‌شان به مراودات بین‌المللی و توافقنامه‌های بین‌المللی نیز بر همین اساس شکل می‌گیرد، بنابراین «رفتار بازیگران از عقلانیت خاصی ناشی می‌شود که هدفش تأمین منافع ملی بر حسب قدرت است.»

رفتار آمریکا و انگلیس در تحصیل منافع ملی

برای مثال هرچند بسیاری از کارشناسان خروج دونالد ترامپ و آمریکا از پیمان تی. پی. پی (یا همان ترانس پاسیفیک) را مغایر با «اصول همزیستی بین‌المللی» می‌دانند، اما ترامپ خروج از آن را با «فایده حداکثری» برای کشورش تعریف می‌کند. هم از این‌رو، اگرچه بسیاری رفتار ترامپ در خروج از پیمان آب‌وهوایی پاریس را «مأیوس‌کننده» (آنتونیو گوترش؛ دبیرکل سازمان ملل)، «مایه تأسف» (باراک اوباما؛ رئیس‌جمهور قبلی آمریکا)، «خطایی جدی» (ژان کلود یونکر؛ رئیس کمیسیون اتحادیه اروپا)، «اقدامی احمقانه» (جری براون؛ فرماندار کالیفرنیا)، «خطایی شرم‌آور» و «اشتباهی بزرگ» (لوران فابیوس، رئیس‌فعلی شورای قانون اساسی فرانسه و رئیس سابق کنفرانس تغییرات آب و هوایی سازمان ملل در پاریس) و... می‌دانند، اما او بر آن است که «این معاهده به ضرر مردم آمریکا است و هزینه‌های بالایی برای کشور در پی داشته است.» وی همچنین اظهار داشته که این معاهده برای آمریکا «غیرمنصفانه» است و همچنین بیان داشته که «معاهده پاریس سبب از بین بردن فرصت‌های شغلی بسیاری در آمریکا شده است و این چیزی نیست که ما به آن نیاز داریم.»

نمونه دیگر رفتار انگلیس در خروج از اتحادیه اروپا است، به‌رغم هزینه‌های چالش اقدام انگلیس در خروج از اتحادیه، اما انگلیسی‌ها برای تحصیل منافع ملی بیشتر دست به این اقدام زده‌اند. به‌رغم واکنش‌های منفی که برخی از آنها عبارت بودند از «بهت‌آور و ناامیدکننده و ناراحت‌کننده» (فیلیپ هاموند، وزیر خارجه وقت انگلیس و دیوید کامرون نخست‌وزیر وقت انگلیس)، «هشدار دهنده» (فرانک والتر اشتاین مایر، وزیر خارجه وقت و رئیس‌جمهور آلمان) و... اما انگلیسی‌ها در جریان

همه‌پرسی تصور کردند منافع ملی آنها با خروج از اتحادیه اروپا بیشتر تأمین می‌شود. آنها معتقد بودند که نباید هزینه‌هایی را که اتحادیه اروپا می‌پردازد، به کشورشان سرایت کند. به اعتقاد طرفداران خروج، هرچند این موضوع ممکن است چالش‌هایی برای کشور داشته باشد اما انگلستان مستقل، از نفوذ بین‌المللی بیشتری برخوردار خواهد بود.

منطق جمهوری اسلامی در منافع ملی

با این حال، منطق جمهوری اسلامی در روابط بین‌الملل و سیاست خارجی، واقع‌گرایی موجود نیست چراکه این منطق با گفتمان انقلاب اسلامی متفاوت است. برای مثال در نظام اسلامی به دست آوردن منافع مادی، به معنای نادیده گرفتن سایر منافع ملی غیرمادی نیست. چه بسا در جمهوری اسلامی در بسیاری از مواقع موضوعی چون «عزت و استقلال ملی» مهم‌تر از منافع زودگذر مادی باشد. این موضوع البته در سال‌های اخیر، به‌عنوان یکی از بحث‌های مهم در عرصه بین‌الملل تبدیل شده است. برای



مثال، نظریه‌پردازانی چون «ریچارد ند لیو»، در «نظریه فرهنگی روابط بین‌الملل»، این موضوع را تئوریزه کرده‌اند که انگیزه بازیگران در روابط بین‌الملل صرفاً منفعت‌جویی و امنیت‌جویی نیست.

منطق جمهوری اسلامی در سیاست خارجی، نه واقع‌گرایی، که «واقع‌بینی» است. واقع‌بینی یعنی «شناختن درست و همه‌جانبه واقعیات و تلاش برای انطباق آنها به سوی آرمان‌ها». مطابق این تعریف، اولاً واقعیات صرفاً «منافع مادی» نیستند و عناصری از جمله «عزت»، «امنیت»، «استقلال» و... که در حقیقت عناصر سازنده هویت ملی است را نیز دربر می‌گیرند. ثانیاً آرمان‌ها در حیطه «امر چالش‌برانگیز نیز تعریف می‌شوند.» به عنوان نمونه مساله فلسطین جزو آرمان‌های تعطیل‌ناپذیر و البته چالشی ایران است اما باتوجه به دو اصل مذکور، رویکرد جمهوری اسلامی مغایر با منافع ملی کشور نیست. به سخن دیگر، هرچند دفاع ایران در موضوع فلسطین، «علی‌الظاهر» ممکن است چالش‌هایی برای منافع ملی ایران داشته

باشد، اما هزینه‌های سازش ایران در موضوع فلسطین به مراتب بیشتر از هزینه‌های به چالش کشیدن اشغالگری قدس است. از سویی دیگر، خود این چالش، فرصت‌های عدیدهای برای کشور به وجود آورده است که یکی از آنها، افزایش «عمق راهبردی» ایران در قلب ملت‌های مسلمان و آزادپنخواه جهان است.

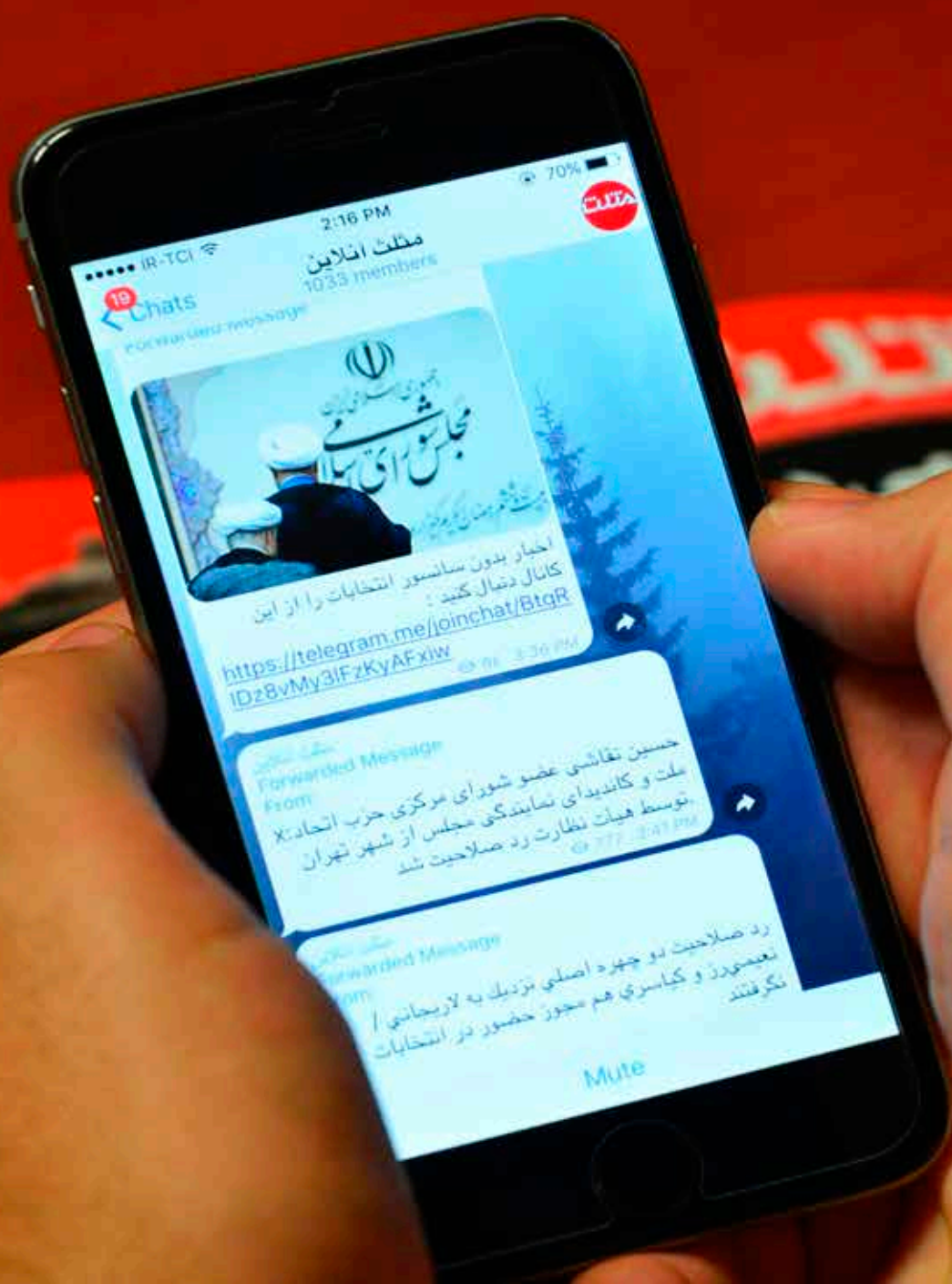
مثال دیگر، مذاکرات هسته‌ای است، بیش از یک دهه است که ایالات متحده، به بهانه‌های واهی، روی فناوری هسته‌ای ایران حساس شده و همان را بهانه‌ای برای اعمال تحریم علیه کشور کرده است. این چالش، گرچه در بطن خود دارای فرصت‌هایی برای کشور (به شرط ترمیم ساختارهای دولت و تغییر نوع نگاه مسئولان باتوجه به شرایط جدید) بود، با این حال، تصمیم گرفته شد با تعامل و انجام مذاکرات با رویکرد جدید در دولت یازدهم، تحریم‌ها و موانع حاصل از آن برداشته شود. اما نه تنها این تعامل و سازش جدید موجب برداشته شدن تحریم‌ها نشد، که خود گویا عاملی شد برای اعمال فشار و تحریم بیشتر. در این باره، باید به تحریم‌هایی که دولت اوباما در دوره بعد از توافق علیه ایران وضع کرد اشاره‌ای داشت. مثلاً «باراک اوباما در فرماتی، دستور اجرایی ۱۳۹۵ را که بیل کلینتون رئیس‌جمهور وقت آمریکا در سال ۱۹۹۵، برای تشدید تحریم‌ها علیه صنعت نفت ایران صادر کرده بود، یک سال دیگر تمدید کرد. رئیس‌جمهور آمریکا در متن این فرمان گفته است که بعضی اقدامات و سیاست‌های دولت

ایران همچنان تهدیدی فوق‌العاده و غیرمعمول برای امنیت ملی، سیاست خارجی و اقتصاد آمریکا محسوب می‌شود. اوباما می‌گوید به همین دلیل تصمیم گرفته که وضعیت فوق‌العاده ملی علیه ایران را با هدف اعمال تحریم‌هایی مشخص در واکنش به تهدیدهای این کشور تمدید کند.» در همین راستا وزارت خزانه‌داری آمریکا با انتشار بیانیه‌ای در تاریخ ۱۵ بهمن ۱۳۹۵، ۲۵ شخصیت حقیقی و حقوقی ایران را به بهانه انجام آزمایش موشکی به فهرست تحریم‌های آمریکا علیه ایران افزود؛ اقدامی که حتی موجب اعتراض بسیاری از کشورها از جمله چین شد.

در مثالی دیگر، می‌توان به تحولات منطقه و حضور ایران در سوریه و لبنان اشاره کرد. حضوری که موجب دست‌برتر ایران در منطقه و جهان شده است به‌طوری که اندیشکده صهیونیستی «بگین-سادات» در گزارشی می‌نویسد: «این عرصه موقعیت مهمی را برای برندگان و بازندگان ایجاد می‌کند اما این ایران است که دست بالا را در امور سوریه دارد، زیرا اسد هنوز در قدرت است و این بدان مفهوم است که ایران از نفوذ خود در دمشق استفاد کرده است. دمشق نیز کماکان محور اصلی به‌سوی بیروت است، مکانی که حزب الله لبنان، عامل نبردهای نیابتی ایران حضور موثر قدرتمندی دارد.» با این حال اما عده‌ای معتقد بودند که ایران نباید در سوریه ایفای نقش کند و بحران سوریه نیز راه‌حل سیاسی دارد نه نظامی. رهبر انقلاب اما از همان ابتدا اگرچه تأکید داشتند که می‌بایست خواست مردم و آنچه نتیجه انتخابات و رای مردم سوریه است مبنای اقدامات قرار بگیرد اما باتوجه به حمایت‌های مالی و نظامی آمریکا و عمال منطقه‌ای او از گروه‌های تروریستی در سوریه، معتقد بودند که اگر ایران در سوریه و عراق با تروریسم مقابله نکند، باید در خیابان‌های تهران و اصفهان با آن مقابله کند. این روزها که حادثه تروریستی تهران منجر به شهادت و زخمی شدن عده‌ای از هموطنان عزیزمان شد، بهتر از گذشته می‌توان فهمید که هزینه چالش سوریه، به مراتب کمتر از هزینه سازش است؛ چه آنکه تروریسم همین بیخ گوش ماست. ▶

کانال تلگرامی مثلث آنلاین فوری از اخبار مطلع شوید

@ mosalasonline



از دریچه‌ای دیگر

ما در این صفحات سعی خواهیم کرد موضوعات مختلف را از دریچه علوم انسانی بنگریم و در عین حال به برخی از حوزه‌ها مانند محیط زیست، دانشگاه، حوزه‌های علمیه، فرهنگ و هنر نگاهی داشته باشیم. در واقع این صفحات، صفحات فکر و ایده و اندیشه مجله است. نوعی عقلانیت ارزش مدار برعکس علوم انسانی غربی که ابزار مدار هستند.

راز مد
لباس و طبقه اجتماعی چه ارتباطی دارند؟

ایجاد و انتقال معانی فرهنگی اشاره دارد. در این دسته از پژوهش‌ها، مصرف کننده در حال ایجاد «معانی» از کالاهای مادی، به ویژه پس از خرید آنهاست. چندین دهه است که پژوهش درباره «ارزش‌ها» مورد غفلت واقع شده و در نتیجه اتفاق نظر کمی درباره چگونگی تعریف، مطالعه یا تفسیر آنها وجود دارد. محققان تمایل دارند ارزش‌ها را منوط به طبقه اجتماعی، جنسیت و قومیت افراد معرفی کنند. به عبارتی، ارزش‌هایی که در نتیجه اجتماعی شدن به دست می‌آید نسبتاً پایدار و تغییرناپذیر هستند. همین رویکرد باعث شده تا بررسی عمیق فرهنگ مادی از دید پژوهشگران پنهان بماند. این در حالی است که فرهنگ مادی ارزش‌های نمادینی را انتقال می‌دهد که می‌تواند ارزش‌های مصرف کننده را متحول کند. برای مثال، لباس می‌تواند ابزاری برای برقراری ارتباط اجتماعی و کنترل جوامع یا حتی آزادی از محدودیت‌های فرهنگی باشد. «لباس» به دلیل ارتباط نزدیکی که با برداشت فرد از خود دارد، به عنوان شکلی از فرهنگ مادی به ویژه برای مطالعه رابطه بین ارزش‌های شخصی و ارزش‌های مربوط به کالاهای مادی شناخته می‌شود. لباس‌ها بر درک ما از خودمان تأثیر می‌گذارد و آن را آشکارا بیان می‌کند. امروزه نیاز به رویکردی تحلیلی داریم که در مطالعات جامعه‌شناسی و فرهنگی از آن غافل شده‌اند تا تحلیلی انتقادی از ارزش‌های برخاسته از مد و لباس و معانی ضمنی ارزش‌های نمادین را چه در سطح ملی چه در سطح جهانی ارائه دهند.

پروفسور دیانا کرین، استاد جامعه‌شناسی دانشگاه پنسیلوانیا آمریکا و دکتر لورا بون، استاد جامعه‌شناسی ارتباطات دانشگاه «Cuore» ایتالیا، در مقاله‌ای مشترک، بر مطالعه «فرهنگ مادی» از جمله «فرهنگ مد و لباس» تأکید کرده‌اند. این دو جامعه‌شناس به تحلیلی از تأثیرات فرهنگی، اجتماعی و سازمانی در تولید مد پرداخته‌اند. از آنجایی که «مد» مفاهیم و دلالت‌های متنوعی دارد، اما این پدیده بیشتر فرآیندهای زمینه‌ساز خود را پنهان جلوه می‌دهد. مفهوم «مد» اغلب اشاره به شیوه‌ای دارد که اشکال فرهنگی خاصی را منتشر می‌کند و متضمن سبک‌های بسیار چشمگیری از لباس و گاهی انواع دیگری از فرهنگ مادی یا غیرمادی است که در برهه خاصی از زمان ارزش بالایی می‌یابد. عبارت «مد» همچنین به سیستم‌هایی اطلاق می‌شود که سبک جدیدی از لباس را تولید می‌کنند و تلاش دارند آنها را برای عموم مردم مطلوب جلوه دهند. اینگونه برداشت می‌شود که افراد تمایل دارند متناسب با طبقه اجتماعی کنونی یا طبقه‌ای که خواهند رسید به آن هستند از مد استفاده کنند. از طرفی، مد را می‌توان به عنوان مثالی از پدیده گسترده‌تری، یعنی «استاد» ارزش‌های نمادین» به فرهنگ مادی درک کرد. از این منظر «جامعه‌شناسی مد» با «جامعه‌شناسی مصرف گرایی» مرتبط می‌شود. مفهوم «برگشت بزه» که ریشه در انسان‌شناسی دارد بیش از اینکه بر تحلیل کلان نقش و اهمیت مصرف در جوامع غربی تمرکز داشته باشد، به نقش ابژه‌ها در



جشن ماتم

ربکا کامی در مقدمه «جشن ماتم» طرح کلی استدلال خود را می‌ریزد: بنابه ادعای او، گرچه انقلاب فرانسه/تور، به خاطر افراط گرایی و پایان خشونت بار و مرگ بار آن، «استثنای آشکار» پیشروی دیالکتیکی و آرام «پدیدارشناسی» است، در حکم «هنجار» برای مفصل بندی هگل از ساختار تجربه تاریخی است. این ساختار که کامی آن را با تروما یکی می‌داند (و از این رو مرتبط با عزا داری، ماحولیا و برخی دیگر از مفاهیم فرویدی-لاکانی) ساختاری ناهمزمان یا ناهنجار است و هگل «روشن ترین نظریه پرداز» آن. کامی فصل اول را با دیدگاه متداول درباره نسبت بین فرهنگ آلمان (که منظور از آن فرهنگ پروتستان و نواحی آلمانی زبان اروپاست) و انقلاب فرانسه آغاز و برداشت دقیقی از ناهنجاری عرضه می‌کند. دیدگاه معیار از این قرار است: خود اصول انقلاب درست بودند ولی چون فرانسوی‌ها آمادگی فرهنگی برای خودآیینی واقعی نداشتند انقلاب از ریل خارج شد و به دوران ترور انجامید. لازمه این آمادگی فرهنگی نهضت اصلاح دینی بود که فرهنگ فرانسه از آن بهره‌ای نداشت. ولی فرهنگ آلمان، به لطف لوتر، خود را کاملاً برای آنچه فرانسه ناشیانه دورش زده بود آماده کرده و بنابراین حال می‌تواند پروژه انقلابی را به آرامی به سرنمزل مقصود برساند بدون هیچ نیازی به تشنج‌ها و کشتارهای جمعی تاتار انقلاب فرانسه. کامی بخش دوم کتاب خود را به استراتژی‌های او برای ترجمه انقلاب اختصاص می‌دهد. او در این فصل به توصیف قاطع کانت از فرهنگ آلمانی می‌پردازد: «آلمان ناظر یا تماشاگر تاتاری تاریخی است که در آن انقلاب با خون ریزی و نیهیلیسم روزافزون روی صحنه می‌رود.» او طی بحثی درباره محاکمه لویی شانزدهم و منظره کلی گیوتین، مدعی است بین این توصیف کانت و برداشت خود انقلابیون از خصلت تاتاری یا اجزای نهادهای سیاسی تناظر وجود دارد. در فصل سوم کامی سراغ هگل می‌رود که در ابتدای کتاب کم و بیش دیدگاه متداول را به او نسبت داده بود. هدف او این نیست که اعتقاد هگل را به چنین دیدگاهی انکار کند بلکه نشان دادن این است که هگل از ناهنجاری ساختاری دیدگاهش آگاه است و آن را اصل اساسی تاریخ، فردیت اخلاقی، حیات اخلاق مدار، دیالکتیک و هرگونه فعلیتی می‌داند.

روایت کربن از ابن عربی

ان شاء الله رحمتی



مورد توجه قرار نداده بودند، در واقع انگار شیعه بخش زیادی از قابلیت خود را نزد ابن عربی یافت. بنابراین کل ابن عربی یک تفکر شیعی است. به همین دلیل هم بسیاری از بزرگان شیعه مثل شیخ بهایی، ابن عربی را شیعه می‌دانند چرا که تفکر ابن عربی شیعی است.» رحمتی در ادامه به نقش سلمان فارسی و مباحثی که ابن عربی درباره سلمان فارسی داشته است، پرداخت و توضیح داد: «اسلام ایرانی که کربن می‌گوید یک مفهوم نیست بلکه مابه‌ازای آن انسان ایرانی است. از نظر او نمونه برتر ابن انسان ایرانی، سلمان فارسی است. استاد کربن، لویی ماسینیون هم برای اولین بار جهان غرب را با شخصی مثل سلمان مواجه کرد و در کتاب «سلمان پاک» درباره شخصیت نخستین مسلمان ایرانی مفصل نوشت. پس از او هم دکتر شریعتی این راه را ادامه داد. سلمان فارسی برای کربن به دو دلیل اهمیت دارد. اول اینکه نماینده اسلام و انسان ایرانی است، دوم اینکه سلمان پذیرفته‌ترین شخصیتی است که اگرچه معصوم نیست ولی به مقامات رسیده است. پیامبر (ص) هم سلمان فارسی را جزو اهل بیت خود می‌دانست.»

نشست نقد و بررسی آرای هانری کربن سه‌شنبه گذشته در اندیشه‌گاه فرهنگی کتابخانه ملی با سخنرانی ان شاء الله رحمتی، سردبیر مجله اطلاعات حکمت و معرفت و استاد فلسفه برگزار شد. رحمتی در بخشی از سخنانش به بیان دیدگاه‌های کربن درباره صوفیه پرداخت و گفت: «کربن نسبت تشیع و تصوف را یک نسبت فراتاریخی می‌داند و نه یک نسبت لزوماً تاریخی. یکی از تلقی‌هایی که از تصوف وجود دارد این است که صوفیان حق تشیع را نادیده گرفته‌اند و ناسپاس هستند. نظر کربن به تبع تلاش کسانی مثل ملاصدرا این است که صوفیان فرزندی ناسپاس نیستند بلکه فرزندی هستند که از اصل و نسب خود غافلند و باید به خانه پدر و مادر خود برگردند.» او گفت: «معنای ولایت برای کربن بسیار پرمعناست و معنی کلمه ولی که برای ما معنی حب و دوستی می‌دهد برای کربن مقداری متفاوت است و برداشت یکسانی با ما ندارد. همچنین تعبیر کربن از نسبت ابن عربی و تشیع این گونه است: شیعیان سرمایه خویش را نزد ابن عربی یافته‌اند به این معنا که شیعیان تا قبل از ابن عربی، بسیاری از حقایق که در این مذهب بود را

پدر از چشم دختر

فاطمه صادقی از آیت الله خلخالی می گوید

نوری در جام جم

مدیرعامل موسسه جام جم منصوب شد

زندگی بر شاهراه قدیم رم

توتوئیس از زندگی می گوید



معمای استعفا

رئیس نهاد رهبری در دانشگاه‌ها استعفا کرد

هفته گذشته خبر استعفای رئیس نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها در حالی منتشر شد که او این سمت را از سال ۱۳۸۴ برعهده داشت. حسن رحیم‌پور ازغدی، عضو شورای نمایندگان این نهاد در دومین نشست سالانه بسیج دانشجویی دانشگاه‌های علوم پزشکی از استعفای محمد محمدیان خبر داده و گفته است که این استعفا به دلیل عدم پرداخت بودجه از سوی دولت به این نهاد صورت گرفته است. پس از انتشار این خبر از سوی خبرگزاری‌های اصولگرا، خبرگزاری دولتی ایسنا در مطلبی دلیل این استعفا را رد کرد و چنین نوشت: «در پی انتشار برخی اخبار مبنی بر استعفای حجت الاسلام محمدیان از ریاست نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها به دلیل عدم پرداخت بودجه از سوی دولت، پیگیری‌ها نشان داد که استعفای ایشان صحت نداشته و حجت الاسلام محمدیان بعد از دو دوره نمایندگی در دانشگاه‌ها و گذشت یک سال از زمان پایان دوره دوم حضور در این سمت، به منظور استفاده از نیروهای توانمند و با موضع گیری و رویکرد جدید، موضوع کناره گیری خود را به دفتر بیت رهبری مطرح کرده‌اند. در حال حاضر چند گزینه نیز برای جانشینی وی مطرح بوده که در حال بررسی هستند. براساس آنچه در برخی رسانه‌ها منتشر شده، در پی کناره گیری حجت الاسلام محمدیان، صحبت از انتخاب

آقای قمی مطرح است که این خبر نیز صحت ندارد و در حال حاضر چند گزینه نیز برای جانشینی وی مطرح بوده که در حال بررسی هستند.» ریاست این نهاد از سال ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۴ برعهده حجت الاسلام محسن قمی، عضو فعلی مجلس خبرگان رهبری و معاون ارتباطات بین الملل دفتر مقام معظم رهبری بود. پس از استعفای او در سال ۸۴، این جایگاه به حجت الاسلام محمد محمدیان رئیس فعلی و مستعفی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری سپرده شد که تا امروز دوازده سال از ریاست او بر این نهاد می گذرد. سایت تابناک نیز در مطلبی در این باره از احتمال جایگزینی حجت الاسلام سیدمحمدحسن ابوترابی فرد به جای حجت الاسلام محمدیان خبر داد و نوشت: «گفته می شود به احتمال فراوان بار دیگر شاهد بازگشت حجت الاسلام سیدمحمدحسن ابوترابی فرد به نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها باشیم اما این بار نه در دانشگاه تهران که او ریاست نهاد نمایندگی رهبری در این دانشگاه را به مدت ۱۰ سال تا سال ۸۳ عهده‌دار بود. علاوه بر این او طی سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۵ در دوره‌های هفتم، هشتم و نهم به عنوان نماینده مردم قزوین و تهران در مجلس شورای اسلامی حضور داشت و در جایگاه‌های نایب رئیس اول و دوم مجلس فعالیت می کرد.»

اقتصاد سیاسی



نفت خوب، نفت بد

پژوهش وزارت اقتصاد نشان می دهد افزایش قیمت نفت لزوما به معنای بهبود وضعیت اقتصادی کشورهای صادرکننده نفت خام نخواهد بود. این پژوهش با بررسی وضعیت تکنولوژی در کشورهای توسعه یافته و با تمرکز بر ۱۰ مشتری اروپایی نفت ایران، استدلال می کند که با پیشرفت تکنولوژی، صنایع انرژی بر جهان می توانند در مقابل افزایش قیمت نفت ایستادگی کنند و تقاضای نفت خود را کاهش دهند. در نتیجه با افزایش قیمت، کاهش فروش رخ می دهد؛ به بیان دیگر اگر ایران به عنوان یکی از مهم ترین کشورهای صادرکننده قصد داشته باشد وضعیت اقتصادی خود را بهبود بخشد چاره ای ندارد جز آنکه صنایع پایین دستی نفت را در دستور قرار دهد و توسعه صنعت گاز را جدی بگیرد. افزایش قیمت نفت دیگر خزانه کشور را پر نخواهد کرد و اکنون باید به فکر تغییر فاز در استراتژی انرژی کشور بود. صنایع کارخانه ای انرژی بر در کشورهای اروپایی ۲۵/۹ درصد از کل انرژی مصرف شده قاره سبز را مصرف می کند در حالی که تقاضای نفت کشورهای اروپایی ۱۵ درصد از کل تقاضای جهانی نفت را شامل می شود. یک تجزیه و تحلیل سه دهه از صنایع انرژی بر در کشورهای اروپایی واردکننده نفت ایران نشان می دهد که پیشرفت فنی و افزایش قیمت نفت تقاضای این صنایع را کاهش می دهد. مقادیر منفی کشتش قیمتی تقاضای نفت بیانگر آن است که صنایع با افزایش قیمت نفت، تقاضا برای طلای سیاه را کاهش می دهند. برآورد کشتش های بهره‌وری نفت نسبت به قیمت آن و پیشرفت فنی نشان می دهد بهره‌وری نفت در طول زمان همراه با افزایش قیمت آن و پیشرفت فنی افزایش یابد و در نتیجه تقاضای نفت را کاهش می دهد. این موارد سبب شده پژوهش وزارت اقتصاد نتیجه بگیرد که در طول زمان همراه با پیشرفت فنی و افزایش قیمت نفت تقاضای آن در صنایع اروپایی کاهش یابد که به موازات این ماجرا درآمدهای نفتی حاصل از فروش نفت خام برای کشورهای صادرکننده محدودتر شود. این نتیجه گیری برای کشوری مانند ایران حائز اهمیت است. بر این اساس توصیه می شود ایران به جای تمرکز بر صادرات نفت خام و خام فروشی به دنبال توسعه راهکارهایی همچون فرآورده های نفتی و نیز توسعه صادرات گاز طبیعی و برق باشد. جالب توجه است که آمریکا و اروپا به تتهایی نیمی از ظرفیت پالایشی جهان را از آن خود دارند در حالی که این رقم در خاورمیانه به عنوان قطب اصلی تولید نفت کمتر از هشت درصد است. همین امر سبب می شود ۱۶۰ فرآورده تولید شده از طلای سیاه با قیمت های به مراتب گزاف تر از خود نفت خام به کشورهای تولیدکننده نفت فروخته شود. افزایش قیمت نفت، اتفاقی خجسته برای کشورهای تولیدکننده این ماده سیاه رنگ محسوب می شود.



سینما / تاتار

و بارها دست به دامن اغراق شد و تا حدودی هم از واقعیت فاصله گرفت اما اگر فیلمی، اجتماعی تعریف شود، دیگر خروج از دایره باورپذیری و آنچه به واقع هست، چندان فعل موثر و درستی به نظر نمی آید، چه آنکه از میزان تاثیرگذاری و حرکت در مسیر رسالت خود که اصلاح امور باشد نیز بازمانده یا منحرف می شود. ضمن اینکه در این بین در مظان اتهام اغراق و سیاه نمایی هم قرار می گیرد. به تعریف «مارک تواین»، «داستان طنز، جدی روایت می شود، اما در کمدی، راوی اصرار دارد به شما بقبولاند که این داستان، جالب ترین یا دست کم یکی از جالب ترین داستان هایی است که تا امروز شنیده اید»، حال، مهران مدیری «ساعت ۵ عصر» را نه طنز در جایگاه معنای اصطلاحی و نقادانه آن که در قالب یک کمدی تعریف کرده است؛ یعنی اگر در کمدی، خنده را به خاطر خنده بگیریم و در طنز، خنده را برای استهزایی که به اصلاح منجر می شود، نمی توانیم دستبخت سینمایی این چهره محبوب در یک گونه اجتماعی را چندان خوش طعم و تاثیرگذار بخوانیم، از آن رو که این تجربه مهران مدیری به مراتب به نوع اول که خنده به خاطر خنده باشد، نزدیک تر است. به این ترتیب، طنز وسیله است نه هدف، در حالی که مدیری «ساعت ۵ عصر» را مانند یک کار کمدی، نه وسیله که هدف گرفته است.

درباره ساعت ۵ عصر

طنز نامطلوب با حرف های خوب اجتماعی

یکی از کنجکاوهای امروز دوستداران هنر هفتم، به ویژه از نوع داخلی آن را چطور از آب درآمدن نخستین دستبخت سینمایی مهران مدیری در مقام کارگردان بدانیم؛ هنرمندی که در نخستین گام سینمایی خود در مقام فیلمساز به سراغ یک سوژه بکر و ناب اجتماعی رفته تا به واسطه آن پاره ای از این مشکلات را ورق زده باشد. اما به نظر می رسد کام مخاطب را چه از منظر تفت این سوژه بکر اجتماعی و چه از منظر خوش آب و رنگ درآوردن طنز اصطلاحی، تلخ کرده باشد. گرچه مظهر مدیریت در انتخاب خوراک، خوش به حسن رفته است، اما به جرات می توان گفت در طبع آن در ظرف تازه ای برای او با عنوان سینما، چندان نتوانسته خوراکی خوش پخت و تاثیرگذار را به مزاج مخاطبان حساس بنشاند. مدیری در گام نخست یعنی انتخاب کمیت لنگ برخی متناسبات اجتماعی که محتوای او باشد، خوب عمل کرده، اما در پرورش آنها برای میزان دقیق و صحیح تاثیرگذاری اجتماعی، مسیر چندان مطلوب و مقبولی را انتخاب نکرده است؛ تا جایی که طعم گوارای مقاصد اصلاح جویانه از آن به کام نمی آید. شاید یکی از مهم ترین علل این موضوع، توقعی باشد که خود مهران مدیری از «ساعت ۵ عصر» به عنوان فیلمی در گونه اجتماعی، پیش تر در مابرا نگیخته بود؛ البته که در یک کار کمدی می توان بارها

پایان حضور اولین رئیس زن در سازمان گردشگری

«زهرا احمدی پور، رئیس سازمان میراث فرهنگی شد»؛ این خبر که ۱۵ آبان ۹۵ روی خروجی خبرگزاری‌ها قرار گرفت، خبری جالب توجه برای فعالان حوزه میراث فرهنگی و گردشگری بود. هم از این جهت که احمدی پور نخستین زنی بود که به عنوان مدیر سازمان میراث فرهنگی انتخاب می شد و هم از این رو که بعد از رفتن سلطانی فر به وزارت ورزش، حدس و گمان‌هایی میان کارشناسان و فعالان و رسانه‌های تخصصی این حوزه مطرح بود و لیست‌هایی از مدیران میانی و تازه کار حوزه گردشگری تا کارشناسان و پیشکسوتان این حوزه دست به دست می شد. اما با انتخاب احمدی پور که تجربه مدیریت در بدنه وزارت کشور را داشت، تمام این حدس و گمان‌ها رنگ باخت. حالا با پایان دوره اول ریاست جمهوری حسن روحانی و تشکیل کابینه دوازدهم، دوباره حدس و گمان‌ها آغاز شده و باز هم لیستی از افراد آشنا و ناآشنا به حوزه میراث فرهنگی دست به دست می شود و بعضی نام‌ها بر صدر این لیست‌ها جا می گیرند؛ هر چند برخی شانس چندانی برای استقرار در اتاق مدیریت کوشک آزادی ندارند. هفته گذشته زهرا احمدی پور در حساب توئیترش تلویحا قطعی شدن رفتن از سازمان میراث فرهنگی را اعلام کرد و نوشت: «هم میراث فرهنگی مان مظلوم است و هم اقتصادمان زخم خورده. یکی به تیر غیب توسعه نسبان خواهد دچار است و دیگری به مناسبات مبهم و ناصواب. باطل السحر این شرایط، گفت و گو مست و شفافیت، کوشیدم به هسته معضلات نور بتابانم و برنامه ریزی کنم برای درمان سرطانی که تا مغز استخوان نفوذ کرده. مستظهر بودم به حمایت شخص دکتر روحانی و جناب جهانبگیری اما درمان سرطان حمایت همه ارکان‌های این پیکره را می طلبد. وگرنه زحمت، بی حاصل است.» احمدی پور پس از ۱۰ ماه مدیریت بر این سازمان از سرطانی توسعه یافته در آن می گوید و مناسباتی مبهم که او را به این نتیجه رسانده که درمان این سرطان کاری نیست که او با صبوری و درایت از پس آن بر بیاید. هرچند بسیاری از اصناف مرتبط با این سازمان با امضای طومارهایی حمایت خود را از عملکرد احمدی پور اعلام کردند، اما از توثیت‌های او برمی آید که مدیران داخلی و سازمان‌های مرتبط آن قدر با او همراه نیستند که بتوانند سرطان پیشرفته این سازمان را با کمک آنها بهبود بخشند. این روزها باز هم بازار گمانه‌زنی‌ها برای انتخاب مدیر میراث فرهنگی داغ شده. از آنجا که رویکرد اصلی دولت در مورد این سازمان رویکردی اقتصادی با تاکید بر توسعه گردشگری است، حدس و گمان‌ها هم بر این تاکید دارند که فردی با پیشینه اقتصادی جانشین احمدی پور خواهد بود. باید دید این بار روحانی برای این سازمان چه مدیری انتخاب می کند.



غرب به مثابه تاریخ نیست

دنیوی کردن مسائل معنوی به نام دین دانست و با بیان اینکه مدرنیته همه عالم را فرا گرفته، منتها هر جا رنگی پیدا کرده، از لائیسزم به عنوان دنباله‌رو سکولاریسم نام برد. او با بیان اینکه جوهر مدرنیته دین زدایی است، گفت: «بشر آگاهانه یا ناآگاهانه خود را به جای خدا گذاشته و همه کاره عالم می داند که این تعیین بخشی جنبه فلسفی پیدا کرده و تبدیل به سوژکتیویسم می شود، یعنی تصورات و ذهنیات من انسان به این عالم معنا داده است.» رجی گفت: «بنیاد مدرنیته که ظاهر بینی، دنیا گرایی و انسان گرایی است تبدیل به حکمت و فلسفه‌ای می شود که تمام دنیا را تئوریزه می کند، انسان را معیار خوبی و بدی می داند، اخلاق نسبی می شود و این اندیشه آنچه را حقیقت مطلق و ثابت بودن نمی می کند.» پژوهشگر فلسفه هنر دینی گفت: «نام نفی امر ثابت و مطلق در چنین اندیشه‌ای را نیهیلیسم (نیست انگاری) می گذارند که به تمام گذشته خط بطلان کشیده، همه چیز را سیال و مباح می داند و می گوید هر طور مردم خواستند قانون می نویسیم.» او ثروت اندوزی، مصرف گرایی، لذت جویی و شهرت پرستی را مصداق روح مدرنیته برشمرد و با بیان اینکه چنین وضعیتی با شدت و ضعف در کل جهان حاکم شده، گفت: «مدرنیته که در همه جا رنگ عوض می کند، امروز در علم و علوم انسانی جلوه کرده است.»

محمد رجی دوانی هفته گذشته در همایش آموزشی «غرب به مثابه تاریخ نیست انگاری» از سلسله همایش‌های سومین دوره طرح ملی گفت‌وگو با نخبگان علوم انسانی که به همت دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم برگزار شد، سیر تطور بی دینی در جهان را از منظر بنیادی و تاریخی تشریح کرد. نویسنده و پژوهشگر حوزه فلسفه هنر گفت: «انسان از آغاز پیدایش خود دین دار بوده، با دین پا به عرصه تاریخ گذاشته و به عالم غیب و زندگی بعد از مرگ اعتقاد داشته است.» این استاد دانشگاه ادامه داد: «روح بسیاری از افراد دین دار به سبب انحرافات اخلاقی، بی توجهی به باطن نظام آفرینش و ظاهر بینی، از حقایق تهی می شود و این چنین است که ادیان در طول تاریخ دچار انحراف می شوند و این انحراف به منابع دینی رسوخ می کند.» او با بیان اینکه قرآن تنها کتاب بدون تحریف است و انجیل و تورات تحریف شده‌اند، ظاهر گرایی و دنیا گرایی مانند رسیدن به قدرت، شهرت و منیت را از عوامل این تحریف‌ها عنوان کرد و ریشه بی دینی مردم اروپا را در مصرف گرایی دانست. رجی خاطرنشان کرد: «اصلاح دینی در اروپا هر چند با انگیزه پاک کردن دین به وجود آمد، اما عملا در سیر تاریخی به اضمحلال دین منجر شد، پای دین را از دخالت در مسائل سیاسی و اجتماعی برید و امری خصوصی بین فرد انسان و خدا قلمداد شد.» این استاد دانشگاه پیدایش سکولاریسم را به سبب



نوری در جام جم

مدیرعامل موسسه جام جم منصوب شد



جام جم فعالیت می کردند. موسسه جام جم موسسه‌ای فرهنگی و مطبوعاتی است که به سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران وابسته است اما مستقل از آن عمل می کند. روزنامه جام جم و جام جم آنلاین از زیرمجموعه‌های این موسسه هستند. جام جم روزنامه‌ای است که از دهم اردیبهشت سال ۱۳۷۹ و در دوره ریاست علی لاریجانی بر رسانه ملی منتشر می شود و سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران صاحب امتیاز این روزنامه است. این نشریه مکتوب دارای ضامنی است که به صورت روزانه عرضه می شوند. جام جم تنها روزنامه‌ای است که دارای چاپخانه در استان‌های ایران است. جام جم آنلاین نیز رسانه مجازی این موسسه است که خبرهای روز را به صورت برخط منتشر می کند. موسسه انتشاراتی سروش و مجموعه مجلات سروش از دیگر مجموعه‌های هستند که زیر نظر موسسه جام جم فعالیت می کنند.

غلامرضا نوری، مدیرعامل موسسه فرهنگی رسانه‌ای جام جم شد. او از فعالان و کارشناسان رسانه و فضای مجازی بوده و پیش از این سمت مدیرکل تولید و توزیع محتوا در معاونت فضای مجازی صداوسیما را برعهده داشته است. مدیرعامل جدید موسسه فرهنگی رسانه‌ای جام جم سابقه ۸ سال معاونت فناوری اطلاعات جام جم در فاصله سال‌های ۸۵ تا ۹۳ را نیز در کارنامه خود دارد. در دوره ریاست کوتاه مدت محمد سرافراز بر سازمان صداوسیما، ساختار موسسه جام جم دچار تغییراتی شد. با تغییر ساختار موسسه فرهنگی - مطبوعاتی جام جم و ادغام بخش‌های اداری - مالی با محتوایی (تحریریه)، مراد عنادی با حکم ریاست وقت سازمان صداوسیما به عنوان رئیس و مدیرمسئول (مدیرعامل) این موسسه منصوب شد. پیش از عنادی چهره‌هایی همچون حسین انتظامی و بیژن مقدم مدیرعامل این مجموعه مهم فرهنگی رسانه‌ای بودند که در دوره ریاست عزت الله ضرغامی و علی لاریجانی در این سازمان در موسسه

نجات بخشی اهل بیت (ع)

تفسیر صحیفه سجادیه

بخش ؟؟؟؟؟/آیت الله مجتبی تهرانی

عن روی



رسول الله (ص) قال: «حُبِّي وَحُبُّ أَهْلِ بَيْتِي نَافِعٌ فِي سَبْعَةِ مَوَاطِنَ أَهْوَاهُنَّ عَظِيمَةٌ عِنْدَ الْوَفَاةِ وَالْقَبْرِ وَعِنْدَ الشُّعُورِ وَعِنْدَ الْكِتَابِ وَعِنْدَ الْحِسَابِ وَعِنْدَ الْمِيزَانِ وَعِنْدَ الصِّرَاطِ.»

روایتی از پیغمبر اکرم (ص) منقول است که حضرت فرمودند: رابطه دوستی با

اهل بیت من، «حُبِّي وَحُبُّ أَهْلِ بَيْتِي نَافِعٌ فِي سَبْعَةِ مَوَاطِنَ»، در هفت موقعیت حساسی که هول و هراس آن موافق خیلی بزرگ است، سودبخش است؛ یعنی انسان در آن جایگاه ها روحش آرامش ندارد و در شدت فشار قرار می گیرد، «فِي سَبْعَةِ مَوَاطِنَ أَهْوَاهُنَّ عَظِيمَةٌ»، خود ما نیز گاهی می گوئیم: هول کردم؛ «أَهْوَاهُنَّ عَظِيمَةٌ»، یعنی هول بزرگ می کند، بعد حضرت شمارش می فرماید: «عِنْدَ الْوَفَاةِ»، هنگام مرگ، هنگام مرگ انسان در فشار قرار می گیرد، در این موقعیت آنچه برای او نافع است، رابطه دوستی با پیغمبر و اهل بیت اوست. دوم؛ «وَالْقَبْرِ»، آنگاه که از خاک روح می شود و روح از بدن خارج می شود، انسان وارد برزخ می شود. «وَالْقَبْرِ»، یعنی انسان در برزخ هم تحت فشار است. آنچه از آن فشار می کاهد، حب پیغمبر و اهل بیت است. سوم؛ «وَعِنْدَ الشُّعُورِ»، آنگاه که از برزخ عبور می کند و به عالم قیامت وارد می شود، در عالم برزخ برمی خیزد و به عالم قیامت وارد می شود، خب وارد شد. چهارم؛ «وَعِنْدَ الْكِتَابِ» آن گاه که نامه عمل را به دستش می دهند هم تحت فشار قرار می گیرد، این موقع نیز هول بزرگ دارد. پنجم؛ «وَعِنْدَ الْحِسَابِ»، یک وقت نامه عمل را دستش می دهند، یک وقت بررسی می کنند و اعمالی که در آن هست به رخت می کنند. آنجاست که باز هم تحت فشار عظیم و بزرگی قرار می گیری. ششم؛ «وَعِنْدَ الْمِيزَانِ»، هنگام سنجش اعمال، آنجا هم زیر فشار قرار می گیری. و بالاخره هفتم؛ «وَعِنْدَ الصِّرَاطِ»، هنگام عبور از صراط هم همین طور است. انسان از این عالم که می خواهد عبور کند و به عالم قیامت برود، به قول ما تا منتهی الیه کار، هفت موطن را باید سیر کند. از اینجاها باید عبور کند که هرکدامش فشارهای بزرگ به انسان وارد می کند. هنگام مرگ است و قبر است و بعد هم نشر و برانگیخته شدن است و بعد موقع نامه عمل به دست دادن است و بررسی نامه حساب و بالاخره مسأله میزان و سنجش اعمال است و دست آخر عبور از صراط که ببیند به کجا می رسد. همه این موطن سخت فشار دارند. آنچه از این فشارها می کاهد عبارت از حب پیغمبر و اهل بیت است، که اگر آن را همراه داشته باشد، برای او آرامش حاصل می شود. من تقریباً روایت را ترجمه کردم، اما یک تذکر بدهم. در اینکه حب آنها نجات بخش انسان در همه موطن بعد از دنیا است، شکی نیست، اما عمده این است که بتوانی این دوستی را آن گاه که زیر فشار قرار گرفتی، همراه داشته باشی. مهم این است که از این محبت جدا نشوی. اگر این محبت باشد، این پیوند، پیوند قلبی باشد، نجات بخش است. اما خدا نکند این محبت سطحی باشد و عمق نداشته باشد. انسان باید کوشش کند تا این پیوند عمیق پیدا کند. چه کار کند که عمق پیدا کند؟ معصیت نکن!



رسانه

پدر از چشم دختر

فاطمه صادقی از آیت الله خلخالی می گوید

در جای آقای خلخالی می نشست گویی باید به آن قاطعیت انقلابی پاسخ می داد. «صادقی تاکید می کند: «او خودش را انقلابی تعریف می کرد و معتقد بود برای انقلاب باید یک سری بدنامی ها را بپذیرد. وقتی به او می گفتیم که تو چه کار هستی و چرا دیگران نه؟ همیشه می گفت ما انقلاب کردیم و باید پای آن بایستیم.» دختر آیت الله خلخالی می گوید: «در آن وضعیت همه می خواستند چهره ای انقلابی از خود نشان دهند که دشمن بترسد. من این طور می بینم. پدرم در خانه هم یک جورهایی انقلابی بود. یعنی ما حق نداشتیم دو دست لباس اضافه داشته باشیم. تا آخر زندگی همین بود. ما حق نداشتیم چیز زیادی بخواهیم. این ویژگی پدرم برای من هم دوست داشتنی است. یکی از چیزهایی که واقعا من را آزار می دهد این است که اگر چیز خوبی قرار بود از اخلاق انقلابی بماند، همین ساده زیستی بود که نماند.»



فاطمه صادقی، پژوهشگر علوم سیاسی و فعال حقوق زنان در گفت و گویی با اندیشه پویا برای اولین بار از پدرش آیت الله خلخالی گفت. فاطمه صادقی در بخشی از این گفت و گو تاکید می کند: «من رابطه خیلی نزدیکی با پدرم داشتم. رابطه ای که عینی هم نبود و اتفاقاً زمان های خیلی زیادی از هم دور بودیم. تقریباً کمتر از هر آدم دیگری در زندگی ام او را دیده ام. اما رابطه من با او درونی بود. همیشه آدم مهمی برایم بود و تا جایی که اجازه داشتم او را زیر نظر داشتم.» دختر آیت الله خلخالی ادامه می دهد: «موضوع اصلی همیشه فعالیت های سیاسی پدر بود. البته مسائل تربیتی و اختلافات ایدئولوژیک و اینها هم بود اما عمدتاً مسائل سیاسی بود. جو خانه ما همیشه انتقادی بود. آن قدرها خصومت بار و ستیزه جویانه نبود، اگرچه گاهی وقت ها که من نبودم خصوصاً بار هم می شد.» این استاد علوم سیاسی یادآور می شود: «تصویر بیرونی از پدر من یک تصویر خیلی خشن است. من به عنوان دختر اصلاً چنین تصویری را در خانه از پدرم ندارم. یکی از معماهای من همین بود که مطلقاً چهره ای را که در عالم سیاست و بیرون از خانه از او تصویر شده بود ندیدیم. پدرم به هیچ وجه آدم مهربانی نبود. به شدت سختگیر بود.» او ادامه می دهد: «عرصه ایدئولوژیک سال ۵۷ از پدرم تصویری ساخته بود که برای من ناآشنا بود. فضای آن زمان، فضایی کاملاً ایدئولوژیک بود. اصلاً نمی خواهم بگویم پدرم آدم مهربانی بود. اصلاً از این خبرها نبود اما آن فضای ایدئولوژیک قاطعیت انقلابی می طلبد و کسی که



زندگی بر شاهراه قدیم رم

توتوونتس از زندگی می گوید

با کودکی راوی و درواغ لحظه تولد او شروع می شود و پیش می آید. در بخشی از این کتاب می خوانیم: «پدرم زمین دار و در استان ما صاحب منصب دولتی بود. اما من باید از مرگ او شروع کنم. او مانند تازه دامادی که آماده عروسی می شود، خود را برای مردن آماده کرد. یک ماه قبل از مرگ که هنوز سیرپا بود و سرزنده، اما می دانست که کرم مرگ دارد بر او غلبه می کند نجار را صدا کرد و با هم تخته های بلند گردو را جدا کردند. یکی از تخته ها را که رگه رگه بود، به سویی پرت کرد و گفت این تخته رگه داره و تخته دیگری جایگزین آن کرد. سپس، روی قالی کرمانشاهی که کف اتاق پهن بود دراز کشید و نجار اندازه قلدوقواره او برداشت و گفت حاجی افندی، ماشالا قلدوقواره چنار را داری. و پدرم بی تفاوت لبخند زد. نجار در حضور پدرم و براساس تذکرات و دستورهای جدی او، تابوت پدرم را ساخت. مادرم در اتاقی جداگانه جان سوزانه گریه می کرد و این در حالی بود که نجار با پدرم شوخی کتان داستان تعریف می کرد و گاهی لبی تر می کرد و تخته چوب گردو را اندازه می گرفت، می برید، جفت و جور می کرد، صیقل می داد و برق می انداخت.» این کتاب را در واقع می توان اتوبیوگرافی نویسنده نیز دانست. از دیگر آثار توتوونتس می توان به مجموعه داستان های «آمریکا»، «گل های بی روشن»، «دکتر بوربونیان»، «اوراق سوخته»، «درخت زردآلو» و «رمان سه جلدی «باکو» اشاره کرد.

«زندگی بر شاهراه قدیم رم» عنوان مجموعه ای از داستان های به هم پیوسته و اهان توتوونتس است که این روزها با ترجمه آندرانیک خچومیان توسط نشر چشمه منتشر شده است. این کتاب را می توان یکی از مشهورترین آثار ادبیات داستانی ارمنستان دانست و نویسنده اش نیز چهره ای نمادین در ادبیات این کشور به شمار می رود. در بخشی از مقدمه کوتاه مترجم درباره توتوونتس آمده: «واهان توتوونتس، خیلی زود متوجه نابرابری ها و بی عدالتی های اجتماعی و ملی جامعه خود می شود و در اولین آثارش، روحیه آزادی خواهی و عدالت طلبی او را می شود مشاهده کرد. در این زمینه می توان به کتاب ویرانه او اشاره کرد که در ۱۹۰۸ چاپ شده و به روحیه و تفکرات زندانیان ارمنی در بند ترکیه عثمانی می پردازد.» در بخشی از کتاب می خوانیم: «چه سودی دارد پنجره ها و زنجیرهای فولادی؟ چه سودی دارد شکنجه و آزار و اذیت؟ تن نحیف و بیچاره من چه گناهی کرده است؟ آخر، مگر نه اینکه قلبم نقش شیر را بازی می کند و قلبم هرگز نمی تواند در بند باشد؟ هرگز نمی توان مانع کار قلب شد. قلبم شبیه ببری گرسنه است که خوردن می خواهد، دریدن می خواهد، نابرابری ها و ناروایی های اجتماعی را.» در میان آثار توتوونتس گونه های مختلف ادبی دیده می شود. از شعر و داستان کوتاه و بلند گرفته تا چندین نمایشنامه، «زندگی بر شاهراه قدیم رم» را می توان مجموعه ای از داستان های به هم پیوسته دانست که فضایی شاعرانه دارند. این کتاب

دولت متفاوت

روحانی صالحی و رحمانی فضلی را که نزدیکترین افراد به علی لاریجانی هستند در کنار خود قرار داده است. از سوی دیگر او از میان اصلاح طلبان، بیطرف، کرباسیان، جهانگیری و زنگنه را برگزیده است. روحانی از افراد نزدیک به خود شریعتمداری، چهرمی، ظریف و علوی را برای وزارت انتخاب کرده است.

سیاست

کابینه ائتلافی

- دولت جدید حسن روحانی از راست گرایان عمل گرا، اصلاح طلبان و نزدیکان او تشکیل شده است
- برخی نمایندگان مجلس پیش بینی می کنند که سه وزیر پیشنهادی روحانی رای نخواهند آورد





۱ خبرها درست بود؛ روحانی کابینه‌ای متفاوت را به مجلس معرفی کرده است. اولیستی را به پارلمان فرستاده که تحلیلگران نام کابینه ائتلافی را بر آن نهاده‌اند. ترکیبی از اصلاح‌طلبان، اصولگرایان نزدیک به لاریجانی و البته چهره‌هایی که به شخص حسن روحانی نزدیک بوده‌اند. تحلیل و واکاوی این سه ضلعی می‌تواند نتایج بسیار مهمی در پی داشته باشد. او در واقع صالحی و رحمانی فضلی را که نزدیکترین افراد به علی لاریجانی هستند در کنار خود قرار داده است. از سوی دیگر او از میان اصلاح‌طلبان، بیطرف، کرباسیان، جهانبازی و زنگنه را برگزیده است. روحانی از افراد نزدیک به خود شریعتمداری، چهرمی، ظریف و علوی را برای وزارت انتخاب کرده است. اینکه چه کسانی از کابینه رفتند و بستانها به چه کسی رسیده دقیقاً نشان‌دهنده این است که روحانی چه نگرشی به ۴ سال آینده نگاه می‌کند.

لیست پرماجر

حسن روحانی طبق همان پیش‌بینی‌هایی که از قبل وجود داشت کابینه را در روز تحلیف معرفی نکرد. او اما به وعده‌اش عمل کرد و لیست را در جلسه سه‌شنبه به پارلمان فرستاد. نامه‌ای که مسعود پزشکیان آن را در صحن قرائت کرد. در متن نامه آمده بود: «احتراماً در اجرای اصل ۱۳۳ قانون اساسی و ماده ۱۸۸ آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی به پیوست اسامی وزرای پیشنهادی به همراه شرح حال و برنامه آنان و خط‌مشی و اصول کلی و برنامه دولت برای اخذرای اعتماد مجلس شورای اسلامی تقدیم می‌دارد: ۱- محمدجواد آذری جهرمی؛ وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات ۲- سیدمحمد علوی؛ وزارت اطلاعات ۳- مسعود کرباسیان؛ وزارت امور اقتصاد و دارایی ۴- محمدجواد ظریف؛ وزارت امور خارجه ۵- سیدمحمد بطحایی؛ وزارت آموزش و پرورش ۶- سیدحسن قاضی‌زاده هاشمی؛ وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی ۷- علی ربیعی؛ وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی ۸- محمود حجتی؛ وزارت جهاد کشاورزی ۹- سیدعلیرضا آوایی؛ وزارت دادگستری

۱۰- امیرحاتمی؛ وزارت دفاع، پشتیبانی و نیروهای مسلح ۱۱- عباس آخوندی؛ وزارت راه و شهرسازی ۱۲- محمدشریعتمداری؛ وزارت صنعت، معدن و تجارت ۱۳- سیدعباس صالحی؛ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۱۴- عبدالرضا رحمانی فضلی؛ وزارت

کشور ۱۵- بیژن نامداززنگنه؛ وزارت نفت ۱۶- حبیب‌الله بیطرف؛ وزارت نیرو ۱۷- مسعود سلطانی‌فر؛ وزارت ورزش و جوانان. بر اساس آیین‌نامه داخلی مجلس، نمایندگان یک هفته فرصت بررسی برنامه‌های وزرای پیشنهادی را در کمیسیون‌های تخصصی دارند و بعد از آن، مجلس باید در جلسات متوالی در صحن علنی وارد بررسی صلاحیت وزرا شود. در این فهرست، گزینه وزارت علوم، تحقیقات و فناوری دیده نمی‌شد که پزشک‌پژشکیان گفت دولت گزینه پیشنهادی وزارت علوم را بعداً اعلام خواهد کرد.

سیاسی‌ها و امنیتی‌ها چه کسانی هستند؟

بر اساس لیست ارائه‌شده رئیس‌جمهوری به مجلس، امیر سرتیپ حاتمی در دولت دوازدهم و در صورت رای اعتماد نمایندگان، جایگزین سردار دهقان در وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح خواهد شد.

سرتیپ امیر حاتمی در سال ۱۳۴۵ در خانواده‌ای مذهبی و متدین در استان زنجان متولد و دوران تحصیل را در این شهر گذراند. وی همزمان با پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی ایران به عضویت فعال بسیج و ارتش درآمد و با حضور در جبهه‌های دفاع مقدس توانست همگام با خیل عظیم ملت سرفراز ایران اسلامی به ندای امام و مقتدای خود حضرت روح‌الله (ره) لبیک گفته و در عملیات مختلف جنگ تحمیلی به ویژه عملیات غرورآفرین مرصاد حضور فعال داشته باشد.

به گزارش ایسنا، در کارنامه سرتیپ امیر حاتمی فرماندهی یگان‌های مستقر در مناطق عملیاتی شمال غرب و غرب کشور موجود است. وی در سال ۱۳۷۷ به دلیل خدمات، شایستگی‌های خدمتی و لیاقت پس از ارتقای دو درجه ارشدیت با تصویب فرمانده معظم کل قوا به ترفیع درجه سرتیپ دومی نائل و به سمت معاون اطلاعات فرماندهی کل ارتش جمهوری اسلامی ایران منصوب شد.

مسئولیت‌ها در ارتش: فرمانده یگان‌های ارتش در مناطق عملیاتی شمال غرب و غرب کشور به مدت حدود ۷۰ ماه، معاون اطلاعات ارتش جمهوری اسلامی ایران به مدت حدود ۷ سال، رئیس دفتر روابط بین‌الملل و رئیس گروه مشاورین عالی فرماندهی کل ارتش ج.ا.ا، معاون نیروی انسانی ستاد کل نیروهای مسلح به مدت حدود ۵ سال، جانشین سردار سرلشکر پاسدار محمدباقری رئیس

وقت ارکان و امور مشترک نیروهای مسلح به مدت حدود ۲/۵ سال، مشاور عالی رئیس ستاد کل نیروهای مسلح سردار سرلشکر دکتر فیروزآبادی رئیس وقت ستاد کل نیروهای مسلح در قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیا، جانشین وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح در دولت یازدهم. اهم فعالیت‌ها در ستاد کل نیروهای مسلح: مدیریت تدوین نظام جامع آموزش نیروهای مسلح به عنوان رئیس شورای سیاست‌گذاری آموزش نیروهای مسلح، تدوین و پیاده‌سازی نظام مدیریت منابع انسانی نوین نیروهای مسلح، تدوین و پیاده‌سازی نظام جدید حقوق و مزایای نیروهای مسلح در مسئولیت معاون نیروی انسانی ستاد کل، هماهنگی معاونت‌های رکنی ستاد کل و مشارکت در راه‌اندازی و اداره شورای سیاست‌گذاری و هماهنگی نیروهای مسلح به عنوان جانشین رئیس ارکان و امور مشترک نیروهای مسلح، هدایت چندین رساله دانشجویی در مقطع دکترا و ایفای نقش موثر در ارتقای کمی و کیفی دانشگاه عالی دفاع ملی در جایگاه دبیری هیأت امنای دانشگاه عالی دفاع ملی.

«آوایی» از دادستانی دزفول تا وزیر پیشنهادی دادگستری

علیرضا آوایی کسی که نامش بین وزرای پیشنهادی ریاست جمهوری به چشم می‌خورد، سابقه فعالیت ۳۶ ساله در دستگاه قضایی و اجرایی کشور دارد. او متولد دزفول است و نخستین جایی هم که به عنوان دادستان عمومی و انقلاب مشغول فعالیت شد، زادگاهش بود. آوایی درباره سابقه فعالیت خود گفته است: «اوایل سال ۵۹ با ابلاغ شهید قدوسی برای تصدی دادستانی انقلاب دزفول کار خود را در مجموعه قضایی، آغاز کردم و تا سال ۶۲ آنجا بودم. از آن زمان تا سال ۶۵ دادستان کردستان بودم و سپس به دزفول برگشته و مجدداً دادستان این شهر شدم.» رئیس دفتر بازرسی رئیس جمهوری اظهار کرد: «از سال ۶۷ تا ۷۳ دادستان اهواز بودم و یک سال بعد به عنوان قائم مقام دادگستری خوزستان ابلاغ خوردم؛ ۴ سال رئیس دادگستری استان لرستان و به همین میزان رئیس دادگستری استان مرکزی و حدود چهار سال هم رئیس کل دادگستری استان اصفهان بودم. آوایی از سال ۸۴ به سمت رئیس کل دادگستری استان تهران منصوب شد و هشت سال و نیم در این سمت فعالیت کرد. از سال ۸۴ که غلامحسین اسماعیلی به عنوان رئیس کل دادگستری استان تهران جایگزین او شد، آوایی در دادگاه عالی انتظامی قضات به مدت یک سال فعالیت کرد. رئیس دفتر بازرسی ویژه رئیس جمهوری بعد از آن، در پست دیگری به فعالیت خود ادامه داد که این بار پست او نه قضایی بلکه بیشتر اجرایی و زیرمجموعه قوه مجریه بود و او به عنوان معاون وزیر کشور و با سمت رئیس سازمان ثبت احوال به فعالیت خود ادامه داد. آوایی اضافه کرد: «بعد با درخواست روحانی، رئیس بازرسی ویژه رئیس جمهوری شدم.» یکی از موارد قابل توجه رئیس دفتر بازرسی ویژه در سوابق وی این است که اتحادیه اروپا طی تصمیم مورخ ۱۸ مهر ۱۳۹۰ (۱۰ اکتبر ۲۰۱۱)، ۳۲ مقام ایرانی از جمله سیدعلیرضا آوایی را با ادعای آنچه که نقش در نقض گسترده و شدید حقوق شهروندان ایرانی خوانده می‌شد، از ورود به کشورهای این اتحادیه محروم کرد. تمامی دارایی‌های این مقامات نیز در اروپا توقیف شد. اتحادیه اروپا بر اساس ادعاهای بی‌اساسی همچون نقض حقوق بشر، بازداشت غیرقانونی، عدم رعایت حقوق زندانیان و افزایش اعدام‌ها در زمان تصدی ریاست دادگستری تهران، آوایی را تحریم کرده است. آوایی اینکه آیا این همه سابقه در کارنامه کاری‌اش می‌تواند در تصدی گری وزارت دادگستری مثمر ثمر



مجید انصاری از اعضای ارشد مجمع روحانیون مبارز دیگر عضو دولت نخواهد بود



عدم حضور محمد نهاندیان در دفتر رئیس جمهور از نکات مهم تغییرات دولت است. محمود واعظی جایگزین او شده است

دولت دوازدهم از سال ۱۳۶۱ در مسئولیت‌های مختلف اجرایی در کشور فعالیت داشته است. آخوندی متولد سال ۱۳۳۶ دارای مدرک کارشناسی و کارشناسی ارشد مهندسی راه و ساختمان از دانشگاه تهران و مدرک تحصیلی دکترای اقتصاد سیاسی از کالج رویال هالووی لندن است. آخوندی که عضو هیأت علمی دانشگاه تهران است، در سال‌های ۱۳۶۱ تا ۱۳۶۵ معاون سیاسی وزارت کشور بود و از ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۶ در کابینه دولت سازندگی وزیر مسکن و شهرسازی شد. عضویت در شورای مرکزی جهاد سازندگی، مسئولیت پشتیبانی از جبهه‌های جنگ حق علیه باطل، دبیر شورای امنیت، ریاست ستاد مرزها، ریاست ستاد مبارزه با مواد مخدر و رئیس بنیاد مسکن انقلاب اسلامی از دیگر سوابق اجرایی عباس آخوندی در دولت‌های گذشته است.

محمد شریعتمداری

محمد شریعتمداری متولد ۱۳۳۹ از تهران فوق‌لیسانس مدیریت بازرگانی است. در خلاصه سوابق اجرایی وی معاون اجرایی رئیس جمهوری از سال ۱۳۹۲ تا کنون عضو هیأت امنای دانشگاه‌های مازندران و علامه طباطبائی تهران از سال ۱۳۷۶ تا سال ۱۳۸۴ و دانشگاه فنی و حرفه‌ای از سال ۱۳۹۲ تا کنون، عضو شورای راهبردی روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران به حکم رهبر معظم انقلاب اسلامی از سال ۱۳۷۷ تا سال ۱۳۹۲ و رئیس کمیسیون اقتصادی آن شورا - وزیر بازرگانی جمهوری اسلامی ایران از سال ۱۳۷۶ تا سال ۱۳۸۴ - عضو مجمع عمومی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، شورای پول و اعتبار، ستاد اقتصادی دولت و شورای اقتصاد در دوران وزارت بازرگانی - قائم مقام وزیر بازرگانی، معاون بازرگانی داخلی، معاون هماهنگی وزارت بازرگانی و رئیس کمیسیون نظارت بر سازمان‌های صنفی از سال ۱۳۶۸ در دولت اول آیت‌الله هاشمی تا سال ۱۳۷۲، جانشین معاون امور انقلاب نخست‌وزیر طی دوران نخست‌وزیری شهیدان رجایی و باهنر و مرحوم آیت‌الله مهدوی کنی و مهندس موسوی از سال ۱۳۶۰ تا سال ۱۳۶۳ - عضو شورای کمیته مرکز از زمان تأسیس تا اواخر سال ۱۳۵۹ - عضو هیأت موسس جهت دفاع از ارزش‌های انقلاب - عضو هیأت موسس و امنای جمعیت دفاع از مردم مظلوم فلسطین - تصدی مسئولیت ستاد انتخاباتی روحانی در سال ۱۳۹۲.

وی در همان جلسه با تصریح بر اینکه «اصل ممنوعیت تجسس» از پایه‌های بنیادین وزارت خواهد بود، وعده داد که «این دستگاه حساس را در جهت تحکیم پیوند برادری میان بزرگان نظام و پیشگیری از واگرایی آنها» مدیریت خواهد کرد.

علوی برای جلب رای نمایندگان، اهداف و رؤس برنامه‌های خود را در ۷ بخش «مبارزه با تروریسم و ناامنی، مبارزه با نفوذ و جاسوسی بیگانگان، اطلاعات و امنیت سیاسی، فرهنگی و اجتماعی، اطلاعات و امنیت اقتصادی، اطلاعات و امنیت فنی و سایبری، اطلاعات و امنیت خارجی و حوزه درون سازمانی» به نمایندگان ارائه کرد. او در حوزه مبارزه با تروریسم، «توسعه اشراف اطلاعاتی بر گروه‌های تروریستی در پهنه جغرافیا و تهاجم اطلاعاتی - عملیاتی پیش‌دستانه به تروریست‌ها و مدیریت ادراک گروه‌های مزبور» را از برنامه‌های خود عنوان کرد. در حوزه اطلاعات و امنیت سیاسی، فرهنگی و اجتماعی نیز علوی بر تقویت رویکرد اطلاعات مردمی، اطلاعات مردم محور تأکید کرد، برنامه‌ای که در دولت یازدهم نیز از سوی وزارت اطلاعات دنبال شد. علوی در مجلس نهم، با ۲۲۷ رای موافق، ۳۸ رای مخالف و ۱۸ رای ممتنع توانست رای اعتماد نمایندگان را به‌عنوان وزیر اطلاعات دولت یازدهم کسب کند.

اقتصادی‌ها از اصلاح‌طلبان تا تکنوکرات

بیژن زنگنه که از سال ۱۳۶۴ تا ۱۳۹۶ در دولت‌های مختلف به‌عنوان وزیر حضور داشته لقب «شیخ الوزرا» را نیز دارد، در مجموع دارای تجربه ۲۶ سال وزارت در سه وزارتخانه کلیدی و اخذ ۹ بار رای اعتماد از مجالس اول تا ششم و مجلس نهم است. وی با ۶۵ سال سن سابقه یک دوره تصدی وزارت جهاد سازندگی در دولت چهارم، ۲ دوره وزارت نیرو دولت پنجم و ششم و سه دوره وزارت نفت دولت هفتم، هشتم و یازدهم را در کارنامه کاری خود دارد. زنگنه به مدت ۱۵ سال عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام (۱۳۷۵-۹۰) بوده است و در حال حاضر عضو هیأت علمی انستیتو مهندسی نفت پردیس دانشکده‌های فنی دانشگاه تهران است.

عباس آخوندی

عباس آخوندی وزیر پیشنهادی راه و شهرسازی

باشد یا نه، گفت: «مطمئناً تجارب به فرد کمک می‌کند تا بتواند مسیرها را درست‌تر تشخیص دهد و تعاملات جدی‌تر و سریع‌تر ارائه کند.» وی رئیس کلی دادگستری استان تهران را تجربه مفید و در حقیقت بهترین تجربه خود عنوان کرده و افزود: «یکی از مهم‌ترین کارهای وزیر دادگستری، تعامل و ارتباط بین سه قوه است که فکر می‌کنم بتوانم در صورت گرفتن رای اعتماد از مجلس، قدم‌های خوبی در این وزارتخانه بردارم.»

وزارت کشور، معرفی اصولگرای پر منتقد

عبدالرضا رحمانی فضلی، گزینه پیشنهادی وزارت کشور دولت دوازدهم، ساکن فعلی ساختمان فاطمی هم هست؛ اصولگرایی میانه‌روی که اصلاح‌طلبان خیلی از نحوه تصدی او بر وزارت کشور دولت یازدهم رضایت ندارند، یکی از پر حرف و حدیث‌ترین گزینه‌های حسن روحانی هم بود. آنجا که برخی نمایندگان مجلس به‌طور علنی مخالفت خود را با این گزینه روحانی اعلام کردند و خیلی‌ها حتی به او پیشنهاد دادند که سبب ادامه حضور او در وزارت کشور نشوند، اما باز هم در لیست کابینه دوازدهم جای گرفت تا کار را به همان نمایندگانی که بر طبل مخالفت با او می‌کوبند، بسپارد. عبدالرضا رحمانی فضلی ۵۸ ساله، زاده شیروان استان خراسان شمالی، دکترای تخصصی جغرافیا، گرایش برنامه‌ریزی روستایی را از دانشگاه تربیت مدرس دارد و عضو هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی است. رحمانی فضلی در سوابق اجرایی خود، مسئولیت‌هایی همچون جانشین فرماندهی معظم کل قوا در نیروی انتظامی، نماینده دور چهارم مجلس شورای اسلامی، جانشین رئیس شورای اجتماعی کشور، عضو شورای نظارت بر صدا و سیما، رئیس دیوان محاسبات کشور، قائم‌مقام و معاون فرهنگی دبیر شورای عالی امنیت ملی، عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی و دبیرکل ستاد مبارزه با مواد مخدر را در سوابق خود دارد.

علوی در لیست ماند

علوی در سال ۱۳۳۳ در لامرد فارس متولد شد. او تحصیلات حوزوی خود را در سطح خارج فقه و اصول طی کرده و دکترای فقه و مبانی حقوق اسلامی نیز دارد. وزیر پیشنهادی اطلاعات دولت دوازدهم پیش از تجربه وزارت در کابینه نخست روحانی، به حکم رهبر معظم انقلاب رئیس سازمان عقیدتی سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران بوده است. علوی در ادوار اول، دوم، چهارم و پنجم شورای اسلامی، نمایندگی مردم شهرستان لامرد را برعهده داشت. او همچنین نماینده مردم تهران در دوره‌های چهارم و فعلی مجلس خبرگان رهبری نیز بوده است. علوی در برنامه‌ای که به نمایندگان ارائه داده، عضویت در هیأت علمی دانشگاه صدا و سیما، تدریس در حوزه علمیه شرق تهران، تدریس در دانشگاه‌های تهران، امام صادق (ع)، پژوهشگاه امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی و دانشگاه مذاهب، علوم و حدیث و دانشگاه اطلاعات و امنیت ملی را به‌عنوان سوابق علمی خود نام برده است. علوی خود در جلسه رای اعتماد گفت: «آنچه ریاست جمهوری را به پیشنهاد من برای وزارت اطلاعات واداشت، استحضر از پیشینه من بود؛ عضویت در کمیسیون تدوین قانون وزارت اطلاعات در مجلس شورای اسلامی، مخبر و نایب رئیس کمیسیون شوراها که کمیسیون تخصصی وزارت اطلاعات بود، نایب رئیس کمیسیون سیاست خارجی و آیین‌نامه داخلی مجلس پنجم، معاون بازرسی وزارت دفاع در سال‌های ۶۸ تا ۷۰، ریاست سازمان عقیدتی سیاسی ارتش در سال‌های ۷۹ تا ۸۸ و در نهایت، عضویت در کمیسیون سیاسی اجتماعی مجلس خبرگان.»

حبيب الله بيطرف

حبيب الله بيطرف، زاده ۱۳۳۵ فارغ التحصيل مهندسی راه و ساختمان از دانشگاه تهران است که از سال ۱۳۷۶ تا ۸۴ در دولت هفتم و هشتم جمهوری اسلامی ایران، سابقه وزارت را بر صنعت آب و برق کشور داشته است. در سوابق شغلی و اجرایی بيطرف از ابتدای انقلاب، عضویت مرکز تحقیقات آب جهاد سازندگی، استاندار استان یزد، معاون آموزش و سازندگی وزارت نیرو، رئیس هیات مدیره سازمان سازندگی و آموزش وزارت نیرو، مجری طرح های ملی کارون ۳ و ۴ و همچنین مسئولیت وزارت نیروی دولت هفتم و هشتم دیده می شود. پس از دوره ۸ ساله وزارت نیرو، بيطرف به عنوان عضو هیات علمی پژوهشی پژوهشگاه نیرو، عضو هیات مدیره سازمان نظام مهندسی ساختمان استان تهران، رئیس سازمان نظام مهندسی ساختمان استان تهران و در نهایت معاون مهندسی، پژوهش و فناوری وزارت نفت فعالیت داشته است. در پیشینه فعالیت های تخصصی و علمی حبيب الله بيطرف عضویت در انجمن های مدیریت طرح ایران، مهندسين عمران، مهندسين منابع آب ایران و انجمن مهندسان راه و ساختمان ایران و همچنین رئیس شورای عالی انجمن مدیریت طرح ایران، عضویت در کمیسیون دائمی شورای عتف، رئیس کمیسیون تخصصی انرژی شورای عتف و عضویت در هیات مدیره انجمن نفت ایران دیده می شود.

محمود حجتی

محمود حجتی که برای سومین بار به عنوان وزیر جهاد کشاورزی به مجلس پیشنهاد می شود، برنامه های پیشنهادی خود را برای این وزارتخانه ارائه کرد. محمود حجتی نجف آبادی متولد سال ۱۳۳۴ در شهرستان نجف آباد در سال ۵۴ وارد دانشگاه کار شد که پس از انقلاب با دانشگاه صنعتی اصفهان ادغام شد و در سال ۱۳۶۶ از این دانشگاه فارغ التحصيل شد. وی پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی به عنوان عضو شورای مرکزی جهاد سازندگی اصفهان مشغول و در سال ۱۳۶۴ به عنوان عضو شورای مرکزی جهاد سازندگی کشور منصوب شد. پس از پایان جنگ تحمیلی در سال ۱۳۶۸ به عنوان استاندار سیستان و بلوچستان منصوب و سال ۱۳۷۳ به عنوان مجری طرح سد کرخه مسئولیت اجرای این طرح بزرگ ملی را عهده دار شد. از سال ۱۳۷۶ تا سال

مسعود کرباسیان به عنوان وزیر پیشنهادی وزارت امور اقتصادی و دارایی پیشنهاد شده است. وی در دولت یازدهم رئیس کل گمرک جمهوری اسلامی ایران بود

۱۳۷۹ تصدی وزارت راه و ترابری را عهده دار شد. در سال ۱۳۷۹ قانون ادغام وزارت کشاورزی و جهاد سازندگی در مجلس شورای اسلامی به تصویب و به دولت ابلاغ شد و مدیریت و هدایت وزارتخانه جدید را برعهده گرفت.

مسعود کرباسیان

مسعود کرباسیان به عنوان وزیر پیشنهادی وزارت امور اقتصادی و دارایی پیشنهاد شده است. وی در دولت یازدهم رئیس کل گمرک جمهوری اسلامی ایران بود. کرباسیان دارای مدرک کارشناسی برنامه ریزی، کارشناسی ارشد مدیریت و دکترای تخصصی مدیریت بازرگانی است. وی همچنین در دولت یازدهم معاون وزیر اقتصاد و رئیس کل گمرک جمهوری اسلامی بود. پیش تر مشاور عالی شهردار تهران، مدیرعامل و نایب رئیس هیات مدیره سازمان سرمایه گذاری و مشارکت های مردمی تهران، معاون بازرگانی داخلی وزارت نفت، معاون بازرگانی خارجی وزارت بازرگانی، معاون طرح و برنامه وزارت بازرگانی، معاون اقتصادی و بازرگانی وزارت صنایع سنگین و قائم مقام معاونت اقتصادی و بازرگانی و مدیرکل بین المللی و قراردادهای وزارت صنایع سنگین را در سابقه دارد. وی همچنین عضویت هیات عامل سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران، عضویت هیات مدیره شرکت بازرسی - مهندسی و صنایع ایران، ریاست هیات مدیره شرکت بازرسی مهندسی ایران در وزارت صنایع سنگین، ریاست هیات مدیره شرکت دفاتر بازرگانی خارج از کشور در وزارت بازرگانی، عضویت هیات مدیره شرکت توانیر در وزارت نیرو و غیره را در کارنامه خود دارد.

ویژگی ها کابینه پیشنهادی

براین اساس و با توجه به نبود وزیر علوم، سن کابینه

دوم حسن روحانی نسبت به کابینه قبلی، سه سال جوان تر شده است. کابینه اول رئیس جمهوری میانگین سنی ۶۱،۳ را داشت؛ اما اکنون به ۵۸،۲ رسیده است. بیژن نامدازنگنه، وزیر پیشنهادی وزارت نفت، با ۶۵ سال مسن ترین و محمدجواد آذری جهرمی، وزیر پیشنهادی ارتباطات و فناوری، با ۳۶ سال جوان ترین فرد معرفی شده برای کابینه دوازدهم است. ۹ نفر از این فهرست، از وزیران دولت اول روحانی هستند. سید محمود علوی، وزیر پیشنهادی برای وزارت اطلاعات، محمدجواد ظریف برای وزارت امور خارجه، سید حسن قاضی زاده هاشمی وزیر پیشنهادی برای وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، علی ربیعی برای وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، محمود حجتی برای وزارت جهاد کشاورزی، عباس آخوندی وزیر پیشنهادی برای وزارت راه و شهرسازی، عبدالرضا رحمانی فضلی برای وزارت کشور و مسعود سلطانی فر وزیر پیشنهادی برای وزارت ورزش و جوانان، در کابینه یازدهم نیز حضور داشتند. در بین این افراد، بیشترین انتقادات متوجه عبدالرضا رحمانی فضلی، وزیر پیشنهادی کشور است. عملکرد او در چهار سال گذشته، به ویژه در انتخاب استانداران و برهم خوردن سخنرانی ها، از جمله انتقادات سیاسیون، به ویژه اصلاح طلبان به او بوده است.

افراد جدید کابینه

سید محمد بطحایی که برای وزارت آموزش و پرورش معرفی شده، محمدجواد آذری جهرمی وزیر پیشنهادی برای وزارتخانه ارتباطات و فناوری و اطلاعات و مسعود کرباسیان برای وزارتخانه امور اقتصادی و دارایی، قبلا معاون وزیر بودند. سید علیرضا آوایی، وزیر پیشنهادی وزارت دادگستری هم رئیس دفتر بازرسی ویژه رئیس جمهوری بوده است. امیر سرتیپ امیر حاتمی نیز جانشین وزیر دفاع بود که به عنوان وزیر معرفی شده است. او یک ارتشی است. محمد شریعتمداری هم که برای وزارت صنعت، معدن و تجارت معرفی شده است، در دولت یازدهم معاون اجرایی رئیس جمهور بود. سید عباس صالحی نیز از معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برای پست وزارت این وزارتخانه معرفی شده است. حبيب الله بيطرف که برای وزارت نیرو معرفی شده است، در دولت اصلاحات هم وزیر نیرو بود. همان طور که از قبل هم شایعه آن وجود داشت، هیچ وزیر زن در میان افراد معرفی شده برای کابینه دوم حسن روحانی به چشم نمی خورد.

واکنش ها به لیست کابینه

صادق زیبا کلام، استاد دانشگاه درباره ترکیب وزرای پیشنهادی حسن روحانی به مجلس گفته است: «این لیست، همان چیزی است که در روزهای اخیر اعلام شد و گالیهای فراوانی را در پی داشت. در مراسم تحلیف، لیست قطعی کابینه اعلام نشد، انتظار می رفت لیستی که در رسانه ها دست به دست می شد در دقیقه نود دچار تغییرات مهمی شود، اما اینگونه نشد و گالیهای پابرجا ماند.» زیبا کلام ادامه داده است: «ما می توانیم تا قیامت از آقای روحانی گالیه کنیم که چرا هیچ وزیر زن، اهل تسنن یا کردی معرفی نکرده است، اما این گالیه ها هیچ دردی را دوان نمی کند. اتفاقا اگر وزیر زن، اهل تسنن یا کرد در کابینه معرفی می شد جای شگفتی بسیار زیادی داشت. اگر زمان به عقب برگردد برای پیروزی روحانی خیلی بیشتر خواهم دید. شاید اکنون عده ای بگویند این کابینه هولناک است ولی اگر روحانی رئیس جمهور نشده بود با کابینه هولناک تری روبه رو بودیم. همین کابینه جای شکر دارد. ما مطالبات مان را مطرح می کنیم تا اتفاق بیفتد. تا



اسحاق جهانگیری به عنوان معاون اول در دولت جدید باقی خواهد ماند. البته شاید دیگر آن قدرت سابق را در دولت نداشته بشاد



مطالبات مطرح نشود هیچ وقت هیچ اتفاق برجسته‌ای رخ نخواهد داد. باید سیاستمداران بفهمند که خواسته‌ها و کف مطالبات مردم و جریان توسعه‌گرا و ترقی‌خواه کشور چیست. ما گفتیم که وزیر زن، کرد، سنی و... داشته باشیم تا در ۴ سال آینده در کابینه مثلاً آقای جهانگیری به این مطالبات برسیم.»

زیباکلام در ادامه به ایراد اساسی دولت یازدهم اشاره کرد و گفت: «مهمترین ایراد، بخش اطلاع‌رسانی دولت است که اساساً تعطیل بود. اگر رسانه‌ها و روزنامه‌های اصلاح طلب و مستقل نبودند دولت روحانی چه می‌کرد؟ دولت از نظر اطلاع‌رسانی بسیار ضعیف است و از طرف دیگر نمی‌داند اساساً وظایف افرادی چون حسام‌الدین آشنا در دولت چیست؟» من درباره ایده‌های آقای کرباسیان گزینه پیشنهادی وزارت اقتصاد اطلاعی ندارم ولی پیش از این از آقای نیلی حرف‌های حساسی و خوبی شنیده بودم. از نه‌اندیان و نوبخت هیچ حرف حساسی نشنیده‌ام.» این استاد دانشگاه از عملکرد طیب‌نیا تمجید کرد و گفت: «آقای طیب‌نیا آمد که تورم را کنترل کند، این کار را کرد و رفت. الان نوبت این است که دولت مساله بیکاری را کنترل کند، حل این مساله نیز با سیاست‌های انقباضی امکان‌پذیر نیست.» زیباکلام درباره چپش فرهنگی کابینه نیز اظهار کرد: «درباره تیم وزرای فرهنگی هیچ چیز ندارم بگویم. هیچ فرقی ندارد که وزیر آموزش و پرورش زیباکلام باشد یا حسین آقا سوپری محله ما. از نظر من خانم مولودی برای این پست مناسب بود چرا که انتخابی نمادین بود.» تاکید کرد: «معتقدم وزیر آموزش و پرورش قدرت مانور ندارد. این وزارتخانه ۹۵ درصد بودجه‌اش را صرف پرداخت حقوق می‌کند دیگر کاری از وزیر ساخته نیست. کتاب‌های درسی را شورای عالی انقلاب فرهنگی تدوین می‌کند، سیاست‌ها را هم این شورا تعیین می‌نماید.

وزیر کاره‌ای نیست. بالاترین کاری که می‌تواند بکند این است که عملکرد تخریبی نداشته باشد.» زیباکلام درباره گزینه وزارت ارشاد هم گفت: «وزیر ارشاد هم کاره‌ای نیست. سیاست‌ها از جاهای دیگر مشخص می‌شود. آقای می‌گوید کنسرت تعطیل شود، تعطیل می‌شود. در بحث کتاب ممیزی‌ها از مراجع بالاتر صورت می‌گیرد.»

او درباره وزارت علوم نیز اظهار کرد: «اگر گزینه وزارت علوم افراد شجاعی همچون فرجی دانا یا توفیقی باشند می‌تواند عملکرد مناسبی داشته باشند در غیر اینصورت وزیر علوم نیز سر رشته کار را در دست ندارد. من معتقدم بالاترین خدمتی که وزیر علوم می‌تواند انجام دهد این است که دخالت نهادهای خارج از دانشگاه در امور دانشگاه‌ها را متوقف کند.» در اظهارنظری دیگر بهرام پارسایی گفته است: «می‌توانم بگویم که آقای روحانی در چپش کابینه به جریان اصلاح‌طلبی متمایل نشده است. انتظار ما و مردمی که به آقای روحانی رای دادند چپش یک کابینه گفتمانی بود و این موضوع الان رعایت نشده است.» محمود صادقی هم می‌گوید: «من فکر می‌کنم رنگ اعتدالی کابینه بیشتر شده است. در بخش‌هایی پیشرفت داشته و در بخش‌هایی نه. مثلاً در وزارت دادگستری فرد حرفه‌ای و کار کرده در دادگستری پیشنهاد شده است. یا در وزارت دفاع به مطالبه نیروهای مسلح پاسخ مثبتی داده شده است. یا در وزارت نیرو چهره‌ای معرفی شده که هم سبقه کارشناسی و هم تا حدی سبقه اصلاح‌طلبی دارد. در صنعت و معدن هم آقای شریعتمداری عیار اصلاح‌طلبی دارد. اما در حوزه‌هایی که نماد و نشان کابینه محسوب می‌شود بی‌تعارف باید گفت دولت تنزل کرده است. وزیر کشور همان وزیر گذشته شده. در وزارت آموزش و پرورش چهره‌ای معرفی



برخی می‌گویند روحانی فضلی برای گرفتن رای اعتماد از مجلس کار سختی خواهد داشت. اصلاح‌طلبان و اصولگرایان نسبت به او انتقاد دارند

شده که به شدت مورد انتقاد است. در وزارت علوم هم حتی اگر آقای خاکی صدیق معرفی می‌شد باز هم با انتظارات ما فاصله داشت. موسوی، نماینده یزد هم معتقد است کابینه رنگ اصلاح طلبی ندارد. او می‌گوید: «در انتخابات همه اصلاح‌طلبان و «اعتدالیون» به آقای روحانی رای دادند اما در برآیند کابینه این موضوع اعمال نشده است. خیلی از نمایندگان فراکسیون امید معتقد هستند با اینکه اصلاح‌طلبان یکپارچه رای داده‌اند اما رنگ کابینه بیشتر نزدیک به اعتدالگرایان است و نه اصلاح‌طلبان.» محمد جواد جمالی هم معتقد است: «کابینه بیشتر به نحله خود آقای روحانی و در واقع نزدیک به حزب اعتدال و توسعه است و چهره شاخص سیاسی چه از میان اصلاح‌طلبان و چه اصولگرایان در میان وزرا حضور ندارد.» اما تقوی حسینی هم به «اعتماد» می‌گوید: «نگاه و ارزیابی مجلس درباره کابینه سیاسی نیست. واقعا در جلساتی که گذاشته می‌شود نگاه فراکسیون‌ها به کابینه سیاسی نیست و دغدغه همه موضوع کارآمدی کابینه است. چالش آقای روحانی و مجلس کارآمدی است و چالش سیاسی نیست.»

در اظهارنظری دیگر غلامحسین کرباسچی گفته است: «با معرفی وزرای پیشنهادی رئیس‌جمهور روشن است که حدود تیمی از کابینه دستخوش تحول و تغییر شده است. به نظر می‌رسد که هم به لحاظ کارایی و هم به لحاظ جهت‌گیری‌های سیاسی و فکری که در مورد آنها حساسیت‌هایی وجود داشت، تغییرات مثبتی ایجاد شده است. به طور کلی در ارزیابی کابینه دوازدهم سه نکته را باید مدنظر قرار داد. نکته اول اینکه آقای روحانی تیمی را باید انتخاب کند که اهداف و برنامه‌هایش را به بهترین نحو محقق کند. طبیعی است که آقای روحانی محدوداتی در انتخاب افراد دارد. برای قضاوت در مورد دلایل گزینش‌های روحانی باید محدودیت‌ها و درعین حال ذهنیت تعقل‌گرا و معتدل رئیس‌جمهور را مدنظر قرار دهیم. مهم‌ترین انگیزه روحانی و مطالبه بحق رای‌دهندگان عملی شدن وعده‌های انتخاباتی ایشان است ولی بدیهی است برای تحقق اهدافی که آقای رئیس‌جمهور اعلام کرده و دنبال می‌کند هماهنگی با بسیاری از نهادها و شخصیت‌های حکومت و مراکز قدرتی که وجود دارند، ضروری است. نمی‌توان در خلأ فکر کرد و عواملی که در پیشبرد برنامه‌های دولت تأثیرگذارند

است که در دو مرحله وزرا مورد ارزیابی قرار بگیرند. اگر مجلس با برخی از وزرا مخالف بود نباید تعبیر به دوگانگی و اختلاف شود. نه آقای روحانی چنین تلقی‌ای را دارد که مجلس همه کسانی که پیشنهاد کرده، تأیید می‌کند و نه مجلس شورای اسلامی واهمه‌ای دارد که بررسی دقیقی کند و با شهادت نظرات موافق و مخالفش را اعلام کند. مجلس شورای اسلامی بر اساس کارکرد وزرا و دستگاه‌ها، سابقه افراد را بررسی می‌کند و نهایتاً نظر می‌دهد. کابینه قانونی حاصل این بررسی و همکاری صمیمانه است و نظر مجلس، تکمیل کار روحانی است.» او ادامه داده است: «نکته سوم، ضرورت توجه به تداوم نظارت و بررسی مستمر عملکرد وزراست. با یک انتخاب رئیس‌جمهور یا تأیید مجلس، کار و مسئولیت روحانی و همین‌طور مجلس پایان پیدا نمی‌کند و این اتفاقا شروع کار است. وظیفه رئیس‌جمهور و مجلس است که اگر در طول خدمت، وزیری یا دستگاهی را هماهنگ با برنامه‌های رئیس‌جمهور ندیدند رودر بایستی نداشته باشند. رئیس‌جمهور این وظیفه را دارد که او را در هیأت دولت که وظیفه مشترکی نسبت به مسائل دارند، نظرات و برنامه‌هایش را بگوید و از مسئولان بخواهد که با جدیت و قاطعیت برنامه‌هایش را دنبال کنند (که چنین هم کرده). همچنین اگر نارسایی‌هایی وجود داشت بدون رودر بایستی و واهمه‌ای از شایعات، فرد را برکنار کند. به هر حال توقع از رئیس‌جمهور در عین اعتماد به او رسیدگی و نظارت مداوم به اعضای کابینه خود است تا اگر نارسایی‌هایی وجود داشت اقدام لازم را انجام دهد. شاید مواردی را (ولو محدود) در دولت یازدهم بتوان خرده گرفت که این مهم در لایه‌های مشکلات اجرایی دیگر به خوبی انجام نشده است.»

واکنش رسانه‌های اصلاح‌طلب

اصلاح‌طلبان که سهم بسزایی برای خود در پیروزی حسن روحانی قائل هستند با معرفی وزرای پیشنهادی دولت جدید موضع انتقادی و اعتراضی به خود گرفتند. در این میان روزنامه‌های این جریان سیاسی با کنایه‌های مختلف ناراحتی خود را از ترکیب کابینه جدید روحانی نشان دادند. نمایندگان فراکسیون امید نیز نسبت به عدم اقبال این فراکسیون به برخی از وزرای پیشنهادی حرف‌های جالب توجهی زدند و برخی از وزرا را ضعیف خواندند. در همین رابطه، روزنامه اصلاح‌طلب آرمان با تیتیر «این هم کابینه روحانی» با زیر تیتیر کنایه آمیزی نوشت: «دولت ۳ سال جواتر شد.»

روزنامه افتاب یزد نیز با تیتیر قابل تامل «کابینه خنثی» روی پیشخوان رفت و به‌طور صریح اعلام کرد که نمایندگان فراکسیون امید از چیدمان کابینه پیشنهادی راضی نیستند. در همین راستا، سهیلا جلودارزاده، نماینده تهران درباره علت نارضایتی اصلاح‌طلبان گفت: «به‌رغم آرزوهایی که همه ما اصلاح‌طلبان پیش از این به کابینه دولت دوازدهم داشته‌ایم باید بگوییم که این کابینه، اصلاح‌طلب نیست.»

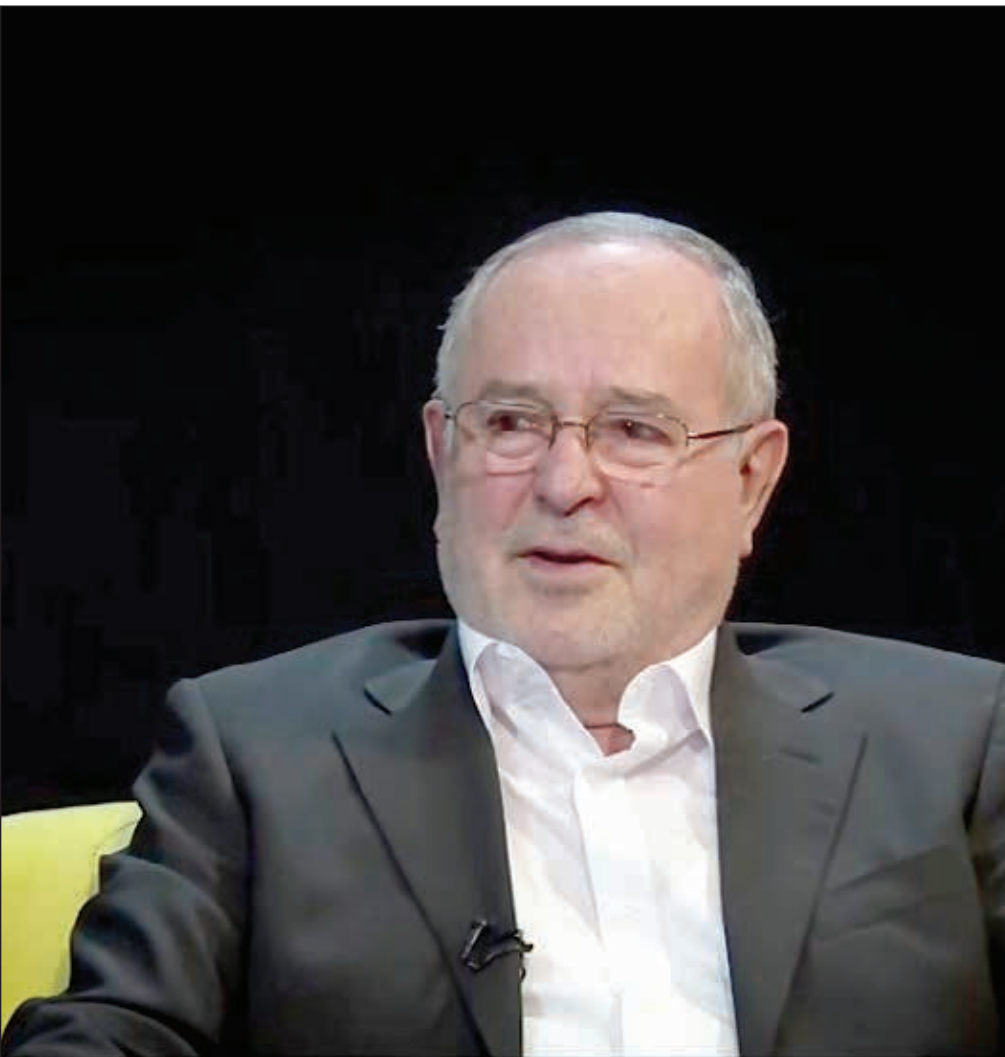
بر همین اساس پیش از این برخی از نمایندگان اصلاح‌طلب از عدم اقبال فراکسیون امید به سه وزیر به‌خصوص وزیر پیشنهادی آموزش و پرورش سخن گفته و بدان تأکید کردند.

روزنامه اعتماد در صفحه اول خود از تغییرات ۵۰ درصدی کابینه دولت جدید خبر داده است اما بیان کرده که «حامیان رئیس‌جمهور از تغییرات راضی نیستند.»

این روزنامه با تیتیر «غیبت زنان در لیست وزرای پیشنهادی» از عدم عمل رئیس‌جمهور به وعده‌اش که وعده اصلاح‌طلبان به طرفداران خود نیز بود، گلایه کرد. روزنامه قانون نیز که این روزها معترض شدید کابینه روحانی است، با تیتیر قابل توجه «کابینه افولی» منتشر

را ندید. این مراکز قدرت می‌توانند اثر مثبت یا منفی در عملی شدن برنامه‌های دولت بگذارند. اینکه آقای روحانی این ملاحظات را در نظر بگیرد و افرادی را انتخاب کند که اهداف و برنامه‌های دولت را محقق کند، ضروری‌تر از آن است که به تمجید و ستایش‌هایی دل خوش کند که صرفاً ملاحظات سیاسی و احیاناً جناحی را ولو بحق مدنظر قرار می‌دهد. بنابراین از لحاظ همکاری با مراکزی که در حرکت دولت به سمت توسعه تأثیرگذار هستند، آقای روحانی باید توانمندی جلب همکاری‌ها و نظرات مجموعه حکومت را داشته باشد و از سطح مخالفت‌ها و نارسایی‌های ناشی از اختلاف سلاقی سیاسی جلوگیری کند. البته مهم است که رئیس‌جمهور بتواند بین این ابعاد نسبتاً متضاد، انتخاب دولت را به نقطه تعادلی برساند؛ اینکه دولت هم بتواند کارایی داشته باشد و هم به لحاظ وجهه سیاسی با آن مجموعه‌ای که به آقای رئیس‌جمهور رای دادند، ناهماهنگ نباشد و هم بتواند با مراکز قدرت و نهادها و سازمان‌های حکومت همکاری کند.» او در ادامه افزوده است: «نکته دوم، اعتماد به دیدگاه‌ها و تجربه شخص آقای رئیس‌جمهور است. مردم به «کارآمدی، کارشناسی، شجاعت و توانایی مقابله با موانع» روحانی باور دارند، اینها را در این چهار سال آزموده‌اند و در اردیبهشت‌ماه ۹۶ نسبت به قبل اعتماد بیشتری به آقای روحانی کردند و با وجود انتقادات رقیب و رفقا، به او رای دادند. اینک در ارزیابی کابینه نیز باید به او اعتماد کنیم. نباید در اعتمادی که در انتخابات ۹۶ به آقای روحانی شد شک کنیم. البته مجلس شورای اسلامی هم اختیاراتی دارد و می‌تواند گزینه‌ها را بررسی کرده و صلاحیتشان را اعلام کند و در نظام کشور این وظایف تعریف شده است. خیلی روال طبیعی و معقولی

الهام امین‌زاده، دستیار سابق رئیس‌جمهور در امور حقوق شهروندی می‌گوید کسی با او درباره ماندن در دولت صحبتی نکرده و به همین دلیل به زودی به دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران باز خواهد گشت



کرباسیان فرد موفق بوده است

گفت‌وگوی مثلث با عضو شورای مرکزی فراکسیون امید

امید کرمانی

خبرنگار

۲ اصلاح‌طلبان بعد از معرفی وزرای پیشنهادی دیگر همچون گذشته صریح و آشکار اعلام نظر نمی‌کنند. بیشتر به نظر می‌رسد می‌خواهند در صحنه عمل و در روز اخذ رأی اعتماد، عزم و اراده خود را نشان دهند. شهاب‌الدین بی‌مقدار، عضو شورای مرکزی فراکسیون امید مجلس می‌گوید: «آقای روحانی باید در چنین کابینه خواست و نظر ۲۴ میلیون نفری را که به او رای دادند در نظر می‌گرفت.»

می‌گیرد. اما به‌عنوان عضو فراکسیون مناطق ترک‌نشین و آذری‌زبانان انتظار داریم آقای روحانی، وزیر علوم را از بین آذربایجانی‌ها معرفی کند.

به نظر شما آقای طیب‌نیا برای اداره وزارت اقتصاد و دارایی قوی‌تر بود یا آقای کرباسیان گزینه مناسب‌تری است؟

▲ بالاخره بستگی به عملکرد دارد. آقای کرباسیان در مسئولیت‌های مختلف مدیریتی که بوده موفق ظاهر شده است. البته قانون برنامه ششم توسعه به تصویب مجلس رسید و هر کس وزیر اقتصاد و دارایی شود باید

آقای روحانی وزرای پیشنهادی را به مجلس شورای اسلامی معرفی کرد، آیا وقتی اسامی را مشاهده کردید انتظارات شما تأمین بود؟

▲ بله، درباره اکثریت کسانی که معرفی شدند می‌توان این‌طور گفت اما داریم بررسی می‌کنیم.

صحبت‌های مختلفی مطرح می‌شود، برخی نمایندگان می‌گویند انتظار داشتند تیم اقتصادی قوی‌تری برای دولت آینده معرفی شود اما آنچه مشاهده کردیم در بهترین حالت همسطح تیم اقتصادی دولت گذشته است، نظر شما چیست؟

▲ ما در حال بررسی هستیم و هفته آینده نیز فراکسیون امید تشکیل جلسه خواهد داد و وقتی به جمع‌بندی رسید بهتر و مصداقی‌تر می‌توان صحبت کرد اما به‌شخصه معتقدم آقای کرباسیان برای هدایت وزارت اقتصاد و دارایی فرد مناسبی است و بد نیست، آقای شریعتمداری نیز که برای تصدی وزارت صنعت، معدن، تجارت معرفی شد، ان‌شاءالله که رای اعتماد نیز

شد و نوشت: «هیاهو، حاشیه و گمانه‌زنی‌ها درباره دولت با معرفی ناقص اعضای کابینه به مجلس شورای اسلامی تا حدودی به پایان رسید. کابینه‌ای که شاید ۵۰ درصد آن عوض شده باشد ولی بی‌شک به کارایی آن اضافه نخواهد شد. روحانی برخلاف وعده‌ها و اظهاراتی که کرد، در این کابینه جایگاهی برای زنان ایران زمین قائل نشد و نشان داد که نگاهی متفاوت با بدنه اجتماعی طرفدار او دارد. در این کابینه غیر از نعمت‌زاده، تمام وزاری که انتقادهای فراوانی به آنها وارد بود همچنان پابرجا هستند و این نیز نمایانگر آن است که لابی‌های قدرت بیشتر از خواسته‌های مردمی می‌توانند در این دولت تأثیرگذار باشند. اینک تمام امید ملت به مجلس شورای اسلامی است تا وزاری را که از کارآمدی لازم برخوردار نیستند، از ورود به پاستور منع کنند و نگذارند برای چهار سال دیگر سکان اداره دولت به دست کسانی بیفتد که صلاحیت لازم را برای اداره ایران اسلامی ندارند.» روزنامه بهار نیز با تیتیر سوالی «این کابینه چند میلیونی است؟» به نوعی نارضایتی خود را از ترکیب کابینه ابراز داشته است. پیش از این اصلاح‌طلبان بر این موضوع تأکید می‌کردند که حسن روحانی باید کابینه را بنابر نظر ۲۴ میلیون نفری که به وی رای داده‌اند بچیند. روحانی نیز در چند سخنرانی به همین موضوع تأکید کرده بود. روزنامه همدلی نیز با تیتیر «بیم»‌های پررنگ کابینه «امید» نوشت: «فیاض زاهد، تحلیلگر مسائل سیاسی کابینه پیشنهادی روحانی به مجلس را ترکیبی از دو واژه می‌داند؛ ناامیدی و درک شرایط روحانی. او به همدلی می‌گوید این فهرست ناامیدکننده اما قابل درک است.» روزنامه شهروند نیز کابینه پیشنهادی حسن روحانی را کابینه «مردان میانه‌رو» نامید و در گزارشی انتقادات و حواشی که حول کابینه می‌گردد را بررسی کرد. میانه‌روی و مردانه بودن دو ویژگی کابینه روحانی از سوی این روزنامه قلمداد شده است. تقریباً همه روزنامه‌های اصلاح‌طلب با نارضایتی از ترکیب کابینه ۱۸ مردادماه ۱۳۹۶ روی پیشخوان روزنامه‌فروشی‌ها ظاهر شده‌اند. اینکه اصلاح‌طلبان از رئیس‌جمهوری که حامی‌وی هستند اینگونه در اولین و مهمترین گام در دولت دوازدهم ناراضی هستند بسیار معنادار است و باید دید که در ادامه آیا این انشقاق در ائتلاف روحانی و اصلاح‌طلبان به کجا خواهد انجامید؛ به‌ویژه اینکه این انشقاق در موضوع مهمی چون ترکیب کابینه دولت جدید پدیدار شده و در ادامه ممکن است در حوزه‌های مختلف انتشار یابد.

کسی به من نکفت بمان

الهام امین‌زاده، دستیار سابق رئیس‌جمهور در امور حقوق شهروندی می‌گوید کسی با او درباره ماندن در دولت صحبتی نکرده و به همین دلیل به زودی به دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران باز خواهد گشت.

الهام امین‌زاده، دستیار ویژه رئیس‌جمهور در امور حقوق شهروندی در آخرین روز از حضورش در قامت دستیار ویژه روحانی مقابل خبرنگاران نشست تا با آنها گفت‌وگو کند. امین‌زاده گفت که هیچ‌کس با او درباره ماندن در دولت مذاکره نکرده: «به خود اجازه ندادم از رسانه‌ها به‌عنوان اهرم فشار روی انتخاب اعضای کابینه فشار بیاورم. به همین جهت سعی کردم از ابزارهای رسانه‌ای استفاده نکنم.»

او در سخنانش از دورانی گفت که به‌عنوان معاون حقوقی رئیس‌جمهور در دولت یازدهم منصوب شده بود. امین‌زاده در این بخش از سخنانش گفت: «در زمان تحویل معاونت حقوقی، فقط فعالیت‌های حقوقی دولت را انجام می‌داد ولی ما آن را تبدیل به دستگاه حقوقی کشور تبدیل کردیم. ما انتظار داشتیم از صفر تا ۱۰۰ هر اقدام مسئولان، یک مشاور حقوقی به او مشورت بدهد.»

مطابق قانون برنامه عمل کند. به نظر من کسی که مدیریت و پیگیری قوی داشته باشد می‌تواند در ادای مسئولیتی که به او سپرده می‌شود موفق ظاهر شود.

چرا آقای طبیب‌نیا از دولت رفت، برخی می‌گویند دیدگاه‌های او با آقای سیف رئیس کل بانک مرکزی هماهنگی نداشت و در نهایت رئیس‌جمهور تصمیم گرفت آقای طبیب‌نیا را کنار بگذارد تا همسویی بیشتری در بین اعضای کابینه به وجود آید، نظر شما چیست؟

▲ درباره ریز قضایا ورودی نکردم و از خودشان نیز موضوع را نپرسیدم.

آیا انتخاب آقای شریعتمداری به جای آقای نعمت زاده انتخاب درستی بود؟

▲ آقای نعمت زاده وزیر قوی‌ای بود چون قاطع تصمیم می‌گرفت و عمل می‌کرد، ولی خیلی‌ها به سن و سال او ایراد می‌گرفتند و معتقد بودند نباید دیگر در کابینه باشد. ان شاء الله آقای نعمت زاده در جای دیگر به کشور خدمت خواهد کرد. آقای شریعتمداری را هم از زمانی که وزیر بازرگانی دولت آقای خاتمی بود می‌شناسم. معتقدم او در کارش موفق می‌شود.

انتخاب آقای بیطرف برای وزارت نیرو را چطور ارزیابی می‌کنید؟

▲ به نظر من انتخاب آقای بیطرف برای وزارت نیرو هم مناسب انجام شد.

آقای شریعتمداری جزو وزرای اعتدالی به حساب می‌آید یا وزرای اصلاح‌طلب؟

▲ او اعتدالی متمایل به جریان اصلاح‌طلب است. حرف و حدیث درباره آقای جهرمی وزیر پیشنهادی ارتباطات زیاد است و جمعی از نمایندگان معتقدند به احتمال قریب به یقین او از مجلس رای اعتماد نمی‌گیرد، آیا همین‌طور است؟

▲ من از رای و نگاه دیگر نمایندگان خبر ندارم ولی من خودم از نزدیک آقای جهرمی را دیدم، جوانی است که می‌شود نمایندگان به او رای اعتماد بدهند.

تعابیر متنوعی در توصیف دولت دوازدهم مطرح می‌شود، برخی دولت دوم آقای روحانی را فراجحای می‌خوانند و برخی نیز آن را ائتلافی توصیف می‌کنند، نظر شما چیست؟

▲ نمی‌توان از این تعابیر استفاده کرد چون جناح زیاد مطرح نیست. در بین وزرای پیشنهادی برخی اصلاح‌طلب و برخی اصولگرا هستند و واقعاً بیشتر وزرا رویکرد اعتدالی دارند. بالاخره آقای روحانی باید ۲۴ میلیون رأی که پایگاه اجتماعی اصلاح‌طلبان به او دادند را مدنظر داشته باشد.

وقتی شما لیست ۱۷ نفره وزرای پیشنهادی را مشاهده کردید آیا صدای این ۲۴ میلیون نفر را شنیدید؟

▲ بله تا حدودی هست.

اینکه می‌گویند حزب اعتدال و توسعه خیلی در انتخاب وزرای پیشنهادی اعمال نفوذ کرده صحت دارد؟

▲ خیر، وزرای پیشنهادی اصولگرای معتدل و اصلاح‌طلب اعتدالی هستند.

به نظر شما مجلس چه برخوردی با لیست وزرای پیشنهادی انجام خواهد داد؟ آیا همه آنها رای اعتماد می‌گیرند؟

▲ من که نمی‌توانم از جانب کل مجلس نظر بدهم چون بررسی کارنامه و سوابق وزرای پیشنهادی تازه شروع شده است تا چند روز آینده مشخص می‌شود مجلس به چه کسی رای اعتماد می‌دهد و به چه کسی رای اعتماد نمی‌دهد.

قبل از اعلام اسامی وزرای پیشنهادی، برخی اصلاح‌طلبان معرفی رحمانی فضلی به عنوان وزیر پیشنهادی کشور را خط قرمز معرفی می‌کردند. نظر فراکسیون امید چیست؟

▲ هنوز جمع‌بندی نکردیم.

اینکه اصلاح‌طلبان انتظار داشتند یک وزیر از اردوگاه سیاسی آنها برای تصدی سکان وزارت کشور معرفی شود انتظار بجایی بود؟

▲ به این صورت که هیچ‌گاه ما مطرح نکردیم. همیشه به رئیس‌جمهور توصیه داشتیم هوای ۲۴ میلیونی را که به او رای دادند در معرفی اعضای کابینه داشته باشد.

پس چرا اصلاح‌طلبان در کل ناراحت هستند و اعلام نگرانی می‌کنند؟

▲ فعلاً که فراکسیون امید اظهار نظر رسمی نکرده است. برخی ممکن است حرف‌های شخصی خود را بزنند. همان‌طور که گفتم قرار است در چند روز آینده جمع‌بندی نظرات را در فراکسیون امید داشته باشیم و بعد سخنگوی فراکسیون نظر نهایی مجموعه ما را اعلام می‌کند.

بیشتر اصلاح‌طلبان خارج از مجلس اظهار دغدغه و نگرانی می‌کردند. البته خود آقای عارف و آقای تابش نیز چنین موضعی را اتخاذ کردند.

▲ خواسته ما این بود که از خانم‌ها نیز یک وزیر در کابینه باشد اما عملی نشد. حالا باید دید مجلس چه نظری می‌دهد. ان شاء الله که درست شود.

آیا امکان دارد در روزهای آینده قبل از جلسه رای اعتماد آقای روحانی نظری را درباره بعضی وزرای پیشنهادی تغییر دهد؟

▲ خیر، البته آقای رئیس‌جمهور اختیار دارد و می‌تواند این کار را انجام دهد اما تاکنون صحبت این چنینی نشده است.

اینکه در اواسط دولت دوم خود آقای روحانی بخواهد تغییراتی در کابینه بدهد چطور؟

▲ اول باید بگذاریم وزاری که از مجلس رای اعتماد می‌گیرند کار کنند. از حالا که نمی‌توانیم اظهار نظر کنیم. مسلمانان نمایندگان مجلس از بُعد نظارتی رصد می‌کنند. اگر وزیری خوب کار نکند تعارف ندارند و با او برخورد می‌کنند.

برخی وزرای پیشنهادی جدید نسبت به دولت یازدهم را به سه گروه اصلاح‌طلب، اصولگرا و اعتدالی تقسیم می‌کنند و می‌گویند آقایان بیطرف و کرباسیان گرایش اصلاح‌طلبی، آقای عباس صالحی گرایش اصولگرایی و آقایان شریعتمداری و جهرمی گرایش اعتدالی دارند، آیا این تقسیم‌بندی درست است؟

▲ خیر، زیاد به نظر من درست نیست.

درباره معرفی دوباره آقای رحمانی فضلی برای وزارت کشور انتقادهای زیادی مطرح شد، آیا آقای لاریجانی به او کمک می‌کند که حتماً از مجلس شورای اسلامی رای اعتماد بگیرد؟

▲ من از آقای لاریجانی نپرسیدم که این کار را انجام می‌دهد یا خیر. بالاخره آقای رحمانی فضلی را منتسب به آقای لاریجانی می‌دانند. آقای لاریجانی رئیس مجلس است و نمایندگان نیز برای خودشان استقلال رای دارند. شاید آقای لاریجانی توصیه‌ای درباره رای اعتماد به وزرای پیشنهادی انجام دهد اما نمی‌تواند به نمایندگان بگوید به فلان وزیر رای اعتماد بدهید یا نه.

در مجموع وضعیت آقای رحمانی فضلی در مجلس چگونه است، آیا خیالش از گرفتن رای اعتماد راحت است یا آنکه لب مرز قرار دارد؟

▲ هنوز نمی‌توانم نظر قطعی بدهم، چون فراکسیون امید به جمع‌بندی نهایی نرسیده است. ►



رحمانی فضلی رای می‌آورد

گفت‌وگوی مثلث با محمد قمی

امید کرمانی‌ها

خبرنگار

رئیس‌جمهور در نامه‌ای لیست ۱۷ وزیر پیشنهادی خود را به مجلس شورای اسلامی داد، درباره کسانی که نامزد تصدی جایگاه وزارت شدند، تحلیل‌های مختلفی مطرح می‌شود، نظر شما چیست؟

▲ وزاری که معرفی شدند، زندگی‌نامه و سابقه فعالیت اجرایی‌شان را مطالعه کردم، ان شاء الله که موجب تعالی و رشد در حوزه‌های مسئولیت خودشان شوند و در راه رفاه و حل مشکلات مردم تلاش و کوشش فراوانی انجام دهند ولی به نظر می‌رسد تیم اقتصادی دولت دوازدهم خیلی قوی نیست. آنچه دغدغه امروز رهبری و مردم محسوب می‌شود بحث توجه به رونق اقتصادی، ایجاد اشتغال و رفع بیکاری است. با ترکیبی که تیم اقتصادی دولت دوازدهم خواهد داشت فکر نمی‌کنم تغییر ویژه و معناداری را با دولت یازدهم در این حوزه شاهد باشیم. ضمن آنکه لازم به یادآوری است برای وزارتخانه‌هایی مثل آموزش و پرورش و همچنین آموزش عالی فکر درست و درمانی نشده است و از این جهت هم ما برای مسائل فرهنگی کشور نگران هستیم. البته دولت و وزرا مسئولند اما مجلس هم مسئول است بنابراین همه کارها و

▲ سیاست و شعارهای آقای روحانی بر پایه اعتدال است پس دولت او هم اعتدالی است.
 آیا استفاده از تعبیر ائتلافی را برای دولت دوازدهم قبول دارید؟
 ▲ خیر، من اعتدال را قبول دارم.
 چرا معتقدید دولت دوم آقای روحانی اعتدالی نیست؟
 ▲ چون هم از این طرفی ها و هم از آن طرفی ها در کابینه خود افرادی را گذاشته است. یعنی می خواهد معتدل باشد.

به نظر شما مجلس درباره این وزاری که معرفی شدند با چه نگاهی بررسی و ارزیابی می شود؟
 ▲ وزاری پیشنهادی تازه زندگی نامه و برنامه های شان را ارائه دادند اما کم کم فراکسیون ها و کمیسیون ها مشغول مطالعه می شوند به نظر من بعد از مطالعه باید به جمع بندی و نتیجه گیری رسید.

آقای عبدالرضا رحمانی فضلی دوباره برای وزارت کشور معرفی شد، خیلی از نمایندگان معتقدند آقای رحمانی فضلی عملکرد خوبی در حوزه انتخاب استانداران و برگزاری انتخابات نداشته است، آیا بهتر بود شخص دیگری معرفی می شد؟
 ▲ با این سیاست های آقای روحانی، آقای رحمانی فضلی گزینه خوبی است.

اما نایب رئیس فراکسیون مستقلان گفته اگر قرار باشد سه وزیر پیشنهادی بیفتد یکی از آنها رحمانی فضلی خواهد بود، احتمال دارد آقای رحمانی فضلی از مجلس رای اعتماد بگیرد؟
 ▲ خیر بعید می دانم. رای اعتماد می گیرد.

این حمایتی که از آقای رحمانی فضلی می شود از جانب آقای لاریجانی خواهد بود یا از جانب هر سه فراکسیون سیاسی مجلس این حمایت انجام خواهد شد؟

▲ خیر، آقای روحانی خودش مستقل برای معرفی آقای رحمانی فضلی به عنوان وزیر پیشنهادی کشور تصمیم گرفت. این مساله را نیز آقای لاریجانی اعلام کرد.

آخرین سؤوال درباره انتخاب آقای محمد شریعتمداری برای تصدی وزارت صنعت، معدن و تجارت است، به نظر شما آیا این انتخاب مناسبی بود؟

▲ آقای شریعتمداری نیروی جوان تری است، انرژی و توان بیشتری دارد. ضمن آنکه براساس مواضع صریحش اصلاح طلب محسوب می شود. در مجموع سابقه فعالیت اجرایی اش نیز موفق بوده است. البته آقای نعمت زاده نیز مجرب است، اما با توجه به افزایش سن در مسئولیت مشاور بهتر می تواند نقش ایفا کند. ►



آقای روحانی خودش مستقل برای معرفی آقای رحمانی فضلی به عنوان وزیر پیشنهادی کشور تصمیم گرفت

۳ لیست وزرای پیشنهادی به ایستگاه بهارستان رسید اما رونمایی از این لیست خیلی نیز با استقبال مواجه نشد، اگر تادیروز اصلاح طلبان اظهار دغدغه و نگرانی می کردند اما امروز فعالان حوزه زنان و خانواده و حتی قومیت ها نیز می گویند انتظارات شان برآورده نشده است. ضمن آنکه تعدادی از نمایندگان به صراحت گفتند روحانی باید فکر آنکه کل وزرای پیشنهادی اش از مجلس رای اعتماد بگیرند را از فکرش خارج کند. محمد قمی عضو فراکسیون امید مجلس نیز معتقد است کابینه دوازدهم هم سطح کابینه یازدهم و حتی در برخی حوزه ها ضعیف تر است.

▲ همان طور که گفتیم این مساله موضوعی است که خود رئیس جمهور باید درباره اش توضیح دهد.
 پیش از آنکه رئیس جمهور، وزرای پیشنهادی خود را اعلام کند مطرح می شد که آقای نهاوندیان برای سکانداری وزارت اقتصاد و دارایی در نظر گرفته شده است، آیا او بهتر بود یا آقای کرباسیان؟
 ▲ حالا که نیامده است پس نباید درباره او صحبت کنیم.

شما در حوزه مسائل فرهنگی نیز اظهار دغدغه و نگرانی کردید، آقای صالحی امیری ۹ ماه پیش از مجلس شورای اسلامی رای اعتماد گرفت اما به طور غیرمنتظره ای دیگر به عنوان وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی به مجلس معرفی نشد، به نظر شما مدیریت آقای عباس صالحی وزیر پیشنهادی فرهنگ و ارشاد اسلامی نسبت به آقای صالحی امیری تفاوتی خواهد داشت چون رویکرد سیاسی آقای عباس صالحی آنطور که می گویند نزدیک به اصولگرایی است اما آقای صالحی امیری مشی اصلاح طلبی دارد؟

▲ به هر جهت آقای عباس صالحی معاون آقای صالحی امیری بود، بنابراین در سیاست های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی فکر نمی کنم تغییری حاصل شود. حالا اینکه چرا آقای امیری را برداشتند و اینکه آیا فشاری وجود داشته یا خیر، من اطلاع ندارم ولی فکر نمی کنم تغییر محسوسی در مدیریت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به وجود آید ولی در مجموع آنچه من درباره مسائل فرهنگی اعلام دغدغه کردم مربوط به وزارتخانه های آموزش و پرورش و علوم بود.

آقای بیطرف هم به عنوان وزیر پیشنهادی نیرو به جمع اعضای کابینه اضافه شد، با توجه به رویکرد اصلاح طلبی و عملکردی که در گذشته داشت بفرمایید نسبت به آقای چیت چیان چگونه عمل خواهد کرد؟

▲ آقای بیطرف، مدیر مطمئن و مجربی است. البته آقای چیت چیان هم وزیر مجربی بود اما مثل اینکه خود او نخواست که در دولت بماند. آقای بیطرف با توجه به تجربه وزارت و اینکه رشته تحصیلی اش هم نسبت با حوزه کاری اش تناسب دارد به نظر می آید که تغییر مهمی در مدیریت وزارت نیرو ایجاد نمی شود.

به نظر می آید در حوزه اقتصادی دولت همین آقایان بیطرف و کرباسیان نماد اصلاح طلبی محسوب می شود، آیا این سطح حضور در تیم اقتصادی برای اصلاح طلبان تأمین رضایت می کند؟

▲ بحث اصولگرایی و اصلاح طلبی نیست باید وزرا مشکلات مردم را حل کنند.

در توصیف کابینه دولت آینده از تعبیر مختلفی استفاده می شود، ائتلافی، فراجانبی و ملی؛ شما کدام تعبیر را برای توصیف دولت دوم آقای روحانی مناسب می دانید؟



تلاش ها برای انتخاب مناسب با این هدف انجام می شود که مردم امنیت، رفاه و آسایش داشته باشند. باز هم می گویم که دولت دوازدهم فرقی با دولت یازدهم نمی کند و حتی در بعضی موارد شاید ضعیف تر هم شده باشد.

شما به تیم اقتصادی دولت اشاره کردید، آقای طیب نیا دیگر در دولت آینده وزیر امور اقتصاد و دارایی نخواهد بود و جای خود را به آقای کرباسیان می دهد، به نظر شما آقای کرباسیان قوی تر از آقای طیب نیا خواهد بود یا آنکه بهتر می شد رئیس جمهور همان آقای طیب نیا را برای تصدی عالی ترین مقام این وزارتخانه معرفی می کرد؟

▲ آقای کرباسیان مجرب و با تجربه در کارهای اقتصادی است اما رشته تحصیلی او مرتبط با حوزه اقتصاد و دارایی نیست. درباره آقای طیب نیا همه می دانند او یک استاد برجسته دانشگاه در رشته علوم اقتصادی است و با توجه به شرایط اقتصادی کشور به نظر من او خوب کار کرد.

به نظر شما چرا آقای طیب نیا از تداوم حضور در دولت کنار گذاشته شد و به جای او آقای کرباسیان قرار است سکاندار وزارت اقتصاد و دارایی شود؟
 ▲ نمی دانم، این سؤالی است که باید از آقای

رئیس جمهور پرسیده شود.

برخی معتقدند آقای روحانی می خواست در دولت دوم خود تیم اقتصادی کابینه را هماهنگ تر کند چون مطرح می شود بین آقای طیب نیا و سیف به لحاظ دیدگاه های اقتصادی هماهنگی دیدگاه وجود ندارد، آیا هدف رئیس جمهور از تغییر وزیر اقتصاد و دارایی آن بود که اعضای تیم اقتصادی دولتش همسو تر عمل کنند؟

روزانه حجم بسیاری از عکس‌های خبری به ما می‌رسد. تعداد این عکس‌ها آنقدر زیاد است که گاهی به راحتی از کنار آن عبور می‌کنیم اما شاید بهتر باشد روی بعضی از عکس‌ها تأمل بیشتری داشته باشیم. مثلث در این صفحات، هفته را با مرور عکس‌ها از نو یادآوری می‌کند.

تصویرنگاری



رهبری در مراسم تنفیذ، از تعامل با جهان در عین مقابله با نظام سلطه سخن گفتند



احمدی نژاد جای خود را عوض کرد و کنار حسن خمینی نشست



ناطق نوری از مهمترین حامیان روحانی است



آقای علوی همچنان وزیر اطلاعات خواهد ماند



حسین فریدون تک و تنها انتهای مجلس نشسته است



روحانی سوگند خورد از حقوق ملت دفاع کند



به نظر می‌رسد نقش جهانگیری در دولت جدید کمتر شده باشد



محمد جواد ظریف و شیخ نعیم قاسم به گرمی یکدیگر را در آغوش گرفتند



همسر آیت‌الله در غیاب او به مراسم آمد



ایشان گویا دختر جناب رئیس جمهور هستند

قدرت گرفتن اعتدال و توسعه

اکنون زمان سیاست‌ورزی بوروکرات‌هاست آنهم در زمانه‌ای که کارگزارانی‌ها به‌عنوان برادر بزرگتر اصلاح‌طلبان سخت‌کوش‌تر از همیشه به‌تحرز می‌اندیشند. رقابت جالب است؛ بوروکرات‌ها با کمک روحانی به جدالی بی‌صدا و تعیین‌کننده با تکنوکرات‌ها رفته‌اند.

سیاست

بوروکرات‌ها به جای تکنوکرات‌ها

حزب اعتدال و توسعه قدرت گرفته است؟



روحانی اما بازی را بزرگتر دیده است. او در سال‌های نزدیک پیش روی خود حتماً با طیف‌های مختلف جناحی مواجه خواهد بود که خیلی وقت است ابایی ندارند بگویند «قطب» مقابل دولت مستقر هستند.

او با اصولگرایی مواجه است که به‌رغم تکتورها و گرایش‌های مختلف در مواجهه با او در حوزه‌های بسیاری هم‌نظرند و هم‌فکر. این یعنی اینکه تشکیل یک ائتلاف بر سر رقیب مشترک (که همانا خود اوست) را حتماً متصور است. دقیقاً در همین جای ماجراست که او پی می‌برد مشکل تنها با نوبخت و دوستانش حل نمی‌شود. او باید جهاز سنگین تری برای روزهای سخت پیش رو آماده کند.

حالا وقت آن است که یادآوری شود روحانی یک سانس‌لیست سیاسی است. او در میان دو جناح قرار گرفته و فقط نگاهش را به اصلاح‌طلبان ندوخته است. شیخ دوستانی هم دارد که روز و واقعه حاضر باشند در شرایط خاص که البته از هم اکنون باید پایه‌هایش چیده شود، با او بر سر یک میز بنشینند و مقدمات یک ائتلاف تاکتیکی دیگر را پدید آورند.

اگر صورت مساله این باشد باید به این فکر کنیم کدام اصولگرایان از همه به او نزدیک‌ترند؛ علی‌اکبر ولایتی و علی لاریجانی. در تمام مدت گذشته یکی در سیاست خارجی بار سنگین مواجهه با منتقدان را در پیدا و پنهان کم کرده و آن دیگری تمام تلاشش را کرده که در پارلمان، روزهای سخت رئیس‌جمهور اندکی راحت‌تر بگذرد. هر چند این روزها علی‌اکبر ولایتی در فاصله‌ای دورتر از حسن روحانی ایستاده است.

روحانی برای اینکه به سیاست‌ورزی‌اش در سال‌های پیش رو ادامه دهد و خود را از سایه بلند اصلاح‌طلبان خارج کند راهی ندارد جز اینکه ائتلاف‌های تازه تشکیل دهد. هم‌چسپی‌هایش را با بال‌های دیگر سیاست ایران بیشتر کند و البته در این میان برای خود یک گرانگاه داشته باشد. او رفقای این چند ساله‌اش را ترجیح داده است. به حزب می‌اندیشد، به اینکه می‌تواند با حزب خودش جای پای بیشتری در سیاست ایران برای خودش باز کند. همین است که او به اعتدال و توسعه نگاه سنگین تری انداخته است.

اکنون زمان سیاست‌ورزی این بوروکرات‌هاست آنهم در زمانه‌ای که کارگزارانی به‌عنوان برادر بزرگتر اصلاح‌طلبان سخت‌کوش‌تر از همیشه به‌تحرز می‌اندیشند. رقابت جالب است؛ بوروکرات‌ها با کمک روحانی به جدالی بی‌صدا و تعیین‌کننده با تکنوکرات‌ها رفته‌اند. ▶

نکنند. پس حالا با آمدن روحانی نزدیک‌ترین اصلاح‌طلبانی بودند که می‌توانستند روی صندلی‌های ساختمان هیأت دولت تکیه بزنند. همین موقعیت ویژه موجب شد که کارگزارانی‌ها برای خود در میان اصلاح‌طلبان نقشی بالاتر از یک حزب ببینند.

آنها سطح توقع سیاسی خود را آن‌چنان بالا بردند که چهره‌های مهمی از اصلاح‌طلبان توصیه کردند بهتر است باقی‌راه تا ایستگاه بعدی به لیدری کارگزاران سازندگی طی شود. از نظر آنها این تکنوکرات‌ها دو ویژگی مهم داشتند:

۱- نزدیکی به دولت حسن روحانی
۲- حساس نبودن حاکمیت به آنها

کارگزاران تبدیل به یک برادر بزرگتر شده بود. از داخل جلسات سیاسی این حزب نسخه‌های انتخاباتی صادر می‌شد و غلامحسین کرباسچی در نشریه سازمانی حزب؛ فرمان شبیه‌سازی مجلس پنجم را صادر می‌کرد. محمد قوچانی، عضو تازه کارگزاران سازندگی، برای تشکیل مجلسی به ریاست فردی مانند ناطق نوری دلیل کنار هم ردیف می‌کرد و جملگی با هم کنایه روانه «ندا» و «عارف» می‌کردند. آنها در دولت از معاون اول تا وزارتخانه مهم را هم در اختیار داشتند. حسن روحانی به خوبی همه این شرایط پیرامون خودش را رصد می‌کند. برادر بزرگتر اما گویا چندان قابل اعتماد نبوده است. در همین دولت درست در کنار کارگزارانی‌ها، بوروکرات‌هایی هستند که برای روحانی حتماً قابل اعتماد‌ترند. باید روی آنها سرمایه‌گذاری کرد. آنها می‌توانند در آینده نقش مهمی بازی کنند.

همین هم بود که در همان سال اول دولت نخست روحانی بعد از مدت‌ها آنها کنار هم نشستند. همایش برگزار کردند و پیش‌روتر از همه محمدباقر نوبخت بود که خود را مقابل قاب دوربین رسانه‌ها قرار داد.

احتمالاً حس تلخی به کارگزارانی‌ها دست داده بود. آنها خوب می‌دانستند معنای این همایش چیست. روحانی دست‌عوض کرده بود. حالا فقط آنها نیستند که می‌توانند با عاریه گرفتن شمایل سیاسی و گفتمانی حسن روحانی با حزب‌شان به اکت سیاسی خارج از دولت مشغول باشند. برای آنها رقیب پیدا شده بود؛ یک رقیب که می‌توان با دلایل قابل شماری «قدرتمند» ارزشیابی‌اش کرد.

دیگر حتماً اصلاح‌طلبان هم روی کارگزارانی‌ها به‌عنوان برادر بزرگتر حساب باز نمی‌کردند. اکنون که دولت حسن روحانی دوباره در آستانه شکل‌گیری است شاید زمان سیاست‌ورزی دولتی کارگزاران تمام شده، شاید هم باید سهمش کمتر از قبل شود. هر کدام از این دو فرضیه به‌درست باشد، حزب غلامحسین کرباسچی با شرایط جدیدی روبه‌رو شده است. حالا این اعتدال و توسعه است که در دولت قدرت بیشتری گرفته است.

مصطفی صادقی

دبیر تحریریه



درست وقتی که اصلاح‌طلبان فکر می‌کردند با پیروزی مجدد حسن روحانی در انتخابات ریاست جمهوری آنها یک‌تاز سیاست ایران خواهند شد ناگهان یک چرخش غیرمنتظره اصلاح‌طلبان را شگفت‌زده کرده است. روحانی باز به اعتدال و توسعه چشم دوخته و گویا تلاش می‌کند آنها را به چشم اهل سیاست بیاورد. شاید از همین رهگذر است که محمود واعظی را به ریاست دفتر خود انتخاب کرده، آن هم در شرایطی که عدم توجه به خواست‌های کارگزارانی‌ها حتی اسحاق جهانگیری را به استعفا کشانده است. شاید این تغییر چندان بیراه نباشد که از دولت، بوروکرات‌ها به صف ایستاده‌اند و از پارلمان محافظه‌کاران، پشت پرده بیعتی مجدد با هم کرده‌اند؛ ائتلافی میان محافظه‌کاران جناح راست و جناح چپ. کارگزاران و سایر اصلاح‌طلبان حالا گویا بیش از همیشه به سنجش درستی این گزاره فکر می‌کنند: «روحانی دست‌عوض کرده است.»

یک فرضیه

حسن روحانی یک سیاستمدار محافظه‌کار است. اگر از واکنش‌های تند و تیز به منتقدان بگذریم باید بگوییم که او سیاست را با حوصله دنبال می‌کند، اکت‌های سیاسی‌اش را با فاصله اما کامل، با مقدمه و موخره انجام می‌دهد. ریاست جمهوری او نه محصول یک اتفاق بلکه حاصل یک فرآیند است. روحانی از میان انشاق‌ها و پیوندهای ایجاد شده از دوران ریاست جمهوری احمدی‌نژاد به‌باستور رسیده است. او حالا بهتر از هر کس دیگری می‌داند که عامل این انشاق‌ها و پیوندها دستش از سیاست رسمی ایران کوتاه شده و او باید برای خود، هویت سیاسی‌اش و چرایی باقی ماندنش در قدرت دلایل مهمتری پیدا کند. روحانی را اگرچه می‌توان در دایره سیاستمدارانی به‌شمار آورد که تلاش می‌کنند در میانه دو جناح ایستاده و از هر دو طیف یارگیری کنند اما واقعیت این است که سید او از سیاست داخلی ایران چندان پر نیست. اکنون در آغاز دوره جدید دولت او، اصولگرایان و اصلاح‌طلبان به او نه به‌عنوان متولف و نه به‌عنوان رقیب بلکه به‌عنوان یک دولت‌گذار، یاد می‌کنند. برداشت هر دو سوی میدان این است که حسن روحانی محصول یک شرایط و دوران ویژه است و درست به همین دلیل است که آنها از همان روز پیروزی خود، تابوی روزشمارشان را برای بازگشت به قدرت روشن کردند. در این میان اما اصلاح‌طلبان خود را به دولت نزدیک‌تر و اصولگرایان هم زاویه‌شان را بیشتر کردند تا از همان آغاز قطب مقابل او باشند.

حسن روحانی یک سیاستمدار زیرک است؛ او با رصد شرایط به خوبی پی برده که پیرامونش چه می‌گذرد. او حتماً نمی‌خواهد رئیس‌جمهوری باشد که پس از دوران صدرارش به سرنوشت خاتمی و احمدی‌نژاد دچار شود. با چنین فرضیه‌ای شاید بتوان علت قدرت دادن به اعتدال و توسعه را معنا کرد.

علیه برادر بزرگتر

خیلی طبیعی است اگر بگوییم نتیجه انتخابات بیش از هر کسی به مذاق کارگزارانی‌ها خوش آمده بود. آنها دوباره فردی شبیه هاشمی‌رفسنجانی را در اتاق رئیس‌جمهور می‌دیدند. در دوران دوری از قدرت، اوضاع کارگزاران همیشه مطلوب‌تر از سایر اصلاح‌طلبان بوده است. حصلت محافظه‌کار و تکنوکرات آنها باعث شده بود چندان خود را درگیر هزینه اکت‌های سیاسی ماجراجویانه



روحانی به حزب می‌اندیشد، به اینکه می‌تواند با حزب خودش جای پای بیشتری در سیاست ایران برای خودش باز کند

سرنوشت یک حزب

اعتدال و توسعه چگونه به قدرت رسمی بازگشته است

علی گنجی
روزنامه نگار

۲ «در جناح اصلاح طلب یک جریان افراطی در همان اول کار آقای خاتمی وجود داشت و عجیب هم بود وقتی من با آقای خاتمی تنهایی صحبت می کردم از رفتارهای افراطی تیم اصلاح طلب خودش به شدت دلخور بود. نه همه اما از افراطی های تیمش واقعا دلخور بود. این امر باعث شد که ما به فکر یک جریان اعتدال بیفتیم. در میان این افراد من بودم، آقایان علی جنتی، محمود واعظی، محمدباقر نوبخت، مرتضی بانک، شیخ عطار و... هم حضور داشتند. این بچه هایی بودند که ما با هم تاسیس حزب را پیگیری می کردیم. اولین ویژگی ای که ما دنبال می کردیم ارادت به رهبری به عنوان ستون نظام بود. دوم اینکه نه افراد حزب متعلق به طیف افراطی جناح راست باشند، نه طیف افراطی جناح اصلاح طلب. افراد میانه و معتدل هر دو جناح؛ یعنی تری سیاسی ما این بود که برای نجات کشور از جناح بازی و باندبازی و دعوای جناحی، باید اعتدال پیگیری شود. اگر نیروهای معتدل، متدین معتقد به رهبری و قانون اساسی؛ اینها بتوانند یک جریانی را درست کنند؛ این در آینده مبنای یک انسجام ملی می تواند باشد. در واقع تاسیس حزب اعتدال بعد از مشاهده جریان افراطی در جریان اصلاح طلب بود. خاطرات هست، جریان ۷۸ و دانشجوها و آن بساطی که آن زمان راه افتاد واقعا مایه نگرانی بود. هرکس، دلسوز انقلاب بود باید نگران می شد. جناحی هم بودند که از کارگزاران فاصله گرفتند و به اعتدال پیوستند، مانند آقای ترکان که اگر عضو کارگزاران هم نبود در آن طیف تعریف می شد، یا مانند آقای نعمت زاده. ممکن است که اینها عضو رسمی کارگزاران نبودند اما در آن طیف تعریف می شدند. خب اینها آمدند به سمت جریان اعتدال. من فکر نمی کنم امروز هم حزب اعتدال گرایش بیشتری به کارگزاران داشته باشد. ولی خب، طبیعی است که افراد کلیدی حزب امروز در دولت هستند. آنها سهم و نقش موثری در دولت دارند. ما کارگزاران را معتدل نمی دانستیم، در غیر این صورت ما به کارگزاران می پیوستیم.

ما فکر می کردیم کارگزاران نمی تواند شامل جناح معتدل متدین راست باشد، با آن شاکله ای که درست شده بود. مثلاً فرض کنید که در حزب اعتدال آقای ایروانی آمد، که وزیر اقتصاد بود. آقای قاسمی آمد، خود آقای بانک؛ اینها بچه هایی بودند که همه از جناح راست آمده بودند و نمی توانستند بروند به کارگزاران و نمی شد آنها را در آن طیف تعریف کرد. یعنی اگر ما فکر می کردیم که کارگزاران می تواند جریان اعتدال باشد خودمان هم می پیوستیم. خود من هم همان زمان به کارگزاران دعوت شدم اما نپیوستم. معتدل نبودند. به نظر من معتدل نبودند.» این روایت حسین موسویان است از ماجرای تاسیس حزب اعتدال و توسعه، حزبی که این روزها قدرتی مجدد گرفته و نقشی مهم در دولت ایفا خواهد کرد.

روایت یک حزب سازی

فضای تک قطبی پس از دوم خرداد ۷۶ جمعی از سیاستمداران که ترکیبی از وکلا، سفرا و وزرای سابق بودند را به این نتیجه رساند تا مشی سیاسی مبتنی بر میانه روی را در صحنه سیاسی کشور تقویت کنند. این

ایده به خصوص پس از حوادث تلخ تیر ماه سال ۷۸ و نیز قدرت گرفتن تندروهای برآمده از جریان سیاسی چپ، با جدیت بیشتری دنبال شد. مهم ترین بنیانگذاران حزب اعتدال و توسعه عبارتند از: محمدباقر نوبخت، محمدرضا نعمت زاده، اکبر ترکان، فاطمه هاشمی رفسنجانی، محمود واعظی، حسین موسویان، سیداحمد زرهانی، مرتضی محمدخان، محمدحسن تولایی و زهرا پیشگاهی فرد. چهره های مذکور پاییز سال ۱۳۷۸ پس از دیدار با آیت الله اکبر هاشمی رفسنجانی و مشورت با وی بر عملی کردن تصمیم شان جدی تر شدند. رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام در این دیدار گفته بود: «اداره کشور با یک جناح فاجعه است و در عوض همه نیروهای معتدل در دو جناح باید متحد شوند تا توسعه سیاسی- اقتصادی را پیش ببرند و ستون های نظام را تقویت کنند.» هاشمی این سخنان را در دوره ای ابراز کرد که از یک سو حزب کارگزاران سازندگی توانسته بود در فضای سیاسی آن زمان جایگاه مناسبی پیدا کند و از سوی دیگر میدان، تندروهای نزدیک به جریان حاکم، در روزنامه هایشان، شدیدترین حملات را علیه هاشمی صورت می دادند. حضور فاطمه هاشمی رفسنجانی در شورای مرکزی حزب، خود گویای میزان اعتقاد هاشمی به اعتدال و توسعه ای ها بود. بنیانگذاران حزب، پس از مشورت با هاشمی با روحانی هم مشورت می کنند و وی از این تصمیم بسیار استقبال می کند. در نهایت در آستانه برگزاری انتخابات مجلس ششم- اسفند ۱۳۷۸- اعتدال و توسعه رسماً تشکیل و محمدباقر نوبخت به عنوان دبیرکل آن انتخاب شد. حسن روحانی از همان ابتدای تشکیل حزب در نقش رهبر، همراهی زیادی با بنیان گذاران آن داشت. در اولین کنگره حزب که بهمن ماه سال ۱۳۸۲ برگزار شد، کاظم جلالی (نماینده شاهرو)، حمیدرضا حاج بابایی (نماینده همدان)، مرتضی بانک، غلامعلی دهقان و مرحوم دکتر حمیدرضایی قلعه، مرحوم علی اکبر آقائی مغانجوقی (نماینده سلماس) و عده ای دیگر از فعالان سیاسی اعتدالگرا به عضویت شورای مرکزی درآمدند. البته، کاظم جلالی و حمیدرضا حاج بابایی پس از کمتر از ۴ سال از حزب کناره گیری کردند. حمید رضایی قلعه نیز اوایل خرداد سال ۱۳۹۲، پس از طی یک دوره بیماری سخت، در مالزی درگذشت. از او به عنوان یکی از نیروهای فکری و فاعل حزب یاد می شد. همچنین علی اکبر آقائی مغانجوقی نیز در فروردین ماه سال ۱۳۹۴ به دیار باقی شتافت.

می خواهیم شاد زندگی کنیم

اعتدال و توسعه با انتشار لیستی در انتخابات مجلس ششم، فعالیت حزبی اش را به صورت جدی آغاز کرد. در آن روزها عده ای حزب اعتدال و توسعه را بال راست و کارگزاران را بال چپ آیت الله هاشمی رفسنجانی تعبیر کردند. اما نگاهی به لیست انتخاباتی حزب نشان می دهد که اعتدال و توسعه از استراتژی هم این و هم آن استفاده کرده بود؛ به این معنی که تعدادی از چهره های معتدل جناح راست را در کنار جمعی از معتدلهای چپی گرد هم آورده بودند. البته سرلیست هم کسی نبود جز آیت... هاشمی رفسنجانی.

«می خواهیم شاد، سرفراز و در رفاه زندگی کنیم.» این شعار اصلی فهرست اعتدال و توسعه در انتخابات مجلس ششم بود که البته مشترکات بسیاری با فهرست

جامعه روحانیت مبارز داشت. انتخابات مجلس ششم با پیروزی مطلق جریان چپ و اصلاح طلبان همراه بود، در انتخابات مذکور هاشمی هرچند پس از بازشماری آرا توانست در جمع ۳۰ نفره تهران قرار بگیرد، اما از حضور در مجلس انصراف داد. با وجود این، محمدباقر نوبخت توانست با رای قابل توجهی برای چهارمین بار از حوزه انتخابیه رشت وارد مجلس شود. او در مجلس ششم، فراکسیون اعتدال را به همراه جمعی از همفکرانش تشکیل داد. در انتخابات ریاست جمهوری هشتم، اعتدال و توسعه از سیدمحمد خاتمی حمایت کرد. حمایتی که پررنگ نبود و از یک بیانییه فراتر نرفت. در این دوره حزب به آرامی، توسعه فعالیت ها و دفاتر استانی خود را دنبال می کرد.

ایستگاه مجلس هفتم

در انتخابات مجلس هفتم (۸ اسفند ۸۲) این حزب چهره های بیشتری از شورای مرکزی خود را در فهرست تهران گنجاند. برای مثال در لیست تهران نام ۴ نفر از اعضای شورای مرکزی اعتدال و توسعه به چشم می خورد؛ دکتر مجید قاسمی، دکتر زهرا پیشگاهی فرد، مرحوم دکتر حمید رضایی قلعه و غلامعلی دهقان. دبیرکل اما در انتخابات مجلس هفتم با وجود شانس بالای پیروزی از کاندیداتوری خودداری کرد تا فرصت بیشتری برای توسعه حزب در اختیار داشته باشد.

سنگ تمام برای هاشمی رفسنجانی

مهم ترین فعالیت حزب که منجر به شهرت بیش از پیش آن شد به انتخابات ریاست جمهوری نهم برمی گردد. اعتدال و توسعه به عنوان اولین حزب سیاسی ایران، در نیمه دوم سال ۸۳ رسماً از هاشمی رفسنجانی برای شرکت در انتخابات نهم دعوت به عمل آورد. این در حالی بود که حتی کارگزاران هم به فکر گزینه ای غیر از آیت... هاشمی رفسنجانی بود؛ این گزینه کسی نبود جز میرحسین موسوی.

همراه ۸۴ محمد عطریانفر از چهره های اصلی کارگزاران به روزنامه ایران گفته بود که حزبی به دنبال میرحسین موسوی است. کارگزاران در ادامه با نیامدن موسوی، چاره ای جز حمایت از هاشمی نداشت.

روزنامه ایران ۱۷ شهریور ماه ۱۳۸۳ صفحه اول خود را به تصاویری از میرحسین موسوی، اکبر هاشمی رفسنجانی و علی اکبر ولایتی اختصاص داد. روزنامه ایران در گزارش خود اظهاراتی از حمیدرضا ترقی و سیدحسن خمینی را در دعوت از علی اکبر ولایتی و میرحسین موسوی برای کاندیداتوری منتشر کرده بود. غلامعلی دهقان، سخنگوی دفتر سیاسی اعتدال و توسعه نیز در این گزارش با بیان اینکه هاشمی رفسنجانی برآیند معتدلهای جناح های سیاسی کشور است، کاندیداتوری وی را ضروری عنوان کرده بود.

پس از اعلام کاندیداتوری هاشمی رفسنجانی در اردیبهشت ۸۴ محمدباقر نوبخت، سخنگوی ستاد انتخاباتی وی شد. جلوداری این حزب نسبت به دو تشکیلات دیگر درون گفتگمانی و نزدیک به هاشمی رفسنجانی یعنی حزب کارگزاران سازندگی و حزب اسلامی کار باعث شد که نقش آفرینی حزب اعتدال و توسعه بیشتر به چشم آید.

هاشمی رفسنجانی در انتخابات سال ۸۴ نتوانست بر رقیب خود، محمود احمدی نژاد غلبه کند و این آغاز دور جدیدی از حیات سیاسی حزب اعتدال و توسعه بود. اعتدال و توسعه در مقطع ۸۴ تا ۸۸ یکی از احزاب اصلی منتقد محمود احمدی نژاد به خصوص در حوزه مسائل اقتصادی بود؛ دبیرکل و سخنگوی دفتر سیاسی حزب



همیشه انتقاداتی برای مطرح کردن داشتند. در این ۴ سال حزب به صورت مستمر جلسات شورای مرکزی را برگزار می کرد.

جداشدگان

حسن روحانی در سال های ۸۵ و ۸۶ بیشترین حملات انتقادی را متوجه دولت احمدی نژاد کرد. نوبت نیز دیدگاه های انتقادی حزب را مطرح می کرد. نظر برخی تحلیلگران سیاسی این بود که این انتقادات عمدتاً با هدف زمینه سازی برای فتح مجلس هشتم و کاندیداتوری حسن روحانی انجام می گیرد. حتی شنیده می شد که روحانی قرار است سرلیست حزب اعتدال و توسعه و نیز اصلاح طلبان برای انتخابات هشتم باشد. گفته می شود هاشمی رفسنجانی نیز خواهان حضور جدی حسن روحانی در انتخابات مجلس هشتم بوده است. با وجود این حسن روحانی و محمد باقر نوبخت، با عدم کاندیداتوری خود در انتخابات مجلس هشتم، نشان دادند که انتقادات شان از دولت، تبلیغات برای انتخابات نیست.

انتقادات تند روحانی و نوبخت برای حزب البته کم هزینه نبود. این انتقادات سبب شد که حزب در آستانه انتخابات مجلس هشتم، فشارهای سختی را متحمل شود. در همین ایام بود که ۴ نفر از اعضای این حزب، که دو نفر از آنان جزو بنیانگذارانش به حساب می آمدند، همزمان با ایام نام نویسی برای انتخابات مجلس هشتم با انتشار بیانیه ای، همقطاران شان را به خروج از مشی اعتدال و چرخش به سمت اصلاح طلبان متهم کرده و با اعلام استعفای خود، راهشان را اعتدال و توسعه جدا کنند. کاظم جلالی نماینده شاهرود، حمیدرضا حاجی بابایی نماینده همدان، محمدجواد ابروانی عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام و مجید قاسمی رئیس اسبق بانک مرکزی، امضا کنندگان این بیانیه بودند. بعدها از میان این ۴ نفر، جلالی رئیس مرکز پژوهش های مجلس شد و حاجی بابایی نیز صندلی وزارت را گرفت.

مجلس هشتم

به پیشنهاد مرحوم رضایی قلعه و با استقبال شورای مرکزی، سید محمود دعایی که در آن زمان به تاکید بر مشی اعتدالی شناخته می شد به عنوان سر لیست فهرست اعتدال و توسعه، در انتخابات مجلس هشتم انتخاب شد. سایر اعضای فهرست اعتدال و توسعه عبارت بودند از: مجید انصاری، سید محمد میرمحمدی، اسحاق جهانگیری، بهزاد قره یاضی، سیدرضا اکرمی، عباسعلی زالی، ابوالفضل حسن بیگی، علی عباسپور، سهیلا جلودارزاده، نیره اعظم خوش خلق سیما، فاطمه کروی، الهام امین زاده، رسول منتجب نیا، عادل آذر، مسعود سلطانی فر، محمدرضا راه چمنی، محمد اشرفی اصفهانی، حسین مظفر، الیاس حضرتی، وحید محمودی، اسدالله کیان ارثی، اسماعیل گرامی مقدم، رضا طلایی نیک، حسین میرمحمد صادقی، علیرضا محبوب، علی اکبر سیبویه، سلمان صفوی، امیررضا خادم و علی فتح الله زاده.

این حزب توانست در انتخابات مجلس هشتم، چند نفر از افراد لیست خود را از شهرستان ها به مجلس بفرستد؛ از جمله علی اکبر آقایی مغانجوقی (نماینده سلماس) و سیدنجیب حسینی (نماینده مینودشت و کلاله) دو عضو شورای مرکزی حزب اعتدال و توسعه بودند که به مجلس هشتم راه یافتند.

ایستگاه ۸۸

اعتدال و توسعه در انتخابات سال ۸۸ پس از عدم حضور نامزد اختصاصی خود- حسن روحانی- در کنار

اصلاح طلبان از میرحسین موسوی حمایت کرد. این حزب اما پس از اعلام نتایج انتخابات بلافاصله راه خود را از سایرین جدا کرد و از آنجا که خود را در چارچوب نظام تعریف می‌کرد و به آن وفادار بود، نتیجه انتخابات را پذیرفت. اعتدال و توسعه اما فعالیت‌هایش را به حداقل رساند به طوری که به گفته سخنگوی دفتر سیاسی حزب در سال ۸۹ فقط چراغی روشن بوده است.

از رکود تا پیروزی

بعد از انتخابات ۸۸ که فعالیت احزاب در کشور با رکود جدی مواجه شد، اعتدال و توسعه نیز به حالت نیمه‌فعال درآمد. این حزب حتی برای انتخابات مجلس نهم فهرستی ارائه نکرد. جلسات حزب اعتدال و توسعه از سال ۱۳۹۱ مجدداً فعال شد. غلامعلی دهقان، سخنگوی اعتدال و توسعه برای اولین بار در آبان ۱۳۹۱، در کنفرانس خبری در نمایشگاه مطبوعات خواهان حضور حسن روحانی در انتخابات ۱۳۹۲ شد. او تأکید کرد که اجرای استراتژی جذب حداکثری مطرح شده از سوی رهبری توسط حسن روحانی به بهترین شکل ممکن می‌تواند تحقق یابد. دهقان در شرایطی که کمتر کسی حضور حسن روحانی در انتخابات را جدی می‌گرفت، بارها بر ضرورت حضور روحانی تأکید می‌کرد.

سخنگوی اعتدال و توسعه در آخرین هفته اسفند ۱۳۹۱ از قطعی شدن حضور روحانی در صحنه انتخابات خبر داد که این بار با بازتاب‌های گسترده بین‌المللی نیز همراه شد. روزنامه کیهان در دی ۹۱ از روشن شدن چراغ انتخاباتی حسن روحانی توسط اعتدال و توسعه سخن گفت.

در ادامه اعضای شاخص اعتدال و توسعه، کلیدی‌ترین مسئولیت‌ها در ستاد روحانی را از آن خود کردند. محمدرضا نعمت‌زاده به عنوان رئیس ستاد، اکبر ترکان قائم مقام ستاد و محمداقرب نوبخت سخنگوی ستاد حسن روحانی بوده‌اند. علاوه بر این افراد، محمود واعظی و مرتضی بانک هم در حلقه حامیان روحانی حضور داشتند. کمی بعد شخصیت‌های نزدیک به جریان اعتدال و اصلاحات از جمله هاشمی‌رفسنجانی، سیدمحمد خاتمی و حسن خمینی از حسن روحانی حمایت کردند. در نهایت حسن روحانی توانست در انتخابات ریاست جمهوری اکثریت مطلق (۵۰/۷۱ درصد) آرا را به خود اختصاص دهد و هفتمین رئیس‌جمهور ایران شود. در انتخابات سال ۹۶ هم طبعاً اعتدال و توسعه نقش مهمی در ستادهای روحانی داشت. آنها افرادی نزدیک

به حسن روحانی هستند و حالا با رفتن محمود واعظی به دفتر روحانی قدرت بیشتری هم پیدا می‌کنند. طرفه آنکه محمد باقر نوبخت هم در دولت روحانی در سمت خود ابقا خواهد شد.

حزب از نگاهی دیگر

مهم‌ترین و تأثیرگذارترین چهره‌های تشکیل دهنده حزب افرادی مانند محمداقرب نوبخت، محمدرضا نعمت‌زاده، اکبر ترکان، فاطمه هاشمی، محمود واعظی و علی جنتی بودند. در دوره‌ای هم حمیدرضا حاجی‌بابایی و کاظم جلالی با اعتدال و توسعه همکاری کردند اما این همکاری تشکیلاتی به دلیل تفاوت دیدگاه‌ها استمرار پیدا نکرد و حاجی‌بابایی به همراه جلالی و قاسمی استعفا و از حزب بیرون آمدند.

اغلب چهره‌های تأثیرگذار این حزب در دولت یازدهم صاحب نفوذ بودند؛ دبیرکل حزب «معاون رئیس‌جمهور و سخنگوی دولت»، معاون دبیرکل «وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات»، اکبر ترکان «مشاور رئیس‌جمهور» و علی جنتی «وزیر سابق ارشاد» در دولت حضور داشتند. همچنین حضور فاطمه هاشمی در شورای مرکزی حزب در واقع امضای هاشمی‌رفسنجانی (ره) بر تشکیل اعتدال و توسعه بود. محمد قوچانی که پس از بازسازی به حزب کارگزاران سازندگی پیوست و هم‌اکنون سردبیری گروه رسانه‌های میهمین را برعهده دارد، در زمان حیات «آیت‌الله» پیرامون معرفی «کارگزاران و اعتدال و توسعه» نوشته بود: «کارگزاران بال‌چپ و اعتدال و توسعه بال راست هاشمی‌رفسنجانی است».

فعالیت‌های اعتدال‌گرایان در دو بخش قابل تشریح است. بخش نخست به قبل از پیروزی حسن روحانی در انتخابات ۹۲ اختصاص پیدا می‌کند. تا قبل از روی کار آمدن دولت «اعتدال» فعالیت‌های حزب اعتدال و توسعه محدود به برگزاری جلسات شورای مرکزی بود و خبری از حضوری فعال آنها در عرصه سیاسی کشور نبود به طوری که در انتخابات مجلس (ششم، هفتم و هشتم) فهرست جداگانه منتشر می‌کرد و در پازل ائتلاف «اصلاح‌طلبان» بازی داده نمی‌شد اما روی کار آمدن دولت اعتدال، حزب حامی رئیس‌جمهور در عرصه سیاسی جان گرفت و در تحرکات و نشست و برخاست‌های اصلاح‌طلبان دیده شد. هرچند که یاران حسن روحانی در اعتدال و توسعه ترجیح دادند در اکثر جلسات شورای عالی سیاست‌گذاری شرکت نکنند اما مجبور شدند از فهرست نهایی اصلاح‌طلبان در انتخابات مجلس دهم

حمایت کنند.

اعتدال و توسعه در چهار سال اول دولت «دبیر و امید» به دلیل حضور نیروهای کلیدی و تأثیرگذار در قوه مجریه تغییر رویکرد داد. از این رو سکان حزب به دفتر سیاسی و حلقه جوانان که وارد کار اجرایی نشده و بیشتر مشغول تدریس و کارهای مطبوعاتی بودند سپرده شد؛ اولین نمود آن برگزاری همایش جوانان در دانشگاه امیرکبیر با صدور پیام مرحوم آیت‌الله هاشمی و سخنرانی تعدادی از اعضای شورای مرکزی که در دولت یازدهم حضور داشتند (نوبخت، جنتی و بانک) بود.

انتخابات مجلس پایان یافت و از آنجا که اعتدال‌گرایان در انتخابات با اصلاح‌طلبان ائتلاف کردند، نیروهای همسو با حزب اعتدال و توسعه موفق شدند به خانه ملت راه یابند. البته نمایندگان نزدیک به این حزب بعد از جلوس بر کرسی‌های سبز بهارستان دیگر حاضر به همکاری با اصلاح‌طلبان (فراکسیون امید) نشدند و فراکسیون جدیدی تحت نام مستقلین راه اندازی کردند. دومین تحرک حزب اعتدال و توسعه در دوران قدرت، انتخابات ۹۶ بود. این حزب فقط در انتخابات ریاست جمهوری متمرکز شد و عطای انتخابات شوراها را به لقایش بخشید.

محمود واعظی «عضو شورای مرکزی حزب اعتدال و توسعه» که این روزها حاشیه‌های فراوانی برای حزب متبوعش ایجاد کرده است در گفت‌وگویی گفت: «حزب اعتدال و توسعه در انتخابات ۹۶ به دلیل اینکه انتخابات ریاست جمهوری مهم بود، اصلاً وارد بحث انتخابات شورای شهر نشد و تمام تمرکز خود را روی انتخابات ریاست جمهوری گذاشت».

پس از پیروزی روحانی در انتخابات ۹۶ انتظار می‌رفت با سرمایه‌گذاری‌هایی که حزب اعتدال و توسعه برای انتخابات کرد، به عنوان بازوی تأثیرگذار «روحانی» در داخل و خارج دولت ایفای نقش کند اما حاشیه‌ها به قدری سنگین شد که نفس اعتدال‌گرایان را گرفت. برگزاری نشست روسای کانون‌ها و دبیران استان‌های حزب اعتدال و توسعه بهترین فرصت برای اعلام انشعاب و اختلاف در بین یاران تشکیلاتی حسن روحانی بود.

فاطمه هاشمی‌رفسنجانی که از اعضای تأثیرگذار و شناخته‌شده حزب شاخته می‌شود در این جلسه از احتمال دو تکه شدن حزب اعتدال و توسعه خبر داد و با انتقاد از برخی اعضای حزب، گفت: «افرادی در جلسات حزب شرکت می‌کردند اما به نمایندگی از حزب در جاهای دیگر نظرات شخصی خود را بیان می‌کردند. مثلاً در مجلس لابی‌هایی می‌کنند بدون اطلاع حزب اما به اسم حزب تمام می‌شود که مورد اعتراض بسیاری اعضای حزب قرار گرفته است».

دختر مرحوم هاشمی‌رفسنجانی همچنین به انتقاد از ساختار حزب متبوعش پرداخت و تصریح کرد: «شورای راهبردی که تشکیل شده است امروز غیرقانونی است بنابراین باید اعضای شورای راهبردی وابستگی به حزب داشته باشند و بی‌انضباطی که شکل گرفته است طی نامه‌ای به دبیرکل ارائه شود و از او بخواهیم هر چه زودتر کنگره برگزار کنند و قبل از تشکیل کنگره جلسه‌ای با دبیران کل استان‌ها و روسای کانون‌ها برگزار شود».

اکبر ترکان «عضو دیگر شورای مرکزی» هم در این جلسه لب به انتقاد از حزب متبوعش گشود و گفت که اتفاقات اخیر که در داخل حزب رخ داد، اتفاقاتی نپخته و از نوع تصمیم‌گیری‌ها و لجبازی‌های کودکان بود و حل این قبیل مشکلات نیازمند گفت‌وگویی اساسی است.

وی اعتراف کرد: «حزب اعتدال و توسعه به یک

حزب تا انتخابات تبدیل شده است».



دومین تحرک حزب اعتدال و توسعه در دوران قدرت، انتخابات ۹۶ بود. این حزب فقط در انتخابات ریاست جمهوری متمرکز شد و عطای انتخابات شوراها را به لقایش بخشید.

بعد از آنکه انتخابات هیات رئیسه مجلس پایان یافت، حسین مرعشی با نوشتن مطلبی در کانال تلگرامی خود بار دیگر از تأثیرگذاری محمود واعظی وزیر ارتباطات دولت روحانی در این انتخابات به نفع اصولگرایان سخن گفت. این در حالی است که پیش تر واعظی هرگونه نقشی در این باره را تکذیب کرده بود. به نوشته حسین مرعشی، «فراکسیون امید، خیلی خوب و صحیح عمل کرد. اشکال در بخشی از دولت است، بخشی از دولت در سال قبل که مجلس شکل گرفت، به جای اینکه فراکسیون امید را تقویت کنند جریان مقابل را تقویت کردند». او در این نوشته ادامه داده است: «مشخصاً من این مسئولیت را متوجه آقای واعظی می دانم. آقای واعظی علاقه مند است جریان سوم در مجلس راه بیندازد و این جریان سوم، عملاً جریانی نمی شود جز اینکه در ائتلاف با اصولگرایان قرار می گیرد و امید را تضعیف می کند. این اشتباه سیاسی بخشی از دولت با محوریت آقای واعظی بود که بخشی از بدنه فراکسیون امید را تحت عنوان مستقلین جدا کرد و هدیه کرد به اصولگرایان». مرعشی یادآور شد: «در بخش منشی ها، ریشه مشکل برمی گردد به یک سال تلاش دوستانی تحت عنوان مستقلین که به هیچ وجه مستقل نیستند. آنها متحدان بی قید و شرط اصولگرایان هستند و تحت عنوان مستقلین، توانستند بخشی از بدنه فراکسیون امید را جدا کنند». در همان اثنای برگزاری انتخابات هیات رئیسه مجلس برای سال دوم، شایعه های متعددی درباره نقش و دخالت واعظی در این انتخابات سر زبان ها افتاد. واعظی از اعضای شورای مرکزی حزب اعتدال و توسعه، این شایعه ها را تکذیب کرده و در مطلبی در اینستاگرام خود نوشت: «اخبار نادرستی مبنی بر دخالت برخی از اعضای دولت در انتخاب هیات رئیسه مجلس شورای اسلامی در برخی شبکه های اجتماعی مطرح شده که قویاً تکذیب می شود».

این در حالی بود که تعدادی از نمایندگان هم در همان ایام در حساب های توئیتر خود مطالبی را در نقد نقض عهد، یادآوری می کردند که نشان از ناراحتی تلویحی آنها از دخالت ها در جریان انتخابات هیات رئیسه بود. به عنوان نمونه محمود صادقی، عضو فراکسیون امید در حساب توئیتر خود درباره این دخالت ها با ادبیاتی هشدارگونه چنین نوشته بود: «اگر برخی از وزرا دوباره در انتخاب هیات رئیسه مجلس مداخله کنند، سکوت نخواهم کرد».

همچنین چند روز پس از انتخابات هیات رئیسه وقتی واعظی برای پاسخ به سوالات نمایندگان در صحن علنی مجلس حاضر شد، هنگامی که محمود صادقی برای سلام و احوالپرسی به سمت او رفت، چند دقیقه ای در کنار واعظی ماندگار شد و با یکدیگر صحبت کردند. صادقی درباره این مکالمه با وزیر ارتباطات به شرق گفت: «صحبت خاصی نشد. آقای واعظی گفت مقصود شما دخالت در انتخابات هیات رئیسه چه بود؟ مگر می شود ما برای رای نیاوردن مطهری فعالیت کنیم؟» صادقی افزود: «من به ایشان گفتم که اسم از کسی نیاوردم، هشدار من با توجه به خبرها و قرائنی بود که در انتخابات هیات رئیسه سال گذشته شنیده و دیدیم». به هر حال انتخابات تمام شد و نتیجه آن ابقای علی مطهری و مسعود پزشکیان از سوی فراکسیون امید در هیات رئیسه بود به عنوان نواب اول و دوم، بقیه کرسی ها در هیات رئیسه از دست رفت. بخشی از آن هم نتیجه لابی های فراکسیون مستقلین با علی لاریجانی بود. حسین مرعشی در نوشتار خود مدعی شده که اعضای فراکسیون مستقلین مجلس، اعضای جدا شده فراکسیون امید هستند که تلاش محمود واعظی چنین اتفاقی روی داده است. تا به حال هیچ یک از اعضای فراکسیون مستقلین درباره اصلالت خود سخنی نگفته اند. ▶



انقلاب در دفتر روحانی

ریاست محمود واعظی بر دفتر رئیس جمهور چه معنایی دارد؟

تصمیم وزارتخانه تحت امرش در خصوص رفع فیلترینگ فیسبوک، سید احمد علم الهدی، امام جمعه مشهد، در اظهار نظری که طی سخنرانی نماز جمعه مشهد بیان شد، واعظی را «پیرمردی که پایش لب گور است و قصد دارد فیلترشکن فیسبوک شود» خطاب کرد.

واعظی اکنون پست مهمی در دولت گرفته است. او رئیس دفتر شده و همین مساله موجب شده که تحلیلگران از قدرت گرفتن بیشتر حزب اعتدال و توسعه سخن بگویند. واعظی در تازه ترین اظهار نظرش در پاسخ به این سوال که آیا حزب اعتدال و توسعه در چپش کابینه دولت آینده سهم خواهی داشته است؟ اظهار کرد: «اصلاً و به هیچ وجه سهم خواهی نداشته است».

او در اظهار نظرهایش خط و خطوطی دارد که نشان دهنده زاویه اش با اصلاح طلبان است. واعظی اسفندماه سال گذشته در مورد گزینه پوششی اصلاح طلبان برای روحانی در انتخابات ریاست جمهوری، گفته بود: «ما در دفتر سیاسی حزب اعتدال و توسعه مفصل بر سر این موضوع بحث کردیم. همیشه در انتخابات افراد متعدد نامزد بودند؛ اما تا الان نظر ما در حزب این است که اگر گروه های همسو، به صورت متمرکز از دکتر روحانی حمایت کنند؛ تردید در مردم به وجود نمی آید و تکلیف روشن است؛ بنابراین فکر می کنیم لازم نیست». او در پاسخ به این سوال که پیش از این خبرهایی مبنی بر حمایت حزب اعتدال و توسعه از آقای جهانگیری آمده بود، تاکید کرد: «حزب اعتدال و توسعه غیر از دکتر روحانی از کسی دیگر درخواستی برای ورود به انتخابات نداشته است. جریان های عمده ای که با تفکر و اندیشه روحانی موافق هستند، دنبال تشکیلات نیستند». او همچنین در خصوص طرح آشتی ملی گفته بود: «در کشوری که همه چیزش تنظیم است، کشوری که رهبری دارد، دولتش مستقر است و مجلس دارد، بحث آشتی ملی معنا ندارد. آشتی ملی برای زمانی هست که کشور دو-سه شقه شده باشد».

محمود واعظی از اعضای مؤسس حزب اعتدال و توسعه، وزیر ارتباطات دولت دهم و حالا نزدیکترین فرد به حسن روحانی یعنی رئیس دفتر او شده است. وی دارای مدارک تحصیلی دکترای روابط بین الملل و هم چنین فوق لیسانس مهندسی الکترونیک است.

محمود واعظی، در اول خرداد ۱۳۹۱ در یک خانواده مذهبی در خیابان خراسان، جنوب تهران متولد شد. دوران ابتدایی خود را در دبستان اسلامی صادقیه سپری و در سال ۱۳۴۹ دوره دبیرستان را با اخذ دیپلم ریاضی در مدارس میرداماد و مروی پشت سر گذاشت.

او در سال ۱۳۵۰ برای ادامه تحصیل به آمریکا رفته و در سال ۱۳۵۵ مدرک کارشناسی خود را از دانشگاه ایالتی کالیفرنیا در سکرمنتو در رشته مهندسی برق اخذ کرده و برای ادامه تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد در رشته مخابرات به دانشگاه ایالتی سن خوزه رفت. بعد از اتمام آن وارد مقطع دکترای رشته مهندسی مخابرات دانشگاه ایالتی لوزیانا شد که با پیروزی انقلاب در ایران از اتمام تحصیل و اخذ مدرک دکترا صرف نظر کرد و به ایران بازگشت.

واعظی، در کل دوران اقامت در آمریکا عضو انجمن اسلامی دانشجویان آمریکا و کانادا بوده و مسئولیت های مختلفی هم در آن انجمن در زمینه فعالیت های سیاسی و مذهبی داشته است که از آن جمله می توان به مسئولیت دبیری تشکیلات اعضای انجمن اسلامی دانشجویان آمریکا و کانادا اشاره کرد. پس از انتخاب به این سمت، به همراهی تعدادی دیگر از دانشجویان مدتی را در نوفل لوشاتو در حضور امام خمینی سپری کرد.

بعد از انتخاب حسن روحانی به عنوان رئیس دولت یازدهم، او محمود واعظی را به عنوان وزیر پیشنهادی وزارت ارتباطات و فناوری ارتباطات به مجلس شورای اسلامی معرفی کرد که در جلسه رای گیری، نمایندگان ۲۱۸ رأی موافق، وی را شایسته تصدی این وزارتخانه تشخیص دادند.

در پی انتشار اظهار نظری از جانب واعظی در خصوص

در میانه دو جناح

محمدباقر نوبخت

تطمیع و تکمیل فعالیت‌هایی که دولت یازدهم شروع کرد، فراهم کرده است.

◀ نوبخت اصلاح طلب است یا اصولگرا؟ ▶

درباره گرایش‌های سیاسی نوبخت اما اطلاعات ضد و نقیض موجود است. منتقدانش در جناح اصلاح‌طلبان در حال حاضر او را راست می‌نامند و برخی اصولگرایان او را چپ می‌دانند. در عین حال خود او می‌گوید که اعتدال گراست! در هر حال تاریخ نشان می‌دهد، پس از اعلام کاندیداتوری هاشمی رفسنجانی در اردیبهشت ۸۴ محمدباقر نوبخت، سخنگوی ستاد انتخاباتی وی شد. جلوداری این حزب نسبت به دو تشکیلات دیگر درون گفت‌وگویی و نزدیک به هاشمی رفسنجانی یعنی حزب کارگزاران سازندگی و حزب اسلامی کار باعث شد که نقش آفرینی حزب اعتدال و توسعه بیشتر به چشم آید. اولین مناظره تلویزیونی میان کاندیداها به مناظره میان نوبخت و خوش چهره سال ۱۳۸۴ مربوط می‌شود. در آن مناظره نوبخت به عنوان نماینده هاشمی رفسنجانی و محمد خوش چهره نیز به عنوان نماینده محمود احمدی‌نژاد که دو کاندیدای راه یافته به مرحله دوم ریاست جمهوری بودند، حضور داشتند. در آن مناظره نوبخت درباره مباحث غیراقتصادی صحبت کرد که خوش چهره با شنیدن صحبت‌های ایشان در روان نویسی خود را بست و آن را رها کرد و خطاب به نوبخت گفت: «شما کم آوردید. آدمی هم که کم بیاورد تخریب می‌کند. به ایشان گفتیم که حرف اقتصادی بزنید که آقای هاشمی مسکن را چه کار می‌خواهد بکند؟...» این مناظره بازتاب‌های بسیاری داشت. به گفته برخی کارشناسان سیاسی، رفتار نادرست نوبخت در این مناظره باعث شکست هاشمی و حرکت خوش چهره کفه ترازو را برای احمدی‌نژاد سنگین‌تر کرد. نوبخت در نشست اصلاح‌طلبان در خرداد ۱۳۸۸، ضمن انتقاد از محقق نشدن اهداف دولت

۴ محمدباقر نوبخت حقیقی معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان برنامه و بودجه، سخنگوی دولت ایران و دبیرکل حزب اعتدال و توسعه است. او پیش از این نماینده مردم رشت در ادوار سوم تا ششم مجلس شورای اسلامی و معاون پژوهش‌های اقتصادی مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام بوده است. علی نوبخت حقیقی، نماینده منتخب مردم تهران در مجلس دهم برادر او است. نوبخت، در دهه سوم زندگی‌اش، مدیر دبیرستان دکتر بهشتی (شاهپور) رشت، پس از آن مدیرکل آموزش و پرورش کرمانشاه و سپس چهار دوره نماینده مردم رشت در مجلس شورای اسلامی بوده است. وی در هر چهار دوره، به عنوان نماینده منتخب نخست شهر، از طرف مردم، با اختلاف آراء زیاد و قابل توجه، برگزیده شده است. اکنون، به عنوان دبیرکل حزب اعتدال و توسعه، فعالیت می‌کند. محمدباقر نوبخت در انتخابات ریاست جمهوری سال ۹۲ از حامیان حسن روحانی بود و به عنوان سخنگوی ستاد انتخاباتی او همراه با جمعی از هم‌راهان خود از جمله مهرداد هنرمند (مدیرعامل شرکت بین‌المللی آباد رهاان غرب) فعالیت می‌کرد و به استانهایی مختلف برای جذب آرا مردم برای روحانی سفر می‌کرد. نوبخت دارای مدرک دکترای تخصصی مدیریت از دانشگاه آزاد اسلامی تهران و واحد علوم و تحقیقات است. بعد از انتخاب حسن روحانی به عنوان رئیس دولت یازدهم در تاریخ ۲۶ مرداد ۱۳۹۲، محمدباقر نوبخت را به سمت معاون برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور و سرپرست معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس‌جمهور در دولت یازدهم منصوب کرد. به دنبال آن در ۱۹ آبان ۱۳۹۳، با دستور رئیس‌جمهور و تصویب شورای عالی اداری با ادغام دو معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی و توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس‌جمهور، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور احیاء شد. در ۸ دی ۱۳۹۳ و به دنبال احیاء سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، حسن روحانی، رئیس‌جمهور، طی حکمی محمدباقر نوبخت را به عنوان معاون رئیس‌جمهوری و رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور منصوب کرد. چندی بعد در ۴ مرداد ۱۳۹۵ سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی به دو سازمان برنامه و بودجه و سازمان امور استخدامی تقسیم شد و نوبخت به عنوان رئیس سازمان برنامه و بودجه منصوب شد. با تصویب هیأت وزیران محمدباقر نوبخت، معاون رئیس‌جمهور به عنوان سخنگوی دولت یازدهم معرفی شد.

نوبخت در مورد تفاوت‌های حزب اعتدال و توسعه با سایر احزاب کشور گفته است: «یکی از تفاوت‌های حزب اعتدال و توسعه با اغلب احزاب داخل کشور آن است که ما حزبی برخاسته از یک دولت نیستیم بلکه امروز دولتی برخاسته از یک حزب مسئولیت و مأموریت امور اجرایی کشور را بر عهده دارد.» دبیرکل حزب اعتدال و توسعه با اشاره به انتظارات این حزب از دولت یازدهم خاطر نشان کرده است: «با توجه به نظراتی که در حزب وجود داشت، انتظار این بود که دولتی که برخاسته از مجموعه اعتدال و توسعه است، بتواند نسبت به رفع مشکلات مردم اقدام کند.» او در عین حال گفته است: «اگر چه این توفیق را نداشته‌ام که در شکل‌گیری مجلس مستقیم‌دار کنار اعضای حزب اعتدال و توسعه باشم اما در حاشیه‌نظره‌گر بودم و مباحثات می‌کردم.» نوبخت با اشاره به راهیابی تعدادی از اعضای حزب اعتدال و توسعه به مجلس دهم افزوده است: «به اعضای حزب تبریک می‌گویم؛ چرا که آنچه از جمع منتخبین مجلس مشاهده می‌کنیم این است که انسان‌هایی فهیم و شایسته وارد مجلس شده‌اند. این کار تسهیلی برای دولت در جهت

نهم، در حمایت از میرحسین موسوی تصریح کرد: «اگر موسوی روزی استعفادادبدان علت بود که می‌خواستند جنگ با کشور دیگری را بر او تحمیل کنند و او نیز می‌گفت اگر من نخست‌وزیر هستم این تندروری‌ها چیست. کنار میرحسین موسوی زهرا رهنورد است که مشاوری امین برای وی است و می‌تواند از مطالبات زنان به خوبی دفاع کند. امروز دیگر توزیع سیب‌زمینی و سهام عدالت، چک پول و توزیع باعجله ۸۰ هزار تومان سود سهام عدالت نتیجه نمی‌دهد و همین‌ها موجب شده تا رای موسوی بالاتر برود ولی اگر همین کارها را یک نماینده مجلس انجام می‌داد صلاحیت وی رد می‌شد...» او در این نشست ضمن بیان ارادت به آقایان کروبی و رضایی و تأیید شایستگی آنها گفت: «موسوی را انتخاب مناسبی می‌دانم.» محمدباقر نوبخت، نماینده سابق مردم شهرستان رشت در مجلس که پیش از ثبت نام هاشمی رفسنجانی در انتخابات یازدهمین دوره ریاست جمهوری به عنوان سخنگوی ستاد حسن روحانی منصوب شده بود، رئیس ستاد انتخابات هاشمی رفسنجانی در استان گیلان شد. پس از صلاحیت هاشمی وی دوباره به عنوان سخنگوی ستاد حجت الاسلام روحانی و یکی از حامیان و فعالان اصلی او فعالیت خود را آغاز کرد و در جذب آرای مردم برای روحانی به استان‌های مختلف سفر کرد. از سوی دیگر، ایرج ندیمی، نماینده سیهکل و هم‌استانی نوبخت در سایت شخصی خود ضمن انتقاد از مواضع بودجه‌ای محمدباقر نوبخت، با طعنه به او درباره مواضع سیاسی‌اش نوشته است: این که مثلاً آقای نوبخت در دوره اول نمایندگی (دوره دوم) تا ششم چه مباحثی را از نظر فکری (راست یا اصلاح طلب) تعقیب می‌کرد، یا اینکه با چه تحصیلاتی وارد مجلس شد و دوران تحصیل هماهنگ با نمایندگی ایشان در اسکا تلند، آیا حضوری بوده یا مکاتبه‌ای، به ما ربطی ندارد یا اینکه ایشان از کی چپ و... شده است، باز به ما ربطی ندارد، اما... به این ترتیب می‌توان فهمید که نوبخت طی دوران نمایندگی خود در مجلس از اعضای جناح راست محسوب می‌شده و از سال ۸۴ با حمایت از کارگزاران؛ میرحسین موسوی و سپس حسن روحانی مواضع سیاسی خود را تغییر داده است. ▶



هشدار به دو تکه شدن اعتدال و توسعه

فاطمه هاشمی رفسنجانی

فاطمه هاشمی البته انتقادات مهمی به حزب اعتدال و توسعه هم دارد. او اخیراً گفته است: «در سال ۸۴ ظاهراً آیت الله هاشمی مورد حمایت اعتدال و توسعه بود اما عده‌ای از شورای مرکزی و اعضای حزب از احمدی‌نژاد و عده‌ای از کاندیداهای دیگر حمایت کردند. روحانی مدیون حزب اعتدال و توسعه نبود بلکه با توجه به شرایط و کاندیداتوری آقای هاشمی و تأیید نشدن ایشان در انتخابات و اتفاقاتی که بعداً افتاد آقای روحانی رای آورد و متأسفانه پس از اتمام انتخابات ۹۲ فعالیت‌های حزب هم کاملاً متوقف شد. تا زمان انتخابات خبرگان و مجلس که مسأله لیست امید پیش آمد عده‌ای از حزب اعتدال و توسعه نزد آیت الله هاشمی آمدند و درخواست داشتند برخی از اصولگرایان در لیست قرار گیرند و با فشارهایی که آوردند می‌خواستند افرادی در لیست امید گنجانده شوند که با تفکر لیست امید هماهنگ نبودند. این نوع حمایت‌ها با چارچوب‌های اعتدال و توسعه هماهنگی نداشت و حزب را در ائتلاف منزوی می‌کرد. افرادی در جلسات حزب شرکت می‌کردند اما به نمایندگی از حزب در جاهای دیگر نظرات شخصی خود را بیان می‌کردند.

مثلاً در مجلس لابی‌هایی می‌کنند بدون اطلاع حزب اما به اسم حزب تمام می‌شود که مورد اعتراض بسیاری اعضای حزب قرار گرفته است. اشکال از آنجا که حزب آغاز شد که شورای مرکزی را کنار گذاشتند و شورای راهبردی را تشکیل دادند که خود من هم عضو شورای راهبردی بودم اما از آن خارج شدم چون این کار با اصول حزبی مغایرت داشت.

با توجه به فضای دوقطبی که ایجاد شده بود افراد حزب باید کاری می‌کردند که البته ایثارگران به فعالیت پرداختند و در آن دوره هم با توجه به برخی انتقادات بیان کردیم که از دیدگاه حزبی به روحانی نگاه نمی‌کنیم بلکه از این دید نگاه می‌شود که کشور به روحانی نیاز دارد و اکنون با توجه به فعالیت‌های حزب بسیاری متوجه شده‌اند که حزب اثر می‌گذارد.» او با تأکید بر اینکه باید شورای مرکزی حزب جلسه برگزار کنند و در آن تقاضای برگزاری کنگره را داشته باشیم گفته است: «دبیران استان‌ها و روسای کانون‌ها باید نظرات خود را به صورت کتبی ارائه دهند و نسبت به اتفاقاتی که رخ می‌دهد اعتراض خود را به صورت کتبی به دبیرکل برسانند.»

او با بیان اینکه شورای راهبردی که تشکیل شده است امروز غیرقانونی است، تأکید کرده است: «باید اعضای شورای راهبردی وابستگی به حزب داشته باشند و بی‌انضباطی‌ای که شکل گرفته است طی نامه‌ای به دبیرکل ارائه شود و از او بخواهیم هر چه زودتر کنگره برگزار کنند و قبل از تشکیل کنگره جلسه‌ای با دبیران کل استان‌ها و روسای کانون‌ها برگزار شود. از اول هم تشکیل شورای راهبردی بیشتر تشریفاتی بود چرا که مسائلی که در جلسات مطرح می‌شود در بیرون به گونه‌ای دیگر انعکاس پیدا می‌کرد و برخی صرفاً نظرات شخص خود را بیان می‌کنند.

باید حزبی و دموکراتیک عمل کنیم و نمی‌توانیم رفتار غیرحزبی داشته باشیم و بخواهیم دموکراسی در کشور توسعه پیدا کند.» او با اشاره به حذف برخی افراد موثر حزبی تأکید کرده است: «اگر اینگونه پیش رود حزب دو تکه خواهد شد. اعتراضات به روند فعالیت حزب باید بر اساس اساسنامه و مرامنامه موجود در حزب صورت گیرد و باید حزب به روال قانونی خود برگردد.»

پدر اظهار نظرهای جنجالی داشته است. او در تازه‌ترین اظهار نظرش انتقادات تند را متوجه حسن روحانی ساخته است. او گفته: «یک روز دوستان از من سوال کردند که آقای روحانی چه شباهت‌هایی به آقای هاشمی دارند؟ من گفتم آقای روحانی هیچ شباهتی به آقای هاشمی ندارد. ایشان روزی که برای کاندید شدن در بهمن یا اسفند ۹۲ رفتند، می‌خواستند با پدر من مشورت کنند، غیر از مشورت، از پدر من خواستند که ایشان را حمایت کنند، پدر من هم گفتند در موقع مناسب از شما حمایت خواهم کرد.» فاطمه هاشمی درباره برخی گمانه‌زنی‌ها در خصوص جایگزین شدن آقای روحانی به جای مرحوم هاشمی به عنوان پدر معنوی کارگزاران گفته است: «آقای روحانی نمی‌تواند جای آقای هاشمی بگذارد، چون اصلاً نه تفکر آقای هاشمی را دارد و نه شجاعت ایشان را و نه پشتکار و فعالیتی که آقای هاشمی داشتند. هیچ کدام از آنها را آقای روحانی ندارد. ساده‌ترین چیزی که می‌توان مقایسه کرد این است که آقای هاشمی از ساعت ۶ صبح فعالیت خود را آغاز می‌کرد و ۱۰/۵، ۱۱ شب کار خود را به پایان می‌رساند. فقط ۱۰ دقیقه برای اینکه یک خواب کوتاهی در بعدازظهر داشته باشد زمان استراحت ایشان بود.»

وی با اشاره به ارتباطات قوی مرحوم هاشمی و فرصتی که برای رجوع افراد به او می‌گذاشتند گفته است: «تمام افراد در سطوح مختلف نه فقط در سطح وزیر بلکه از رئیس اداره و مدیرکل و معاونان هم به ایشان زنگ می‌زدند و ایشان به آنها جواب می‌داد، نامه‌ها را هم سریعاً دستور پیگیری می‌دادند، ولی آقای روحانی هیچ کدام از این کارها را انجام نمی‌دهد، حتی با وزیران خود هم وقت ملاقات نمی‌گذارد و وزیران ایشان هم در همین دولت از ایشان گله دارند.»

فاطمه هاشمی رفسنجانی از اعضای مؤسس حزب اعتدال و توسعه و رئیس بنیاد امور بیماری‌های خاص است. او دختر مرحوم اکبر هاشمی رفسنجانی است. همسر او سعید لاهوتی، دندانپزشک و فرزند حسن لاهوتی اشکوری است. هاشمی فعالیت خود را در سال ۱۳۷۳ در بنیاد بیماری‌های خاص آغاز کرد. در سال ۱۳۷۷، فدراسیون ورزشی بیماران خاص تأسیس و تحت نظر فدراسیون ورزش‌های همگانی قرار گرفت. وی در سال ۱۳۸۴ ریاست این فدراسیون را بر عهده گرفت و تا امروز در این سمت قرار دارد.

فاطمه هاشمی رفسنجانی اوایل مرداد ماه ۱۳۹۲ به دلیل اظهاراتش درباره اتفاقات مجلس شورای اسلامی و توهین سیدعلی محمد بزرگوار به مهدی هاشمی در یکی از رسانه‌ها به شعبه ۱۲ دادسرای فرهنگ و رسانه احضار شد که پس از تحقیقات دادستانی برای او کیفرخواست صادر کرد. ۱۸ دی ماه جلسه دادگاه در دادگاه انقلاب برگزار شد. در ۱۸ دی ۱۳۹۲، علی لاریجانی طی نامه‌ای به آوایی، رئیس دادگستری کل استان تهران اعلام کرد که از فاطمه هاشمی شکایتی ندارد. در بخشی از این نامه آمده بود: «بنده نسبت به کسانی که سال گذشته با کفش و مهر به حقیر حمله کردند شکایتی نکردم. این خواهر محترمه که فقط حرفی زدند و بنده نسبت به سخنان ایشان گله‌ای ندارم، علی‌ای حال به هر نحوی که مصلحت می‌دانید این پرونده را مختومه نمایید.» نهایتاً در ۵ بهمن ۱۳۹۲، فاطمه هاشمی رفسنجانی با حکم دادگاه انقلاب تهران به شش ماه حبس تعلیقی محکوم شد. در شهریور ۱۳۹۳، وکیل خانواده هاشمی، خبر از تبرئه شدن فاطمه هاشمی داد. اما فاطمه هاشمی اگر چه تفاوت‌هایی با خواهرش فائزه در اظهار نظرهایش داشته بعد از درگذشت





ما مستقیم

گفت‌وگوی مثلث با سخنگوی حزب اعتدال و توسعه

اصلاحات مطرح می‌شود وارد است یا خیر؟
 ▲ دوستان اصلاح طلب شاید انتظارشان بر این بود که افراد سرشناس‌تر و به نوعی چهره‌تر از جریان اصلاحات برای حضور در کابینه دولت دوازدهم انتخاب شوند ولی الان هم از افراد اصلاح طلب در داخل کابینه دوم آقای روحانی حضور دارند اما شاید آن افراد چهره شاخص اصلاح طلب نباشند. این نکته را هم جا دارد اشاره کنم که دولت آقای روحانی، دولتی اعتدالی است یعنی رئیس‌جمهور افراد معتدل و معتدل را برای همکاری در دولت آینده برگزید. به همین خاطر معتقدم دستگاه اجرایی برای ۴ سال آینده به صورت فرا جناحی عمل می‌کند. پس صرفاً اعضای کابینه آینده از تشکیلات و مجموعه اصلاح طلبان انتخاب نشد بلکه افرادی که با دولت همسوتر هستند، انتخاب شدند.

به نظر شما سهم‌خواهی از طرف اصلاح طلبان یا سایر جریان‌های سیاسی در موضوع انتخاب اعضای کابینه دولت آینده صورت گرفت؟
 ▲ اصلاح‌آقای روحانی توجهی به مباحث سهم‌خواهی

وزیر ارتباطات از ساختار همین وزارتخانه‌ها انتخاب شدند. در واقع رئیس‌جمهور سعی کرد تا از داخل وزارتخانه‌های مربوطه وزرای پیشنهادی و همکاران خود را برای حضور در دولت آینده انتخاب کند. معتقدم چنین رویکردی در انتخاب وزرای پیشنهادی باعث می‌شود که نیروهای هر وزارتخانه احساس نزدیکی به وزیر نشان دهند. از دیگر ویژگی‌هایی که باید به آن اشاره کرد این است که تلاش شد افراد کارآمدتر و توانمندتری انتخاب شوند که این مساله مورد ارزیابی مجلس نیز قرار می‌گیرد تا کسانی که این توانایی را داشته باشند، برای حضور در دولت دوم آقای روحانی رای اعتماد بگیرند و ان شاء الله با انرژی بیشتر و ایده‌های جدید به مشکلات کشور رسیدگی کنند.

بررسی اظهارنظرها و دیدگاه‌های فعالان سیاسی و اعضای فراکسیون‌های مختلف مجلس شورای اسلامی نشان می‌دهد که اصلاح طلبان از نوع چپش کابینه دوازدهم رضایت ندارند و اعلام دغدغه و نگرانی می‌کنند. به نظر شما این انتقاد و انتظاری که از جانب نیروهای جریان

بالاخره بعد از گمانه‌زنی‌های فراوان، رئیس‌جمهور لیست ۱۷ نفره وزرای پیشنهادی خود را تقدیم مجلس کرد. به نظر شما با ترکیب کابینه‌ای که مشخص شده، دولت دوازدهم نسبت به دولت یازدهم در یک سطح قرار دارد؟ تقویت شده یا تنزل کرده است؟

▲ به نظر من دولت دوم آقای روحانی نسبت به دولت قبلی به لحاظ میانگین سنی که در گذشته شاهد بودیم، حدود ۳، ۴ سال کاهش پیدا کرده است و جوان‌تر شده است. از جمله بحث‌هایی که می‌توان در مورد این کابینه عنوان کرد، فرا جناحی بودن کابینه است که افراد معتدلی انتخاب شده‌اند که در واقع در جناح‌بندی به راست و چپ تقسیم‌بندی نمی‌شوند. ویژگی متمایل کابینه دوازدهم از کابینه یازدهم این است که افرادی انتخاب شده‌اند که خود از وزارتخانه‌های مربوطه هستند. به عنوان مثال در دولت یازدهم وزیر آموزش و پرورش از وزارت علوم بود ولی الان وزیر پیشنهادی از آموزش و پرورش به مجلس شورای اسلامی معرفی شده است یا وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و

حزب کارگزاران سازندگی است، به عبارت دیگر همان طور که حزب کارگزاران سازندگی تشکیلی اصلاح طلب تلقی می شود، حزب اعتدال و توسعه نیز همین رویکرد سیاسی را دنبال می کند. در مقابل برخی نیز دیدگاه دیگری دارند، آنها معتقدند با توجه به اینکه برخی از چهره های حزب اعتدال و توسعه به سمت آقای دکتر لاریجانی تمایل دارند، این حزب اصولگرا محسوب می شود. شما تعریف تان از مشی سیاسی اعتدال و توسعه چیست؟ چون یک زمان هم پیشنهاد ورود حزب اعتدال و توسعه به شورای عالی سیاستگذاری اصلاح طلبان مطرح بود.

▲ خبر، حزب اعتدال و توسعه یک حزب مستقل است که جزو هیچ مجموعه و شورای دیگری نیست. شاید به صورت راهبردی در مقطعی مثل مباحث انتخاباتی با مجموعه هایی همکاری داشته باشد ولی این همکاری استراتژیک یا راهبردی برای یک مقطع کوتاه است. حزب اعتدال و توسعه مستقل و قوی عمل می کند. در مورد گرایش اصلاح طلبی یا اصولگرایی این حزب هم باید بگویم اتفاقاً خاصیت این حزب اعتدالش است. به هر حال آنجایی که یک فردی برداشت از اصولگرایی می کند، شاید افراد معتدلی را در مجموعه می بیند که نگاه اصولگرایی دارند و همین طور وقتی که احساس رویکرد اصلاح طلبی از حزب اعتدال و توسعه دارد شاید به این دلیل باشد که یک اصلاح طلب معتدل را در مجموعه دیده و طبعاً برداشت کند که این حزب اصلاح طلب است. ولی مشی و مرامنامه این حزب اعتدال و توسعه، اعتدالی است و باید این مشی را نیز حفظ کند، بنابراین هر کسی برداشت خودش را دارد.

یعنی بر همین اساس حزب اعتدال و توسعه پیشنهاد اصلاح طلبان را نپذیرفت؟
▲ خبر، چه پیشنهادی؟

اینکه حزب اعتدال و توسعه هم در داخل شورای عالی سیاستگذاری اصلاح طلبان تعریف شود.

▲ خبر، حزب اعتدال و توسعه یک حزب مستقل است و همانطور که اشاره کردم شاید به صورت مقطعی همکاری هایی با اصلاح طلبان داشته باشد ولی اینکه بخواهد در آن جریان باشد خبر، این طور نیست. حزب اعتدال و توسعه مستقل عمل می کند.

نسبت حزب اعتدال و توسعه با حزب کارگزاران سازندگی چگونه است چون برخی ها آنها را دو قلوهای حزبی توصیف می کنند؟

▲ خبر، حزب اعتدال و توسعه یک حزب مستقل است.



حتی در دوره ای که مرحوم آیت الله هاشمی کاندیدا شد، حزب اعتدال و توسعه از ایشان حمایت کرد بنابراین حزب ناشناخته ای نیست

حزب اعتدال و توسعه در سال ۱۳۷۸ تأسیس شد و حسن روحانی از همان ابتدای تشکیل حزب در بیشتر جلسات شورای مرکزی شرکت می کرد. حزب اعتدال و توسعه همواره در تعریف نسبت خودش با اصولگرایان و اصلاح طلبان رویکرد ظرفی را دنبال کرده است تا مبادا به هیچ جناح سیاسی منتسب نشود. بیشتر فعالان سیاسی کشور این حزب را تشکیلی با مشی تکنوکراتی می شناسند که همسو با حزب کارگزاران سازندگی عمل می کند چرا که اعتدال و توسعه نیز همچون کارگزاران، پدر معنوی خود را مرحوم هاشمی رفسنجانی می دانست. وقتی حسن روحانی رئیس جمهور شد فعالیت حزب اعتدال و توسعه بیشتر در عرصه سیاسی کشور خودنمایی کرد. رمضانعلی سبحانی فرسخنگوی حزب اعتدال و توسعه بر مشی مستقل این حزب تأکید دارد و می گوید: «اینکه برخی ها حزب اعتدال و توسعه و حزب کارگزاران سازندگی را دو قلو حزبی توصیف می کنند درست نیست. اگر هم حزب، همکاری هایی با اصلاح طلبان داشته، این همکاری ها مقطعی و کوتاه مدت بوده است.»

کاندیداشد، حزب اعتدال و توسعه از ایشان حمایت کرد بنابراین حزب ناشناخته ای نیست ولی طبیعتاً وقتی یک حزب در عرصه سیاسی کشور موفق می شود، مردم هم با آن مشی و گفتمان حزب اقبال بیشتری نشان می دهند بنابراین امروز حزب اعتدال و توسعه مشی اعتدال را دارد و گفتنش، گفتمان اعتدال است. طبیعی است وقتی مردم به گفتمان اعتدال اعتماد بیشتری کرده اند، به همین گفتمان که سخن دولت است رای داده اند. به هر حال آقای دکتر روحانی هم به همه این آرا احترام می گذارد و تلاش بر این بوده که کابینه اش را کابینه اعتدالی که اعضایش مشی اعتدالی دارند و به دور از تندروی ها حرکت می کنند، انتخاب کند. حالا افراد منتخب رئیس جمهور می خواهند در هر طیف، جناح و گروهی باشند اما چون در این گفتمان و مشی هستند، در کابینه جای گرفته اند. آقای دکتر واعظی هم همین شرایط را دارا است؛ ضمن اینکه آقای روحانی شناخت بیشتری هم از آقای واعظی دارد و از مجموعه گفتمان اعتدالی است.

گفته می شود که آقای محمود واعظی حرف اول و آخر را در حزب اعتدال و توسعه می زند. با توجه به اینکه رئیس دفتر رئیس جمهور هم است قطعاً او در وقت دادن ها و ارتباط دادن های افراد با رئیس جمهور کانال اصلی محسوب می شود، تأثیر این حضور چیست؟ آیا حضور آقای واعظی در کنار آقای رئیس جمهور حزب اعتدال و توسعه را با دولت همسوتر می کند؟

▲ خبر، این طور نیست که در حزب تنها یک نفر حرف بزند و بقیه سکوت کنند. حزب شورای راهبردی، شورای مرکزی و هیات اجرایی و ارکانی همچون دبیرکل و سخنگو دارد. بنابراین این طور نیست که یک نفر بخواهد حرف اول و آخر را در حزب اعتدال و توسعه بزند. در جلسات حزب اعتدال و توسعه مطالب بحث و مطرح می شود و مورد تجزیه و قرار می گیرد. سپس مورد رایزنی و رای گیری واقع می شود. به هر حال حزب اعتدال و توسعه مسیر خودش را طی می کند. اما انتخاب آقای دکتر محمود واعظی به عنوان رئیس دفتر رئیس جمهور وظایف خاصی را برعهده می گیرد که طبق آن وظایف ایفا می شود و خلاف آن قاعده عمل نخواهد کرد.

نسبتی که حزب اعتدال و توسعه با جریان های سیاسی اصولگرا و اصلاح طلب برقرار می کند، چیست؟ به زعم برخی سیاستمداران این حزب مثل

نداشت و به سهم خواهی ها پاسخ مثبت نداد. آقای رئیس جمهور خود گزینه هایی را از قبل در نظر داشت ولی اینکه کسی با فشار و ایجاد حساسیت قصد سهم خواهی داشته باشد را بعید می دانم و در مجموع معتقدم در انتخاب اعضای کابینه دولت دوازدهم چنین اتفاقی نیفتاده است. وقتی دیدگاه ها و نظرات سیاسیون کشور رصد شد، صحبت هایی هم در مورد رویکرد حزب اعتدال و توسعه وجود داشت. برخی ها می گفتند این حزب توانسته در چپش کابینه آینده اعمال نفوذ بیشتری داشته باشد و کابینه را به نحوی با نگاه خودش چپش کند. در این رابطه چه نظری دارید؟

▲ خبر این طور نیست. حزب اعتدال و توسعه در ابتدا کاندیدای خودش را در دوره گذشته پیشنهاد کرد ولی به هر حال اعضای کابینه از حزب اعتدال انتخاب نشدند. نگاه حزب اعتدال و توسعه درباره مساله چپش کابینه می تواند در مقام مشورت باشد. همان طور که آقای دکتر روحانی با افراد زیادی مشورت کرده است. رئیس جمهور برای انتخاب همکارانش گروه ها و شخصیت های حقیقی و حقوقی را در مقام مشورت قرار داد اما اینکه حزب اعتدال و توسعه اعمال نظر کرده باشد، خبر چنین چیزی نبوده و قطعاً حزب اعتدال سهم خواهی نداشته است.

گفته می شود نظر خود آقای روحانی این بوده که به اصلاح طلبان میدان زیادی داده نشود و در مقابل سعی کرده جناح آقای لاریجانی را در دولت تقویت کند، این دیدگاه را تأیید می کنید؟

▲ بعید می دانم چنین رویکردی دنبال شده باشد. بر فرض آقایان رحمانی فضلی و زنگنه در دولت قبل بوده اند و در دولت دوازدهم هم هستند. پس بعید می دانم که افراد یا گروه خاصی سهم بیشتری برده باشند یا به قول شما سهم خواهی بیشتری گرفته باشند.

به نظر شما همین نزدیکی شدن آقای واعظی به آقای روحانی از چه زاویه ای قابل تحلیل است؟ طبق آنچه اعلام شده آقای محمود واعظی در دولت دوازدهم مسئول دفتر رئیس جمهور خواهد بود، آیا این یک امتیاز ویژه برای حزب اعتدال و توسعه محسوب می شود و می توان گفت از این طریق امتیازاتی متوجه حزب می شود؟

▲ حزب اعتدال و توسعه در انتخابات ریاست جمهوری دوازدهم آقای روحانی را به عنوان کاندیدای خودش انتخاب کرد و از داخل حزب پیشنهاد داد. طبیعتاً آقای روحانی به عنوان فرد امین مطرح هستند و آقای واعظی را به عنوان شخصی که قابلیت مدیریت دفتر ایشان را داشته باشد، تشخیص داده و به همان نسبت به نوعی می توان گفت که ارتباط و اعتماد بیشتری به آقای واعظی داشته که انتخابش کرده است.

به نظر شما چرا آقای روحانی یک نفر از شورای مرکزی حزب اعتدال و توسعه را به عنوان نزدیکترین فرد به خود تشخیص داد؟ آیا آقای روحانی تمایل دارد که حزب اعتدال و توسعه را برای آینده سیاسی خودش بیشتر تقویت کند چون اصلاً این حزب به عنوان حزب آقای روحانی شناخته می شود؟

▲ حزب اعتدال و توسعه یک حزب ریشه دار است و در بیش از ۲۰ سال سابقه فعالیت، اعضای بسیار سرشناسی را در خود داشته است. آقای واعظی هم در گذشته هم مطرح بوده اند. آقای دکتر نعمت زاده، آقای مهندس ترکان، آقای نوبخت و غیره افراد شناخته شده ای هستند که در تشکیلات حزب حضور دارند. بنابراین این طور نیست که فکر کنیم حزب اعتدال و توسعه، حزب غیرشناخته شده ای است. حتی در دوره ای که مرحوم آیت الله هاشمی

یکی از عباراتی که در معنای واژه افول آورده شده، فرو رفتن ستاره و ناپدید شدن آن است. گویی حکایت فرهنگ در جامعه امروز ماست! فرهنگی که در عرصه‌های مختلف، از سیاست و اجتماع و اقتصاد تا دینداری و آداب رفتار، روبه خاموشی است. داستان سلفی نمایندگان مجلس باموگرینی، بهانه‌ای شد برای اینکه چند کلامی به درد سلفی که این روزها میان مردم و مسئولان، در مناصب مختلف همه گیر شده، بپردازیم.

سلفی باموگرینی

عکس گرفتن برخی نمایندگان مجلس باموگرینی به مهم ترین مساله هفته تبدیل شد

تیتراول



نقیسه رحمانی

خبرنگار

شنبه هفته گذشته، چهاردهم مردادماه هزار و سیصد و نود و شش، مراسم تحلیف دوازدهمین رئیس جمهور ایران اسلامی در مجلس شورای اسلامی برگزار شد. مراسمی که به قطع یقین می توان آن را یکی از مهم ترین و رسمی ترین مراسم، در عرف دیپلماتیک و سطح سیاسی برای جمهوری اسلامی ایران دانست.

در این مراسم، میهمانان زیادی از داخل و خارج از کشور دعوت شده بودند که اتفاقاً به دلیل حضور همین میهمانان بلندپایه و اتخاذ تدابیر امنیتی برای سلامت رفت و آمد آنها، تهران نیز شنبه به صورت رسمی تعطیل اعلام شد. اما آنچه در این مراسم اتفاق افتاد، تفاوت عظیمی با عرف دیپلماتیک و سطح رسمی انتظار رفته داشت.

فدریکا موگرینی؛ نماینده اتحادیه اروپا، یکی از میهمانان این نشست بود که حضور او در ایران از جهات مختلفی خبرساز شد. از حضور موگرینی با حجاب رسمی

در ایران تا سلفی نمایندگان مجلس شورای اسلامی با او، مختصر خبرهایی بود که در این باره به جامعه مخابره شد. اما در این میان یکی از این خبرها، سر و صدای زیادی به پا کرد. جمعی از نمایندگان مجلس در اقدامی حیرت انگیز، اقدام به سلفی گرفتن با موگرینی کردند. اقدامی که عکس های مختلفی از آن در فضای مجازی منتشر شد و بر حیرت مردم ایران نسبت به این اقدام نستجیده افزود. تصاویر پخش شده نشان از آن دارد که چند تن از نمایندگان مجلس که از قضای یکی از آنان نیز مجلس به لباس روحانیت است، سعی دارند که با گوشی های تلفن همراه خود، عکس یادگاری با موگرینی را به ثبت رسانند. مساله تعجب برانگیزتر اینکه، در کنار موگرینی شاهد حضور معاون وزیر امور خارجه هستیم. قشقاوی، آن طور که نمایندگان می گویند، در کنار موگرینی قرار گرفته تا صحبت های رد و بدل شده میان دو طیف از مسئولان کشور را ترجمه کند و در نهایت نیز مسئولیت ثبت یک عکس دسته جمعی از آنان با موگرینی، آن هم با تلفن همراه یکی از نمایندگان را بر عهده می گیرد. معاون وزیر کشور، در واقع در روز تحلیف، در

قامت یک عکاس- مترجم ظاهر شده که وظیفه ثبت یک عکس غیررسمی در سطح نمایندگان مردم یک کشور و نماینده یک اتحادیه قاره ای را بر عهده گرفته است. در هفته گذشته، انتقادات زیادی از سوی فعالین و جریانات سیاسی و فرهنگی و بین المللی گوناگون، درباره عکس سلفی نمایندگان با موگرینی در فضای رسانه ای پخش شد. جریانی که با بازتاب عذرخواهی رسمی فرج الله رجبی، نماینده مردم شیراز، آغاز شد.

هنوز ساعتی از انتشار عکس مجلسیون با موگرینی نگذشته بود که رجبی در کانال تلگرامی خود، این گونه نوشت: «ابوعلی سینا می گوید: اگر برای یک کار غلط هزار دلیل بیاوری می شود هزار و یک غلط».

پس از انتشار عکس اینجانب که البته در جوی غیررسمی و پس از پایان مراسم تحلیف در فضای عمومی منتشر شد، اگرچه نمایندگان حاضر در محل از سر مطالبه مشغول گرفتن عکس بودند، به هر حال اینجانب وظیفه خود می دانم از آنچه خاطر مردم عزیز را مکدر می سازد و ناقض شان نمایندگی مردم است، عمیقاً ابراز تاسف



سلفی از خودمان
درد جامعه چیز دیگری است



قانون انتخابات را اصلاح کنیم
گفت‌وگوی مثلث با کوشکی
در باره جنجال سلفی با موگرینی

آنها استقبال کردند. «حسن بیگی درباره اشتیاق عجیب نمایندگان برای سلفی گرفتن با موگرینی اظهار کرد: «نه، این طور نبود. ذوق زدگی در کار نبود. من خودم آنجا شاهد بودم یک نماینده به خانم موگرینی گفت ما امیدواریم روزی هم شما شعار مرگ بر آمریکا بدهید... چند نماینده و از جمله خود من هم بلند گفتیم مرگ بر آمریکا و درود بر اروپا!»

سوال اما اینجا است که وقتی نایب رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی، از نکات اولیه دیپلماتیک خبردار نباشد، از سایر نمایندگان چه انتظاری باید داشت؟! اصلا وقتی معاون وزیر امور خارجه یک کشور، با این حجم از حضور در نشست‌های بین‌المللی، اصول ثبت یک عکس یادگاری رسمی را در یک نشست رسمی نداند، باید نمایندگان را درباره چه امری مواخذه کرد؟!

سیر تطور این فرهنگ سیاسی-عمومی اما در گذر ایام، تحولات زیادی به خود دید. مردم پس از پایان جنگ، تا حد زیادی خسته از سیاست عمومی شدند. خواستند که در اقتصاد پیش‌تاز باشند و در میان‌السان، سخن از رشد و توسعه اقتصادی به میان آمد. نگارنده از ارزیابی درست یا غلط سیاست‌های آن روزگار و بحث‌هایی که در میان مردم رواج داشت، برکنار است اما در پی اشاره به این نکته است که سطح بحث‌های رایج بین مردم و جامعه و فضای تعاملی مسئولان را به خوبی نشان دهد.

مرور بسیاری از فیلم‌ها و سریال‌های دهه هفتاد، توجه به سبک دیالوگ‌نویسی در آن دوران، نوع معاش و سبک حضور مردم در اجتماعات عمومی نشان از وجود فضایی بسیار متفاوت با امروز، دارد. دغدغه اندیشه و اندیشیدن و سیاست یکی از مهم‌ترین دغدغه‌هایی بود که پس از پایان جنگ به غلط یا درست میان مردم رواج داشت. دغدغه‌ای که امروز شاید رگه‌هایی از آن نیز میان اهالی این حوزه وجود نداشته باشد.

مجلسی که تا پیش از این نطق‌های سیاسی و تند و تیز قرائت شده در آن، موضوع بحث و جدل در میان مردم بود، امروز تبدیل به پایگاهی شده که برخی افراد دست به رفتارهای نادرست می‌زنند.

اگر تا دیروز، تفاوت آرای سیاسی و اقتصادی و حزبی و... سرخط اخبار کشور بود، امروز برخی رفتارهای نامناسب بسیاری از این مسئولان سوژه رسانه‌های داخلی و خارجی است. برای اثبات این افول، آیا نشانی از این روشن تر لازم است؟!

فرهنگ سیاسی هر کشور، بازتابی از خواسته‌ها و فرهنگ سیاسی مردم همان کشور است. مردم آینه خواسته‌های نمایندگان و سردمدارانی هستند که امروز بر صندلی‌ها تکیه زده‌اند. از سوی دیگر نیز مردم همیشه به شیوه و منش حکام و ملوک خود زیسته‌اند. این همان رابطه مستقیمی است که در شناخت فرهنگ مشارکت سیاسی، بارها و بارها از آن سخن گفته شده است.

اگر تا پیش از این و در چند سال گذشته، اتفاقات زیادی در سطح شهر رخ می‌داد که جماعت زیادی از مردم، دوربین به دست در آن حضور می‌یافتند، امروز شاهد نمایندگانی از این جریان در بدنه حاکمیت هستیم. نمایندگانی که تا پیش از این، هرچند برخی از آنان در سمت‌های قابلی حضور داشته‌اند، اما امروز منش رفتار آنان سمت و سوی دیگری یافته است. ▶



عکس گرفتند و این یک عکس بود فقط! در مراسم تحلیف صدها عکس بین نمایندگان و میهمانان گرفته شد و این هم یکی از آن عکس‌ها بود.

موضع طلبکارانه اما در کلام برخی دیگر از نمایندگان حاضر در این قباب ادامه یافت. ابوالفضل حسن بیگی؛ نایب رئیس کمیسیون امنیت ملی در این باره گفت: «در حاشیه این مراسم هم نمایندگان با برخی از میهمانان خارجی و از جمله خانم موگرینی دیدار و

و عذرخواهی نمایم. امیدوارم مردم عزیز و به خصوص همشهریان گرانقدرم اعتدال اینجانب از این غفلت را بپذیرند و عفو نمایند.»

واکنش‌ها به عذرخواهی رسمی رجبی از مردم خاتمه نیافت. خبرنگاران با تریبون‌های مختلف به سراغ دیگر نمایندگان حاضر در عکس رفتند و علت این اقدام‌شان را جویا شدند.

همایون یوسفی نماینده مردم اهواز و عضو فراکسیون امید در مجلس شورای اسلامی در گفت‌وگو با خبرنگار پارلمانی خبرگزاری تسنیم، در پاسخ به این سوال که آیا عکس سلفی شما با خانم موگرینی متناسب با شأن ملی و عرف دیپلماتیک بود، گفت: «این عکس، کاملاً طبیعی بود و در حاشیه جلسات رسمی چنین عکس‌هایی گرفته می‌شود و نباید این مساله را این قدر بزرگ کرد.»

وی این چنین ادامه داد: «البته من هیچ عکس سلفی با خانم موگرینی نگرفتم، عکاس این عکس، آقای قشقایی بود؛ طبق عرف دیپلماتیک خانم موگرینی جلو ایستادند و ما هم پشت سر ایشان و آقای قشقایی هم

فدریکا موگرینی؛ نماینده اتحادیه اروپا، یکی از میهمانان این نشست بود که حضور او در ایران از جهات مختلفی خبرساز شد. از حضور موگرینی با حجاب رسمی در ایران تا سلفی نمایندگان مجلس شورای اسلامی با او، مختصر خبرهایی بود که در این باره به جامعه مخابره شد



قانون انتخابات را اصلاح کنیم

گفت و گوی مثلث با کوشکی درباره جنجال سلفی با موگرینی

محبوبه شریف حسینی

خبر نگار

نظر شما درباره نسبت اتفاقی که در مراسم تحلیف رخ داد، با فرهنگ سیاسی حاکم بر جامعه ایرانی چیست؟

▲ هر جایگاهی برای خود قواعدی دارد و هر رفتاری، در هر جایگاهی، قواعد مخصوص به خود را دارد. فرض کنید که خانم موگرینی به خیابان های تهران می آید. عابرین و مردم با ایشان عکس می گیرند. این اقدام مردم، یک معنا و یک بازتابی دارد که نرمال است. اما اگر مقامات سیاسی ایران، مبادرت به عکس انداختن با ایشان کنند، آن هم در صورتی که این عکس رسمی نبوده و به صورت سلفی یادگاری گرفته شده، چه بازتاب و معنایی دارد؟

رفتار سیاستمداران به خصوص در عرصه رفتار بین المللی و سیاست خارجی، تابع یک سری از قواعد و عرف، به نام فنون دیپلماسی است. اکثر افراد جامعه نسبت به این فن مطلع هستند، جز افرادی که فن دیپلماسی را آموزش دیده اند. یعنی این فنون یک زبان بین المللی است و در سیاست خارجی بسیار تعیین کننده است؛ فن دیپلماسی و آداب کنسولی.

این فن در هر موقعیت سیاسی خارجی، سخن خاصی را به سیاستمداران گوشزد می کند. مثلاً در میهمانی های دیپلماتیک، نحوه چیدن میز غذاخوری و تعیین جایگاه نمایندگان، می تواند نمایانگر احترام یا اهانت به مردم و نماینده کشورها باشد. مثلاً اگر نماینده یک کشور به

۲ عضو هیات علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، نویسنده و تحلیل گر مسائل اندیشه سیاسی. کوشکی یکی از معدود دانشگاهیانی است که در کارنامه خود سابقه پذیرفتن مسئولیت های اجرایی و عملی را ندارد. غالب سوابق پژوهشی و تالیفی وی در حوزه تاریخ اندیشه سیاسی و سیاست روز جای داده می شود. برای تحلیل ابعاد اجتماعی داستان سلفی نمایندگان با موگرینی، به سراغ آورفته ایم.

میهمانی دیپلماتیکی وارد شود و ببیند که جایگاه او در جایی قرار دارد که از نظر این فن، اهانت به کشورش محسوب می شود، باید میهمانی را ترک کند. در حالی که از دیدگاه افراد عادی؛ حضور در یک میهمانی دیپلماتیک و نشستن در کنار نمایندگان دیگر کشورها، شما را در زمره دعوت شدگان به این ضیافت قرار می دهد موارد حاشیه ای این چنینی از اهمیت چندانی برخوردار نیست.

همین فنون و قواعد درباره غذا خوردن، عکس یادگاری گرفتن و... نیز صادق است. خیلی از رفتارهایی که در فضای کوچه و خیابان عادی است، در فضای عرف دیپلماتیک و دیپلماسی، به شدت توهین آمیز یا احترام گذارانه است. این یک نرم جهانی ست و ما آن را تعیین نمی کنیم، پس نمی توانیم بگوییم از نظر من بلامانع است.

خیلی اوقات به صورت شفاهی به کشوری اهانت

نمی شود یا یک کشوری به طور شفاهی مورد تایید و تقدیر قرار نمی گیرد، اما با زبان و رفتارهای دیپلماتیک می توان به آن کشور جایگاه داد یا جایگاهش را از او گرفت.

پس مجلس شورای اسلامی ما که یکی از مهم ترین جایگاه های سیاسی کشور است و نمایندگان آن نمایندگان مردم کشور ما هستند، وقتی چنین اقدامی در یک جلسه رسمی از آنها سر می زند، نشان دهنده این است که گویا هنوز هم این دوستان متوجه نشده اند که خطایی از آنها سر زده است.

فرض کنیم که منتقدان در این باره سکوت کرده بودند و هیچ فردی به این مساله توجه نکرده بود، اما باز هم این اقدام از جهت سیاست خارجی و آداب دیپلماسی، یک اتفاق بد بود. فقط می توان همین تعبیر را به کار برد. حتی در کشورهای بسیار کوچک مثلاً جزایری از اقیانوس آرام که به تازگی به عنوان یک کشور استقلال پیدا کرده اند، رفتار این چنینی نمایندگان مردم در آنها، اهانت تلقی می شود. چه برسد به کشوری که ادعای ۹ هزار سال سابقه تاریخ و تمدن دارد.

در نتیجه اولین نکته این است که افرادی که قرار است وارد این جایگاه ها شوند و در جلسات رسمی شرکت داشته باشند، آموزش های لازم را در این باره دریافت کنند تا متوجه شوند که مرتکب چنین خطایی شده اند. نیت آنها البته ممکن است یک نیت فانتزی و کاملاً خیرخواهانه باشد. مثل نوجوانی که از دیدن و عکس گرفتن با یک سلبریتی، هیجان زده می شود.

سلفی از خودمان

درد جامعه چیز دیگری است

از آن مساله عبور کنند. دو؛ عدم شناخت بخشی دیگر از جامعه که هنوز نتوانسته اند ماهیت فلان جریان سیاسی را به درستی تشخیص دهند و در نتیجه تحت تاثیر بازی‌های رسانه‌ای همان جریان سیاسی، آنچه را انتخاب می‌کنند که آن جریان سیاسی برایشان دیکته کرده بنابراین در قبال مسائل به وجود آمده توسط منتخبان خودشان، کاری به جز اظهار تاسف از دست‌شان برنمی‌آید و با این وجود باز هم به همان دلیل عدم شناخت، به شکل دیگری بازپچه دست سیاست‌بازان قرار خواهند گرفت.

با این اوصاف نه فقط این چند نماینده امروز مجلس، شئون نمایندگی مجلس را رعایت نمی‌کنند که در سیاست‌ها، نظارت‌ها و قانونگذاری‌های نمایندگان و مسئولان آینده هم نباید انتظار گشایش مشکلات مردم و حرکت در مسیر پیشرفت کشور را داشته باشیم. البته ایراد از انتخاب جامعه ماست.

و حال با این بخش از جامعه چه باید کرد؟ ما به عنوان جامعه یا یک رسانه انقلابی به چه اندازه در به وجود آمدن چنین وضعیتی مقصریم؟

عملکرد خوب یا بد مسئولان بستگی به مطالبه و فهم جامعه دارد و تا وقتی در نوع توقع و مطالبه‌گری جامعه از مسئولان تغییر رخ ندهد، اوضاع بر همین منوال خواهد گذشت و اگر جامعه انقلابی بتواند فهم جامعه را با در نظر گرفتن شرایط روز تعالی بخشد، آن وقت است که مطالبه‌گری و توقع جامعه از مسئولان نیز جهت‌دار می‌شود و قطعاً در چنین شرایطی هیچ مسئولی نه حاضر است دست به حرکات اشتباه بزند و نه به جز مطالبات و مصالح جامعه در مسیر دیگری قدم برخواهد داشت.

در یک جمله، آنچه این روزها به عنوان بی‌توجهی به شأن و جایگاه مسئولیت یا کوتاهی در عملکرد مسئولان مشاهده می‌کنیم، نتیجه انتخاب مردم است؛ مردمی که انتخاب‌شان متأثر از عملکرد جریان‌های سیاسی است. ▶

◀ جواد آقایی

روزنامه‌نگار



۳ نه اینکه فکر کنید سلفی نمایندگان مجلس، درد کمی است که از قضا نشان‌دهنده تفکر همان حضراتی است که به دست من و شما راهی مجلس شدند. اما فکر می‌کنم درد جامعه ما چیز دیگری است و این سلفی گرفتن‌ها شاید بهانه و سرآغاز خوبی باشد برای پرداختن به اصل ماجرا! و اصل ماجرا چیست؟!

شاید در هر دوره انتخابات که قرار است نمایندگان مجلس یا رئیس‌جمهور تغییر کند، سوسویی از نور امید در دل مردم روشن شود که قرار است «تغییر» رخ دهد یا قرار است مشکلات حل شود! اما در نتیجه فرقی نمی‌کند چرا؟ ایراد کار چیست؟ مگر نه اینکه صندلی‌های قدرت در حال واگذاری به یک فرد دیگر است؟ پس چرا تغییری رخ نمی‌دهد؟

از نظر نویسنده شاید صاحبان کرسی‌های مسئولیت تغییر کنند اما آنچه رخ نمی‌دهد، تغییر نگرش در امور تصمیم‌گیری و اجرایی است و این همان مشکل در امور جاری کشور است که بخشی از جامعه، آنچه را یک‌بار تجربه کرده و نتیجه تلخ‌ش را چشیده، «تکرار» می‌کند! این تکرار نه اینکه طبیعی باشد اما قطعاً از سر بی‌منطقی هم نیست و نشأت گرفته از دو حقیقت است. یک؛ تغییر ذائقه و اولویت‌های بخشی از جامعه که گویا آزادی‌های سیاسی-اجتماعی را به رونق اقتصادی ترجیح می‌دهند این بخش که سال به سال بر آن افزوده می‌شود و اغلب از قشر جوان هستند، در برابر اتفاقاتی چون سلفی نمایندگان و نقض برجام و امثالهم، دست به توجیهات انحرافی می‌زنند و سعی می‌کنند با عوض کردن بحث روز،

این افراد به هر حال نمایندگان مجلس ما هستند. هرچند سازوکار این انتخاب بسیار عجیب و پیچیده است. اینکه چنین افرادی به مجلس آمده‌اند که سازوکار حضور در یک جلسه رسمی و بین‌المللی را نمی‌دانند.

از این مطلب که بگذریم، نکته اصلی همین آموزش است. نکته بعدی اینکه، بعد از این داستان، برای جلوگیری از تکرار دوباره این خطا، باید آموزش را در اولویت قرار داد. این افراد ممکن است بعد از این، سفرهای خارجی و نشست‌های رسمی در پیش روی خود داشته باشند، این ناآشنایی ممکن است منجر به اقداماتی در آن نشست‌ها شود که شکار عکاسان خارجی شود و این اهانت و مسأله در فضای بین‌المللی متوجه ایران شود.

منتقدان این داستان، اشارات زیادی به بحث وادادگی این نمایندگان در برابر غرب داشته‌اند. نظر شما در این باره چیست؟

▲ من اصلاً سخنی از غرب یا شرق زدگی به میان نیاوردم. شما چنین نکته‌ای در صحبت‌های من نشنیدید. من از زاویه دیگری به این امر نگاه می‌کنم. اینکه اگر بخواهیم بر اساس نرم جهانی در حوزه رفتارها و بایسته‌های دیپلماتیک در یک جلسه به این اتفاق بنگریم، متوجه می‌شویم که آداب این جلسه رعایت نشده است هر چیزی در این عرصه دارای آداب است؛ از پوشش تا نحوه و چیش ایستادن حضار و... پس باید این آداب را رعایت کرد.

عدم رعایت این موارد به منزله پذیرش توهین برای ملت است. مدارکی که در آرشیوها باقی خواهد ماند و از میان نخواهد رفت یا فراموش نخواهد شد.

اگر زاویه نگاه را به این موضوع را به خارج بچرخانیم، چه پیام‌هایی از رهگذر آن در فضای بین‌الملل مطرح می‌شود؟!

▲ هر فردی از چهره‌های سیاسی بین‌المللی که آشنا به فنون دیپلماسی و آداب کنسولی هستند، وقتی چنین تصاویری را مشاهده کنند، نخستین نکته‌ای که به ذهن آنها می‌رسد این است که آنها آداب جایگاه‌شان را نمی‌دانند و در نتیجه نگاه‌شان به سیاستمداران ایرانی متفاوت می‌شود.

فرض کنید شخصی از نمایندگان با ظاهری عجیب وارد جلسه شود، برداشت‌ها از این حرکت چه خواهد بود؟! اینکه این فرد آداب این حرکت را نمی‌داند! اگر این اقدام از سوی یک شخص عادی صورت گرفته بود، آبروی خود و خانواده‌اش خدشه‌دار می‌شد. اما اگر یک نماینده مجلس دست به چنین اقدامی بزند، آبروی کشور و مردم را با مشکل مواجه می‌کند.

تحلیل‌گران خارجی بر اساس همین زبان رفتار یا عملکرد، شیوه رفتار با چنین سیاستمداران ناپخته‌ای را تجزیه و تحلیل می‌کنند! اگر طرف‌های خارجی سیاستمداران ما بدانند که در جلسات و جریان مذاکرات، با افرادی این چنین ناپخته مواجه هستند، روش آنها در سیاست‌ورزی بسیار متفاوت خواهد بود! و این برای کشور ما اثرات منفی بسیاری را در پی خواهد داشت.

و نکته پایانی...

▲ به نظر من قانون انتخابات و ثبت نام در انتخابات، باید اصلاح شود. اصلاحاتی که اجازه کاندیداتوری و ورود به مجلس را به افراد عادی نداده باشد. هر فردی از خیابان عبور نکند و به سوی وزارت کشور برود و داشتن یک مدرک کارشناسی ارشد، در انتخابات ثبت نام کند. یا اگر چنین قانونی وجود دارد و امکان اصلاح آن نیز وجود ندارد، سازوکارهای آموزشی و حداقلی در این باره جدی گرفته شود! ▶





غرب‌زدگی؟

تأثیرات فرهنگی سلفی نمایندگان با موگرینی در گفت‌وگو با پرویز سروری، بیژن نوباوه، قدیری ایبانه و داریوش قنبری

احمد رضا کلاتری

خبرنگار

۴ ماجرای سلفی پر حاشیه نمایندگان مجلس شورای اسلامی با فدریکا موگرینی، یکی از مهم‌ترین اخبار در هفته گذشته بود. ماجرای که در ابعاد سیاسی و فرهنگی و اجتماعی با حاشیه‌ها و اظهار نظرات زیادی همراه شد. برای تحلیل دقیق‌تر این موضوع به سراغ تنی چند از فعالین سیاسی-فرهنگی رفتیم.

مجازی، عکس العمل شدیدی به این موضوع نشان دادند. این مساله اما مساله‌ای قابل تامل از ابعاد مختلف است. نخست اینکه؛ این طور که پیداست؛ نمایندگان ما هیچ پروتکل و تشریفاتی در عرصه عمومی و بین‌المللی را آموزش ندیده‌اند! حداقل جمع‌کنیری از آنان به این فرهنگ و رفتار دچار هستند. لازم است برای این افراد فکری اساسی و آموزشی درست تهیه دیده شود که بتوانند شخصیت سیاسی و فرهنگی کشور را در جایگاه نمایندگی مردم حفظ کنند. دوم اینکه؛ در شرایط فعلی کشور و رفتار نادرست طرف مقابل ما نتیجه‌ای در حوزه سیاست برای ما نداشته، این اقدام در برابر این طرف غربی کاری کاملاً اشتباه است.

موگرینی فردی بوده که بسیاری از این قراردادهای نابسامان را تأیید کرده است. این نمایندگان در حالی که ادعای شناخت منافع ملی را دارند، چنین بازخوردی داشته‌اند این تنها نشان‌دهنده بی‌اطلاعی این افراد از منافع ملی است آنها چشم‌شان را روی خیانت‌های غرب و آمریکا بسته‌اند و در عین حال ادعای شناخت نیز دارند این رغبت به موگرینی یک مخالفت با آرمان سیاسی و فرهنگی مردم و از سوی دیگر بی‌اطلاعی این نمایندگان از آبروی ملی و شخصیت فرهنگی مردم ما در عرصه بین‌المللی است.

به نظر من این عده از نمایندگان باید از مردم عذرخواهی رسمی صورت دهند. هم به دلیل رفتار ناشایستی که در برابر یک خانم داشته‌اند، خصوصاً

از نظر شما اقدام برخی از نمایندگان مجلس، در مراسم تحلیف آقای روحانی، برای سلفی گرفتن با موگرینی را چطور می‌توان ارزیابی کرد؟! یک ناهنجاری فرهنگی که در رفتار بروز کرده یا یک ساختار شکنی سیاسی؟

▲ سروری: نمایندگان تبلور اقتدار جامعه ما هستند. چرا که منتخبین و معتمدین ملت هستند. در نتیجه توقع از آنها نیز بسیار بیشتر از افراد عادی است رفتار و حرکات و سکنات آنها نیز به تبع همین امر به نوعی پیام‌رسان و ترجمان فرهنگ ایرانی ست. اعتبار مردم ما در گرو رفتار و کردار این دسته از مسئولان است.

اتفاقی که روز تحلیف حادث شد، به هیچ وجه در شأن فرهنگ ملت ایران نبود. بی‌تابی که نمایندگان برای عکس گرفتن با موگرینی نشان دادند، به گونه‌ای بود که بار خبری بسیار سنگینی چه در حوزه فرهنگ و چه در حوزه سیاست برای ایران به بار آورد و نشان از آن دارد که توجه جامعه خبری در سطح جهانی به کشور ماست. شما در کدام مجلس در دنیا رفتاری مشابه این رفتار نمایندگان ما را مشاهده می‌کنید؟! اینکه یک عده سیاستمدار خارجی وارد کشوری شوند و نمایندگان این مقدار از تمایل برای ثبت یک عکس با او نشان دهند؟ اگر مردم عادی اقدام به این رفتار می‌کردند، محل بحث کمتری در این باره وجود داشت اما چنین رفتاری در سطح رفتار کلان سیاسی واقعا جای تعجب دارد.

این رفتارها از لحاظ فرهنگ سیاسی، مغایر عزت و اقتدار ایران اسلامی بود. امری که متأسفانه شاهد آن بودیم.

▲ نوباوه: رفتاری که متأسفانه از سوی نمایندگان صورت گرفت، حتی اگر از سوی افرادی با سمتی غیر از این نیز اتخاذ می‌شد، بسیار رفتار نادرستی تلقی می‌شد. من فکر می‌کنم مردم هم نسبت به این رفتار موضع‌گیری خوبی داشتند و حتی در شبکه‌های اجتماعی و محیط‌های

روحانیتی که در آن جمع حضور داشت، هم به دلیل تأثیر نامطلوبی که در فضای فرهنگی کشور به جای گذاشتند. این افراد داعیه فرهنگ‌سازی در کشور دارند، پس چنین اقدامی از سوی آنها پذیرفتنی نیست. افکار عمومی باید عکس العمل درخور را به این نمایندگان نشان دهد.

▲ قدیری ایبانه: من تعجب می‌کنم اگر فردی این رفتار را تأیید کند اگر فردی دست به تأیید چنین رفتاری بزند، از نظر من، او نیز دچار مشکل است رفتار نمایندگان دون شأن افراد عادی در جامعه ایرانی بود چه پرسد به نمایندگان یعنی تلاش برای گرفتن عکس سلفی آن‌هم در مراسم تحلیف و از سوی نمایندگان مجلس شورای اسلامی.

عکس العمل مردم ایران نسبت به این داستان، آنها را متوجه زشتی این اقدام کرده است. حتی یکی از این نماینده‌ها از مردم عذرخواهی کرده است.

▲ قنبری: ماجرای سلفی گرفتن نمایندگان مجلس با خانم موگرینی از نظر من چندان بحث مهمی نیست فکر می‌کنم دلیل این کار به مواضع ایشان برمی‌گردد؛ اینکه ایشان در هفته‌ها و روزهای گذشته، در برابر سیاست ترامپ درباره بی‌توجهی به برجام ایستاده و از مواضع ایران دفاع کرده است. شاید نمایندگان به این دلیل احساساتی شدند و این اقدام را انجام دادند. در واقع سلفی گرفتن و توجه بیش از اندازه آنها به خانم موگرینی، به دلیل دفاع وی از برجام بوده است.

البته بحث سلفی گرفتن، کار مرسوم میان نمایندگان نیست. مقامات سیاسی وقتی وارد جایی یا نشست می‌شوند، یا دیداری با مقام دیگری صورت می‌گیرد، در حین یا پایان آن دیدار، یک عکس رسمی را به ثبت می‌رسانند. اما سلفی گرفتن در چنین فضایی، مرسوم نیست شاید اگر تشریفات مجلس در این زمینه آموزش‌های فرهنگی لازم را به نمایندگان ارائه می‌داد، آنها آگاه می‌شدند و این اتفاق نمی‌افتاد نمایندگان اقدام به این کار کرده‌اند که گویا از سیاست‌های خانم موگرینی و سمپاتی ایشان درباره ایران راضی بوده‌اند. شاید به این وسیله خواسته‌اند تا تشکری از خانم موگرینی داشته باشند یا به نوعی با این حرکت، تشکری از مواضع ایشان



داشته باشند!

بازتاب این اقدام نمایندگان مجلس شورای اسلامی و تاثیر آن در فرهنگ عمومی جامعه ما چیست؟

▲ **سرووی:** قطعاً تأثیرات منفی در این باره خواهد داشت. به ویژه در میان قشر جوان و نوجوانی که از این مسئولان الگو می‌گیرند. در جامعه ما که یک جامعه عزتمند بعد از انقلاب اسلامی معرفی شد و خصومت‌های جدی با غرب در حوزه‌های مختلف داشته و مصاف‌های زیادی بین ما و غرب و آمریکا وجود داشته، این رفتار می‌تواند آثار مخربی را در فرهنگ عمومی داشته باشد.

فراموش نکنیم که امام در جریان پذیرش قطعنامه توصیه‌های موکدی به حفظ خشم و کینه انقلابی علیه دشمنان داشتند؛ افرادی که تمام‌قد علیه انقلاب و ایران و اسلام و مظلومان حرکت کرده‌اند یا در این راه سهم داشته‌اند.

ما در حالی که سیاست‌های خصمانه‌ای از سوی غرب در موضوعات مختلف از جمله فرهنگ و سیاست شاهد هستیم، به ابراز تمایل به سوی افرادی که ملت ما را از حقوق اولیه‌شان محروم می‌کنند و در حال اقدام علیه منافع ملی ایران هستند، آثار بسیار منفی دارد. آن‌هم اقدامی از سوی نمایندگان ملت ایران اقدامی مبتنی بر شیفتگی محض!

▲ **نوباوه:** همواره افراد و جریان‌هایی از خارج، در پی ایجاد تغییر در فرهنگ ما بوده‌اند. تغییراتی مهم‌تر از تغییرات سیاسی. زیرا رویکردهای سیاسی ما بدون تغییرات فرهنگی، تغییر نخواهند کرد. از جمله تغییر فرهنگ ارزش‌های اخلاقی نیز در همین راستا اهداف خاصی را دنبال می‌کرده است. این چرخش در فضای فرهنگی، امری مطلوب از سوی غرب قلمداد شده است. کما اینکه افرادی را در لباس هنرپیشه و... نزد برخی از مسئولان ما فرستادند و بعدها اتهام جاسوسی درباره آنها مطرح شد قطعاً اینها برای تابوشکنی و قبح‌زدایی از فرهنگ غربی، بسیار تلاش می‌کنند. همچنین به موازات این امر، سعی بسیار برای تخفیف فرهنگ اسلامی دارند.

در چنین فضایی که رخدادهای این چنینی حادث می‌شود، غربی‌ها برداشت موردنظر خود را از این امر صورت می‌دهند. مردم باید این رفتار را نه در شأن نمایندگی، که یک امر شخصی و ناشی از شخصیت اینها تحلیل کنند.

زیرا نمایندگی مردم یک امر و شغل بسیار مقدس در نظام جمهوری اسلامی ایران است.

▲ **قدیری ایبانه:** موگرینی در تصویب تحریم‌ها علیه ایران موضع داشته است. اینکه فردی در جریان تحریم مردم و نظام سیاسی یک کشور، عمل کند و نمایندگان مردم آن کشور، اینطور خود را شیفته او جلوه دهند، اثرات تحقیرآمیز زیادی را در حوزه‌های مختلف خواهد داشت. من توقع داشتم که اگر نمایندگان فرصتی برای دیدار با موگرینی به دست می‌آوردند، ایستادگی ایران و مردم ایران را در برابر غرب به گوش او می‌رساندند. این خواسته مردم ایران و فرهنگ ایرانی از نمایندگان‌شان بود که متأسفانه مسکوت ماند!

▲ **قنبری:** این اقدام در کلیت خود، یک عمل اشتباه است برخی از دوستانی که این اقدام را انجام داده‌اند نیز از مردم عذرخواهی کرده‌اند. پس طبیعتاً نباید این اقدام را مثبت ارزیابی کرد و انتظار داشت که تأثیر خوبی در فضای فرهنگ عمومی و سیاسی مردم به جای گذارد. اما آنچه وجود دارد اینکه من انگیزه این اقدام را از ظاهر آن متفاوت می‌دانم.

ناآگاهی به ظاهر امر، در پس خود یک نیت متفاوت داشته است. تقابل موگرینی با آمریکا، در این قالب ظهور یافته است. در واقع نمایندگان ما قصد داشته‌اند که به این امر احساسات خود را نشان دهند.

همواره و در طول تاریخ، اقدامات این چنینی در فضای غرب‌زدگی قابل بحث و بررسی بوده است! نظر شما درباره این اقدام و غرب‌دوستی نمایندگان چیست؟

▲ **سرووی:** البته شاید نتوان اقدام مبتنی بر این گرایش را در باره همه نمایندگان مطرح کرد. اما وجه غالب در این اتفاق، مسأله غرب‌زدگی بود. به نظر من حالت شیفتگی نسبت به فرهنگ غرب را می‌توان در بازیگران این برخوردها سراغ گرفت. این صحنه قطعاً از سوی رسانه‌های خارجی هدف گرفته شده و آن را منبعث از رفتار غریبه ایرانی‌ها، تحلیل کرده‌اند. آنها نیز در این برداشت با ما مشترک بوده‌اند. این تنها یک عکس با یک مقام خارجی نیست، بلکه تصور همین فضای غریزه و زمینه برداشت این چنینی را در داخل و خارج مهیا کرده است.

▲ **نوباوه:** این وادادگی نسبت به غرب در بخش مهمی از جامعه وجود دارد. این در حالی است که بسیاری

از افراد این بخش، حتی برای یک روز پایشان را از ایران بیرون نگذاشته‌اند و نسبت به غرب شناخت کافی ندارند. باید مطالعه کتاب‌های سیدجمال‌الدین اسدآبادی، جلال آل‌احمد و... را برای این افراد توصیه کرد تا بتوانند غرب را بهتر از این بشناسند. یا در اقل درجه به کارنامه غرب در مواجهه با ایران، طی دهه‌های اخیر توجه بیشتری داشته باشند این تمایل نشان دادن، در شأن ما نیست پس هر نماینده‌ای از هر جریانی و با هر وضعی که در خود دارد، نباید این رفتار را از خود نشان دهد.

پس از پیروزی انقلاب؛ این میزان از غرب‌زدگی متأسفانه در بسیاری از افراد با همین حد‌شان، ادامه یافته است. این مسأله نیز واقعا قابل اغماض نیست. این بار هم مدعیان این فرهنگ در این جریان خود را به خوبی نشان دادند نه تنها نسبت به یک فرد غربی، بلکه فردی که هیچ خدمتی به کشور ما نکرده و حتی در جریان تحریم‌هایی که علیه ملت ایران ترتیب داده شده نیز دخالت داشته است!

در سوی دیگر نیز بعد فرهنگ عمومی این جریان بسیار موثر است. عده‌ای آقا، نسبت به یک خانم این رفتار سبک را نشان داده‌اند که به نظر خیلی بد است.

▲ **قدیری ایبانه:** این طور که از ظواهر امر پیداست، اگر همسر یا دختر ترامپ به جای موگرینی در این مراسم حضور داشتند، این نمایندگان برای گرفتن یک عکس با آنها مسابقه می‌گذاشتند! زن بودن موگرینی در این جریان، بی‌تأثیر نبود! ولی من معتقدم که اگر فردی مثل چک استراو در این مراسم حاضر می‌شد، چنین اتفاقی رخ نمی‌داد.

من فکر می‌کنم که در ذهن خانم موگرینی، نسبت به این اقدام نمایندگان و فرهنگ مردم ایران، چه فضایی ایجاد شده است؟! قطعاً فضا و پیش‌فرض مطلوبی در این باره ایجاد نشده است.

▲ **قنبری:** این اقدام به معنای تمایل غرب نبوده است! اگر خانم موگرینی موضعی مثل ترامپ اتخاذ کرده بود، قطعاً استقبالی از ایشان در مجلس نمی‌شد. اصلاً شاید در کل به این مراسم دعوت نمی‌شد. همین مواضع ریشه این اتفاق بوده است. اتفاقی که البته در شکلی نامطلوب حادث شد. این اما به معنای غربگرایی نیست! این نمایندگان درست به خاطر منافع ملی دست به این اقدام زده‌اند اما از چند و چون آن آگاهی کافی نداشته‌اند!

سرنوشت تیلرسون!

اختلافات رکس تیلرسون، شصت و نهمین وزیر امور خارجه ایالات متحده آمریکا با دونالد ترامپ، رئیس جمهور این کشور این روزها بیش از گذشته نمایان شده است. اختلاف نظر در حوزه‌هایی همچون مسئله سوریه، قطر و مهم‌تر از همه برجام و چگونگی مواجهه با آن، کاخ سفید و وزارت خارجه را در درگیری هم قرار داده است. لذا یکی از متزلزل‌ترین جایگاه‌ها را در کابینه ترامپ، رکس تیلرسون دارد و هر از چندگاهی شایعه استعفای ایشان به گوش می‌رسد. اکنون پرسش اینجاست که فی الواقع تیلرسون تا چه حد به عنوان وزیر خارجه برای ادامه امور دیپلماسی اختیار عمل دارد و اینکه در نهایت اختلاف دیدگاه‌های او با رئیس جمهور چه سرنوشتی را برایش رقم خواهد زد.

بین الملل

تیتریک

دوجاده متفاوت

اختلافات وزارت خارجه و کاخ سفید در حال افزایش است

بسیاری دیگر از بخش‌های صنعت و تجارت در حداقل پنجاه کشور دنیا حضور دارد. تیلرسون در طول فعالیتش در این شرکت توانست پله‌های ترقی را در اکسون موبیل یکی یکی طی کند و در سال ۲۰۰۶ بر بالاترین سمت آن تکیه زد. اکسون موبیل یکی از موفق‌ترین شرکت‌های آمریکایی در دهه‌های اخیر بوده و باید این موفقیت را به حساب تیلرسون هم نوشت.

اما به نظر می‌رسد وزارت خارجه آمریکا همانند اکسون موبیل نیست و تیلرسون هنوز نتوانسته موفق عمل کند. بر همین اساس روز به روز بر لیست موارد اختلاف نظر تیلرسون با کاخ سفید افزوده می‌شود؛ از این موارد می‌توان به سیاست ایران و کارکنان وزارت امور خارجه اشاره کرد. ناامیدی وی به هیچ عنوان مخفی نیست و تا کنون بارها علنی شده است. با وجود این ناامیدی، برخی از منابع اعلام کردند که وی تا پایان سال جاری به عنوان وزیر امور خارجه باقی می‌ماند تا دست کم یک سال در این سمت مهم بوده باشد و بتواند به تلاش‌ها برای سازماندهی مجدد وزارت امور خارجه ادامه دهد.

۴۰ ساله‌اش نه تنها سابقه دیپلماتیک بلکه سابقه کار دولتی را نداشته است، ژانویه امسال سکان دیپلماسی ایالات متحده آمریکا را در حالی از جان کری، وزیر امور خارجه دولت باراک اوباما رئیس جمهور پیشین این کشور گرفت که کری در طول چهار سال حضور در وزارت خارجه با انجام بیش از ۱۲۸ سفر به ۹۱ کشور توانست به موفقیت‌هایی در حوزه‌های توافق نامه آب و هوایی پاریس، توافق هسته‌ای ایران با گروه ۵+۱، ائتلاف بین‌المللی به سرپرستی آمریکا علیه داعش در عراق و سوریه، عادی‌سازی روابط با کوبا و توافق نامه صلح در کلمبیا دست یابد. بر همین اساس از همان آغاز روز کاری‌اش عملکرد تیلرسون در وزارت خارجه به دلیل سابقه کم به شدت مورد انتقاد قرار گرفت. اگر چه وی سابقه دیپلماتیک نداشت اما در طول سالیان گذشته تیلرسون به عنوان یک مذاکره کننده ماهر و موفق شناخته می‌شد. زیرا اکسون موبیل هم دست کمی از یک کشور ندارد؛ یک شرکت ۳۷۰ میلیارد دلاری که صنایع نفت و گاز، ساختمان، تکنولوژی، بازاریابی، فروش، منابع انسانی و

ساناز رضایی

روزنامه نگار

زمانی که دونالد ترامپ رئیس جمهور آمریکا رکس تیلرسون را برای عهده‌گیری وزارت خارجه معرفی کرد، از او به عنوان یک «بازیگر شناخته شده جهانی» نام برد اما با گذشت تنها چند ماه از تصدی وی به عنوان وزیر خارجه، زمزمه‌هایی مبنی بر رفتن وی از کابینه ترامپ شنیده شد. با این حال به تازگی تیلرسون گمانه‌زنی‌ها مبنی بر اینکه قصد دارد به خاطر اختلافاتش با کاخ سفید استعفا کند را رد کرد. وی روابطش با دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا را خوب توصیف کرد و گفته است تا زمانی که رئیس جمهور اجازه دهد در سمت خود باقی خواهد ماند. اما به طور کلی وضعیت شغلی تیلرسون مورد گمانه‌زنی‌های بسیاری در واشنگتن قرار گرفته است. رکس تیلرسون ۶۴ ساله که در پرونده کاری

پایبندی بر سنت هفتاد ساله
تیلرسون همچنان
مورد تایید ترامپ است



سیاستمداران ناپخته
ترامپ در پی کنترل
تیلرسون است



شورش صدر - خروج حکیم
سیاست عراق
به چه سمتی می رود؟

مقامات قطری انتقاد کرد. در همین راستا آر. سی. هاموند، یکی از مشاوران ارشد تیلرسون این ناهماهنگی را بی اهمیت جلوه می دهد و می گوید، هر یک از این افراد مخاطبان متعددی دارند. وزارت خارجه با رهبران خلیج فارس صحبت کرده و بر لزوم کاهش تنش ها تاکید می کند و در مقابل رئیس جمهور در یک کنفرانس خبری با همتای رومانیایی اش در مورد پایان تروریسم که برای وی مهم است، صحبت می کنند.

چندی قبل زمانی که دونالد ترامپ تصمیم به خروج از توافق آب و هوایی پاریس گرفت، در خواست تیلرسون مبنی بر خارج نشدن از این توافق را رد کرد.

تیلرسون در جلسه استماع سنا اعلام کرد که او از ماندن در این توافق حمایت می کند همچنین اکسون موبیل، شرکت پیشین وی حمایت خود را برای حضور در این توافق اعلام کرده است. هم چنین زمانی که ترامپ به دنبال خروج از این توافق بود، در حالی که اعضای دیگر کابینه این تصمیم را تحسین می کردند، تیلرسون و وزارت خارجه سکوت اختیار کردند.

در حالی که تیلرسون بر همکاری با اعضای ناتو به عنوان تعهد کشورش به این ائتلاف تاکید می کرد، ترامپ در اجلاس سران ناتو در بروکسل هرگونه تعهد بر حمایت متقابل را رد کرد، گرچه در نهایت ترامپ تعهد خود را در این باره اعلام کرد.

این قبیل اختلاف نظرها، نگرانی ها را درباره اینکه آیا تیلرسون می تواند در اجرای سیاست خارجی موثر باشد، افزایش داده است. با این حال تیلرسون اصرار دارد که مواضع ترامپ را درک می کند.

همچنین جان فینر، یکی از مسئولان وزارت خارجه در دوران جان کری، وزیر امور خارجه پیشین آمریکا اعلام کرد: «هنوز این اختلاف نظرها به میزان کافی خودنمایی می کنند که کارشناسان سیاست خارجی از این مساله بهره می برند. این اختلاف نظرها نه تنها دوستان و دشمنان آمریکا را دچار سردرگمی کرده است بلکه در بسیاری موارد غیرسازنده است.»

به تازگی روزنامه نیویورک تایمز اعلام کرد: «با وجود گذشت هشت ماه از روی کار آمدن ترامپ به عنوان رئیس جمهوری آمریکا یکی از وزارتخانه های مهم وی که همان امور خارجه است، هنوز با بحران تکمیل کارمندان مواجه است و یک سوم از پست های ارشد آن خالی مانده است.»

از ۱۱۳ پست در وزارت امور خارجه آمریکا که در وبسایت آن آمده شامل معاونان وزیر، دستیاران، منشی ها و سایر مقام های ارشد، فقط ۳۶ پست پر شده و ۲۹ پست دیگر توسط مقام های سابق در دولت باراک اوباما، رئیس جمهوری سابق آمریکا اداره می شود. همچنین ۴۸ پست هنوز خالی هستند و فردی برای آنها در نظر گرفته نشده است.

همچنین هنوز سفرای آمریکا در کشورهای دیگر از کشورهای کلیدی و تاثیر گذار مشخص نشده است. در حال حاضر هنوز سفرای آمریکا در ۷۱ کشور انتخاب شده اند.

جک رید، سناتور دموکرات گفت که این خلاء در وزارت خارجه آمریکا در نهایت تأثیری منفی بر سیاست خارجی ایالات متحده می گذارد.

وی به ایندیندنت گفت: «در خارج از کشور، میان وزارت امور خارجه و دفاع و سایر آژانس ها اتحادی وجود دارد. چنین خلأیی از سوی دشمنان ما یک فرصت محسوب می شود.» این سناتور دموکرات آمریکایی درباره تعلل در انتصاب افراد مناسب در پست های اصلی در وزارت امور خارجه نیز گفت: «به نظر من این خلاء در پست ها در نهایت و به صورت اجتناب ناپذیری یک تاثیر جدی بر توانایی ما بر تحقق سیاست های خارجی ما می گذارد به ویژه زمانی که نمی خواهید کسانی روی کار بیایند که مورد نظر شما نیستند.»

این بحران در وزارت امور خارجه آمریکا در ژانویه سال جاری میلادی و زمانی آغاز شد که دونالد ترامپ، به عنوان رئیس جمهوری آمریکا به صورت مداوم و بی وقته چهار تن از مقام های وزارت خارجه را بدون آنکه کسانی را جایگزین شان کند، از کار برکنار کرد و هنوز با گذشت هفت ماه، این پست ها خالی هستند.

وزارت خارجه آمریکا استخدام های غیر ضروری را ممنوع کرده و افرادی که دارای سهمیه استخدام فدرالی بودند، نتوانستند برای مدتی شغلی مناسب برای خود دست و پا کنند چون بر اساس این سهمیه، دانشجویانی که در دانشگاه های فدرال درس می خوانند، می توانند پس از اتمام تحصیل به استخدام نهادهای فدرال درآیند اما این برنامه لغو شد. (پس از مدتی وزارت خارجه آمریکا این ممنوعیت را برداشته و به آنها اجازه داد تا برای پست هایی که خالی هستند، درخواست دهند.) تیلرسون همچنین پیشنهاد کاهش ۳۱ درصدی از بودجه وزارتخانه و هشت درصدی کارمندان را مطرح کرده است.

وزیر امور خارجه آمریکا از همان ابتدای کار گفته بود که به دنبال ایجاد تغییرات موقعیت موجود در وزارتخانه است و در مراسم معارفه به کارمندان گفت که هدفش تغییر در آن چیزهایی است که در گذشته در دپارتمان صورت می گرفته است.

وی در فوریه سال جاری میلادی گفته بود: «ما نمی توانیم از سنت هایی بی اساس و بی فایده انتظار نتایج بهینه داشته باشیم. من اطلاعاتی را درباره روند تغییرات جمع آوری می کنم و کار خودم را برای آنکه اقداماتی موثر و مفید انجام می دهیم، انجام می دهم.»

هم چنین یکی از اتفاقات نادر که تعجب همگان را برانگیخت و بسیاری از جامعه اقلیت را به واکنش واداشت، این بود که تیلرسون سنت ۲۰ ساله وزارت خارجه در میزبانی مراسم افطار از مسلمانان را شکست و اعلام کرد که امسال وزارت خارجه آمریکا مراسم افطار و مراسم جشنی برای عید فطر نخواهد داشت. این در حالی است که از سال ۱۹۹۹ وزرای امور خارجه آمریکا از احزاب جمهوریخواه و دموکرات همواره یا در ماه مبارک رمضان افطاری داده اند یا میزبان جشن های عید فطر در وزارت خارجه بوده اند.

به نظر می رسد ابرهای سیاه به این زودی ها از سر تیلرسون کنار نمی رود. در همین راستا مکس برگمان، یکی از اعضای ارشد در مرکز ترقی آمریکا، در وبسایت خبری پولیتیکو نوشت: «این دقیقاً همان جایی است که دیپلماسی می میرد و این مرگ نه با گلوله بلکه با نالیدن و غرغر کردن صورت می گیرد؛ با دفاتر خالی در یک بعد از ظهر وسط هفته!»

تیلرسون و تیم وی بارها اظهارات ناهمگون با دونالد ترامپ و کاخ سفید درباره مسائل حساس و مهم در حوزه سیاست خارجی و مواضع آمریکا در قبال مسائل بین المللی بیان کرده اند.

به طور نمونه به هنگام وقوع بحران دیپلماتیک میان قطر و برخی از کشورهای حوزه خلیج فارس از جمله عربستان سعودی، پیام های متناقض تیلرسون و ترامپ درباره بحران قطر توجه همگان را به خود جلب کرد اما این تنها نمونه پیام های متناقض میان این دو فرد نبود.

به نظر می رسد بیشترین نمود اختلاف میان تیلرسون و ترامپ در مساله قطر است، از یک سو در وزارت خارجه، مقامات بر تمرکز ویژه بر لزوم اتخاذ یک راه حل میانه رو تاکید می کردند. از سوی دیگر ترامپ در پیام های تویتر خود قطر را متهم به کمک مالی به «افراط گرایی» در منطقه کرد. در مقابل تیلرسون خواستار خویشتنداری و کاهش تنش ها از کشورهای عربی شد تا بدین شکل بن بست به وجود آمده در مساله قطر حل شود.

با این حال ترامپ بار دیگر با اظهاراتی جنجالی از

واشنگتن در خطر تزلزل

تیلرسون مجری دستورهای ترامپ است



نادر انتصار

استاد علوم سیاسی دانشگاه آلابامای جنوبی

۲ بروز اختلافات میان رئیس‌جمهور آمریکا با برخی از اعضای کابینه‌اش از چند جهت قابل بررسی است. باید مدنظر داشت که دونالد ترامپ تاکنون عهده‌دار یک سمت سیاسی نبوده است. او با وجود آنکه مقام ریاست جمهوری را تصدی کرده است اما تاکنون ناگزیر نشده که نحوه کارکرد واشنگتن را به رسمیت بشناسد. اداره کشور مهمی

در خصوص اداره امور و سیاست‌های خود در حوزه‌های مختلف به نظر کسی اهمیت نمی‌دهد و بر همین اساس اختلافات جدی میان آنها وجود ندارد. این تغییرات و اختلافات رفتاری است تا اصولی؛ ترامپ همان‌طور رفتار می‌کند که زمان مدیریت املاک و مستغلات خود رفتار می‌کرد. بسیاری از نزدیکانش که شناخت درستی از او دارند کاملاً با مدل رفتاری او آشنا هستند. او هیچ‌گونه شناختی در خصوص روابط دیپلماتیک ندارد و به همین دلیل نیز براساس اصول رایج علم سیاست رفتار نمی‌کند و نحوه برخوردش با وزرایش نیز همین‌گونه است. نکته مهم دیگر در خصوص تیلرسون آن است که او تصمیم‌گیر



در مورد سیاست خارجی آمریکا نیست، بلکه او تنها مجری است. بنابراین در صورتی که اختلافی هم باشد، او در حد پیشنهاد با ترامپ آن را مطرح می‌کند و در این زمینه ممکن است مسائلی بروز کرده باشد. نباید انتظار این را داشت که تیلرسون با سیاست آقای ترامپ مخالفت کند و آن را غلط بخواند. این اختلافات در آن سطح نیست. چرا که تیلرسون نقش مهم و اساسی در حوزه کاری خود ندارد. او نیز مانند دونالد ترامپ سابقه هیچ‌گونه مدیریت سیاسی را ندارد. با نگاهی به سابقه فعالیت تیلرسون می‌توان به خوبی این موضوع را درک کرد. رکس تیلرسون کار خود را به عنوان مهندس شروع کرد و دارای مدرک لیسانس مهندسی عمران است. تیلرسون سال‌ها در شرکت اکسان فعالیت داشت؛ او در ابتدا کار خود را مدیریت بخش تولید مرکز ایالات متحده آمریکا اکسان آغاز کرد و پس از آن به عنوان رئیس شرکت اکسان یمن و اسواکسیلوریشن و پروداکشن کورات مشغول فعالیت شد. پس از آن در سال ۲۰۰۶ تیلرسون به عنوان رئیس هیات مدیره و مدیرعامل ارشد اجرایی اکسان، ششمین شرکت بزرگ جهان از لحاظ گردش مالی، انتخاب شد. بنابراین عمده فعالیت‌های او در بخش‌های تولیدی و انرژی بوده است و هیچ‌گونه سابقه فعالیتی در عرصه دیپلماسی دارا نیست. همین موضوع موجب می‌شود که او نتواند دیدگاه درستی در اداره وزارت امور خارجه داشته باشد. در صورتی که بخواهیم تیلرسون را با وزیران امور خارجه آمریکا در دوره‌های قبلی مقایسه کنیم

همچون آمریکا نیازمند مهارت‌هایی است که با اداره دارایی‌های شخصی در یک بنگاه املاک و مستغلات تفاوت دارد. اما ترامپ تاکنون این تفاوت‌ها را درک نکرده است و بر همین اساس حاضر نیست در چارچوب ساختاری ایالات متحده آمریکا به فعالیت بپردازد. بنابراین شاهد تغییر و تحولات گسترده در اداره او بر کاخ سفید هستیم. برای همه ثابت شده که ترامپ فردی نیست که بتوان روی او حساب کرد. به‌طور کلی او برنامه مشخصی در عرصه سیاست داخلی و خارجی ندارد. به همین دلیل شاهد افزایش اختلافات او با وزرای مختلف هستیم؛ او یک روز به وزیر امور خارجه‌اش حمله می‌کند و روز دیگر وارد دعوی جدی با وزیر دادگستری‌اش می‌شود. بنابراین عملکرد او و نحوه رفتارش به برنامه‌ها و اندیشه‌های او در حوزه سیاست داخلی و خارجی آمریکا ارتباطی ندارد. بلکه اینها به رفتارهای غیرقابل پیش‌بینی او ارتباط دارد. موضوعی که در گذشته نیز بارها مطرح شده و بسیاری این مدل رفتاری او را موجب افزایش دامنه اختلافات در مدیریت او بر کاخ سفید و حتی در عرصه سیاست داخلی و خارجی آمریکا عنوان کرده بودند که طرح موضوعات کنونی نشان از درست بودن پیش‌بینی‌ها دارد. بنابراین روی این اختلافات نمی‌توان حساب کرد و تحلیل عمیق ارائه داد. در هر صورت اینکه گفته می‌شود رکس تیلرسون و ترامپ بر سر بعضی مواضع در سیاست خارجی با یکدیگر اختلاف نظر دارند، چندان درست نیست چون که ترامپ

به خوبی این تفاوت قابل مشاهده است. تیلرسون به هیچ عنوان نمی‌تواند نقش فردی مثل جان کری را داشته باشد و حتی آن را بازی کند. چرا که جان کری مدیر کارکنان ای در عرصه دیپلماسی بود و تسلط بسیاری بر کار خود داشت. از سوی دیگر انتخاب وزرا از سوی دونالد ترامپ هم براساس توانایی و دارا بودن دانش کافی نبوده است؛ ترامپ نیز تمایلی به این ندارد که تیلرسون نقش جدی در عرصه سیاست خارجی بازی کند و بر همین اساس در صورتی هم که تیلرسون دانش کافی در عرصه دیپلماسی را دارا بود، بنابراین ترامپ خواستار یک نقش فعال از سوی او نبود. در شرایط کنونی اما این نکته مهم است که تیلرسون قادر نیست چنین نقشی را در عرصه سیاست خارجی آمریکا بازی کند و به همین دلیل دامنه اختلافات آنها نمی‌تواند عمیق باشد. برعکس جان کری که سیاستمدار کارکنان ای بود اما تیلرسون هیچ‌گونه سابقه سیاسی ندارد. تنها رابطه تیلرسون با کشورهای خارجی در خصوص انعقاد قراردادهای نفتی بوده است، بنابراین با انتخاب او برای همه به خوبی مشخص بود که تیلرسون نمی‌تواند تغییری در سیاست‌های ایالات متحده ایجاد کند؛ چرا که او دیدگاهی در خصوص مراودات سیاسی و دیپلماتیک کشورها ندارد. او تنها مجری اموری است که ترامپ به آنها می‌اندیشد. ترامپ فردی کوتاه‌فکر است که از علم سیاست هیچ‌گونه اطلاعاتی ندارد؛ او به شدت زیر نفوذ حامیان اسرائیل است و به همین دلیل نیز مخالفت جدی با برجام دارد. از آنجا که منافع اقتصادی او در منطقه حمایت از کشورهایی چون عربستان و امارات است بنابراین شاهد افزایش فشارهای او بر ایران هستیم. هدف ترامپ از بین بردن برجام است اما ناچار است که گزارش وزارت خارجه آمریکا در مورد پایبندی ایران به مفاد برجام را تأیید کند. ترامپ با همکاری کنگره آمریکا اقدامات خود در مورد از بین بردن برجام را افزایش می‌دهد؛ از سوی دیگر او عادت دارد که نظر خود در خصوص موضوعات متعدد را به وزرایش دیکته کند. بنابراین هر چند برخی از خبرها حکایت از آن دارد که ترامپ برجام را از وزارت خارجه به کاخ سفید منتقل می‌کند یعنی به جای تیلرسون و کارمندان وزارت خارجه افراد افراطی کاخ سفید مانند استیو بنز را برای نوشتن گزارش بعدی آمریکا در مورد برجام انتخاب می‌کند. اما آن گونه که به نظر می‌رسد این کار به سادگی صورت نخواهد گرفت چرا که وزیر امور خارجه ایران نیز تأکید کرده که اگر دولت آمریکا تصمیم بگیرد تعهدات خود در برجام را اجرا نکند و از برجام خارج شود، ایران نیز به تعهدات خود پایبند نخواهد بود. بنابراین این نکته را یادآوری کنم که صحبت‌های مطرح شده در خصوص اختلاف تیلرسون و ترامپ بر سر موضوع برجام بیشتر گمانه‌زنی است تا یک حقیقت؛ از سوی دیگر گزارش‌هایی که در خصوص پایبندی ایران به برجام از سوی وزارت امور خارجه آمریکا منتشر می‌شود، توسط کارشناسان متبحری صورت می‌گیرند که تخصص ص دارند و تیلرسون و ترامپ نمی‌توانند به آسانی این گزارش‌ها را دستخوش تغییر کنند. در پایان باید تأکید کرد که اگر ترامپ به رویه کنونی خود یعنی ایجاد تغییرات متعدد در کاخ سفید ادامه دهد و این موضوع خشم اعضای کنگره را ایجاد کند، بنابراین آنها حمایت‌های خود از ترامپ را قطع می‌کنند و قطعاً موقعیت او در خطر قرار خواهد گرفت. چون این رفتارها به کنگره و سایر کشورها این پیام را می‌دهد که دنباله‌روی از فردی که ثبات در تصمیمات ندارد، معقول و منطقی نیست و این موضوع پایه داخلی و خارجی ترامپ را ضعیف خواهد کرد. ▶

تقابل ساده‌انگاری و تخصص‌گرایی

اختلافات ترامپ و تیلرسون ناشی از چیست؟



طهمורת غلامی

کارشناس مسائل آمریکا

۳ رکز تیلرسون، وزیر خارجه فعلی ایالات متحده آمریکا، پیشتر رئیس یک شرکت بین‌المللی نفتی بود و از این لحاظ سابقه حضور در وزارت خارجه آمریکا چه در مقام کارکنان وزارت خارجه و چه در مقام سفارت را نداشته است. اما در رابطه با حضور او در شرکت نفتی باید به یک نکته توجه داشت مبنی بر اینکه تیلرسون، رئیس یک شرکت بزرگ بین‌المللی بود که بین‌المللی بودن این شرکت بدین معنی است که تیلرسون با مقامات دولت‌های دارای منابع نفتی ارتباطات زیادی داشته و قراردادهای بین‌المللی زیادی در عرصه نفت و گاز امضا کرده است. طبیعتاً برای انعقاد هر قراردادی، گفت‌وگویی لازم است و از این جهت می‌توان گفت تیلرسون اگرچه سابقه کار در وزارت خارجه آمریکا را ندارد اما سابقه انجام گفت‌وگوهای بین‌المللی با دولت‌ها برای رسیدن به قرارداد و توافق را در کارنامه کاری خود دارد. به گونه‌ای که تیلرسون تا پیش از دوران وزارت خارجه خود ملاقات‌های گسترده‌ای با مقامات دولت‌های روسیه، بحرین، قطر، کردستان عراق و به‌طور کلی کشورهای دارای نفت و گاز داشت. از آنجایی که وزارت خارجه آمریکا تعیین می‌کند که شرکت‌های آمریکایی کجا سرمایه‌گذاری کنند، می‌توان گفت تیلرسون در دوران ریاست بر شرکت نفتی با وزارت خارجه و حتی وزارت خزانه‌داری نیز هماهنگ بوده است. مجموعه این مشخصات بود که باعث شد تا سنانی آمریکا به رکز تیلرسون برای تصدی وزارت خارجه رای مثبت دهد.

در این میان از زمان روی کار آمدن تیلرسون در مقام وزارت خارجه شاهد اختلاف‌نظرهایی میان او و دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا هستیم. البته این اختلاف دیدگاه‌ها به وزیر خارجه محدود نمی‌شود و ترامپ با برخی دیگر از اعضای کابینه خود نیز اختلاف‌نظرهایی دارد. باید توجه داشت که دونالد ترامپ یک استثنای خاص میان روسای جمهور آمریکا است. بدین معنا که ایشان قبل از آغاز دوران ریاست جمهوری، هیچ تجربه فعالیت حزبی،

حضور در مجلس نمایندگان، حضور در مجلس سنا، حضور در مقام فرماندار یا شهردار را نداشته است. این وضعیت باعث شده است که او نگاه خاصی نسبت به مسائل سیاست داخلی و خارجی آمریکا داشته باشد. به بیان دیگر اساساً هر فردی که تجربه کار سیاسی نداشته باشد زمانی که یک دفعه وارد فعالیت‌های سیاسی می‌شود و به پست‌های عالی می‌رسد به ساده‌سازی مسائل می‌پردازد. در واقع این تیپ افراد، مسائل پیچیده و چند بعدی سیاست را همانند مسائلی ساده در نظر می‌گیرند که به آسانی می‌توان آنها را حل و فصل کرد.

ترامپ نیز از این قاعده مستثنی نیست؛ او خارج از نهادهای سیاست‌گذاری آمریکا به قدرت رسیده و به همین خاطر برای مثال چه در موضوع مهاجرت به‌عنوان یک موضوع داخلی و چه در مسائل بین‌المللی مانند محیط زیست، همکاری با اروپا و حتی برنامه هسته‌ای ایران، مباحث را به شکل مباحث ساده‌انگارانه، ساده و قابل حل می‌داند. این خصلت دونالد ترامپ سبب اختلاف نظر او با نهادهای رسمی و تثبیت شده آمریکا مانند وزارت خارجه می‌شود. بدین معنی که وزارت خارجه متأثر از تجرب گذشته و نیز نظرات کارشناسان مقامات این وزارتخانه در ارتباط با هر موضوع و مسأله‌ای نگاه خاصی دارد و همانند ترامپ، آن را موضوعی ساده نمی‌بیند. بر این مبنای باید گفت که دیدگاه‌های تیلرسون نسبت به برنامه هسته‌ای ایران متأثر از نهاد وزارت خارجه است که دیدگاه‌های کارشناسی و حساب شده خود را به تیلرسون ارائه می‌کند. در مقابل نگاه ترامپ و مشاوران او مانند کوشنر یا استیوینز متأثر از نگاهی ساده‌انگارانه به سیاست است. اینجاست که وقوع اختلاف میان نهاد وزارت خارجه و ریاست جمهوری آمریکا اجتناب‌ناپذیر می‌شود. بر این اساس در ارتباط با برنامه هسته‌ای ایران باید گفت که وزارت خارجه آمریکا نسبت به این نکته آگاه است که برنامه هسته‌ای ایران یک برنامه پیچیده است و به آسانی نمی‌توان توافق هسته‌ای موجود را برهم زد. زیرا توافق هسته‌ای از یک طرف مورد حمایت اتحادیه اروپا، روسیه و چین است و از طرفی در صورت از بین بردن توافق هسته‌ای هیچ گزینه جایگزینی برای آن وجود ندارد. همچنین وزارت خارجه آمریکا به خوبی می‌داند نقض توافق هسته‌ای توسط آمریکا سبب انزوای

آن کشور خواهد شد. بنابراین وزارت خارجه آمریکا با در نظر گرفتن این پیچیدگی‌ها، دیدگاه خود را به تیلرسون تجویز می‌کند. در مقابل نهاد ریاست جمهوری تصور می‌کند توافق هسته‌ای ایران را به سادگی می‌توان کنار گذاشت و مخالفت کشورهای دیگر هزینه‌ای برای واشنگتن ایجاد نمی‌کند. به‌طور کلی اختلاف دیدگاه میان تیلرسون و ترامپ را باید متأثر از نوع نگاه آنها به مفاهیم پیچیده سیاسی دانست؛ یک طرف نگاهی ساده و عوامانه به سیاست دارد و طرف دیگر دیدگاهی مبتنی بر محاسبه سود و زیان و نظرات کارشناسی را دنبال می‌کند. به این خاطر ترامپ در کنار وزارت خارجه از یک تیم دیگر نیز خواسته است که گزارش‌های فصلی و سه‌ماه یک بار در مورد برنامه هسته‌ای ایران را ارائه کنند. این خود بیانگر آن است که ترامپ متأثر از همان نگاه ساده و عوامانه تصور می‌کند که وزارت خارجه با او صادق نیست. در حالی که شورای امنیت ملی و وزارت دفاع آمریکا نیز دیدگاهی مشابه دیدگاه وزارت خارجه دارند. به نظر من، تشکیل تیمی که ترامپ برای ارزیابی پایبندی ایران به توافق هسته‌ای در نظر گرفته است، چون جایگاه رسمی و نهادی در میان نهادهای سیاست‌گذاری آمریکا ندارد، صرفاً سبب تشدید اختلاف وزارت خارجه و نهاد ریاست جمهوری خواهد شد.

در نهایت باید توجه داشت که در ایالات متحده آمریکا نهادهای قدرت بسیار مهم و اثرگذار هستند بدین معنی که فرد در نهایت تحت غلبه ساختار قرار می‌گیرد. بنابراین ممکن است ترامپ تلاش کند با تغییر افراد، اشخاصی را سر کار بیاورد که پیرو دیدگاه‌های او باشند و صرفاً به تایید سخنان او بپردازند اما واقعیت این است که چنین افرادی قادر نیستند در مقابل فشارهای ساختاری و نهادی مقاومت کنند. به‌عنوان مثال حتی خود رئیس‌جمهور آمریکا در مقابل نهادهای سیاسی و غیرسیاسی این کشور در موارد زیادی مجبور شده است دیدگاه‌های خود را تغییر داده یا تعدیل کند. به این خاطر می‌توان گفت فشار نخبگان سیاسی و نظامی و نیز نهادهای سیاسی آمریکا در نهایت ترامپ را مجبور خواهد کرد چارچوب نهادهای سیاست‌گذاری رسمی این کشور فعالیت کند و تغییر افراد کمکی به او نخواهد کرد. برای مثال وزیر دادگستری آمریکا از نزدیک‌ترین دوستان ترامپ است. اما همین فرد تحت فشار الزامات ساختاری مجبور شده است نماینده ویژه برای بررسی تبانی ترامپ و روسیه در ایام انتخابات ریاست جمهوری انتخاب کند؛ تا جایی که حتی مخالفت‌های صریح و علنی ترامپ با وزیر دادگستری نیز منجر به عقب‌نشینی او نشده است. ▶



کلی از نحوه اداره دولت توسط ترامپ در ایالات متحده آمریکا است.

از سوی دیگر در بین مقامات دولت ترامپ به نظر می‌رسد یکی از متزلزل‌ترین جایگاه‌ها را رکس تیلرسون دارد و هر از چندگاهی شایعه استعفای ایشان به گوش می‌رسد. به گونه‌ای که چندی پیش و اوایل ماه جولای ایشان در مصاحبه‌ای گفته بود: «تاجایی سر کار می‌مانم که رئیس‌جمهور اجازه دهد.» منظور تیلرسون از اجازه رئیس‌جمهور اشاره به توثیقاتی است که ترامپ در نقد سیاست خارجی وزیر خارجیه بیان داشته است. چرا که ترامپ و تیلرسون بر سر موضوعات مختلف از جمله کاهش بودجه وزارت خارجه، مساله تغییرات آب و هوایی، نحوه ارتباط با روسیه، شرایط سوریه و بقای بشار اسد بر سر قدرت، بحران قطر و نهایتاً برجام یا همان توافق هسته‌ای با ایران اختلاف نظرهایی دارند. مساله‌ای که تیلرسون در جایگاه خود با آن مواجه شده این است که هدایت سیاست خارجی صرفاً بر عهده وزارت خارجه نیست و گروه‌های مختلفی از داخل کاخ سفید، وزارت دفاع و شورای امنیت ملی در تدوین سیاست خارجی و تعیین اولویت‌های آمریکا نقش ایفا می‌کنند. در این میان یکی از معضلات اساسی تیلرسون مساله برجام است؛ افراد تدریجی که جایگاه‌های مهمی در دولت ترامپ کسب کرده‌اند مخصوصاً کوشنر داماد و مشاور ترامپ در مسائل خاورمیانه به شدت رئیس‌جمهور را به این سمت سوق می‌دهند که توافق با ایران را کنار بگذارد. به طوری که بارها و بارها توافق با ایران را بدترین توافق تاریخ خوانده‌اند. انتظاری که ترامپ از وزارت خارجه و شخص تیلرسون دارد این است که با تعریف شاخص‌هایی، نقض برجام توسط ایران را ثابت کند. ولی تیلرسون در دو گزارشی که تاکنون تهیه کرده، پایبندی ایران به توافق هسته‌ای را اعلام کرده که همین امر نیز باعث اعتراض ترامپ به ایشان و ارسال توثیقاتی اعتراض آمیز شده است. به دنبال این امر ترامپ یک گروه دیگر را داخل کاخ سفید مأمور کرده که در گزارش ۹۰ روزه بعدی بتوانند ثابت کنند که ایران به توافق هسته‌ای پایبند نبوده و حداقل بتوانند نشان دهند که تهران روح برجام را نقض کرده است. این یعنی کاستن از اختیارات و ابتکار عمل تیلرسون در یک موضوع بسیار مهم امنیت ملی. این رویکرد و اقدام ترامپ با نارا حتی بسیار زیاد وزیر خارجه همراه شده است. ایشان در مصاحبه‌ای در اوایل جولای گفته بود که در زندگی قبلی خود به عنوان مدیرعامل شرکت نفتی اکسون موبیل برای مذاکره با مقامات کشورهای مختلف مجبور به سفر به کشورهای گوناگون شده و عملاً در جهان سیاست زیسته است. تیلرسون در ادامه تاکید کرد: «اما اکنون رئیس‌جمهوری داریم که از جهان سیاست نیامده است.» این سخنان نشان می‌دهد که تیلرسون با رویه کاری ترامپ موافق نیست و اصرار دارد که هماهنگی و همسویی با کشور دیگر در مورد پایبندی یا عدم پایبندی ایران به توافق، تصمیم جمعی بگیرند که این امر مورد قبول رئیس‌جمهور نیست. از همین رو ممکن است این اختلافات به شکاف بزرگ‌تر میان رئیس‌جمهور و وزیر خارجه منجر شده و حتی برکناری یا استعفای تیلرسون را نیز به همراه داشته باشد.

در این خصوص یکی از دیپلمات‌های اروپایی نقل می‌کند که وقتی تیلرسون، توثیقاتی ترامپ را در مورد مساله‌ای که ایشان نیز در آن جلسه حضور داشتند مشاهده کرد، سرش را میان دو دستش گرفته و ناراحت و متأسف بود. با این چشم‌انداز و به عقیده بسیاری از ناظران، تداوم کار تیلرسون در وزارت خارجه بسیار دشوار است و خوش‌بین‌ترین مفسران بیشترین زمان ممکن برای همکاری ترامپ و تیلرسون را نهایتاً دو سال پیش‌بینی می‌کنند. ▶



دیپلمات فاقد ایده و ابتکار

همکاری ترامپ و تیلرسون عمر زیادی ندارد

کشوری می‌خواهد وارد مذاکره شود و توافق، مورد نظر رئیس‌جمهور نیز باشد. اگر در مورد تأیید پایبندی ایران به برجام نیز اخباری منتشر شد مبنی بر اینکه این تأیید با فشار افرادی امثال تیلرسون بوده به این مفهوم نیست که او دست به ابتکار عمل مثبتی زده باشد بلکه وی اقدامی را انجام نداده است.

در این بین حتی سفرای آمریکا و مقامات وزارت خارجه نیز اطمینان چندانی به جایگاه تیلرسون ندارند و موارد بسیار مهم را به جای وزیر خارجه با شورای امنیت ملی هماهنگ می‌کنند. بنابراین نتیجه‌ای که می‌توان گرفت این است که رکس تیلرسون صرفاً یک مدیر اجرایی است نه یک دیپلمات دارای ابتکار و اختیار عمل.

در زمینه ارتباط میان رئیس‌جمهور و وزیر خارجه آمریکا چند نکته را باید در نظر داشت؛ نخست آنکه ترامپ یک بی‌زیس من است و نه یک سیاستمدار؛ او مدیریت شرکت‌ها، هتل‌ها و بیزینس‌های مختلف را برعهده داشته و عادت دارد دستور دهد و بقیه اجرا کنند. ترامپ همین مدل و روش را در دولت نیز به کار گرفته است و حتی برخی صاحب‌نظران معتقدند که سیستم دونالد ترامپ CORPORATE SISTEM یعنی یک نظام و سیستم شرکتی است. او به عنوان رئیس هیأت مدیره یا مدیرعامل حرف آخر را می‌زند و تصمیم گیری می‌کند و بقیه ملزم به اجرای آن هستند. اختلافات اخیر رئیس‌جمهور با رئیس دیوان عالی آمریکا، جیمز ماتیس، وزیر دفاع، ژنرال مک مستر، مشاور عالی امنیت ملی آمریکا و نهایتاً رکس تیلرسون بر سر همین موارد است. یعنی این افراد حرف‌ها و ایده‌های ترامپ را دنبال و پیاده نمی‌کنند به همین دلیل ترامپ در تویتر به راحتی مقامات دولت خود را نقد می‌کند و در افکار عمومی جایگاه آنها را متزلزل نشان می‌دهد. این یک نمایی

دکتر سعید شکوهی

استاد دانشگاه علامه طباطبائی

رکس تیلرسون به عنوان وزیر خارجه ایالات متحده آمریکا بالاترین مقام دیپلماتیک یک کشور را داراست؛ کشوری که به زعم خود در شرایط حاضر برترین کشور دنیاست.

باید توجه داشت که این سمت، آن هم در کشوری چون ایالات متحده آمریکا ایجاب می‌کند که تیلرسون ابتکار عمل زیادی داشته باشد، ایده‌های خاصی ارائه دهد و بتواند برای انجام مصالحه، توافق و مذاکره با دیگر کشورها از اختیار عمل خوبی برخوردار باشد و تصمیم بگیرد. در دولت‌های گذشته آمریکا وزرای خارجه زیادی را داشتیم که از این اختیار برخوردار بوده، ایده و فکر جدید داشتند و توانستند آمریکا را در مسیری که مدنظرشان بود، هدایت کنند؛ نمونه شاخص آن هنری کیسینجر است. در دوران اخیر نیز شخصی مانند جان کری در این سمت قرار داشت که دیدگاه‌هایش با دیدگاه‌های رئیس‌جمهور وقت باراک اوباما همسو بود ولی در عین حال از اختیار و ابتکار عمل نیز برخوردار بود و به همین دلیل توانست گام‌های مهمی در پیشبرد اهداف دولت اوباما بردارد.

وقتی این افراد را با تیلرسون مقایسه می‌کنیم به این نتیجه می‌رسیم که نه تنها افکار و دیدگاه‌های تیلرسون همراستا با ترامپ نیست بلکه ابتکار عمل لازم را برای تصمیم گیری در بزنگاه‌ها نیز ندارد. منظور از فقدان اختیار عمل تیلرسون این است که ما شاهد آن نیستیم که به عنوان مثال ترامپ به او اختیار داده باشد که با هر

پایبندی بر سنت هفتاد ساله

تیلرسون همچنان مورد تایید ترامپ است



امیر علی ابوالفتح

کارشناس مسائل آمریکا

۵ رکس تیلرسون، وزیر امور خارجه آمریکا برای اولین بار به‌طور علنی بیان کرد که در زمینه سیاست خارجی به‌خصوص توافق اتمی ایران با دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا نظریه‌ای دارد. این در حالی است که ترامپ در زمان اعلام خبر کاندیداتوری تیلرسون برای وزارت خارجه با مخالفت‌های گسترده‌ای از جانب برخی نمایندگان کنگره روبه‌رو گشت. درواقع ترامپ با انتخاب رکس تیلرسون به‌عنوان وزیر امور خارجه قصد داشت فردی را خارج از بدنه دموکراتیک سیاسی و کهنه سیاستمداران ایالات متحده آمریکا، برای این سمت مهم انتخاب کند. زیرا از نظر دونالد ترامپ مشکل اصلی آمریکا این است که مسئولان و مجریان کشور تعدادی از سیاستمداران کهنه کار عموماً فاسد از هر دو حزب دموکرات و جمهوریخواه هستند. درواقع به دلیل نگاه بدبینانه‌ای که ترامپ به تشکیلات سیاسی حاکم بر آمریکا دارد و در جریان رقابت‌های انتخاباتی هم اشاره کرده بود در نظر داشت تا چیدمان کابینه‌اش خارج از این گروه افراد باشد، به همین

خاطر هم تیلرسون را به‌عنوان وزیر امور خارجه منصوب کرد. اما این اقدام ترامپ انتقاداتی به همراه داشت مبنی بر اینکه تیلرسون مرد تجارت است نه سیاست؛ ترامپ و هواداران تیلرسون در پاسخ به این نقد بیان داشتند فردی که در جایگاه مدیرعامل شرکت بزرگ و نفتی اکسون موبیل است، دارای سابقه مذاکرات متعدد با طرف‌های خارجی است و به راه و روش گفت‌وگو و دیپلماسی آشناست که می‌تواند از تجربیاتش در اداره وزارت امور خارجه استفاده کند. همچنین یکی از پارامترهای ترامپ برای انتخاب تیلرسون این بود که وی دیدگاه نزدیکی به مواضع دوستانه ترامپ نسبت به روسیه داشت. ترامپ در نظر داشت مسئول وزارت امور خارجه از تیم جریان ضدروس در آمریکا نباشد تا بتواند زمینه آشتی بین آمریکا و روسیه را در دوران پس از اوپاما هدایت کند. این بخش از انتظارات ترامپ تا حدودی محقق گشته، حتی بعد از امضای مصوبه

تحریم علیه روسیه، کره شمالی و ایران، تیلرسون نقدهایی نسبت به این قضیه داشت که نشان می‌دهد تیلرسون در طیف جریان ضدروس قرار ندارد. نکته‌ای که باید به آن اشاره کرد جایگاه تیلرسون در دستگاه دیپلماسی ایالات متحده آمریکا است که ارشدترین مشاور در عرصه امور سیاست خارجی و دیپلماسی وزیر امور خارجه است. البته در دولت‌های پیشین هم شاهد اختلاف نظرهایی بین وزیر امور خارجه و رئیس‌جمهور بودیم و شدیدترینش هم در دوران انقلاب اسلامی بود که وزیر امور خارجه دولت جیمی کارتر به دلیل اختلاف نظر در مورد نحوه مواجهه با انقلاب ایران از این سمت کناره‌گیری کرد؛ بنابراین اختلاف تیلرسون و ترامپ نادر و غیرممکن نیست. در حال حاضر به نظر می‌رسد به‌رغم اختلافاتی که بین کاخ سفید

و تیلرسون وجود دارد، رکس تیلرسون همچنان مورد تایید رئیس‌جمهور است، به‌خصوص در موضوعاتی مانند قطر و ایران او توانسته نظر خودش را به‌رغم میل باطنی دونالد ترامپ پیش ببرد؛ این موضوع نشان‌دهنده این است که وزارت خارجه و شخص تیلرسون آن چنان قدرتی دارند که سیاست رسمی ایالات متحده آمریکا را در قبال موضوعات رسمی مانند قضیه ایران و قطر پیش ببرند، با این حال نمی‌توان گفت که در آینده او چه جایگاهی خواهد داشت. اگر بخواهیم بیشتر در مورد اختلاف نظرهای تیلرسون و ترامپ بگوییم، به نظر می‌رسد شخص وزیر خارجه به‌عنوان سکانتدار اداره وزارت امور خارجه آمریکا از طرح صرفه‌جویی که ترامپ مد نظر دارد برای برخی از وزارتخانه‌ها به کار بندد خرسند نیست؛ زیرا طبق این طرح ۳۰ درصد بودجه وزارت امور خارجه در سال ۲۰۱۸ کاهش پیدا خواهد کرد که در این صورت تعدیل نیروی کار و تعطیلی برخی بخش‌ها و واحدهای وزارت خارجه را به همراه دارد؛ همچنین کمک‌های خارجی کاهش می‌یابد و مأموریت‌های خارجی وزارت خارجه نیز تا حدودی تعدیل پیدا می‌کند. بنابراین اگر شخص تیلرسون هم با این طرح موافق باشد اما از بدنه وزارت خارجه نسبت به کاهش بودجه و تعدیل وظایف به وی فشار وارد می‌شود که این موضوع یکی از موارد اختلاف نظر داخلی رئیس‌جمهور و



وزیر امور خارجه است. اما اصلی‌ترین اختلاف پیرامون بحران قطر پیش آمد. در روزهای اولی که روابط عربستان و قطر دچار چالش شد، ترامپ رسماً قطر را به حمایت مالی از گروه تروریستی متهم کرد و از مواضع عربستان جانبداری کرد، این در حالی است که وزارت خارجه چنین دیدگاهی را نداشت و مشخص شد تلاش دارد تا با حمایت وزارت دفاع میانجی‌گری کند. او عقیده داشت در این بحران عربی آمریکا یا باید بی‌طرف باشد یا تلاش کند نوعی میانجی‌گری کند زیرا جانبداری ایالات متحده از عربستان، منافع آمریکا را در منطقه خاورمیانه به خطر می‌اندازد. درخصوص نحوه برخورد با سوریه نیز به نظر می‌رسد که نگاه و دیدگاه وزارت تا حدودی معتدل‌تر از دیدگاه شخص ترامپ است؛ همچنان که در قضیه کره شمالی نیز وزارت خارجه بر حل

مسالمت‌آمیز مشکل از طریق تقویت همکاری با چین تاکید دارد اما کاخ سفید و ترامپ از موضع قدرت و به کار بردن تهدید و ارباب علیه کره شمالی و چین برای واداشتن کره شمالی به تجدیدنظر در برنامه هسته‌ای سخن می‌گویند. در یک کلام می‌توان گفت کاخ سفید مبتنی بر استراتژی «اول آمریکا» عمل می‌کند، خیلی دغدغه بین‌المللی و دیپلماتیک ندارد، اما وزارت خارجه براساس سنت هفتاد ساله مشارکت جهانی بر ادامه ائتلاف‌ها تاکید دارد و معتقد است که برخی مشکلات را باید از طریق دیپلماتیک حل کرد.

همچنین در بحث ایران نیز اختلاف نظرانی وجود دارد؛ زیرا ترامپ و مشاورانش عقیده دارند باید زمینه اعلام عدم پایبندی ایران به برجام برای امکان خروج آمریکا از این توافق و باره کردن برجام مهیا شود؛ در حالی که وزارت خارجه، وزارت دفاع و مشاور امنیت ملی آمریکا با این طرح مخالفند و تاکید می‌کنند که خروج از برجام و برهم زدن آن منافع آمریکا را به خطر می‌اندازد. در همین راستا ترامپ بعد از دیداری پرمناقشه با تیلرسون به گروهی از کارکنان مورد اعتماد خود در کاخ سفید دستور داد به بررسی زمینه‌ها برای جلوگیری از تایید پایبندی ایران به برجام در گزارش سه ماهه بعدی بپردازند. به همین خاطر برخی گمانه‌زنی‌هایی وجود دارد مبنی بر اینکه ترامپ پرونده برجام را به نهادی در کاخ سفید واگذار کرده است اما باید گفت، جدا از وظایف سازمانی که وزارت خارجه به‌عنوان مسئول اصلی اجرای دیپلماسی برعهده دارد، رئیس‌جمهور به مشاورانش هم مأموریت داده به موازات تحلیل وزارت خارجه تحلیل داشته باشند؛ زیرا وظیفه مشاوران است که دیدگاه‌های متفاوت را ارائه کنند و تصمیم‌گیری در نهایت با

رئیس‌جمهور باشد. به همین خاطر درمورد موضوع برجام نیز این رسانه‌ها هستند که این ذهنیت را ایجاد کردند که یک تغییر و تحول اساسی رخ داده و ممکن است این موضوع یک گردش کار روزمره باشد. در راستای همین گمانه‌زنی‌ها در خصوص بالا گرفتن اختلافات میان تیلرسون و ترامپ باید تاکید کرد که نمی‌توان پیش‌بینی کرد در ادامه این اختلافات گسترش می‌یابد یا نه. اگر بخواهیم مقایسه‌ای بین دولت کنونی و دولت سابق انجام دهیم، دولت پیشین استراتژی ادامه مشارکت جویی بین‌المللی را مدنظر داشت و اوپاما اعتقاد داشت مشکلات جهانی باید از طریق مذاکرات بین‌المللی حل و فصل شود، بنابراین وظایف وزارت امور خارجه پررنگ‌تر می‌شد و اختلاف دیدگاه بین وظایف سازمانی وزارت خارجه با نگرش رئیس‌جمهور بروز پیدا نمی‌کرد اما در دولت کنونی این اختلاف دیدگاه وجود دارد که اولویت تغییر منافع آمریکا و شعار اول آمریکا است یا اینکه ایالات متحده باید به مسئولیت جهانی خودش پایبند باشد و در صورت لزوم برای مصلحت جهانی از برخی منافع ملی خودش عدول پیدا کند؟ واضح و مبهم است که رئیس‌جمهور دیدگاه اول را دارد، در حالی که وزارت خارجه بر دیدگاه دوم پافشاری می‌کند. اینکه در نهایت جریان ناسیونالیسم آمریکایی ترامپ حرف آخر را می‌زند یا جریان بین‌الملل‌گرایی وزارت خارجه تیلرسون مشخص نیست، زیرا در برخی موضوعات مانند پیمان آب و هوایی پاریس جریان ملی‌گرا پیش‌تاز است اما در قضیه برجام جریان بین‌الملل‌گرا حریفش را به کرسی می‌نشاند، بنابراین باید مسائل را تک‌تک بررسی کرد. ▶



متحدان ناامید از کاخ سفید

ضعیف‌ترین دوران آمریکا بعد از جنگ جهانی دوم

مهدی فتحی

کارشناس مسائل آمریکا

رکس تیلرسون، وزیر امور خارجه ایالات متحده آمریکا که یکی از مدیران موفق در صنعت نفت و اقتصاد است، دارای اختلاف دیدگاه‌های بسیاری با دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا شده است. اگرچه بسیاری از سیاستمداران آمریکا مخالف انتخاب تیلرسون برای قرارگیری در رأس وزارت خارجه بودند اما دونالد ترامپ به این انتقادات وقعی ننهاد. اگر بخواهیم تحلیلی بر وضعیت دیپلماسی خارجی فعلی آمریکا داشته باشیم باید گفت که در ساختار قدرت آمریکا معمولا در کنار رئیس‌جمهور، وزیر خارجه، وزیر دفاع و مشاور امنیت ملی نقش بسیار بزرگی در سیاست خارجی این کشور دارند و در هر دوره فردی از اهمیت بالاتری برخوردار است که ارتباط نزدیک‌تری با رئیس‌جمهور آمریکا داشته باشد؛ گاهی اوقات مشاور امنیت ملی نقش برجسته‌تری دارد و گاهی وزیر دفاع، اما در بیشتر مواقع وزیر امور خارجه در کنار رئیس‌جمهور عنصر تاثیرگذارتری در سیاست‌گذاری است. درواقع عموما وزیر امور خارجه مشاور رئیس‌جمهور در امور سیاست خارجی، مذاکره‌کننده ایالات متحده در نشست‌های بین‌المللی و مذاکرات، امضای قراردادهای بین‌المللی با سازمان‌ها و کشورها و نهادهای منطقه‌ای و مشاور رئیس‌جمهور در زمینه انتصاب سفرا است. اگر بخواهیم دولت فعلی را در ایالات متحده با دولت‌هایی که بعد از جنگ جهانی دوم در آمریکا به قدرت رسیدند مقایسه کنیم، به نظر می‌رسد آمریکا هم از نظر رئیس‌جمهور هم از نظر وزیر خارجه بی‌تجربه‌ترین افراد را در زمینه سیاست خارجی و بین‌الملل در اختیار دارد. دونالد ترامپ تاجر موفق در امور اقتصادی و املاک، رکس تیلرسون نیز در زمینه امور نفتی متخصص است و تجربه وی نشان می‌دهد که از دهه هفتاد به این حیطه وارد شده و با شرکت اکسون موبیل که میزان سرمایه‌اش به سیصد و

هفتاد میلیارد دلار می‌رسد همکاری می‌کند. اگرچه تیلرسون مدیر موفق در تجارت است اما در حوزه سیاست خارجی و به‌ویژه سیاست آمریکا در گذشته هیچ تخصصی نداشته است. شاید به نوعی وعده‌های اقتصادی دونالد ترامپ که به دنبال اول آمریکا و منافع آمریکا بوده در انتخاب تیلرسون به عنوان وزیر امور خارجه آمریکا موثر بوده است. کارنامه شش ماهه تیلرسون نشان می‌دهد که وی مانند دیگر وزرای امور خارجه آمریکا که تلاش می‌کردند از خود میراثی در سیاست خارجی به جا بگذارند یا در کنار رئیس‌جمهور برای پیشبرد اهداف وی موثر واقع شوند، نتوانسته برنامه مشخصی را برای سیاست خارجی آمریکا تنظیم کند و دیپلماسی آمریکا از اغتشاش، بی‌نظمی و دورنمای مبهمی برخوردار است. درواقع اصول کلی سیاستی که ترامپ تعیین کرده و تیلرسون آن را پیگیری می‌کند زمینه انزوای آمریکا را در صحنه بین‌المللی فراهم می‌کند. لازم به ذکر است اولین تصمیمی که ترامپ برای وزارت خارجه اتخاذ کرده است کاهش ۳۰ درصدی بودجه وزارت خارجه بوده که نشان‌دهنده این است که رئیس‌جمهور آمریکا کسب منافع اقتصادی را از طریق وزارت خارجه در نظر نگرفته است و این کاهش بودجه منجر به کاهش نقش آمریکا در حوزه‌های مختلف امنیت بین‌الملل، سیاست خارجی، روابط با سازمان‌های بین‌المللی و سازمان‌های تخصصی ملل متحد می‌شود. به نظر می‌رسد ترامپ ترجیح می‌دهد که بیشتر در حوزه اقتصادی فعال باشد و با اختصاص بودجه بیشتر به پنتاگون در نظر دارد در حوزه مسائل صنعتی و نظامی دستاوردهای بیشتری را برای واشنگتن کسب کند. اگرچه حوزه اختیارات رکس تیلرسون مانند دیگر وزرای خارجه آمریکا است اما از لحاظ تسلط بر سیاست خارجی کشور، داشتن مشاورین آگاه و استراتژی‌دان با مشکلات زیادی روبه‌رو است. به بیان دیگر در بحث دیپلماسی بین‌الملل او نمی‌تواند جایگاه و قدرتی مانند جان کری، هیلاری کلینتون، کاندولیزا رایس و کالین پاول

داشته باشد و از همان ابتدا که انتخاب شد اذعان داشت که اختلافات زیادی با دونالد ترامپ شخص رئیس‌جمهور دارد. وی به عنوان فردی که در حوزه اقتصاد کار کرده است مایل به تعامل و گسترش همکاری‌های اقتصادی آمریکا با دیگر کشورهای جهان است؛ او در گذشته با تحریم مخالف بوده، موافق تجارت آزاد و به عنوان مدیر یک کمپانی بزرگ به دنبال تجارت با کشورها و شرکت‌های مختلف بوده است، همچنین اعتقادی به اثرگذاری قرارداد آب و هوایی پاریس ندارد زیرا اعتقاد دارد در نهایت کشورها مجبورند از سوخت‌های فسیلی استفاده کنند. با این تفاسیر با توجه به اینکه سیاست ترامپ افزایش زمینه اشتغال در آمریکا است شاید با انتخاب تیلرسون برای وزارت خارجه در نظر دارند این تفکر را در سیاست خارجی نیز پیاده کنند؛ اما چون این تفکرات در نظام کلان سرمایه‌داری با بحث تجارت آزاد در تعارض است، همچنین با توجه به پیشینه تیلرسون بعید است که در این موارد به موفقیت دست پیدا کند زیرا شعار اقتصاد آمریکا یا اقتصاد بازار در طول چند دهه گذشته تجارت آزاد، باز کردن مرزها و گسترش همکاری‌ها با دیگر کشورها بوده است. اما چون در طول سال‌های گذشته اقتصاد آمریکا قدرت رقابتی‌اش را نسبت به اقتصاد چین، آلمان و ژاپن از دست داده است و به سیاست حمایتی روی آورده‌اند نشان می‌دهد با اصولی که برای سیاست اقتصادی طراحی کردند، در تعارض است و به نظر نمی‌رسد تیلرسون در این زمینه کارهایی انجام داده باشد. در عین حال باید گفت به دلیل اختلاف‌نظری که در دولت آمریکا به ویژه اختلاف بین کنگره آمریکا، مجلس سنا و مجلس نمایندگان و شخص رئیس‌جمهور حاکم است، سیاست‌هایشان هم در حوزه اقتصادی هم در حوزه دیپلماسی در درازمدت به اقتصاد آمریکا لطمه وارد کند. در خصوص اختلاف دیدگاه میان تیلرسون و ترامپ در بحران قطر، تیلرسون عقیده داشت که آمریکا باید نقش میانجی داشته باشد و زمینه‌اشتی کشورهای شورای همکاری را فراهم کند، اما ترامپ گرایش بیشتری به سمت عربستان دارد. همچنین سیاست آمریکا در قبال روسیه از نظر ترامپ نزدیکی آمریکا به روسیه است، اگرچه تیلرسون نیز برای این معنا تلاش زیادی کرد اما موانع سیاسی، اقتصادی و نظامی در آمریکا به حدی است که به نظر نمی‌رسد آنها بتوانند روابط سرد کنونی را بهبود بخشند. درخصوص برجام، تیلرسون تمایل به حفظ برجام دارد و آن را یک تعهد بین‌المللی برای آمریکا می‌داند، درحالی که ترامپ از سیاست مداخله‌جویانه و تغییر رژیم در ایران پرده‌برداری کرده و به دنبال خروج از برجام است.

به هر صورت باید گفت آمریکا بیان در طول شش ماه گذشته سیاستی همراه با پاس و ناامیدی بین متحدان خودشان ایجاد کردند و سیاستی که در دوران اوباما بین کشورهای غربی وجود داشته تا اتحادشان را حفظ کنند و بر همکاری در دو سوی آتلانتیک تاکید کنند تا حدود زیادی از بین رفته است. بنابراین طرفین سعی می‌کنند روابط حداقلی احترام‌آمیزی با یکدیگر داشته باشند. لازم به ذکر است با توجه به سیاست موجود ترامپ بعید به نظر می‌رسد تیلرسون بتواند گرمی مناسبات گذشته را بین آمریکا و کشورهای اروپایی به وجود آورد. بنابراین با توجه به سوءظن‌هایی که بین مقامات آمریکا وجود دارد، اخباری که از کاخ سفید در رسانه‌ها منتشر می‌شود، شایعاتی که مبنی بر برکناری تیلرسون وجود دارد و مذاکراتی که ترامپ با کشورهای دیگر انجام می‌دهد به نظر نمی‌رسد دولت آمریکا بتواند یک سیاست باثبات همراه با استمرار را در صحنه بین‌المللی پیش ببرد و شاید به نوعی دولت آمریکا از نظر تفکر و اندیشه در سیاست خارجی ضعیف‌ترین دوران‌ش را بعد از جنگ جهانی دوم طی می‌کند. ▶

آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای و دیگر متحدان آمریکا در گروه پنج به علاوه یک مورد تأیید قرار گرفته است؛ بنابراین اقدامات ترامپ در این زمینه تا حدود زیادی برای وزارت امور خارجه آمریکا هزینه‌آور می‌شود.

لازم به ذکر است ویژگی‌های موجود در پرونده هسته‌ای به بحران‌های دیگر نیز سرایت می‌کند. این یک نوع نگرش است، نگرشی که ترامپ را به عنوان یک پست‌نومحافظه کار متکی بر قدرت نظامی ایالات متحده آمریکا در جهت افزایش سطح نفوذ آمریکا برای باج‌گیری‌های بین‌المللی در چارچوب هژمونی آمریکایی درک کند و نگاهی که تیلرسون در ارتباط با آمریکا حداقل در میان پست‌نومحافظه کاران دارد و معتقد است که آمریکا باید از حضور فعال دیپلماتیک، خارج از استفاده آشکار از عوامل تهدیدکننده نظامی بهره برد.

درواقع آمریکا هم‌اکنون در دوران ترامپ زمینه‌های یک ادبیات رادیکال را در سیاست خارجی خود فراهم کرده است، ادبیاتی که فاقد توانایی برنامه‌ریزی است، اگرچه قدرت‌های حزب پست‌نومحافظه کارانه به دنبال ایجاد فضای برنامه‌ریزی‌هایی هستند؛ در دکتترین بازگیر دیوانه کسینجر اجرایی شود اما در عین حال سیاست کلان «ایهام» پیش گرفته‌اند و همین سیاست کلان ایهام موجب شده است زمینه‌های حرکت‌های رادیکالیستی ترامپ افزایش پیدا کند. چنین ویژگی‌هایی در دستگاه سیاست خارجه آمریکا که در نهایت تصمیم‌گیرنده‌اش براساس قانون اساسی آمریکا شخص رئیس‌جمهور است موجب می‌شود که دستگاه دیپلماسی آمریکا با چالش‌های فراوان و بحران‌های متفاوتی روبه‌رو شود که می‌توان یکی از این بحران‌ها را در کنار بحران ایران، در قطر یا حتی در سوریه ملاحظه کرد. این ماجرا موجب شده است تا حدود زیادی ایالات متحده آمریکا از چهره‌اش در زمان اوباما دور و دموکراسی آمریکایی دچار یک پارادوکس درونی شود. همین مساله را می‌توان در اختلاف میان کاخ سفید و ریاض دید، ریاضی که به هر تقدیر توسط کشورهای غربی از طریق پرسش‌هایی در زمینه برخورد با شهروندانش روبه‌رو بوده است و اکنون به عنوان شریک ایالات متحده آمریکا حدود چهارصد میلیارد دلار اسلحه تهاجمی خریده است. آمریکای ترامپی پر از تناقض است. ▶

سیاستمداران ناپخته

ترامپ در پی کنترل تیلرسون است



مهدی مطهرنیا

استاد دانشگاه و دکترای آینده پژوهی

برای خیلی از همکاران ترامپ در ماه‌های اخیر تکرار شده است، از جمله در باب وزیر دادگستری که او نیز مانند وزیر امور خارجه انگشت اتهامات شدیدی را از سوی ترامپ به سوی خود می‌بیند. اینها همه ناشی از ناپختگی و نبود تجربه سنگین و قابل قبول در حوزه سیاست هم برای ترامپ هم برای تیلرسون است.

به هر تقدیر اگرچه تیلرسون خواستار حفظ برجام است، اما رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا به دنبال راهی برای پاره کردن برجام است؛ فارغ از اینکه برجام یک معاهده بین‌المللی است که شورای امنیت سازمان ملل متحد بعد از امضای پنج قدرت بزرگ جهانی به علاوه آمریکا آن را به رسمیت شناخته است. از این جهت است که خارج شدن از برجام به عنوان یک تضاد کمپین انتخاباتی برای ترامپ بسیار سنگین و ثقیل است؛ او در مذاکره تلفنی که با سران برخی کشورها داشت و اخیراً در رسانه‌ها انعکاس پیدا کرده است، بر این نکته صحنه می‌گذارد که وی در کمپین انتخاباتی خود به مردم آمریکا گفته است برجام را پاره خواهد کرد، برجام بدترین معاهده‌ای است که تاکنون در آمریکا امضا شده است. بنابراین این واژه‌ها و جملات نشان‌دهنده سنگینی برجام و فشار برجام از نظر روحی و روانی بر شخص ترامپ است، از طرف دیگر بیانگر آن است که وی به جد برجام را بدترین معاهده برای آمریکا می‌شمارد براساس وعده‌ای که به مردم آمریکا داده است هم‌اکنون تحت فشار است؛ اما نمی‌تواند برجام را پاره کند. این احتمال را می‌داد در تهران و در انتخابات ۲۹ اردیبهشت ماه دولتی رادیکالیست‌تر از دولت حسن روحانی در پاستور حاکم شود و به واسطه تحریک و تحرک در میان ایرانیان و از طریق رسانه‌ها و ایجاد فضای ضد برجام زمینه‌های خروج از برجام را در تهران فراهم کند. اما با توجه به آنچه در تهران پیش آمد و اخیراً در سخنرانی‌های روحانی و حتی رهبری نظام جمهوری اسلامی و توصیه رهبری به دولت دوازدهم در ارتباط با تعامل سازنده بیشتر با جهان مطرح شد، آمریکا در این زمینه در یک وضعیت نامناسب و ناسامان قرار گرفت، زیرا ایران در عین حال که خواهان استقلال بیشتر و توانمندی فروز تر منطقی و بین‌المللی برای رسیدن به حقوق مسلم خود در چارچوب قوانین و مقررات است، اکنون سندی به نام برجام در دست دارد که می‌تواند امتیازات وی را از منظر حداکثر حداقل‌های موجود در این نظام تضمین کند. بنابراین باید بگوییم آنچه ترامپ را اکنون ناامید و ناراحت کرده است نوع رفتار معقولانه و معتدل دولت تهران و ایجاد فضایی مثبت در زمینه خروج از جهت‌گیری‌های رادیکالیستی؛ نه تنها در ارتباط با برجام بلکه در تعامل سازنده موثر با جهان است.

بنابراین ترامپ با تمام قدرت تلاش دارد تا به هر بهانه‌ای ایران را تحت فشار قرار داده و زمینه‌های خروج از برجام را در چارچوب بهانه‌آفرینی‌های موجود خود ایجاد کند، اما تیلرسون به خوبی می‌داند که خروج از برجام توسط آمریکا می‌تواند واکنشگن را در انزوا قرار داده و کارکردهای وزارت خارجه را در این زمینه بسیار محدود سازد. بنابراین او با توجه به این معنا با ترامپ هم‌سو و هم‌نگرش نیست و اصطلاحاً آنها بر سر برجام در همین دو دیدگاه رقم می‌خورند؛ دیدگاه ترامپ به عنوان یک بهانه‌جو مبتنی بر خروج از برجام به صورت قانونی و فضا سازی علیه تهران است و دیگری که می‌گوید ایران به متن برجام عمل کرده است و عمل به برجام توسط

رکس تیلرسون، وزیر امور خارجه دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا که سابقه درخشانی در مسائل اقتصادی و تجاری دارد، فاقد تجربیات ارزنده در حوزه دیپلماتیک است. به همین جهت برخی کارشناسان انتخاب او را به عنوان یکی از مردان ارشد کابینه سیاسی آمریکا اشتباه می‌دانند. در خصوص این انتخاب ترامپ باید گفت، رئیس‌جمهور آمریکا خود فاقد پشتوانه‌های تجربی در عالم سیاست است، اگرچه او یک مدیر برجسته اقتصادی محسوب می‌شود اما نبود تجربه سیاسی و سیاستمداری موجب تزلزل رفتاری و کنش‌های وی شده است. به تبع این بی‌تجربگی تیم وی جدای از بعضی عناصر کلیدی که در حوزه امنیتی و نظامی وجود دارند از وجاهت سیاسی معنادار و تجربه مشخص برخوردار نیستند. یکی از کسانی که از این جهت شبیه خود ترامپ است و بدون نوعی تجربه معنادار و تعریف شده در ادبیات سیاسی به عنوان یکی از مهمترین نقش‌های سیاسی کابینه، وزارت امور خارجه را به عهده گرفته، تیلرسون است. تیلرسون بیش از آنکه یک سیاستمدار یا حتی سیاست‌دان زبده باشد، یک تاجر مشهور و موفق در حوزه کاری خود قبل از پذیرش وزارت امور خارجه محسوب می‌شود. میان مدیریت و سیاست اگرچه تشابه‌هایی وجود دارد و هر دو در یک ساحت پرگستره با باند به پهنای ارتباط با انسان‌ها برخورد دارند اما یکی نیستند. سیاست، مدیریتی بس پیچیده‌تر و کلان‌تر با ویژگی‌های خاص و افراد خاص را طلب می‌نماید، بنابراین هر مدیر موفقی در حوزه‌های دیگر ضرورتاً نمی‌تواند سیاستمدار موفقی باشد. از این جهت تیلرسون از یک ضعف درونی در جایگاه خود برخوردار است و عاملیت و کنشگری است که مناسب و متناسب با جایگاه خود انتخاب نشده است، از طرف دیگر همین نقد بر ترامپ نیز وارد است. به هر تقدیر امروز ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا و تیلرسون وزیر امور خارجه اوست که از این جهت می‌توان گفت با یکدیگر هم‌سطح تلقی می‌شوند اما به دلیل اختلاف سلیقه‌های متفاوتی که میان تیلرسون و ترامپ وجود دارد، باید بگوییم از همان ابتدا با وجود اینکه ترامپ تلاش کرد از تیلرسون چهره موفق برای وزارت امور خارجه ترسیم نماید و تا حدودی این موفقیت موجب شد که تیلرسون به عنوان وزیر امور خارجه انتخاب شود، اما اختلاف نظرهای آنها با یکدیگر تا حدود زیادی رخ نشان داده و اخیراً در ارتباط با پرونده هسته‌ای ایران این اختلافات تشدید شده است. همان‌گونه که کشور ایالات متحده آمریکا خواهان محدودسازی توان و قدرت ترامپ است و با ایجاد یک اجتماع میان کره شمالی، ایران و روسیه و به هم چسبندگی تحریم‌های آنها در ضمن محدود کردن قدرت ریاست‌جمهوری در این زمینه ترامپ را کنترل می‌کند، ترامپ نیز در پی کنترل کردن تیلرسون در مسیر خواسته‌ها و اراده خود است. بنابراین می‌بینیم بعد از تأیید برجام توسط تیلرسون در سه ماه نخست، او پرونده هسته‌ای را از تیلرسون گرفته و از وزارت امور خارجه به کاخ سفید منتقل کرده است که آشکارا از نحوه عمل تیلرسون شکوه می‌کند. این نه تنها برای تیلرسون بلکه



تیلرسون بیش از آنکه یک سیاستمدار یا حتی سیاست‌دان زبده باشد، یک تاجر مشهور و موفق در حوزه کاری خود قبل از پذیرش وزارت امور خارجه محسوب می‌شود

شیعیان در عراق پسدادعش

در شرایطی که تا یک سال دیگر انتخابات پارلمانی در عراق برگزار خواهد شد و تقریباً ۸۰ درصد عراق از نیروهای داعش پاکسازی شده، احزاب شیعی مهم در این کشور تغییر و تحولات زیادی را از سر می گذرانند. از یک سو مقتدی صدر رهبر جریان صدر بعد از سفری که به عربستان داشت تاحدودی در حال پیش بردن اهداف سعودی ها در عراق است و از سوی دیگر عمار حکیم با جدا شدن از مجلس اعلا و تشکیل یک حزب جدید با عنوان حکمت ملی، آینده مجلس اعلا را با ابهام های زیادی روبرو ساخته است و این پرسش مطرح است که گروه های شیعی در عراق پسدادعش چه نقشی را ایفا خواهند کرد.

بین الملل



شورش صدر- خروج حکیم

سیاست عراق به چه سمتی می رود؟

نیز بخواهند جامعه سیاسی بر تن کنند. اما در پرده دیگر مقتدی صدر هم معیارهای خود را دارد؛ سفری که او اخیراً به عربستان سعودی انجام داد این احتمال را مطرح کرده است که برنامه جدیدی برای طرفداران و جلب نظر بخش دیگری از گروه های شیعی طراحی کرده باشد. سفر مقتدی صدر به عربستان در رسانه ها بازتاب زیادی داشت که بخشی به دلیل نوع نگرش مقتدی صدر و بخشی به دلیل نوپا بودن ولیعهد جدید در عربستان است. بخشی هم به بهم ریختگی سیاسی در منطقه شامل تنش ها میان ایران و عربستان و عربستان و قطر بازمی گردد. همچنین براساس اظهارنظرهای صورت گرفته شاید یکی از دلایل این سفر، جلوگیری از درگیری های فرقه ای و قومی بعد از شکست داعش در عراق باشد. اما به طور کلی به نظر می رسد مقتدی صدر به دنبال افزایش توان سیاسی خود و جریان صدر در معادلات سیاسی عراق و منطقه است و می خواهد جریان صدر

حیدر العبادی، نخست وزیر عراق در صدد است در زمان مانده به انتخابات با استفاده از برگه تثبیت امنیت و برقراری حاکمیت سراسری در عراق بتواند نگاه ها را به سمت خود جلب کند، اما در دیگر، جنب و جوش میان گروه های شیعی نوپا و جوانتر در جریان است. اخیراً عمار حکیم، با اعلام حزبی جدید با عنوان «حکمت ملی» عملاً از جریان سیاسی خانوادگی خود یعنی مجلس اعلامی اسلامی خارج شده و حزبی نو برپا ساخته است. او امیدوار است بتواند بخش جوان و تاحدودی تکنوکرات وابسته به مجلس اعلا یا بخشی از جامعه شیعه را به سمت خود جلب کند. اما این بدان معنا نیست که حزب مجلس اعلا از عرصه سیاست خارج شده باشد و ممکن است حتی این شیوه رفتار عمار جوان، وزنه هر دو گروه را به مخاطره بیفکند. میان گروه های شیعی باتوجه به اینکه حشد الشعبی در عملیات آزادسازی های عراق از دست داعش نقش مهمی ایفا کرده است این احتمال وجود دارد که در هنگامه انتخابات آنها

◀ سیامک کاکایی

کارشناس مسائل عراق



عراق در یک سال مانده به انتخابات پارلمانی، دستخوش تغییر و تحولات درون زاشده است. روش تحرک گروه های سیاسی، مذهبی و قومی در این کشور نشان از این موضوع دارد که جریان های سیاسی و قومی با هدف بلندمدت تری به عرصه پیشروی سیاست و حکومت می نگرند. اگرچه به نظر می رسد که گروه های اهل سنت هنوز تحت تاثیر مسأله موصل قرار دارند و سازماندهی آنها در انتخابات آینده اندکی زمان برتر باشد اما در میان جناح هایی چون شیعیان و کردها، چرخه اقدامات سیاسی به سرعت در گردش است. گروه های شیعی اکنون با چالش ها یا رویکردهای جدیدی روبرو هستند؛ در یک سو



شیعیان عراق از درگیری پرهیز کنند

گفت و گوی مثلث با رئیس دفتر مجلس اسلامی عراق در تهران

سعیده سادات فهری

خبرنگار

جناب غماس! گفت و گور! با تشریح پیشینه‌ای از فعالیت‌ها و آشنایی مجلس اعلا و جمهوری اسلامی ایران آغاز کنیم. ارتباطات مجلس اعلا و ایران را چطور می‌بینید؟

▲ جمهوری اسلامی ایران بعد از شروع مبارزه با رژیم

صدام، کمک‌های بسیاری با هدف تاسیس مجلس اعلا ارائه کرد. البته شخصیت‌های بزرگی چون شهید حکیم و احزاب دیگر نیز در این خصوص نقش داشتند. اما نقش ایران در تشکیل این حزب کاملاً آشکار و مشهود بوده است. تا امروز نیز این حزب با جمهوری اسلامی ایران روابط حسنه‌ای داشته است. البته ایران در مشکلاتی که عراق با آن مواجه بوده از تمامی احزاب و مردم این کشور حمایت کرده است که مجلس اعلا را نیز شامل می‌شود.

را به عنوان جریانی که توان چانه‌زنی بیشتری در عرصه منطقه‌ای داشته باشد، معرفی کند. در این هرج و مرج و چنددستگی، به نظر می‌رسد که عربستان، جریان صدر را برای نزدیک شدن مناسب‌تر یافته است و از این طریق می‌خواهد نفوذ خود را در عراق پسدادش حفظ کند. بنابراین بعید نیست که عربستان در آینده به دنبال ارتباط بیشتر با جریانات شیعی در عراق باشد تا بتواند بر صحنه سیاسی عراق تأثیر داشته باشد. اگر از این منظر به موضوع بنگریم هدف ریاض همچون گذشته این است که نفوذ ایران را در منطقه به خصوص عراق و سوریه کاهش دهد که این مساله بی‌ارتباط با نوع نگرش ترکیه نیست زیرا آنکارا نیز چنین سیاستی را دنبال می‌کند.

اگر از این گروه‌ها بگذریم جماعت ائتلاف دولت قانون به رهبری نوری مالکی نیز خود را در موقعیت سیاسی بالاتری می‌داند و شخص مالکی تصمیم دارد در راستای احیای رویکردهای ائتلاف اقدام کند. شاید تحت تأثیر همین مسائل است که مالکی میزان سفرهای خارجی خود از جمله سفر به روسیه را نیز افزایش داده است.

مجموعه این تغییر و تحولات این پرسش را مطرح می‌کند که نقش بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی در آینده سیاسی عراق چگونه است، به خصوص که در مناطق شمالی این کشور، کردها سر جدایی دارند و موضوع همه‌پرسی را با جدیت بیشتری تعقیب می‌کنند؛ موضوعی که می‌تواند یک چالش عینی برای مجموعه عراق باشد و در فرآیند تعامل و گفت‌وگوی میان گروه‌ها تأثیر بگذارد.

در ارتباط با تحولات کردها، واکنش‌های بیرونی به آن مثبت نبوده است و گاه با تهدیدهای جدی همسایگان روبه‌رو شده است. اما در مناطق شیعه‌نشین و در میان گروه‌های شیعه ایجاد چنددستگی سیاسی می‌تواند نشانه‌ای از کاهش سطح اتفاق جمعی آنها باشد. چرا که رقابت انتخاباتی، عرصه تقابل میان جریان‌های سیاسی در هر کشوری است و این بار گروه‌های شیعی خود به رقیب خودشان تبدیل شده‌اند. به خصوص که در رسانه‌های عربی احتمالاتی را مطرح کرده‌اند و سعی دارند به یک هجمه تبلیغاتی در ارتباط با جایگاه و نقش ایران در عراق با توجه به تقسیمات سیاسی درونی در این کشور دامن بزنند.

اما این مساله به میان می‌آید که چنددستگی میان گروه‌های شیعی علاوه بر اینکه بر فعل و انفعالات سیاسی آنها تأثیر می‌گذارد ممکن است نقش ایران را در قبال عراق و جریان‌های شیعی تنزل دهد. در این باره، این نکته مطرح است که ایران تلاش کرده نگاهی جمع‌نگرانه و فرآیند محور در عرصه سیاسی عراق و چگونگی تعامل میان تمام گروه‌های سیاسی، قومی و مذهبی داشته باشد. در عین حال ایران از تقویت روند سیاسی عراق حمایت و بر حاکمیت ملی و یکپارچگی این کشور تأکید دارد. البته طبیعی است که نوع ارتباطات جریان‌های شیعی عراق با ایران قوی‌تر باشد، به همین دلیل این احتمال مطرح است که تهران به منظور جلوگیری از چنددستگی و سیاست تقابلی میان گروه‌های شیعی آنها را به توافقی جدید با نگرش‌های تازه دعوت کند.

همان گونه که اشاره شد پرواضح است که رقابتی منطقه‌ای ایران همچون عربستان سعودی و ترکیه نسبت به حضور و نفوذ بیشتر در عراق از هیچ تلاشی فروگذار نخواهند کرد؛ به خصوص که سفر برخی از مسئولان و گروه‌های شیعی به عربستان این تلقی را میان رسانه‌های عربی پدید آورده است که نقش آفرینی ایران در عراق رو به کاهش است. اما با توجه به پیشینه و پیوندهای تاریخی، فرهنگی و مذهبی روابط ایران و عراق، ایجاد شکاف عمیق در این روابط و پیشینه ناممکن است. ►

به‌طور کلی مجلس اعلا تا چه حد در معادلات سیاسی عراق تأثیرگذار است و نقش آفرین بوده است؟

▲ با گذشت زمان مجلس اعلا به یک موسسه تاریخی در تاریخ مبارزات مردم عراق تبدیل شد. این حزب مبارزات بسیار شدیدی را از لحاظ سیاسی و جهادی پیش گرفت که در نهایت همین مبارزات منجر به سقوط صدام شد. بنابراین مجلس اعلا یک وزنه مهم در معادلات سیاسی عراق و حزبی دارای پشتوانه نزد مردم این کشور است که جمهوری اسلامی ایران نیز از آن حمایت می‌کند. آیا ممکن است جدایی جریان حکیم از مجلس اعلا منجر به واگرایی میان شیعیان به خصوص این دو حزب شود؟

▲ باید توجه داشت که هر گونه گزندی به پروژه مجلس اعلا منجر به ناراحتی و نگرانی مردم عراق می‌شود و همچنین در نگاه کلی جمهوری اسلامی ایران نسبت به مبارزات مردم عراق و تلاش ملت عراق برای بهبود روند سیاسی و مخصوصاً روند مبارزه با داعش تأثیرگذار است.

با این تفاسیر اصلاً چرا آقای سیدعمار حکیم تصمیم به جدایی از حزب مجلس اعلا گرفت؟

▲ برخلاف برخی اخبار نادرستی که منتشر شده است هیچ اختلاف مبنایی و عقیدتی بین حکیم و دیگر نمایندگان وجود نداشت و ریشه اختلافات در امور داخلی مجلس، مسائل اداری، تشکیلاتی و برخی امور اجرایی خلاصه می‌شد. از طرفی هیچ اختلافی درباره مواضع سیاسی و تحولات داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی نیز میان آنها وجود ندارد.

آنتحان که تاکنون مشاهده شده بین دو گروه یعنی مجلس اعلا و حکمت ملی سعی وافر است تا هیچ تعامل منفی انجام نگیرد و هر دو جریان صادقانه تلاش دارند تا به نحو احسن امور پیش برود. حتی شاید در برخی موارد دو گروه اتفاق نظر نیز داشته باشند زیرا اغلب اختلافات میان حزب اعلا و سیدعمار حکیم بر سر مسائل اداری و تشکیلاتی است.

بنابراین شاید در نگاه اول انشعاب از یک گروه مطلوب نباشد اما سیدعمار با هدف ایجاد فرصت‌های جدید برای آحاد شیعیان دست به این کار زد و اعتقاد داشت به عنوان یک حزب نباید در مجلس محصور شد و باید با یک رویه نوین به عرصه‌های سیاسی عراق ورود کرد.

برخی خروج حکیم از مجلس اعلا و تشکیل یک حزب جدید را به مثابه فرصتی در شرایط فعلی عراق قلمداد می‌کنند. از چه زاویه‌ای می‌توان این انشقاق و تشکیل یک حزب جدید را یک فرصت تلقی کرد؟

▲ فرصت از این جهت خوانده می‌شود که شاید خروج سیدسیدعمار حکیم از مجلس اعلا و تأسیس یک جریان جدید فرصتی باشد برای رخنه کردن میان گروه‌های دیگری از مردم عراق و جذب آنان به سمت این گروه جدید. زیرا بسیاری از جوانان عراق خواهان آن هستند که با یک عراق واحد، مقتدر و پاینده به امور اسلامی در آینده پس از خروج گروه‌های تروریستی مواجه باشند. همچنان که سیدعمار حکیم در سخنرانی‌های اخیرش اعلام کرد که حزب جدید به اسلام پاینده خواهد بود. به نظر می‌رسد تاکید سید حکیم بر این موضوع پیامی برای کشورهایی باشد که در حال توطئه برای ایجاد سکولاریسم بین مردم و جوانان هستند و تشکیل این حزب با چنین مبانی‌ای اقدامی است برای حفظ جوانان از توطئه‌های خارجی و جریان‌های منحرف. جناب غماس! به نظر شما این تحولات آیا تأثیری در تعاملات جمهوری اسلامی ایران با عراق به ویژه گروه‌های شیعی خواهد داشت و از این پس استراتژی ایران چگونه باید باشد تا آسیبی به

این روزها جدایی سیدعمار حکیم از مجلس اعلا عراق و تشکیل یک حزب دیگر با عنوان «حکمت ملی» نگاه‌ها را به سمت عراق و گروه‌های شیعی این کشور سوق داده و این سوال مطرح است که حکیم با چه هدفی از مجلس اعلا جدا شد و این مساله چه تأثیری در روابط تهران و بغداد برجای خواهد گذاشت. چرا که مجلس اعلا یکی از کلیدی‌ترین احزابی بود که ایران از طریق آن با عراق ارتباط داشت. ماجد غماس، رئیس دفتر مجلس اعلا اسلامی عراق در تهران در گفت‌وویی با هفته‌نامه «مثلت» در این خصوص می‌گوید که ایران هیچ‌گاه در امور داخلی احزاب عراقی دخالتی نداشته است اما اکنون با توجه به تحولات صورت گرفته لازم است که از سوی ایران سیاست‌ها و استراتژی‌های جدیدی با در نظر گرفتن متغیرات جدید در منطقه و عراق پس از داعش در پیش گرفته شود.

غماس همچنین معتقد است اگر انشقاقی میان شیعیان عراق صورت گرفته است گروه‌های شیعی باید به سرعت به سمتی حرکت کنند تا در مواقع حساس به ویژه در زمان انتخابات یک رویه واحد اتخاذ کنند و از درگیری پرهیز کنند. به گفته این مقام عراقی کشورهای مخالف محور مقاومت در منطقه به خصوص عربستان سعودی، پس از شکست در پروژه اختلاف و جنگ میان شیعه و سنی، امروزه اصلی‌ترین خواسته‌شان این است که جنگ را میان شیعیان بکشانند. بنابراین گروه‌های شیعی باید با هوشیاری این کشورها را در پیروزی این پروژه نیز ناکام کنند.

روابط طرفین وارد نباید؟

▲ به نظر من، مساله عراق یک مساله اصلی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود، مخصوصاً مساله شیعیان عراق که نقش اصلی در پیروزی‌های اخیر در موصل و دیگر مناطق داشتند برای تهران بسیار اهمیت دارد. از سوی دیگر باید توجه داشت که شیعیان مورد تهاجم شدیدی از سوی گروه‌های تکفیری و با حمایت بسیاری از کشورهای منطقه‌ای و فرماندهی‌ای قرار گرفتند. بنابراین لازم است که از سوی ایران سیاست‌ها و استراتژی‌های جدیدی با در نظر گرفتن متغیرات جدید در منطقه و عراق پس از داعش پیش گرفته شود.

آیا ایران از جدایی سیدعمار حکیم از مجلس اعلا اطلاع داشت؟

▲ باید در نظر داشت که سیاست ایران در قبال عراق هیچ‌گاه جنبه دخالتی نداشته، بلکه همواره سعی کرده که وحدت میان گروه‌ها در این کشور حفظ شود. به بیان دیگر سیاست‌های ایران در قبال عراق به این صورت است که حامی احزاب و گروه‌هایی است که خواهان عراق واحد و باثبات هستند بنابراین ایران دخالتی در برنامه‌های درون حزبی و داخلی گروه‌های عراقی ندارد. برای ایران خیلی اهمیت ندارد چه کسانی بر سر قدرت می‌آیند، بلکه این برای تهران مهم است که رهبرانی با اخلاص در راس امور قرار بگیرند تا برای حفظ عراق از گزند جریان‌های انحرافی و الحادی تلاش کنند. در عین حال تهران به بغداد کمک می‌کند تا مانعی در برابر کشورها و گروه‌هایی که می‌خواهند در این کشور بذر تفرقه بکارند، باشد.

با خروج حکیم از مجلس اعلا، ممکن است به وزنه شیعیان در انتخابات بعدی ضربه‌ای وارد شود؟

▲ به نظر نمی‌رسد چنین باشد؛ زیرا مجلس اعلا در حال سیاست‌گذاری و تنظیم دوباره ساختار حزب برای مراحل آتی است. آنها در حال تلاش هستند تا اصول اولیه

حزب مجلس اعلا را طوری تنظیم کنند تا برای گام‌های بعدی یعنی حضور در انتخابات و ورود به گفتمان سیاسی و تبلیغاتی آماده باشند.

اخیراً مقتدی صدر سفری به عربستان داشت که برخی آن را در راستای تطمیع صدر توسط ریاض برای پیشبرد اهداف سعودی‌ها در عراق برشمردند و برخی تحلیلگران نیز از احتمال میانجیگری صدر میان تهران و ریاض خبر دادند. تحلیل شما از سفر مقتدی صدر چیست؟

▲ من اطلاعاتی از جزئیات سفر مقتدی صدر به عربستان ندارم، بنابراین تحلیل در خصوص این سفر وقتی اطلاعات کافی ندارم، یک تحلیل ناقص خواهد بود. در رابطه با بحث میانجیگری، من چنین چیزی را نشنیده‌ام و بعید می‌دانم که این مساله درست باشد. زیرا جمهوری اسلامی ایران کانال‌های مختص خود را دارد و می‌تواند به خوبی این مساله یعنی اختلافاتش با عربستان را مدیریت کند.

اما باید مسائلی از این قبیل در نظر گرفته شود که منطقه درگیر بحران‌های بسیاری چون مسائل یمن و بحرین است و عربستان جنایات بسیاری را در این کشورها مرتکب می‌شود. بنابراین از سفر افرادی چون مقتدی صدر به عربستان باید در جهت دفاع از مردم مظلوم این کشورها استفاده شود و آقای مقتدی صدر نیز با هر هدفی به عربستان رفته باشد، باید در نظر داشته باشند که سعودی‌ها پشت پرده بسیاری از اختلافات و بحران‌ها در منطقه قرار دارند که این اصلاً مطلوب عراق، ایران و بسیاری دیگر از کشورهای منطقه نیست.

در نهایت چشم‌انداز شما از عراق پس از داعش چیست و مهمترین چالش‌ها را چه می‌دانید؟

▲ به عراق پس از خروج داعش باید به عنوان یک کشور محکم و باثبات نگاه کرد که باید به روابطش با کشورهای همسایه نیز نگاه مثبتی داشت. در این میان عربستان سعودی در همسایگی عراق یک کشور بسیار بزرگ است اما متأسفانه این کشور درگیر امور و اقدامات مشکل‌ساز در منطقه است و از جنایاتی که مرتکب شده است نمی‌توان به راحتی چشم‌پوشی کرد. بلکه باید بر ریاض فشار وارد آورد تا از این سیاست‌ها فاصله بگیرد و راهی را انتخاب کرد تا ملت‌های منطقه بین خودشان بتوانند مسائل را حل و فصل کنند.

همچنین دشمنان خارجی عراق با طرح موضوعاتی همچون جدایی اقلیم کردستان از سرزمین عراق تلاش می‌کنند در مدیریت دوران پس‌داعش عراق رخنه کرده و فتنه‌نوییی به بار آورند. به همین خاطر ما از نخبگان کرد عراق که اتفاقاً تأثیر شگرفی در تحولات سیاسی عراق دارند تقاضا داریم مسائل کردها را با هوشمندی و درایت خودشان مدیریت و دنبال کنند. از سوی دیگر انشقاق‌های صورت گرفته بین شیعیان، به نفع هیچ یک از تشکلهای شیعه نیست و حتی اگر انشقاقی صورت گرفته است گروه‌های شیعی باید به سرعت به سمتی حرکت کنند تا در مواقع حساس به ویژه در زمان انتخابات یک رویه واحد اتخاذ کرده و از درگیری پرهیز کنند. زیرا امروزه اصلی‌ترین خواسته دشمنان عراق این است که جنگ را به میان شیعیان بکشانند. این کشورها پس از آنکه نتوانستند در ایجاد اختلاف میان شیعه و کرد و جنگ میان این دو جریان موفق باشند اکنون در پروژه جنگ میان شیعیان سرمایه‌گذاری کرده‌اند. البته رهبران سیاسی عراق و احزاب شیعه کاملاً آگاه هستند و به سادگی در دام این کشورها گرفتار نخواهند شد. درواقع گروه‌های شیعی باید با هوشیاری این کشورها را در پیروزی این پروژه نیز ناکام کنند. در نهایت امیدوار هستیم که به زودی تمامی این مشکلات حل و فصل شود و به سمت ایجاد یک عراق باثبات و امن گام برداریم. ▶



آیا شیعیان عراق، در مسیر واگرایی حرکت می‌کنند؟

رازهای تغییر



پژوهشگر مسائل خاورمیانه

۳ از زمان روی کار آمدن نظام جدید (۲۰۰۵) در عراق و استقرار نظام پارلمانی مبتنی بر رای مردم، شیعیان به دلیل کثرت جمعیت خود در مقایسه با دیگر ساکنان عراق، در راس هرم قدرت قرار گرفته‌اند و به همین دلیل مهمترین و پر قدرت ترین پست سیاسی در ساختار سیاسی عراق که پست نخست‌وزیری است را همواره از آن خود کرده‌اند. این موفقیت در کنار عنصر جمعیت (حدود ۶۰ تا ۶۵ درصدی) متأثر از اتحاد نسبی آنان با یکدیگر از یک سو و با کردها از سوی دیگر بوده است و به همین دلیل شاهدیم تغییرات در پست نخست‌وزیری تنها و تنها میان شیعیان روی داده است؛ ابتدا ابراهیم الجعفری (۲۰۰۵-۲۰۰۶)، سپس نوری المالکی (۲۰۰۶-۲۰۱۴) و نهایتاً حیدر العبادی (۲۰۱۴ تا امروز) سکاتدار ریاست دولت و فرماندهی کل قوا در عراق بوده‌اند. در تثبیت این موضوع همراهی سه جریان اصلی شیعی یعنی ائتلاف‌های دولت قانون، مجلس اعلا و جریان صدر نقش قابل توجهی ایفا کرده است. اما طی روزهای اخیر شاهد انجام اقدامات و تلاش‌های سیاسی و دیپلماتیک برخی از رهبران شیعی عراقی هستیم؛ اقداماتی که حاکی از تلاش برای ایجاد نوعی تغییر و تحول در سپهر سیاسی این کشور است، کشوری که به نظر می‌رسد تا پایان امسال خواهد توانست همه مناطق اشغال شده به دست داعش را آزاد کند. در نوشتار پیش رو به بررسی این فعل و انفعالات با پیگیری پاسخ به این سوال که «آیا شیعیان عراقی نوعی حرکت در مسیر واگرایی از یکدیگر را آغاز کرده‌اند؟» می‌پردازیم.

۴ مقتدی صدر باز یگری در عرصه سیاست خارجی

مقتدی صدر بی شک ناراضی ترین و غیر قابل پیش بینی رهبر سیاسی شیعی در عراق است. صدر که تحصیلات حوزوی خود را در ایران سپری کرده است هر چند از سوی دادگاه عالی عراق برای برخی اتهامات در ابتدای هرج و مرج در عراق، تحت تعقیب قضایی است اما سرانجام پس از چند سال به عراق بازگشت. مخالفت جدی با حضور نظامیان در آمریکا اولین موضوعی بود که باعث صف آرای

دو دلیل اساسی عامل این خروج بوده است؛ نخست اینکه در اساسنامه مجلس اعلا، این حزب تنها یک حزب عراقی محسوب نمی‌شود، بلکه حزبی فرا مرزی و دارای روابط نزدیک با دیگر شیعیان منطقه به شمار می‌رود، از سوی دیگر حکیم خواهان انجام تغییر و تحولی در درون جریان خود بود که این تغییرات خوشایند هیأت رئیسه حزب که از افراد با سابقه و به قولی استخوان خرد کرده حزب هستند، نبود.

بنابراین او برای اینکه در عمل هم تبدیل به عنصر اصلی رهبری و تاثیرگذار حزب شود، رفتن را بر ماندن ترجیح داد تا این بار حزبی با گرایش‌ها و ظاهری ملی گرایانه و فرامذهبی در عراق را تشکیل دهد. باور عمار حکیم این است که مردم و هواداران حزب نیز به او رای خواهند داد نه به مجلس اعلا ی خالی مانده از حضور خاندان حکیم. بنابراین پیش بینی می‌شود عمار حکیم هم که در سال گذشته با طرح «آشتی ملی» تلاش وافی برای نزدیکی گروه‌های سیاسی مختلف عراقی اعم از شیعی، سنی و کرد و حتی به کشورهای پرنفوذ همسایه هم سفر کرد، طی ماه‌های پیش رو رویه مشابه دیگری در پیش بگیرد.

۵ حیدر العبادی و زرمه‌های تشکیل حزبی تازه

اما حیدر العبادی، نخست‌وزیر فعلی عراق که از اعضای قدیمی حزب الدعوه اسلامی و رهبران آن به شمار می‌رود، به نظر می‌رسد همچنان دارای یک رقابت قدرت جدی با نوری المالکی هم حزبی قدرتمند خود هم در داخل حزب و هم در سطح کابینه است. چرا که مالکی کناره‌گیری‌اش از قدرت از سر اجبار و بنا به فشارهای داخلی و خارجی بود در حالی که از نظر تعداد کرسی‌های پارلمانی و نفوذ در سطح سیاسی و امنیتی هم‌اوردی نداشت و به نظر می‌رسد مالکی می‌خواهد یک بار دیگر در انتخابات پیش رو شانس خود را برای نخست‌وزیری امتحان کند. این امر باعث شنیدن برخی شایعه‌ها و زرمه‌ها در رسانه‌های عراقی مبنی بر خروج احتمالی عبادی از حزب و تشکیل حزبی جدید دارد، امری که هنوز به تایید عبادی نرسیده است، اما چندان نامحتمل به نظر نمی‌رسد.

۶ چشم‌انداز پیش رو

مجموعه تحولات پیش رو نشان از آن دارد که تحول و تلاش برای تغییر وضع موجود برای قدرت گیری هرچه بیشتر در انتخابات پارلمانی ۲۰۱۸ عراق، احزاب و رهبران شیعی این کشور را واداشته است تا تلاش‌های بیشتری کنند و زمینه‌سازی قدرت گیری و رسیدن به اهداف مورد نظر خود را در انتخابات مذکور فراهم سازند؛ امری که می‌توان مجموعه آنها را نوعی واگرایی نرم اما محسوس احزاب سیاسی شیعه عراق از یکدیگر نامید. ▶

هواداران صدر در مقابل دولت تحت امر نوری مالکی بود. این موضوع باعث افزایش تنش بین طرفین شد. پس از کناره‌گیری مالکی از قدرت، صدر روابط نزدیک‌تری با حیدر العبادی پیش گرفته است اما در عین حال می‌کوشد که در انتخابات آتی در این کشور بر وزن سیاسی خود از طریق افزایش کرسی‌های پارلمانی‌اش بیفزاید. به همین دلیل تاکتیک‌ها و استراتژی‌های مختلفی را در حال انجام و تجربه کرده است. در همین راستا و در عرصه خارجی، صدر به دیداری پرحاشیه و خبرساز با محمد بن سلمان، ولیعهد عربستان سعودی، در جدّه شتافت؛ دیداری که در آن طرفین بر لزوم احیای روابط و کاستن از تنش میان ریاض و بغداد تاکید کردند. صدر در این دیدار کوشید در قامت یک رهبر عراقی ظاهر شود و خواسته‌هایش هم در همین راستا بود. یکی از مهمترین برداشته‌ها در چارچوب انجام این دیدار به جهت گیری‌های سیاسی صدر بازمی‌گردد. او در شعارهایش خواهان یک عراق مستقل و دارای روابط مناسب و متناسب با همه همسایگان از جمله جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی است و تلاش دارد در همین چارچوب نوعی موازنه بین طرفین ایجاد کند. از طرفی دیگر صدر به نفوذ گسترده عربستان سعودی بر بخش قابل توجهی از اعراب سنی عراق به خصوص عشایر این کشور آگاهی دارد و سعی دارد از طریق بهبود رابطه با این کشور، زمینه را برای نزدیکی هرچه بیشترش با اعراب سنی عراقی فراهم سازد؛ امری که در صورت وقوع، می‌تواند در فردای پس از اعلام نتایج انتخابات پارلمانی عراق (۲۰۱۸) بسیار سرنوشت‌ساز باشد و در تعیین کابینه نقشی کلیدی ایفا کند، چرا که هیچ‌یک از ائتلاف‌های موجود در عراق توانایی تشکیل کابینه به تنهایی را ندارند!

۷ عمار حکیم خروج از میراث خانواده برای آغازی دوباره!

دومین حرکت مهمی که طی روزهای اخیر در عراق روی داد اعلام خروج عمار الحکیم از حزب مجلس اعلا ی انقلاب اسلامی عراق بود امری که باعث تعجب بسیاری از تحلیلگران امور عراق و مردم این کشور شد چرا که عملاً وی از حزبی خارج شد که میراث فعالیت‌های سیاسی خاندان وی به شمار می‌رفت. اما سوال اینجاست چرا عمار حکیم مجلس اعلا را جا گذاشت و حزبی جدید به نام «الحکمه الوطنی» را تاسیس کرده است؟ به نظر می‌رسد



جدال العبادي والمالكي

حکومت مداری شیعیان در عراق پسدادعش

آرمان سلیمی

کارشناس مسائل عراق

۴ مواضع ضدونقیض یک ماه اخیر شخصیت‌های سیاسی شیعه عراق، ناظران و تحلیلگران مسائل عراق را در برابر این مساله قرار داده که آینده حکومت مداری در این کشور به چه سمتی پیش خواهد رفت. عراق در چهار سال گذشته به شدت درگیر نبرد با گروه تروریستی داعش بود و در شرایط جدید که اهریمن داعش به روزهای پایانی حیات خود نزدیک می‌شود، به نظر می‌رسد دورانی جدید از حکومت مداری شیعیان در عراق نیز در حال ظهور است که متفاوت از سال‌های گذشته است. برای روشن شدن این شیفت جدید در کنش سیاسی شیعیان عراق ضروری است به اختصار دوران حکومت مداری شیعیان در عراق جدید (بعد از ۲۰۰۳) مورد بررسی قرار گیرد. روند تحولات عراق نشان می‌دهد که شیعیان این کشور به عنوان اکثریت قریب به ۶۰ درصدی، جریان غالب قدرت را بعد از سقوط صدام حسین در دست گرفته‌اند و در این مسیر تا کنون سه مرحله از حیات سیاسی را تجربه کرده‌اند.

سه مرحله حیات سیاسی شیعیان در عراق بعد از ۲۰۰۳

اولین مرحله حکومت مداری شیعیان در عراق بعد از ۲۰۰۳ را می‌توان شیفت از انزوای سیاسی به کنترل ساختار قدرت ارزیابی کرد. این مرحله را می‌توان دوران «اجماع سیاسی و تمرین حکومت مداری» عنوان کرد. در این مقطع شیعیان پس از دهه‌ها سرکوب و دوری از ساختار قدرت، مجال پیدا کردند که به عنوان حاکمان جدید عراق وارد عرصه شوند. این مقطع در سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۰ را شامل می‌شود و مشخصه اصلی آن اجماع و سازش سیاسی میان جریان‌های سیاسی شیعه و بی‌تجربگی آنان در امر حکومت مداری بود اما با گذشت زمان اندک چهار ساله دیگر شیعیان آن نیروی کم‌تجربه و تازه کار نبودند و به تدریج جناح‌بندی‌هایی میان آنان پدیدار شد. جناح‌بندی‌های جدید در جریان دومین انتخابات مجلس نمایندگان عراق پدیدار شد. از این مقطع به بعد

و نوری المالکی، نخست‌وزیر پیشین دانست. بر همین مبنا برای عراق پسدادعش و با عطف توجه به تحولات جدید میان شیعیان دو سناریوی اصلی را می‌توان مطرح کرد:

سناریوی اول؛ ائتلاف حشد الشعبی با نوری المالکی

اولین سناریوی مهم برای آینده حکومت مداری شیعیان در عراق را در مرحله سوم از شیفت در حیات سیاسی خود می‌توان، در قالب ائتلاف میان حشد الشعبی با حزب الدعوه پیش‌بینی کرد. واقعیت آن است که نیروهای حشد الشعبی در نتیجه مبارزات نفسگیر با داعش، از محبوبیتی فوق‌العاده میان شیعیان عراق برخوردار هستند. در مرحله جدید حکمرانی در عراق این جریان نیز به عنوان جریانی نوظهور و متشکل از چندین جریان مختلف، به طور حتم در پی ورود به ساختار قدرت است. در این میان حزب عصاب اهل حق، مهم‌ترین جریانی هستند که به نمایندگی از جریان حشد الشعبی و هادی العامری فرمانده سپاه بدر خواستار ورود به کارزار انتخاباتی هستند. از سوی دیگر علاوه بر حشد الشعبی، نوری المالکی، معاون رئیس جمهوری و نخست‌وزیر سابق عراق فعالیت‌ها و تلاش‌های خود را برای تصدی مجدد پست نخست‌وزیری آغاز کرده است. اخیراً المالکی در راس هیاتی عالی رتبه رهسپار روسیه شد. این سفر نشان می‌دهد که او برای بازگشت به عرصه اول قدرت، تا حدودی به روس‌ها چشم امید دارد. نوری المالکی به خوبی از این مساله آگاه است که آمریکایی‌ها با هر گونه تصدی مجدد او بر پست نخست‌وزیری مخالف هستند، از این رو در جریان سفر خود در اقدامی زیرکانه از روس‌ها برای ایجاد پایگاه نظامی در ایران دعوت کرد. این موضوع به وضوح نشانگر آن است که او در پی جلب حمایت روس‌ها در آینده سیاسی عراق است. علاوه بر این، المالکی گفته است در انتخابات پیش رو به صورت مستقل حضور خواهد یافت و تمایلی به ایجاد ائتلاف با هیچ جریانی ندارد.

سناریوی دوم؛ ائتلاف حکیم و ائتلاف الوطنی با حیدر العبادی

در سوی دیگر سناریوی دوم را می‌توان در ایجاد ائتلاف میان جریان تازه تاسیس حکیم، جریان‌های حاضر در ائتلاف الوطنی و جریان‌های وابسته به حیدر العبادی دانست. واقعیت آن است که حیدر العبادی تصمیم قطعی خود را برای خروج از ائتلاف دولت قانون و حزب الدعوه گرفته است. العبادی در سال‌های اخیر از یک سو مورد حمایت آمریکا و انگلستان است و از سوی دیگر در سال‌های حکومت مداری خود بعد از سال ۲۰۱۴ به وضوح نشان داده که توانایی لابی‌گری و سازش با جریان‌های دیگر از جمله کردها و اعراب سنی را دارد. در سوی دیگر جریان حکیم و جریان‌های وابسته به ائتلاف الوطنی قرار دارند که به احتمال زیاد در نهایت در کنار حیدر العبادی قرار خواهد گرفت. در شرایط کنونی به نظر می‌رسد که حکیم به عنوان جریانی جدید و در قابل حزب حکمت ملی خواهان کسب نفوذ و قدرت بیشتر بوده و در پی ایجاد جریان فراقرقای در عراق است که بتواند آرای دیگر جریان‌ها را نیز کسب کند. اگر بر این معادله جریان صدر را هم اضافه کنیم که نزدیکی بیشتر نسبت به مالکی به حیدر العبادی دارد، وزنه به طور جدید به سمت نخست‌وزیر مستقر سنگینی خواهد کرد. هر چند تمام این معادلات می‌تواند در آینده در نتیجه حوادث غیرقابل پیش‌بینی تغییر کند اما به طور حتم آنچه نمایان بوده این است که شیعیان در عراق پسدادعش از ضرورت حضور در عرصه بر مبنای تعلق صرف شیعی بودن گذار کرده‌اند و در شرایط کنونی جریان ملی‌گرایی عراق به شکلی فزاینده در حال ظهور است. ▶

معمای یک سفر

چرا در این مقطع زمانی مقتدی صدر به ریاض دعوت شد؟

جعفر قنادباشی

کارشناس مسائل خاورمیانه



از جمله نکات مهمی که سفر سه روزه مقتدی صدر به عربستان و دیدار وی با «بن سلمان» را به سفری پر ابعاد و جنجالی تبدیل کرده است، مقطع زمانی این سفر و رویدادهای مرتبط با این زمان است. چنان که اگر این سفر، در مقطع زمانی دیگری صورت می گرفت، شاید تا این اندازه، به سفری پرسرو صدا و جنجالی تبدیل نمی شد و اعتراضات علیه این سفر یا حمایت ها از آن نیز به گستردگی و شدت امروز نبود. البته مقامات سعودی دعوت کننده مقتدی صدر و همچنین شخص وی به عنوان پذیرنده این دعوت هم، بنا به قاعده، از حساسیت های زمانی این سفر و دیدار وی با ولیعهد عربستان، بی خبر نبوده اند و حتی می توان گفت که انگیزه اصلی این دعوت و پذیرش آن نیز باتوجه به این شرایط زمانی، ایجاد و تقویت شده است. بدین ترتیب ملحوظ کردن شرایط زمانی و مروری به رویدادهای جاری در عراق و منطقه، عامل کارگشا و موثری در رمزگشایی از بخش های ناپیدای سفر مقتدی صدر به عربستان و گفت وگوهای وی با مقامات این کشور خواهد بود؛ گفت وگوهایی که در غیاب پادشاه با ولیعهد تازه کار این کشور صورت گرفته و حتی به منزله نشانه های تازه، مبنی بر عقب نشینی و انعطاف در سیاست های منطقه ای ریاض نیز تفسیر و تعبیر شده است. به ویژه آنکه بعد از ولیعهدی بن سلمان، این برداشت وجود دارد که مقامات ریاض در عرصه منطقه ای سیاست تازه ای به کار گرفته اند و می گویند تا با تجدید نظر در شیوه های دیپلماتیک خود، آب رفته را به جوی بازگردانند و لاقط برخی از شکست های خود را در عرصه منطقه ای، از جمله از دست دادن موقعیت قبلی شان را در عراق جبران کنند؛ کما اینکه گفته می شود دیدار و ملاقات غیرمترقبه عادل الجبیر، وزیر امور خارجه عربستان با دکتر ظریف در نشست استانبول نیز در زمره نتایج این تجدیدنظر محسوب می شود. به هر حال تردیدی در این نیست که ریاض بعد از انواع ناکامی ها و شکست های منطقه ای اش در حال بازنگری در سیاست های خود و به نمایش گذاشتن انعطاف هایی است که دعوت از مقتدی صدر نیز می تواند یکی از نتایج آن باشد، ضمن آنکه هم در ملاقات با ظریف و هم در دعوت از مقتدی صدر، اهداف و اغراض پنهانی و غیرصادقانه ای علاوه بر آنچه گفته شده، مورد نظر مقامات ریاض بوده است که ایجاد تفرقه و شکاف در صفوف مقابل در زمره آنها است.

به هر ترتیب از اینکه بگذریم، باید به رویدادهای مهم این مقطع زمانی و ارتباط احتمالی آن با سفر مقتدی صدر بپردازیم، چنان که در این خصوص، نخستین موضوعی که به ذهن متبادر می شود، موضوع «به پایان رسیدن بسیار موفقیت آمیز عملیات آزادسازی موصل و فروپاشی مرکزیت داعش» است که می تواند بر آینده گروه ها، جناح ها و جریانات سیاسی عراق بسیار تأثیر گذار باشد و موجب تقویت برخی و تضعیف برخی دیگر را فراهم کند؛ آن هم در حالی که ماجرای فروپاشی مرکزیت داعش در عراق، در فضای سیاسی و رسانه ای، به معنی شکست ریاض و از دست رفتن موقعیت عربستان در عراق تعبیر می شود و همزمان از جمله نشانه های تقویت نیروها و

جریان های ضد عربستان و محبوبیت آنها به شمار می آید. بنابراین طبیعی است که مقامات ریاض در صدد آن باشند تا با دعوت از مقامات و شخصیت های عراقی، این سیر را تغییر دهند و متناسب با منافع خود، بر معادلات موجود تأثیر بگذارند؛ به خصوص آنکه، برگزاری انتخابات پارلمانی و فعالیت های مبارزاتی مربوط به آن امری قریب الوقوع است و باتوجه به نقشی که پارلمان عراق در انتخاب نخست وزیر و رئیس جمهوری این کشور ایفا می کند، حضور جریانات طرفدار ریاض در پارلمان می تواند زمینه های تأمین منافع عربستان را در عراق و بهبودی روابط دو کشور را فراهم کند. بدین ترتیب موضوع آغاز فعالیت های مرتبط با انتخابات

از مداخلات خارجی معرفی کند. البته این هدفی است که با نزدیکی روابط او با مقامات ریاض، تحقق ناپذیرتر خواهد شد و به علت سوابق نامطلوب عربستان در عراق، از تعداد رای دهندگان مورد نظر او خواهد کاست.

و اما رویداد سومی که قاعدتا سفر مقتدی صدر به آن مرتبط است، اوج گیری قیام مردمی در استان شرقی عربستان و منطقه عوامیه است؛ قیامی که بعد از شدیدترین سرکوب های پلیسی و درواکش به سیاست کشتار شیعیان و نوعی پاکسازی قومی در این منطقه آغاز شده و به یک بحران داخلی رو به گسترش در عربستان تبدیل گردیده است. در این خصوص، برخی بر این اعتقادند که یکی از اهداف ریاض از دعوت از مقتدی صدر، بهره گیری از میانجی گیری او در این زمینه و بازداشتن شیعیان عوامیه از عکس العمل در برابر سیاست های سرکوب است، به ویژه آنکه مقتدی صدر و خاندان صدر بین شیعیان این بخش از عربستان، نفوذهای زیادی دارند. البته در کنار



پارلمانی قریب الوقوع در عراق نیز دومین رویدادی است که به صورت مستقیم و غیرمستقیم با سفر مقتدی صدر ارتباط پیدا می کند و قاعدتا ملاحظات مربوط به آن، در ترتیب دادن این سفر، مورد نظر طرفین بوده است. در این باره، تحرکات و فعالیت های مقتدی صدر در عراق، آن هم بلافاصله بعد از بازگشت از عربستان، از بخشی از اهداف وی در این سفر و همچنین از بخشی از گفت وگوهای وی با ولیعهد سعودی پرده برمی دارد. چنان که برخی از تحلیلگران، برگزاری تظاهرات اعتراض آمیز طرفداران وی و سر دادن شعارهای مبنی بر ضرورت انحلال حشد الشعبی را پس از سفر وی به عربستان، نشانه نوعی همسویی او با ریاض و حتی دریافت برخی کمک های مالی یا وعده هایی در این خصوص می دانند. این درحالی است که مقتدی صدر از هم اینک برای شرکت در انتخابات آتی پارلمانی، به آرای هر دو گروه مذهبی در عراق (شیعه و اهل سنت) چشم دوخته و می گوشت در انتظار عمومی، خود را فردی مستقل

این نوع میانجیگری، موضوع میانجی گری مقتدی صدر بین ایران و عربستان هم مطرح می شود و این نیز از جمله موضوعاتی است که نشانه های متقن دال بر آن، تاکنون به چشم نخورده است.

به هر حال آنچه مسلم است شرایط امروز عراق با دورانی که داعش موصل را مرکز فعالیت های خرابکارانه و تروریستی خود قرار داده بود، بسیار متفاوت است، شرایطی که در نتیجه همکاری و مجاهدت نیروهای مردمی و ارتش عراق حاصل شده و قاعدتا این نوع همکاری و وحدت است که می تواند آینده عراق مطلوب ملت عراق را نیز رقم بزند. بنابراین طرح شعارهایی همانند ضرورت انحلال حشد الشعبی که پیرو اعلام حکم جهاد آیات و مراجع عظام عراق تأسیس و آغاز به فعالیت کرده است در این مقطع، نتیجه ای جز دامن زدن به اختلاف های فلج کننده در این کشور ندارد و مقتدی صدر را نیز از اهدافش دورتر و رو در روی مردم عراق قرار می دهد. ►

امید حکیم
به منتقدانآغاز دگردیسی گفتمانی در
ساحت سیاست ورزی عراق

حسین آرمند

پژوهشگر مسائل خاور میانه

سیاست و حکومت در عراق پس‌داعش روندی پیچیده، تحول‌خواهانه و تا حدودی مهم‌ر می‌پیماید. در این روند اگرچه پیکره‌نما عرصه سیاسی همچنان بر استخوان‌بندی تمایزات هویتی برآمده از شکاف‌های قومی و مذهبی خواهد بود اما می‌توان انتظار نقش‌آفرینی بیشتر گرایش‌های ملی‌گرا و فرامحلی در قوام‌بخشی به دسته‌بندی‌های سیاسی و حتی شکل‌دهی به هویت‌های سیاسی جدید را در آینده سیاسی عراق داشت. هویت‌های سیاسی که بنا دارد از دوگانه‌هایی چون سنی-شیعه و عرب-غیرعرب عبور کرده و نظامی جدید را بر ساحت حکمرانی عراق برپا سازد. این تحول را باید واکنشی توده‌وار و اجتماعی به پدیداری تحولات عیدیه‌ای چون ظهور داعش، طرح برگزاری فراندوم استقلال از سوی مقامات اقلیم کردی، بحران اقتصادی و فساد افسارگسیخته بوروکراتیک، گسترش ناامنی و وابستگی‌های سیاسی جریان‌های سیاسی به دولت‌های خارجی قلمداد کرد. در ادامه با در نظر داشت این دگردیسی گفتمانی به ارائه تحلیلی از علل و ابعاد کنش رهبر دو جریان سیاسی پرنفوذ در عراق یعنی جریان صدر و حکیم خواهیم پرداخت.

۱- جریان صدر

در طول سال‌های پس از سرنگونی رژیم بعث، جریان صدر به رهبری مقتدی صدر توانسته است طیف گسترده‌ای از شیعیان را جذب و بسیج نماید و بدین وسیله به مهره‌ای تاثیرگذار بر روند تحولات سیاسی عراق بدل شود. این جریان علاوه بر حضور قدرتمند در حوزه سیاسی که با تشکیل فراکسیون الاحرار در مجلس نمایندگان عراق رسمیت دارد، در حوزه‌های اجتماعی و نظامی نیز به عرض اندام می‌پردازد. در حال حاضر شبه‌نظامیان «سرایا السلام» شاخه نظامی این جریان و تحت فرمان مقتدی صدر هستند. جریان صدر را می‌توان به نوعی آغازگر دگردیسی هویت‌های سیاسی در گذار از ساختار متعصب ائتلاف‌ها و اتحادیه‌های برساننده نظم سیاسی عراق از ۲۰۰۳ تا کنون دانست. شواهد راهنمای رسیدن به این مدعا را باید در اقدامات و جهت‌گیری‌های سیاسی صدر در طول سال‌های اخیر ارزیابی کرد. اقدامات صدر از سال ۲۰۱۳ به بعد از الگوی

شسته و رفته سیاست‌های فرقه‌گرایانه پیروی نمی‌کند. وی در وهله نخست از اعتراضات عداالتخواهانه شهروندان استان‌های سنی‌نشین عراق به عملکردهای تبعیض‌آمیز حاکمان عراق حمایت کرد و پالایش سیستم از عناصر فاسد و منفعت‌جو را خواستار شد. اصلاحات درخواستی وی تشکیل دولت وزرای تکنوکرات و بهبود خدمات اجتماعی بود تا بدین وسیله صدر به رهبر انقلاب اصلاحات ۲۰۱۶ عراق تبدیل شود که اعتراضات مردمی و درگیری‌های چند ماهه طرفداران او با نیروهای امنیتی را سبب شد. در خواست تشکیل دولت تکنوکرات به ویژه همراهی و تصدیق تصویر عمومی از نخبگان فاسد و بی‌اثر را به تصویر می‌کشد. در واقع تمایل به تکنوکرات‌ها یا نخبگان فن‌سالار و غیرسیاسی تجلی از بین رفتن اعتماد عمومی به نخبگان سیاسی است. اعتراضاتی که با تحصن هزاران تن از مردم در منطقه امنیتی خضرا و اشغال پارلمان عراق همراه بود. صدر در بیانیه‌ای که در این رابطه صادر کرد گفت: «ای ملت قهرمان صبور باشید که بی‌شک انقلاب مسالمت‌آمیز شما پیروز خواهد شد و باید فرقه‌گرایی و سهمیه‌بندی سیاسی و فساد ریشه کن شود». توانایی صدر برای بسیج جمعیت نزدیک به ۱۰۰،۰۰۰ نشان می‌دهد که او توانسته است در ساحت عمومی منظر سیاسی دگرگونه‌ای از خود در فضای روابط سیاسی عمدتاً فرقه‌ای و مصلحت‌جویانه به نمایش بگذارد. مخالفت با تداوم فعالیت نیروهای حشد الشعبی پس از شکست داعش و بازپس‌گیری مناطق تحت اشغال از این گروه و مخالفت با شرکت فرماندهان حشد الشعبی در انتخابات پارلمانی و شوراهای استانی بخش دیگری از موضع‌گیری‌های سیاسی صدر می‌باشند که تحکیم و تفوق همگرایی فراقومیتی و فرافرقه‌ای هویت‌های سیاسی را نشانه رفته است.

شاید آخرین نمونه از عملکرد قابل‌اتکای صدر در این حوزه مربوط به سفر ماه جولای ۲۰۱۷ وی به ریاض به دعوت رسمی عربستان سعودی باشد. واقعیت آن است که جریان صدر برای موفقیت در روند پیش گرفته‌نیاز به ایجاد خط اتصال میان جهت‌گیری‌های داخلی و خارجی دارد تا بتواند به‌عنوان جریانی مستقل از سوی جامعه پذیرفته شود. بنابراین با سفر به عربستان صدر این پیام را مخابره می‌کند که کاملاً و منحصر در جبهه ایران عمل نمی‌کند و دوستی و اتحاد با جهان عرب را در راستای تأمین منافع ملی عراق

مدنظر دارد. به عبارت دیگر چنین سفری در برهه‌ای که روابط دیپلماتیک تهران-ریاض قطع و دو قدرت مهم منطقه درگیر رقابتی گسترده برای تاثیرگذاری بر ایجاد نظم جدید منطقه‌ای هستند، با این انگیزه انجام می‌شود که بگوید «ما زیربلیت کسی نیستیم».

۲- عمار الحکیم

دیگر جریان یا شخصیت سیاسی پرنفوذ شیعه که در تحولات جدید عراق خواهان دگردیسی در معادلات قدرت شده است را می‌توان شخص عمار الحکیم دانست. الحکیم در اقدامی غیرمنتظره هفته گذشته از مجلس اعلاای اسلامی شیعیان جدا شد و جریان حکمت ملی عراق را بنیان نهاد. در گفته‌های الحکیم به وضوح می‌توان دلیل اصلی اقدام او را نوعی مخالفت و ناراضی از وضعیت فرقه‌گرایی در ساختار سیاسی و اجتماعی عراق دانست. وی با بیان اینکه همه‌الان در حال ایجاد یک چارچوب ملی برای خواسته‌های خود هستند تا جلوی فعالیت دشمن گرفته شود و بر طبل اختلافات کوبیده نشود، گفت: «برای جلوگیری از اختلافات نیازمند آن هستیم که چتری فراتر از قومیت و مذاهب را بر عراق بگسترانیم. گفتمان سیاسی فراگیرتر از لیست‌های انتخاباتی است تا «فراشمول» باشد و همه طوایف را در بر بگیرد». همچنین، حکیم در خصوص رویکرد ملی‌گرایانه حزب حکمت ملی عراق می‌گوید: «ملی‌گرایی ما به معنای وارد شدن همه جریان‌ها در قالب یک لیست است».

بیان این اظهارات از سوی رهبر جوان شیعیان نشان می‌دهد که در ظاهر الحکیم از وضعیت موجود حاکم شده بر عراق ناراضی بوده و تغییرات بزرگی را برای اصلاح امور در سر می‌پرواند اما در طرف دیگر می‌توان به این واقعیت اشاره کرد که الحکیم قصد دارد با بهره‌گیری از وضعیت سیال و آشفتگی فضای سیاسی کشور عراق در روزهای پایانی حیات داعش در این کشور جایگاه خود را در میان کربدورهای قدرت در عراق افزایش دهد. در این وضعیت تمام امید الحکیم این است که بتواند نسل جوان و منتقد عراق را به سمت خود بکشانند یا به نوعی نظر جمعیت ناراضی در کشور را به سمت خود جلب کند. به‌طور حتم در این عرصه جریان صدر مهم‌ترین رقیب او خواهد بود. ▶



مجلس اعلا به وجود آمده است؛ برخی از رهبران نسل اول مجلس اعلا اعتقاد دارند که در راس این مجلس باید یک فقیه مجتهد حضور داشته باشد و برخی دیگر معتقدند که مجلس اعلا باید شاکله حزب الله را حفظ کند و یک مجموعه نظامی قدرتمندی مانند سازمان بدر را در کنار خود داشته باشد. بنابراین عمار حکیم برای جلوگیری از فروپاشی مجلس اعلا از این مجموعه خارج و حزب حکمت ملی را تشکیل داد.

این حزب دارای رویکردی کاملاً سیاسی و ملی-مذهبی است و تمام طیف‌های سیاسی اعم از شیعه، سنی و کرد را در برمی‌گیرد. در این میان به نظر می‌رسد بروز اختلاف میان رهبران مجلس اعلا ضربه شدیدی به این حزب ریشه‌دار وارد خواهد ساخت و حتی ممکن است به تدریج منجر به فروپاشی مجلس اعلا شود.

در رابطه با اختلافات بروز داده باید گفت حکیم اعتقاد دارد که مجلس اعلا نیاز به اصلاحات داخلی دارد و باید یک تجدیدنظر اساسی در پیگیر مجلس اعلا به وجود آید، در حالی که نسل اول مجلس اعلا اعتقاد دارد که این مجلس باید به سمت حفظ جایگاه اجتماعی خود حرکت کند.

در رابطه با نگاه و مواضع ایران به تحولات عراق باید گفت که تهران تلاش خواهد کرد که روابط خود را با همه طیف‌ها حتی مقتدی صدر حفظ کند. سیاست ایران این است که در اختلافات داخلی طیف‌های شیعه عراق ورود نکند، مگر برای کاهش اختلافات رهبران این احزاب. از دیگر سو باید توجه داشت که خروج عمار حکیم از مجلس اعلا به مفهوم اختلاف میان ایران و شخص عمار نیست، بلکه حکیم سعی خواهد کرد که روابط خود را با ایران حفظ کند.

در نهایت در رابطه با چشم‌انداز عراق باید گفت که عراق در حال حاضر با یک بحران همه‌پرسی اقلیم کردستان در سوم مهر ماه مواجه است که اگر این همه‌پرسی انجام شود به جدایی اقلیم کردستان از عراق منجر خواهد شد.

موضوع دیگر اینکه مقتدی صدر طی ماه‌های آینده فشارهای زیادی به دولت حیدر العبادی برای انحلال حشد الشعبی وارد خواهد آورد؛ بنابراین در آستانه انتخابات پارلمانی عراق این کشور طی ماه‌های آینده شاهد تنش‌های سیاسی جدیدی خواهد بود. ►

خود بروز داده است.

پیش‌تر مقتدی صدر سفرهایی به ایران داشت و مدتی در ایران توقف داشت اما بعدها با ایران دچار اختلاف شد و چندین بار طرفداران خود را به حمله به کنسولگری ایران در بصره و سفارت ایران در بغداد وادار ساخت.

باید توجه داشت که اختلافات میان مقتدی صدر و ایران سیاسی است؛ چرا که ایران به سایر طیف‌های سیاسی عراق مانند طیف حکیم نزدیک‌تر است. در این میان البته در اوایل سقوط صدام در سال ۲۰۰۳ روابط میان ایران و مقتدی صدر در سطح خوبی بود اما صدر تحت تأثیر محیط کشورهای عربی مانند عربستان و امارات تا حدودی از ایران فاصله گرفت؛ این کشورها وعده کمک مالی بیشتری به صدر می‌دهند.

مقتدی صدر دارای نیروها و پایگاه مردمی گسترده‌ای است که از این نیروها برای پیشبرد اهداف سیاسی خود استفاده می‌کند؛ یکی از مأموریت‌های فعلی او نیز فشار بر دولت حیدر العبادی برای انحلال حشد الشعبی است.

این در حالی است که حیدر العبادی، نخست‌وزیر عراق صریحاً اعلام کرد که حشد الشعبی تحت هیچ شرایطی منحل نخواهد شد.

از سوی دیگر صدر هشدار داد که اگر حشد الشعبی منحل نشود نیروهای خود را به خیابان‌های عراق گسیل خواهد کرد و بحران جدیدی برای دولت عراق ایجاد خواهد کرد. اما با توجه به اینکه مرجعیت از حشد الشعبی حمایت می‌کند بنابراین مقتدی صدر نخواهد توانست به اهداف خود برسد. اما در صورت تحقق نیافتن اهدافش به احتمال بسیار قوی مقتدی صدر نیروهایش را بار دیگر روانه خیابان‌ها خواهد کرد.

دیگر مأموریت صدر، حمله به دفتر نمایندگی رسانه‌های وابسته به محور مقاومت مانند المیادین، المنار، الکوثر و العالم است. او قرار است به دولت فشارهایی را وارد آورد تا دفاتر نمایندگی‌های منسوب به محور مقاومت را تعطیل کنند.

در این میان در مجلس اعلا نیز شاهد تغییر و تحولاتی هستیم از جمله اینکه عمار حکیم از مجلس اعلا جدا شد و یک حزب جدید را تأسیس کرده است. باید توجه داشت که یک سری اختلافات میان نسل اول، دوم و سوم

حسین هانی زاده

کارشناس مسائل خاور میانه



طی هفته‌های اخیر ۳ حادثه مهم نظامی و سیاسی در عراق رخ داد که منجر به تغییر رویکرد برخی کنشگران داخلی عراق شد. نخست، آزادسازی شهر موصل بود که حشد الشعبی توانست قابلیت‌های میدانی خود را در این رابطه به اثبات برساند و به عنوان یک نیروی تأثیرگذار نظامی و اجتماعی جایگاه خود را تثبیت کند.

طبیعی است بروز قابلیت‌های حشد الشعبی موجب شده که برخی کشورهای عرب منطقه از جمله عربستان در صدد ورود به عرصه‌های سیاسی-نظامی عراق برآیند تا حشد الشعبی را از صحنه داخلی این کشور حذف کنند. به همین دلیل عربستان سعودی دعوت‌نامه‌ای برای مقتدی صدر، رهبر جریان صدر در عراق ارسال کرد تا بدان کشور سفر کند.

مقتدی صدر در جریان سفر به عربستان و دیدار با محمد بن سلمان، ولیعهد جوان عربستان مأموریت یافت تا در میان طیف‌های شیعه عراق شکاف ایجاد کند. گفته می‌شود که در همان نشست اولیه محمد بن سلمان و مقتدی صدر در جده، ولیعهد عربستان وعده پرداخت کمک مالی گسترده به مقتدی صدر داده است.

مأموریت جدید مقتدی صدر تقسیم‌بندی طیف‌های شیعه عراق به دو طیف شیعه عرب و شیعه ایرانی است. به این مفهوم که مقتدی صدر تلاش خواهد کرد تا نفوذ ایران را در عراق کاهش دهد و برخی طیف‌های عراقی که دارای روابط مناسبی با ایران هستند را منزوی کند.

البته مقتدی صدر دارای گرایش‌ات متفاوتی است و نمی‌توان تحلیل سیاسی درستی از رفتارها و اقدامات وی ارائه داد. مقتدی صدر با وجودی که از یک خانواده ریشه‌دار عراقی است و این خانواده شهدای زیادی تقدیم کرده‌اند اما ثبات سیاسی مشخصی ندارد و به اصطلاح در سخت‌ترین شرایط، توپ را به دروازه خودی پرتاب می‌کند. به همین دلیل او طی سال‌های گذشته چه در سطح داخل عراق و چه در سطح منطقه رفتارهای کاملاً ضدونقیضی از

ورزش

حرکت ناشایست

حرکت شجاعی و حاج صفی مورد تایید فدراسیون و جامعه ورزش ایران نیست و آنها نباید مقابل نماینده رژیم غاصب اسرائیل به میدان می رفتند. اینکه گفته می شود که این دو بازیکن از تیم ملی خط خورده اند شایعه است و هنوز تصمیمی در مورد این دو بازیکن گرفته نشده است اما در مورد اینکه چه تصمیمی قرار است در مورد شجاعی و حاج صفی گرفته شود اما تصمیم گیرنده نهایی در مورد این دو بازیکن مهدی تاج است.



تیتریک

محکوم است

احسان حاج صفی و مسعود شجاعی به عنوان بازیکنان یک باشگاه یونانی مقابل یک تیم از رژیم صهیونیستی بازی کردند

کمتر از طلا ندانستند. اما ناگهان علی اکبر ولایتی، وزیر وقت امور خارجه، دستور بازگشت فوری کاروان کشتی را صادر کرد؛ در حالی که هنوز مسابقات کشتی آزاد آغاز نشده بود.

وزارت خارجه اعلام کرد وقتی اسرائیل را به رسمیت نمی شناسیم دلیلی ندارد ورزشکاران مان با آنها مسابقه بدهند.

بنابراین از «کی یف» ۱۹۸۳ تا امروز، ورزشکاران و تیم های ورزشی ایرانی از انجام مسابقه با حریفان اسرائیلی خودداری کرده و حتی گاهی این پایبندی به اصول و اعتقاد باعث شده تا برنده شدن حریف را در میدان بی رقیب شاهد باشند اما هیچ ورزشکار یا تیم ایرانی خودش را مجاز نمی داند نمایندگان ورزشی رژیم صهیونیستی را به رسمیت بشناسد.

ورزشکاران ایرانی اما همواره اعلام کرده اند برای «حمایت از ملت مظلوم فلسطین» و با میل و رغبت شخصی از رقابت با حریف اسرائیلی خودداری کرده اند.

به عنوان مثال محمد علی رضایی که برای اولین بار برای شای ایران در المپیک سهمیه کسب کرده بود، به دلیل حضور یک ورزشکار اسرائیلی از رقابت در صحنه المپیک به میدان مسابقه نرفت تا مورد تحسین خیلی ها قرار بگیرد. در مسابقات شای المپیک پکن، شناگر ایرانی در خط یک قرار داشت و «تام بیر» شناگر اسرائیلی در

تیم شان در این دیدار داشته باشند.» در نتیجه باشگاه تصمیم گرفت که اسامی این دو بازیکن را در لیست این بازی قرار دهد.

سیاست تاریخی ایران در قبال اسرائیل

ماجرای از دو سال قبل از وقوع انقلاب اسلامی ایران شکل جدی تری به خود گرفت. اسرائیل از صحنه ورزش آسیا جدا شده بود و با وقوع انقلاب ایران روابط سیاسی و اجتماعی دو کشور کاملاً قطع شد.

به خاطر حضور کم رنگ دو کشور در عرصه مسابقات جهانی، پنج سال طول کشید تا مجدداً نمایندگان آنها مقابل هم قرار بگیرند؛ رقابتی که اولین و آخرین نبرد ورزشکاران این دو کشور با یکدیگر بعد از انقلاب اسلامی ایران بود.

میدانگاه آخرین جدال ورزشی ایران و اسرائیل، مسابقاتی با عنوان کشتی آزاد و فرنگی قهرمان جهان بود که در سال ۱۹۸۳ به میزبانی «کی یف» در شوروی برگزار شد؛ جایی که بیژن سیف خانی، فرنگی کار گیلانی وزن ۷۴ کیلوگرم با نتیجه ۷ بر ۴ مقابل رابینسون کوناوشیلی پیروز شد.

روزنامه کیهان و مجله کیهان ورزشی که پرتیراژترین رسانه های سیاسی و ورزشی وقت بودند، با وجود نهم شدن سیف خانی، عکس او را چاپ کرده و ارزش پیروزی اش را

به رسمیت نشناختن اسرائیلی ها برای ورزشکاران ایرانی موضوع تازه ای نیست. با این حال طی سال های اخیر گاهی بدعت هایی در این زمینه باعث شده تا نگرانی هایی ایجاد شود. به عنوان مثال می توان به حرکت عجیب دو بازیکن ایرانی شاغل در لیگ یونان اشاره کرد؛ فوتبالیست هایی با تجربه که بهتر از هر فرد دیگری می دانند به رسمیت نشناختن اسرائیل در هر میدانی یکی از مهم ترین سیاست های جمهوری اسلامی ایران به شمار می رود اما ترجیح دادند خلاف این سیاست گذاری عمل کنند.

ماجرای وقتی برای احسان حاج صفی و مسعود شجاعی سخت شد که باشگاه پانیونیوس یونان رسماً درباره بازی کردن مسعود شجاعی و احسان حاج صفی دو بازیکن ملی ایرانی خود در بازی برگشت مقابل مکابی، نماینده رژیم صهیونیستی در مقدماتی لیگ اروپا بیانه ای صادر کرد و حضور این دو بازیکن را با وجود همه محدودیت های موجود، در این بازی ضروری دانست.

پانیونیوس در بیانه خود نوشت: «باشگاه پانیونیوس به تصمیم احسان حاج صفی و مسعود شجاعی برای بازی نکردن در دیدار رفت مقابل مکابی احترام گذاشت. اما اکنون در بازی برگشت که در یونان برگزار می شود، وجود این دو بازیکن برای ما ضروری است. بازیکنان باید به قراردادی که با باشگاه دارند احترام بگذارند و بهترین عملکرد را برای

دوام حکومت طاهری

هیات مدیره جدید پرسپولیس معرفی شدند



وزارت ورزش مجمع غیرقانونی برگزار کرده؟ بازگشت هاشمی به تیراندازی در هاله‌ای از ابهام قرار گرفته است

خطا ۷. ابتدا علی کفاشیان دبیر وقت کمیته ملی المپیک اعلام کرد هیچ مشکلی نیست و علیرضایی می‌تواند مسابقه دهد. اما ساعتی بعد پس از استعلام از تهران، در حالی که فقط نیم ساعت به مسابقه مانده بود، این شاگرد انصراف داد، رئیس فدراسیون شنادلیل کناره گیری علیرضایی را کسالت شدید عنوان کرد.

زیرآیل دیویس، سخنگوی کمیته بین المللی المپیک گفته بود طبق قوانین بازی جوانمردانه، چنانچه معلوم شود او تعمداً از حضور در رقابت‌ها خودداری کرده تصمیمات جدی اتخاذ می‌شود، پس باید دلیل محکمی به مقامات ارائه می‌شد.

هر چند طی سال‌های اخیر مجامع ورزشی جهان واکنش‌های تندتری نسبت به امتناع ایرانی‌ها بروز داده‌اند و گاهی تهدیدهای جدی در خصوص احتمال تحریم و اخراج از مسابقات را به اطلاع مسئولان رشته‌های مختلف ورزشی در ایران رسانده‌اند اما قرار نگرفتن مقابل ورزشکاران اسرائیلی یکی از مهم‌ترین اهداف ورزشکاران ایرانی بوده و هست.

در عین حال فدراسیون‌های ورزشی راهکارهایی اندیشیده‌اند تا با پایبندی به این سیاست کشورمان از سوی فدراسیون‌های جهانی با محرومیت روبه‌رو نشوند. مطابق قوانین، برای امتناع از انجام مسابقه باید یک دلیل پزشکی وجود داشته باشد؛ به‌طور مثال آرش میراسماعیلی در المپیک آتن، کمر درد شدید را عنوان کرد تا سر وزن نرسد و مجوز عدم مبارزه با ایهود واکس را بگیرد. تصمیمی که رهبر معظم انقلاب نیز آن را مورد تحسین قرار دادند و از این ورزشکار متعهد تقدیر کردند. بنابراین هر بار ورزشکاران ایران با اسرائیلی‌ها رو به رو می‌شوند، همگان می‌دانند که مسابقه‌ای در کار نخواهد بود.

امتناع از رویارویی با اسرائیل، غیر از مجوز پزشکی، مفرهای دیگری هم دارد؛ مثلاً در مسابقات جهانی بسکتبال زیر ۲۱ ساله‌های جهان در سال ۲۰۰۵ وقتی ایران با اسرائیل هم‌گروه شد، چند روز دیرتر از مهلت قانونی اقدام به درخواست ویزا کرد تا تأخیر سفارت آرژانتین در صدور روادید را دلیل عدم حضور در مسابقات اعلام کند و محرومیتی نیز از جانب فیبا گریبان بسکتبال ایران را نگیرد.

هوشمندی ایران برای رسیدن به افتخار

اما مدیران ورزش کشورمان به خوبی می‌دانند عدم رویارویی با اسرائیل در مسابقات جهانی نباید باعث شود تا ایران از رسیدن به آنچه استحقاقش را دارد باز بماند. بنابراین گاهی با استفاده از یک سری از تفندهای شرایطی را فراهم کرده‌اند که ورزشکاران ایرانی بتوانند روی سکو بروند و اعتبار جهانی کسب کنند. در مسابقات ۲۰۰۷ کشتی آزاد جوانان جهان، برنده دیدار گیورگی نیکانورف از اسرائیل با رولند هندریکس اهل آفریقای جنوبی، با مهدی تقوی شانس اصلی طلای ایران رو به رو می‌شد. به همین خاطر سرپرست ایران با هندریکس صحبت کرد و به او وعده داد اگر پیروز شود پاداش هنگفتی دریافت خواهد کرد. آن مسابقه را آفریقای جنوبی برد تا علاوه بر گرفتن پاداش از مسئولان ایران، تقوی هم حذف نشود. تقوی در پایان مسابقات طلا گرفت.

هر چند همیشه اتفاقات به سود ورزشکاران ما نبوده و گاهی حتی روی سکورفتن را بابت اعتقاد درست خود از دست داده‌اند. به عنوان مثال در مسابقات جهانی کشتی

فرنگی ۲۰۰۷ باکو، مهدی محمدی باید با برنده استرالیا و اسرائیل رو به رو می‌شد. حسن شاهسوند کشتی گیر ایرانی اصل استرالیا با مراجعه به کادر سرپرستی تیم ایران گفت چون هر سال به ایران می‌آید تمایلی به انجام مبارزه ندارد. این اقدام او به منزله حذف محمدی بود. مسئولان ایران به شاهسوند گفتند اگر قصد دارد برای ایران مفید واقع شود باید روی تشک بروی و حریفش را مغلوب کند. شاهسوند اطاعت کرد اما به ایلیا شافران اسرائیلی باخت تا هم خودش و هم مهدی محمدی حذف شوند.

در مسابقات جهانی ۲۰۰۳ نیویورک، علیرضا دبیر با تاکتیک ابداعی خودش، ۲ قرعه برداشت تا اگر یکی از قرعه‌ها اسرائیل بود، آن را ببندارد و دومی را نگه دارد. از اتفاق، یکی از قرعه‌ها دومترو سوکالووک از اسرائیل بود؛ آن را انداخت تا با رقیب اصلی‌اش یعنی سرافیم بارزاکف از بلغارستان رو به رو شود. این تاکتیک موفق، مدتی توسط ایرانی‌ها اجرا می‌شد اما به زودی لو رفت و مسئولان وزن کشتی از قبل اخطار می‌دهند که حق نداری ۲ قرعه برداری!

وحید هاشمیان و بایرن مونیخ در مسابقات مقدماتی لیگ قهرمانان باید در اسرائیل به مصاف مکابی می‌رفتند اما هاشمیان از سفر به تل‌آویو انصراف داد. پس از آن بود که لژیونرها در قرارداد خودشان با تیم‌های اروپایی، بند عدم سفر به اسرائیل را هم گنجانده‌اند.

سال ۲۰۰۷، اشکان دژاگه بازیکن ایرانی اصل تیم زیر ۲۱ ساله‌های آلمان از سفر به اسرائیل برای بازی با این تیم خودداری کرد. دیتر آیلز سرمربی، ماتیاس سامر مدیر ورزشی تیم‌های ملی و تئو سوانسیگر رئیس فدراسیون فوتبال آلمان دلایل او را پذیرفتند. اما ولفگانگ شویبله وزیر کشور آلمان از تصمیم دژاگه انتقاد کرد. در آن زمان علی‌آبادی، رئیس سازمان تربیت بدنی و رسانه‌های دولتی در ایران به تمجید از دژاگه پرداختند.

با این همه اما موضوع بازی کردن مسعود شجاعی و احسان حاج‌صفی در رقابت پلی‌آف برابر مکابی هفته گذشته به سوژه‌ای جنجالی تبدیل شد.

وزارت ورزش در پی اخبار منتشره در مورد حضور دو ورزشکار ایرانی شاغل در یکی از تیم‌های اروپایی مقابل تیمی از رژیم صهیونیستی اعلام کرد: «حمایت از مردم مظلوم فلسطین، انتفاضه مبارزه با صهیونیسم و حمایتش از ارکان اصلی سیاست راهبردی جمهوری اسلامی ایران است و در همین راستا وزارت ورزش و جوانان با پیروی کامل از آرمان‌های امام راحل (ره) و رهنمودهای رهبر معظم انقلاب، رژیم نامشروع اسرائیل را به رسمیت نمی‌شناسد و آن را به عنوان یک اصل خدشه‌ناپذیر نظام برای ترویج روحیه مبارزه و اسلامی علیه صهیونیست‌ها سرلوحه خود قرار داده است. بنا بر اعلام وزارت ورزش و جوانان، قهرمانان ایران اسلامی نیز در میادین بین‌المللی یاری و همراهی قاطع خود از مردم ستم‌دیده فلسطین را پهلوانانه اعلام کرده‌اند و این حرکت ارزشی امروز به فرهنگ عمومی و جهانی تبدیل شده است. در مورد اخیر هم وزارت ورزش پس از دریافت اطلاعات و گزارش‌های لازم از فدراسیون فوتبال و سایر منابع در چارچوب اصول و مبانی سیاست خارجی نظام و حفظ منافع ملی تصمیمات مقتضی را اتخاذ خواهد کرد.»

اما فدراسیون فوتبال این گونه موضع گیری کرد: «علی‌الحال درباره حضور این دو بازیکن در دیدار برگشت که شب گذشته به انجام رسید، ضمن محکوم کردن قاطع اتفاق

رخ داده، فدراسیون فوتبال جمهوری اسلامی ایران در حال بررسی دقیق و کارشناسی همه جانبه ماجرا بوده که بدون شک طی این مسیر می‌بایست پس از گفت‌وگوی رو در رو با این دو بازیکن و لحاظ کردن نظرات قبلی فدراسیون به نامبردگان انجام شود. بدون شک ورزشکاران پرافتخار ایران زمین همواره نشان داده‌اند که هیچ علاقه‌ای به رویارویی با رژیم غاصب و اشغالگر صهیونیستی حتی در آورده‌گاه بزرگ المپیک و جهانی نداشته، ندارند و نخواهند داشت و مرام پهلوانی آنان طی سالیان زبانه‌زده و اتفاق شب گذشته در خارج از کشور و برنامه‌های فوتبال فدراسیون بوده است.»

موضع گیری فدراسیون فوتبال اما مورد نقد برخی رسانه‌ها قرار گرفت. سایت الف در واکنش به این بیانیه در گزارشی نوشت: «البته موضع فدراسیون کمی نرم‌تر است و با اینکه این کار را به شدت محکوم می‌کنند ولی در عین حال می‌گویند باید حرف‌های دو بازیکن را شنید و ببینیم تحت چه شرایطی مجبور به بازی مقابل تیم مکابی شده‌اند. بحث محرومیت این دو نفر در آینده و واکنش زیادی خواهد داشت که طبق شنیده‌ها و نیز پیش‌بینی‌ها، نفر اول کی‌روش خواهد بود! شنیده می‌شود که رئیس بسیج ورزش کشور با مهدی تاج رئیس فدراسیون فوتبال صحبت کرده است تا در مورد رفتار آنها به وی هشدار دهد. او تذکر می‌دهد که شجاعی و حاج‌صفی با اینکه از بهترین‌های فوتبال ایران هستند ولی حرکت‌شان اصلاً درست نبوده و خط قرمز نظام را رد کرده‌اند.

گفته می‌شود تاج هم بعد از این صحبت با کی‌روش تماس داشته تا موضوع را برای او روشن کند تا از واکنش‌های احتمالی جلوگیری کند و به قولی او وارد این بازی نشود و از هر نوع دستوری به‌خاطر مصالح نظام تمکین کند. او به رئیس ورزش کشور هم اطمینان می‌دهد که سرمربی تیم ملی هم در این خصوص توجیه است. حال باتوجه به این موضوع و صحبت مسئولان امنیتی و سیاسی با تاج و نیز متعاقباً صحبت تاج با کی‌روش باید دید این دو بازیکن محروم خواهند شد یا نه. مسلماً عذرخواهی آنان و نیز شرایط باشگاه و اجبار برای بازی و نیز جرایم فیفا در حکم آنها تأثیرگذار خواهد بود.»

با این حال خبری از عذرخواهی این بازیکنان نیست؛ کمترین کاری که این بازیکنان می‌توانستند برای نشان دادن پشیمانی‌شان از خود نشان دهند اما از قرار معلوم اعتقادی به این عذرخواهی ندارند.

طالقانی یکی از اعضای هیات رئیسه فدراسیون فوتبال در این باره می‌گوید: «حرکت شجاعی و حاج‌صفی مورد تأیید فدراسیون و جامعه ورزش ایران نیست و آنها نباید مقابل نماینده رژیم غاصب اسرائیل به میدان می‌رفتند. اینکه گفته می‌شود که این دو بازیکن از تیم ملی خط خورده‌اند شایعه است و هنوز تصمیمی در مورد این دو بازیکن گرفته نشده است اما در مورد اینکه چه تصمیمی قرار است در مورد شجاعی و حاج‌صفی گرفته شود تا آنجا که اطلاع داریم فدراسیون و نه وزارت ورزش به جمع‌بندی نرسیده‌اند اما تصمیم‌گیرنده نهایی در مورد این دو بازیکن مهدی تاج است و او بعد از بررسی شرایط موضع رسمی فدراسیون را اعلام خواهد کرد.»

آیات‌اچ، تصمیم قاطعی می‌گیرد و در این باره مداخلات را کنار می‌گذارد یا با محافظه‌کاری و اتخاذ موضعی میانه‌از کنار این رفتار بد و زشت می‌گذرد؟ فدراسیون فوتبال فعلاً در این باره تصمیم نهایی و قطعی نگرفته است. ▶



دوام حکومت طاهری

هیات مدیره جدید پرسپولیس معرفی شدند

به ریسک عوض کردن او نژند و اداره باشگاه پرسپولیس را با او ادامه دهد.

جلسه هفته گذشته سلطانی فر با اعضای هیات مدیره جدید به خوبی نشان می داد که وزیر ورزش تا چه حد در مقام عادی سازی شرایط برآمده است. جلسه ای که علی اکبر طاهری گزارشی را از مشکلات و برنامه های باشگاه در جلسه اعضا با ریاست مجمع مطرح کرد و جعفر کاشانی و گرشاسبی دو عضو باقیمانده از هیات مدیره قبلی نیز گزارش هایی را از وضعیت باشگاه به وزیر ورزش ارائه کردند.

اما نکته جلسه وزیر با اعضای هیات مدیره باشگاه پرسپولیس قرار حل مشکلات مالی این باشگاه بود. موضوعی که باشگاه پرسپولیس این روزها به شدت با آن درگیر است و عده ای معتقدند اگر تا نهم شهریورماه نتواند بدهی های سنگین خود را تسویه کند از سوی کنفدراسیون فوتبال آسیا با محرومیت های جدی روبه رو خواهد شد و حتی این امکان وجود دارد که از لیگ قهرمانان آسیا حذف شود.

اما نکته جالب در اولین جلسه هیات مدیره جدید باشگاه پرسپولیس این بود که حاجی بیگی و روغنی گلپایگانی دو عضو جدید هیات مدیره پرسپولیس که برای تقویت و پیشبرد اهداف اقتصادی باشگاه آمدند در این جلسه رسماً به وزیر ورزش آمادگی خود را برای حل مشکلات اقتصادی باشگاه پرسپولیس اعلام کردند. موضوعی که اگر محقق شود می تواند یک اتفاق مهم در

طاهری، جعفر کاشانی و حمیدرضا گرشاسبی حضور یابند. درحالی که اخبار و گمانه های زیادی نسبت به اعضای جدید هیات مدیره وجود داشت، سرانجام هفته گذشته مجمع عمومی باشگاه پرسپولیس اعضای هیات مدیره جدید این باشگاه را منصوب کرد. اعضای که تا پیش از این، کمتر کسی حضور آنها را در هیات مدیره پرسپولیس پیش بینی کرده بود.

تثبیت مدیریت طاهری

علی اکبر طاهری، ابوالفضل روغنی گلپایگانی، حمید گرشاسبی، جعفر کاشانی و محمد حاجی بیگی اسامی اعضای جدید هیات مدیره پرسپولیس است. در این بین جعفر کاشانی و حمید گرشاسبی از اعضای قبلی در هیات مدیره جدید هم حضور دارند. علی اکبر طاهری سرپرست باشگاه پرسپولیس نیز در هیات مدیره جدید باشگاه حضور دارد و این می تواند به معنای تثبیت مدیریت او در این فصل هم باشد. تا پیش از این گفته می شد در صورت تغییر اعضای هیات مدیره این احتمال وجود دارد که مدیریت طاهری در پرسپولیس هم به خطر بیفتد. حتی شنیده می شد که طاهری با سلطانی فر اختلافاتی دارند و قرار نیست در پرسپولیس مدل ۹۶ خبری از حضور طاهری در رأس مدیریت باشگاه پرسپولیس باشد اما با همه این شایعات سلطانی فر ترجیح داد در شرایطی که پرسپولیس در لیگ برتر نتایج خوبی کسب کرده و البته در فصل گذشته عنوان قهرمانی را نیز به دست آورده است دست

۴ برای خیلی ها این سوال مطرح شده بود که چرا هیات مدیره باشگاه پرسپولیس از سوی وزارت ورزش معرفی نمی شود. تاخیر وزارت ورزش در حالی به محل سوال تبدیل شده بود که هیات مدیره باشگاه استقلال پیش تر معرفی شده بود. با این حال سلطانی فر و معاونان او تاکید داشتند که هیات مدیره پرسپولیس به زودی معرفی خواهد شد. اما این معما با معرفی شدن سلطانی فر از سوی روحانی به عنوان گزینه پیشنهادی وزارت ورزش رمزگشایی شد. مسعود سلطانی فر از سوی حسن روحانی، رئیس جمهوری ایران اسلامی به عنوان وزیر پیشنهادی ورزش و جوانان در دولت دوازدهم معرفی شد تا او با خیالی آسوده به معرفی اعضای هیات مدیره باشگاه پرسپولیس بپردازد.

سلطانی فر وزیر فعلی وزارت ورزش و جوانان در دوره اول ریاست جمهوری حسن روحانی به عنوان نخستین وزیر پیشنهادی از سوی رئیس جمهور به مجلس معرفی شد که از مجلس رای اعتماد نگرفت و در نهایت محمود گودرزی به عنوان وزیر ورزش انتخاب شد اما پس از استعفای محمود گودرزی در سال پایانی دولت یازدهم مجدداً به عنوان وزیر ورزش و جوانان معرفی و پس از کسب رای اعتماد از مجلس به عنوان وزیر جدید ورزش مشغول به کار شد.

بعد از جدایی محمدرضا زاده مهر و گلزاری، وزیر ورزش و جوانان، ابوالفضل روغنی و محمد حاجی بیگی را به عنوان اعضای جدید این تیم معرفی کرد تا در کنار علی اکبر

به نظر می‌رسد پرسپولیس خیلی زودتر از حد تصور وزیر ورزش باید بحران مالی خود را حل کند. پرسپولیس و استقلال و نفت تهران امسال مجوز حضور در لیگ قهرمانان آسیا را در فصل آینده کسب کرده‌اند اما به دلیل وضعیت نابسامان و یغرنج بدهی‌های این سه باشگاه تهرانی ممکن است مجوز حضور آنها در لیگ قهرمانان آسیا برای فصل آینده از سوی AFC لغو شود.

پرسپولیس و استقلال بدهی‌های کلان و میلیاردي به بازیکنان و مربیان خارجی دارند اگرچه مدیران این دو باشگاه در تلاش هستند تا پرونده‌های خود را در فیفا مختومه کنند، اما واقعیت آن است که برای فصل آینده بدهی‌های داخلی این دو باشگاه بزرگ و محبوب پایتخت ممکن است برایشان دردسرساز شود.

در فصول گذشته فدراسیون فوتبال و سازمان لیگ مجوز حرفه‌ای برای این دو باشگاه برطرف‌دار ایران را صادر می‌کرد و کنفدراسیون آسیا هم با استناد به این تاییدیه فدراسیون و لیگ اجازه حضور آنها را در لیگ قهرمانان آسیا صادر می‌کرد اما برای فصل آینده باتوجه به حساسیت‌های زیاد AFC روی باشگاه‌های ایرانی و همچنین گزارش‌هایی که چند بازیکن ایرانی از جمله آندرانیک تیموریان و کاوه رضایی به کنفدراسیون فوتبال آسیا درمورد بدهی‌های داخلی این دو باشگاه ارسال کرده‌اند در صورتی که فدراسیون فوتبال و سازمان لیگ مجوز حرفه‌ای پرسپولیس و استقلال و حتی نفت تهران را صادر نماید و بر فرض اینکه پرونده‌های خارجی آنها در فیفا هم مختومه شود باز هم پرسپولیس و استقلال و همچنین نفت تهران در خطر حذف از آسیا و همچنین جرایم سنگین مالی از سوی AFC خواهند بود زیرا اگر یک بازیکن ایرانی یا حتی یک شرکت خصوصی یا یک هتل، گزارش‌ی به کنفدراسیون آسیا ارائه کند و با ارائه صورت‌های مالی مدعی شود که این باشگاه‌ها به آنها بدهکارند، در آن صورت پرسپولیس و استقلال از لیگ قهرمانان آسیا کنار گذاشته خواهند شد.

در این بین عده‌ای معتقدند بد نیست که فدراسیون فوتبال و سازمان لیگ باشگاه‌های واجد شرایط را که بدهی‌های کلان خارجی ندارند به جای این سه باشگاه به کنفدراسیون آسیا معرفی کنند. این اقدام را در سال‌های گذشته کشور عربستان انجام داده است و تیم الاتحاد خود را به دلیل بدهی‌های فراوان کنار گذاشت و تیم الفاتح عربستان را جانشین تیم الاتحاد کرد.

در حال حاضر شرایط دو باشگاه پرسپولیس و استقلال برای حضور در لیگ قهرمانان آسیا بسیار خطرناک است. در سال‌های گذشته بدهی‌های داخلی این دو باشگاه‌ها مورد توجه AFC قرار نمی‌گرفت اما در فصل جدید این شرایط تغییر کرده، ضمن اینکه کنفدراسیون فوتبال آسیا هم از فیفا بابت بدهی‌های خارجی باشگاه‌های آسیایی استعلام گرفته است.

شاید تنها نقطه امید پرسپولیس و استقلال برای حضور در فصل آینده لیگ قهرمانان آسیا این باشد که بسیاری از باشگاه‌ها در غرب آسیا از جمله باشگاه‌های اماراتی و عربستانی بدهی‌های زیادی به بازیکنان و مربیان خارجی دارند و ممکن است کنفدراسیون آسیا به دلیل بدهی‌های کلان اکثر باشگاه‌ها در غرب آسیا با اغماض برای فصل آینده مجوز حضور باشگاه‌های بدهکار را بدهد. همه این گمانه‌زنی‌ها در شرایطی اتفاق می‌افتد که حامیان اعضای جدید هیات مدیره پرسپولیس تاکید دارند بحران مالی به زودی حل خواهد شد و شرایط مالی نسبتاً خوبی در این باشگاه ایجاد خواهد شد. باید دید انتخاب‌های وزیر ورزش تا چه حد اوضاع به هم ریخته مالی در برطرف‌دارترین باشگاه ایران و آسیا را به سامان خواهد کرد؟

- عضو انجمن تولیدکنندگان تجهیزات صنعتی
- عضو هیات نمایندگان اتاق بازرگانی ساری
- رئیس کمیسیون صنایع اتاق بازرگانی ایران
- عضو هیات مدیره شرکت دخانیات ایران
- عضو هیات نمایندگان اتاق ایران
- رئیس انجمن لوازم خانگی ایران
- رئیس سندیکای چوب و کاغذ کشور
- عضویت در اتاق‌های مشترک بازرگانی ایران با کشورهای مختلف (حدود ۴۰ کشور) و عضویت به عنوان هیات نمایندگان دور ششم و هفتم اتاق بازرگانی ایران و نایب رئیس کمیسیون صنایع اتاق ایران

محمد رضا حاجی بیگی؛

با مدرک علوم نظامی و مدیریت در آتش نشانی

دیگر عضو جدید هیات مدیره پرسپولیس نیز با سابق مدیریت طولی خبر از نگاه ویژه وزارت ورزش و جوانان به انتخابی صحیح می‌دهد. محمد رضا حاجی بیگی، به عنوان فرمانده و مدیر سابق ستادی ناجا با حکم مسعود سلطانی فر کار خود را به مدت دو سال در این تیم آغاز کرده است. در سوابق مدیریتی او مدیرعاملی و عضویت در هیات مدیره سازمان آتش نشانی به مدت ۵ سال دیده می‌شود. در زمان حضور حاجی بیگی در سازمان آتش نشانی، می‌توان به راه اندازی یگان هوایی آتش نشانی اشاره کرد. در زمان حضور او به عنوان مدیرعامل سازمان پایانه‌ها و پارک سوارهای شهرداری تهران برای دو سال متوالی، به عنوان مدیر نمونه و برتر کشور برگزیده شد.

اما درحالی که عده‌ای معتقدند اعضای جدید هیات مدیره می‌توانند گره گشا باشند و مشکلات مالی پرسپولیس را حل کنند عده‌ای نیز اعتقاد دارند بدهی این باشگاه آنقدر سنگین است که اعضای اقتصادی هیات مدیره پرسپولیس نیز از عهده حل این بدهی‌ها بر نمی‌آیند. شاید به همین دلیل است که ذوالفقارنسب که از او به عنوان یکی از گزینه‌های عضویت در هیات مدیره نام برده می‌شد از انتخاب نشدن خود ابراز خوشحالی می‌کند. مشاور وزیر ورزش و جوانان می‌گوید: «خیلی خوشحالم که در این برهه زمانی در هیات مدیره باشگاه حضور ندارم! در بین اعضای جدید هیات مدیره باشگاه پرسپولیس فقط آقایان طاهری و کاشانی را می‌شناسم.» بیژن ذوالفقارنسب درباره ترکیب جدید هیات مدیره باشگاه پرسپولیس می‌گوید: «از بین اسامی که اعلام شد تنها آقایان کاشانی و طاهری را می‌شناسم و از بقیه اعضا شناختی ندارم. آنها را نمی‌شناسم اما مطمئنم انتخاب آنها هوشمندانه و از روی برنامه بوده است.» او ادامه می‌دهد: «با مطالعه دقیق و برنامه‌های صحیحی که صورت گرفته است چنین افرادی را انتخاب کرده‌اند. امیدوارم بتوانند در ادامه مسیر کمک‌های شایانی برای موفقیت باشگاه انجام دهند.»

با این حال مشاور وزیر ورزش و جوانان درباره اینکه آیا با وی مشورت لازم شده بود می‌گوید: «این اتفاق کاملاً با فکر و تدبیر رخ داده است و امیدوارم که بهترین اتفاق رخ دهد. هواداران پرسپولیس باید در ادامه مسیر، صلابت‌های ویژه باشگاه خود را باز هم ببینند.»

وزیر ورزش و جوانان که روی حفظ و ارتقای اعتبار و جایگاه فوتبال ایران در این نشست تاکید زیادی داشت، اعلام کرد که وزارتخانه، حمایت تمام‌قدی از نماینده ایران در رقابت‌های آسیایی خواهد داشت

همین آغاز به کار هیات مدیره جدید باشد.

توصیه وزیر به اعضای جدید

جلسه هیات مدیره جدید پرسپولیس با وزیر ورزش و جوانان که ریاست مجمع این باشگاه را به عهده داشت آغاز رسمی فعالیت این هیات مدیره تازه بود. مسعود سلطانی فر، وزیر ورزش و جوانان در اولین جلسه اعضای جدید هیات مدیره پرسپولیس چند هدف اصلی را برای این باشگاه ترسیم کرد. او با تاکید بر اهمیت درآمدزایی باشگاه گفت: «باید حاکمیت اخلاق و اصول فرهنگ اسلامی، باشگاه‌داری همراه با حفظ حرمت هواداران و پیشکسوتان در کنار درآمدزایی در صدر برنامه‌های این باشگاه باشد.» سلطانی فر اما در ادامه به ارزش بالای موفقیت پرسپولیس در رقابت‌های لیگ قهرمانان آسیا پرداخته و با پراهمیت خواندن این موضوع خطاب به اعضای جدید هیات مدیره گفت: «تداوم موفقیت‌ها و اهتمام همه برای موفقیت و قهرمانی پرسپولیس در لیگ قهرمانان آسیا باید یک هدف مهم تلقی شود و وزارت ورزش و جوانان نیز در این مسیر برای موفقیت تیم‌های باشگاهی در جام آسیا تلاش و حمایت خواهد کرد.»

وزیر ورزش و جوانان که روی حفظ و ارتقای اعتبار و جایگاه فوتبال ایران در این نشست تاکید زیادی داشت، اعلام کرد که وزارتخانه، حمایت تمام‌قدی از نماینده ایران در رقابت‌های آسیایی خواهد داشت. اما آیا این بدان معنا است که مشکلات بزرگ پیش پای باشگاه پرسپولیس که بخش اعظم آن مشکلات مالی و اداری است در آستانه بازی حساس با الاهلی عربستان مرتفع خواهد شد؟ مسعود سلطانی فر در این جلسه حضور اعضای هیات مدیره جدید در این باشگاه را گامی در جهت درآمدزایی باشگاه و عبور از مشکلات مالی دانست و گفت: «برطرف کردن مسائلی چون بدهی‌های مالیاتی، بدهی‌های اشخاص و توجه به ظرفیت‌های درآمدزایی از مهمترین برنامه‌های هیات مدیره جدید باید باشد. البته با حضور هیات مدیره جدید شرایط بهتری برای رسیدن به این اهداف فراهم شده است.»

کارنامه اعضای جدید

با اعلام وزیر ورزش و جوانان، دو عضو جدید به هیات مدیره پرسپولیس اضافه شدند تا اعضای این باشگاه نیز کامل شود اما این اعضا را بهتر بشناسید. در شرایطی که طی روزهای اخیر شایعات زیادی در خصوص انتخاب اعضای جدید هیات مدیره پرسپولیس منتشر شده بود، وزیر ورزش و جوانان در نهایت روی نام ابوالفضل روغنی گلپایگانی و محمد حاجی بیگی به اجماع رسیدند.

ابوالفضل روغنی گلپایگانی؛

اراکي و با سابقه مدیریت عالی

عضو جدید هیات مدیره اراکی پرسپولیس با ۵۶ سال سن، در رشته مدیریت اقتصاد، مدرک تحصیلی خود را دریافت کرده و مسئولیت‌های مختلفی از جمله مدیرکل در حوزه وزارت بازرگانی، مسئولیت در شرکت‌های فروشگاهی و... را در کارنامه دارد.

- مدیرعامل شرکت بسته بندی پارس

- مدیرعامل شرکت کمپرسور سازی

- مدیرعامل شرکت بالا

- مدیرعامل شرکت آزمایش

- مدیرعامل شرکت پارس الکتریک

- مدیرعامل شرکت ارج

- مدیرعامل شرکت کارتن پلاست و شرکت چوب و کاغذ مازندران که بزرگترین کارخانه کاغذسازی خاورمیانه محسوب می‌شود.



وزارت ورزش مجمع غیرقانونی برگزار کرده؟

بازگشت هاشمی به تیراندازی در هاله‌ای از ابهام قرار گرفته است

اما این همه ماجرای تیراندازی نیست. اخیراً فدراسیون جهانی عنوان کرده است که در مسائل داخلی ما دخالت نمی‌کند. موضوعی که هاشمی اینگونه نسبت به آن واکنش نشان می‌دهد: «سوال اینجاست که این موضوع توسط کجا طرح شده و چرا بیخود در دسر درست شده است؟ ما اوایل سال به فدراسیون جهانی نامه زدیم که ما شکایتی به شما ارسال نکردیم و این موضوع در داخل کشور حل می‌شود. آنها هم طی نامه‌ای به ما نظر کمیته ملی المپیک را خواستند و کمیته هم به آنها اینطور پاسخ داد که موضوع در نهادهای داخلی در حال بررسی است و بعد از اینکه نتیجه حاصل شد در این خصوص اظهار نظر می‌کنند و به همین دلیل هم به مجمع انتخاباتی نرفتند. نماینده بازرسی کل کشور نیز همین طور. حتی کمیته ملی المپیک هیچ تأییدی به فدراسیون جهانی نداده است.»

این توضیحات اما خطر تعلیق را بار دیگر محتمل می‌کند. خطری که هاشمی درباره‌اش اذعان می‌کند: «فدراسیون جهانی بارها از من در این خصوص سوال کرده است. من به شکل‌های مختلف، حضورم را در فدراسیون جهانی متوقف کردم چون اگر می‌رفتم باید موضعی می‌گرفتم که بگویم در کار فدراسیون ما دخالت شده است یا نه. صحبت‌های زیادی با افراد مختلف داشتم. یکی از آنها یکی از حقوق‌دانان دادگاه عالی ورزش در فرانسه بود که به من گفت چون موضوع شما دو، سه بار پیش آمده است خطر تعلیق نه تنها برای تیراندازی بلکه برای کل ورزش شماسست. تاخیر در اجرای حکم دیوان پس از ۱۸ تیر باعث شده تا فدراسیون جهانی نیز حساسیت پیدا کند که ما غیر واقعی حرف می‌زنیم. ما اعلام کردیم که موضوع حل شده است.»

اما اظهارات هاشمی بلافاصله با واکنش معاون ورزش قهرمانی و حرفه‌ای وزارت ورزش روبه‌رو شد. محمدرضا داورزنی درباره رأی دیوان عدالت اداری، گفت: «دیوان عدالت اداری دو سال قبل گفت که انتخابات فدراسیون تیراندازی باطل است و در دادگاه بدوی و تجدیدنظر نیز این حکم تأیید شد. این دیوان سپس با وزارت ورزش مکاتبه کرد، چرا حکم اجرایی نشود؟ دیوان عدالت اداری حتی در بار سوم اخطار داد که اگر حکم اجرا نشود، اعمال قانون می‌کند که به معنای انفصال از خدمت است. وزیر ورزش مجبور به معرفی سرپرست شد تا انتخابات برگزار شود. انتخابات فدراسیون نیز پس از طی مراحل قانونی برگزار شد، اما در حین برگزاری انتخابات دیوان اعلام کرد که نمی‌توانسته به این موضوع ورود کند. دیوان گفته که آن رأیی که برای باطل بودن انتخابات در سال ۹۳ اعلام شده، باطل است. سوال این است که سپس چه اتفاقی می‌افتد؟ باید بگویم که برخی از آرا وجود دارند که غیر قابل اجرا هستند و باید سیستم ورود کند. در واقع این امکان وجود ندارد که شرایط به روال گذشته برگردد. به هر حال پاسخ دیوان داده خواهد شد و در نهایت وزیر ورزش از اختیارات قانونی خود استفاده خواهد کرد یا در صورت نیاز در مجمع فوق العاده تصمیم‌گیری خواهد شد.»

داورزنی سپس تأکید کرده است: «ما بر اساس اساسنامه‌ای باید پیش برویم که مصوب دولت است. یک اساسنامه که در دست تغییر داریم و یک اساسنامه نیز از قبل است. بحث این می‌شود که اگر بر اساس اساسنامه گذشته عمل کنیم، طبق ماده ۱۰ وزیر ورزش می‌تواند ورود کند. مجمعی در زمانی تشکیل شده و انتخاباتی برگزار شده و به این انتخابات به این دلیل که یک فرد نمی‌توانسته در آن شرکت کند، اعتراضی وارد شده است. حکم جدید دیوان می‌گوید آرای صادر شده قبلی توسط دیوان نقض شده و به تعبیری دیوان نمی‌توانسته در این موضوع ورود کند و این به معنای ابطال انتخابات انجام شده جدید بر اساس قوانین مصوب نیست.»

همچنان ادامه داشته باشد. هاشمی اما با پیگیری‌های خود موفق شد در کمال ناباوری از طریق ماده دشوار ۷۹ قانون تشکیلات و آیین دیوان عدالت اداری، نقض حکم قبلی دیوان را بگیرد. او حالا سندی دارد برای بازگشت به فدراسیون و اولتیماتومی یک هفته‌ای به وزارت ورزش و جوانان!

اما آنچه در بین همه ابطال‌ها به چشم می‌خورد انتخاباتی است که به عقیده وزارت ورزش و جوانان، به صورت قانونی برگزار شده است. انتخاباتی که هاشمی آن را غیرقانونی می‌داند. او می‌گوید: «در همان حکم اولیه دیوان عدالت اداری هم ابهام زیادی وجود داشت ولی بالاخره این طور تفسیر شد که انتخابات باید ابطال شود. ما هم درخواست ماده ۷۹ را قبل از اینکه وزیر ورزش و جوانان سرپرستی برای فدراسیون تعیین کند داده بودیم. حکم دیوان عدالت اداری روز ۱۸ تیر صادر شد و حتی توسط رسانه‌ها منتشر شد. حالا نمی‌دانم چطور اظهار شد که ما از آن اطلاع نداریم یا به دستمان نرسیده است! طبیعی است وقتی حکمی صادر می‌شود نباید انتخابات برگزار شود. چطور می‌شود که بعد از انتخابات ما دادن حکم ریاست من را تا دو سه ماه به تأخیر انداختند اما در انتخابات اخیر ۴۸ ساعته حکم صادر کردند؟ دیوان هم گلابه‌مند بود که چرا بعد از صدور حکم، انتخابات را برگزار کردند. این حکم قطعی است و به دلیل اینکه در اجرای حکم تأخیر داده شده دیوان یک هفته برای اجرای آن مهلت داده است. امیدواریم همانطور که اظهار می‌کنند قانون‌مندان عمل کنند.»

هاشمی ادامه می‌دهد: «من حتی بعد از اعلام حکم هم مجدداً به فدراسیون و وزارت ورزش و جوانان نامه کتبی زدم که کارتان غیرقانونی است. باید حکم را سریع پیروی کنند و حتی بابت خسارات وارده از جامعه تیراندازی عذرخواهی کنند. من رئیس فدراسیون هستم و اساسنامه و ساز و کار برگزاری مجمع مشخص است. کار غیر قانونی صورت گرفته و چون اعمال ماده ۷۹ می‌گوید اگر حکمی خلاف شرع و قانون صادر شده باشد برای یکبار این شرایط وجود دارد که رئیس قوه یا دیوان، آن را برای بررسی مجدد کرده و به دادگاه ارجاع دهد و در آنجا این موضوع بررسی می‌شود. حکم قبل از انتخابات صادر شده است و به رغم دریافت آن، انتخابات را برگزار کرده‌اند.»

به نظر می‌رسد مشکلات مسعود سلطانی‌فر در دوره جدید مدیریتتی اش در وزارت ورزش شکل جدی‌تری به خود گرفته است. این بار بحث بر سر بازگشت سیدمهدی هاشمی است؛ رئیسی که وزارت ورزش او را از انتخابات فدراسیون تیراندازی کنار زد تا او علیه این اقدام به دیوان عدالت اداری شکایت کند. کمتر کسی فکر می‌کرد شکایت هاشمی به جایی برسد اما هفته گذشته دیوان عدالت اداری در حکمی اعلام کرد که سیدمهدی هاشمی، رئیس فدراسیون تیراندازی است و حکمی که قبلاً صادر شده، باطل است! این حکم در شرایطی صادر شده است که وزارت ورزش و جوانان ۲۰ تیرماه را زمان برگزاری انتخابات فدراسیون تیراندازی اعلام کرده بود.

در سال ۹۳ انتخابات فدراسیون تیراندازی برگزار و سیدمهدی هاشمی به عنوان رئیس فدراسیون انتخاب شد. بعد از این انتخاب، دادگری یکی از نامزدهای انتخابات، شکایت خود را مبنی بر دو شغله بودن مهدی هاشمی ارائه کرد و بر این اساس برای دیوان عدالت اداری انتخابات فدراسیون تیراندازی باطل شد.

وزارت ورزش نیز مهدی هاشمی را برکنار و مبنی را به عنوان سرپرست معرفی کرد.

بعد از اعتراض مهدی هاشمی به این رأی، دیوان عدالت اداری رأی مجددی صادر کرد و با توجه به اینکه هاشمی جانباز بیش از ۵۰ درصد است، قانون ممنوعیت دو شغله‌ها شامل وی نیست. بر این اساس مهدی هاشمی همچنان رئیس فدراسیون تیراندازی است.

داورزنی، معاون ورزش حرفه‌ای و قهرمانی وزارت ورزش پس از رأی دیوان عدالت اداری، درباره برگزاری انتخابات تیراندازی بیان کرد: «وزارت ورزش در خصوص انتخابات فدراسیون تیراندازی هنوز تصمیم جدیدی نگرفته است.»

اما با این حال دیوان عدالت اداری طی نامه‌ای رسمی به وزارت ورزش و جوانان با تأکید بر صحت و ابقای انتخابات سال ۹۳ فدراسیون تیراندازی، خواستار تعیین تکلیف در این زمینه طی یک هفته شد. حکمی که اگر اجرایی شود منجر به بازگشت سیدمهدی هاشمی به فدراسیون تیراندازی خواهد شد.

به نظر می‌رسد کشمکش وزارت ورزش و جوانان در یک طرف و سیدمهدی هاشمی در طرف دیگر

فرهنگ معاصر فارسی

نام مؤلفین: غلامحسین صدری افشار، نسرین حکمی، نسترن حکمی

ناشر: فرهنگ معاصر

تعداد صفحات: ۱۳۵۴



ویرایش قبلی این کتاب، با عنوان «فرهنگ زبان فارسی امروز»، در سال ۱۳۶۹ و توسط مؤسسه نشر کلمه منتشر شده بود و بعدها ویرایش‌های بعدی آن با عنوان «فرهنگ فارسی امروز» و نهایتاً «فرهنگ معاصر فارسی» به مخاطبان عرضه شد. انتشارات فرهنگ معاصر، ویرایش چهارم این فرهنگ‌نامه عمومی را در سال ۱۳۸۱ منتشر کرده است و تا سال ۱۳۹۳ به چاپ هفتم رسیده است.

ویرایش سوم این فرهنگ‌نامه در سال ۱۳۷۷ برنده جایزه کتاب سال شد و به لحاظ روانی و سادگی، روشن بودن و دوری از ابهام و کاربردی و عملیاتی بودن، از بهترین فرهنگ‌های لغت کنونی به‌شمار می‌رود. ملاک تدوین این فرهنگ، زبان فارسی امروزی است. این فرهنگ، هر واژه را ساده و روان تعریف می‌کند، از مثال‌های متعدد برای روشن‌تر شدن کاربردهای گوناگون واژه‌ها سود می‌برد و از پیوست‌های سودمندی نظیر جدول‌های اندازه‌گیری وزن، سطح، انرژی، حجم و غیره نیز استفاده کرده است. مؤلفان این فرهنگ، معتقدند که بیش از هر فرهنگ فارسی دیگری که تاکنون منتشر شده، توانسته‌اند واژه‌های رایج زبان فارسی امروز را گردآوری، تعریف و عرضه کنند و نیز ادعا می‌کنند که شاید کار آن‌ها، نخستین فرهنگ فارسی باشد که در آن، همه واژه‌هایی که به کار رفته، تعریف یا به واژه رایج‌تر از خود ارجاع شده است.





۲۵ سال بعد

توثیت ویژه
آقای گل لیگ برتر

در میانه‌ای که صحبت از بازی دو بازیکن تیم ملی ایران برابر نماینده رژیم صهیونیستی بود، ناگهان یک توثیت از بهترین بازیکن فوتبال ایران نگاه‌ها را به خود جلب کرد، مهدی طارمی که بارها و بارها ثابت کرده بازیکنی است با دغدغه‌های خاص. اگر به خاطر ندارید باید به یادتان بیاوریم که مهدی همان بازیکنی است که جایزه خود را که یک خودرو بود به مجتبی محرمی، پیشکسوت باشگاه پرسپولیس هدیه کرد یا زمانی بود که تمام طلب خود از باشگاه پرسپولیس را تقسیم کرد، طارمی این بار هم ترجیح داد که سکوت نکند و دغدغه‌هایش را نشان دهد.

پس از واکنش شدید کاربران فضای مجازی در مورد بازی دو ملی‌پوش فوتبال ایران در مقابل تیم اسرائیلی و همچنین تقدیر توثیت رژیم صهیونیستی از آن دو، این بار او بازنشر یکی از مهمترین سخنان رهبر انقلاب در توثیت شخصی خود، به نابودی اسرائیل در آینده‌ای نزدیک اشاره کرد. مهدی طارمی در صفحه تویترش نوشت: «امام خامنه‌ای: اسرائیل بیست و پنج سال آینده را نخواهد دید.»

این توثیت به‌طور همزمان در صفحه اینستاگرام طارمی هم منتشر شد، صفحه‌ای پرطرفدار در اینستاگرام که بیشتر از یک میلیون و هفتصد هزار بازدیدکننده دارد و همین‌پست در مورد نابودی صهیونیست‌ها هم صدها هزار لایک گرفت، نکته‌ای که در مورد این پست باید مورد توجه قرار گیرد، این است که بازیکنان فوتبال زیادی آن را لایک کردند و در واقع تایید.

و عده نابودی

توثیت طارمی مربوط به کدام سخنرانی مقام معظم رهبری است؟ این جمله یکی از محبوب‌ترین جمله‌های حضرت آیت‌الله خامنه‌ای است. بنا به گزارش وبسایت ایشان «رژیم صهیونیستی ۲۵ سال آینده را نخواهد دید» به عنوان مهمترین و به‌یادماندنی‌ترین جمله رهبر انقلاب اسلامی در سال ۹۴ از نگاه مردم انتخاب شد. این جمله از میان بیانات حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در جمعی از اقشار مردم انتخاب شده است، خبری که فروپاشی این رژیم منحوس را در ۲۵ سال آینده خبر می‌دهد: «بعد از اتمام این مذاکرات هسته‌ای، شنیدم صهیونیست‌ها در فلسطین اشغالی گفتند فعلا با این مذاکراتی که شد، تا ۲۵ سال از دغدغه ایران آسوده‌ایم؛ بعد از ۲۵ سال فکرش را



می‌کنیم. بنده در جواب عرض می‌کنم اولاً شما ۲۵ سال آینده را نخواهید دید.

ان شاء الله تا ۲۵ سال دیگر، به توفیق الهی و به فضل الهی چیزی به نام رژیم صهیونیستی در منطقه وجود نخواهد داشت؛ ثانیاً در همین مدت هم روحیه اسلامی مبارز و حماسی و جهادی، یک لحظه صهیونیست‌ها را راحت نخواهد گذاشت؛ این را بدانند. ملت‌ها بیدار شده‌اند، می‌دانند دشمن کیست؛ حالا دولت‌ها و بوق‌های تبلیغاتی و مانند اینها می‌خواهند جای دشمن و دوست را عوض کنند، [اما] به جایی نمی‌رسد. ملت‌ها-ملت‌های مسلمان، به‌خصوص ملت‌های منطقه-حواس‌شان جمع است و می‌دانند، خب، این وضع رژیم صهیونیستی و آن هم [وضع] آمریکا...»

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با رمضان عبدالله، دبیرکل جنبش جهاد اسلامی فلسطین و هیأت همراه تاکید کردند: «با وجود بحران آفرینی مستمر حامیان رژیم صهیونیستی برای به فراموشی سپرده شدن مسأله فلسطین، این سرزمین شریف به برکت مقاومت و مجاهدت ملت و گروه‌های فلسطینی، آزاد خواهد شد. رژیم صهیونیستی همچنان که قبلاً گفته‌ایم به شرط مبارزه همگانی و متحد فلسطینی‌ها و مسلمانان با صهیونیست‌ها در ۲۵ سال آینده وجود خارجی نخواهد داشت.»

فوتبالیست با اخلاق

در خردادماه امسال یکی از دانشجویان در دیدار جمعی از دانشجویان با رهبر معظم انقلاب، نامه جالب یکی از کودکان کار خطاب به حضرت آیت‌الله خامنه‌ای را قرائت کرد، در این نامه نوشته شده بود که: «من همیشه دوست داشتم یک شهید گمنام بشم و سرباز شما باشم و اگر نشد یک فوتبالیست با اخلاق مثل مهدی طارمی شوم.»

در صفحه اینستاگرام مهدی طارمی پیش از پست نابودی اسرائیل چندبار دیگر هم تصویری از مقام معظم رهبری منتشر شده بود. یک بار عکسی بعد از انتخابات با متن «تبریک به مردم فهیم انقلاب بابت خلق یک حماسه ملی در انتخاباتی آزاد و تبریک به رهبر معظم انقلاب بابت حضور میلیونی ملت و سربلندی و سرافرازی ایران و ایرانی در سراسر دنیا و تبریک به دولت دکتر روحانی برای موفقیت در انتخابات و با آرزوی فردای بهتر برای

سرزمین مان ایران...»

یک بار هم پیش از انتخابات با تاکید بر اینکه در انتخابات از هیچ کاندیدایی حمایت نمی‌کند با این جمله همه را به شرکت در انتخابات دعوت کرد: «جهت لیگ به سخنان رهبر عزیز، و عده ما ۲۹ اردیبهشت ماه پای صندوق‌های رای...»

طارمی تولد مقام معظم رهبری را با انتشار ویدئویی با این متن تبریک گفت: «تولدتون مبارک... ان شاء الله که سابتون کم نشه آقا...»

اهل کار خیر

برای اینکه مهدی طارمی و نگاهش را بخوانیم، باید یک نامه را بازخوانی کنیم. او در این نامه می‌خواست ۲۵۰ میلیون از قرارداد ۴۰۰ میلیونی خود از سال اول حضورش در پرسپولیس را ببخشد.

او در این نامه نگاه ویژه‌ای به کودکان کار شهر و استان خودش یعنی بوشهر داشت و نوشت: «فوتبال استان بوشهر پر از استعدادهایی است که من مهدی طارمی، مقابل آنها دیده هم نمی‌شوم. کاش من می‌توانستم برای آنها کاری کنم اما صرفاً برای آنکه به آنها بگویم هیچ‌گاه گذشته‌ام را فراموش نکرده و همیشه تصویر روزهای بازی روی ماسه‌های داغ ساحل با پای برهنه و تاول‌زده را در ذهنم حفظ کرده‌ام، مبلغ ۵۰ میلیون تومان از باقیمانده قراردادم را برای کمک به انجمن حمایت از کودکان کار بوشهر و مدیر آن آقای بزرگ تقدیم می‌کنم؛ کودکانی که تمرینات‌شان را دیده‌ام و همه مستعد هستند. امیدوارم هدیه ناقابل مرا بپذیرند...»

از مهدی طارمی خبر کار خیر زیاد شنیده‌ایم. او یک بار سرش را به خاطر همدردی با یک کودک مبتلا به سرطان تراشید تا با او بگوید که با او در راه جنگ با بیماری همراه است.

طارمی یک بار هم کفش طلای خود را که جایزه آقای گلی فصل گذشته‌اش بود به موسی سلامت، جانباز پرسپولیس اهدا کرد. او در سفرهایش به استان بوشهر هم از کار خیر غافل نیست، به عنوان مثال در خبرها آمده بود: او دیدار صمیمانه‌ای با خانواده شهید محمد احمدی جوان اولین شهید مدافع حرم استان بوشهر و شهرستان تنگستان داشت. شهید محمد احمدی جوان اهل روستای باشی از شهرستان تنگستان در حال امداد رسانی و کمک به یک مجروح در حلب سوریه توسط تکتیکری‌ها مورد اصابت ترکش قرار گرفت و پس از ۴۳ روز به خیل شهدای حرم پیوست.

اگر در اینترنت یک جست‌وجوی ساده انجام بدهید، تصاویر بسیاری به دست می‌آید از ارادت مهدی طارمی به ائمه اطهار و ریشه‌های مذهبی عمیقی را می‌توان در او پیدا کرد.

مهدی طارمی در تهران و بوشهر در هیات‌های عزاداری حضوری فعال دارد و حتی گاهی در ماه محرم برای سفری یک روزه و شرکت در مراسم عزاداری به زادگاهش سفر می‌کند. او در شب‌های قدر مثل همه مردم ایران قرآن بر سر می‌گذارد. در روز ولادت امام علی (ع) هم حضوری فعال دارد.

این جوان ایرانی است با همان مختصات و شاخصه‌هایی که یک جوان ایرانی باید داشته باشد، شاید گاهی شیطنت‌های شیرینی دارد اما هیچ‌گاه نباید فراموش کنیم که او در کنار آن استعداد بی‌نظیری که می‌تواند چندین و چند بار آقای گل فوتبال ایران باشد، یک روحیه کاملاً ایرانی و مذهبی دارد که طبیعی است از مظلومیت مردم فلسطین به خشم می‌آید و توثیت پیش‌بینی نابودی اشغالگران را می‌دهد. ▶

یک جشن، دو بزرگداشت

اختتامیه فیلم شهر با حضور قالیباف

آیین پایانی ششمین جشنواره فیلم شهر، شامگاه روز شنبه ۱۴ مرداد با حضور محمدباقر قالیباف در مرکز همایش‌های برج میلاد برگزار و در آن علاوه بر معرفی و تقدیر برترین‌های این دوره، جشن تولد ۹۰ سالگی ژاله علو و بزرگداشت محمود کلاری برگزار شد. جمشید مشایخی، محمود صلاحی، محمود کلاری، احمد رضا اسعدی، سیاوش حقیقی، هادی مقدم‌دوست، منوچهر محمدی، حسین مسافر آستانه، مسعود فروتن، محمود عبدالحسینی، سیدمحمود رضوی و... از جمله افرادی بودند که در مراسم اختتامیه ششمین جشنواره فیلم شهر حضور داشتند. اجرای مراسم اختتامیه را فرزند حسنی بر عهده داشت و نخستین سخنران کسی نبود جز سیدعلی احمدی، دبیر جشنواره که اظهار امیدواری کرد جشنواره فیلم شهر در سال‌های آینده هم برای مردم تهران باقی بماند. سپس ویدئویی از پشت صحنه چگونگی برگزاری جشنواره پخش شد. محمدباقر قالیباف سخنران بعدی این مراسم بود، شهردار تهران در سخنانی به تشریح وظایف مدیریت شهری در پیشبرد مسائل فرهنگی پرداخت، قالیباف گفت: «امروز در همه کالاشهرهای دنیا آسیب‌ها و مشکلاتی چون فقر، بیکاری، اعتیاد و حاشیه‌نشینی را می‌بینیم که چالش‌هایی جدی هستند و بخش اعظمی از این چالش‌ها ریشه در فقر فرهنگی دارد و برای حل اینها هنر و هنرمند است که می‌تواند با اثر خودش جهان را زیباتر کند و انسان را داناتر نشان دهد.» شهردار تهران همچنین تاکید کرد: «به عنوان مدیری که سال‌ها در بخش مدیریت شهری بودم، از سال ۸۴ مبنای کار را رویکرد فرهنگی و اجتماعی گذاشتم و خداوند را شاکر که در زیرساخت‌های فرهنگی و هنری در شهر تهران اتفاق‌های جدی و مهمی افتاده است؛ چه در سینما، چه در تئاتر، چه ایجاد سالن‌هایی برای آیین‌ها، چه در کتابخانه‌ها و... که این روند را از مقیاس محله تا عرصه ملی داشته‌ایم. در عرصه کتاب ما ۴۰۰ کتابخانه راه اندازی کردیم که از این بین ۷۴ کتابخانه شبانه‌روزی است. البته این به معنای اتمام کار نیست، بلکه این به عنوان بضاعتی است که از ما برمی‌آید. خوشحالم که در این سال‌هایی که شهردار تهران بودم به هیچ عنوان نگاه ابزاری به عرصه هنر نداشتم، همیشه خدمتگزار بوده و هستم. آرزوی من کتم همیشه کشورمان در عرصه هنر بدرخشد.» او در ادامه با بیان اینکه این آمار و حرف‌ها به این معنی نیست که اتفاق خیلی بزرگی افتاده و تنها سعی کرده‌اند وظیفه‌شان را انجام دهند، اظهار کرد: «ما سعی کردیم انجام وظیفه کنیم و این کارها در حد بضاعت ما بوده است. امیدواریم انجام وظیفه ما را با تمام کاستی‌ها قبول کنید. من در تمام مدتی که کار کردم همه تلاشم این بوده که سلاقی شخصی خودم، توقعات بیجا و رفتار ابزاری و سیاست‌زدگی را در عرصه هنر نداشته باشم، بلکه به عنوان یک خدمتگزار تاجایی که توانستم کار کنم تا گامی رو به جلو بردارم و امیدوارم شما عزیزان فعالیت‌های خود را در همه عرصه‌ها ادامه دهید و افتخارهای بیشتری را برای ایران زمین به ارمغان آورید.»

آقای فیلمبردار

نوبت به بزرگداشت فیلمبردار برجسته سینمای ایران رسید. ابتدا نمایی از فعالیت‌های حرفه‌ای کلاری به نمایش درآمد و در ادامه با حضور حسین جعفریان (فیلمبردار نام‌آشنا) و محمود صلاحی (رئیس سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران) از وی تقدیر شد. کلاری با اشاره به اینکه دوست‌نداشتم فیلمی ساخته شود که دائم از من تعریف کنند، گفت: «باور منی که خجالت می‌کشم همیشه به دیگرانی که کار می‌کردم می‌گفتم فیلمی بسازید که آنقدری خوب نباشد که بخوانند زیاد از آدم تعریف کنند!» مهران مدیری با وجود آنکه در این مراسم

حضور نداشت ویدئویی برای تقدیر از محمود کلاری فرستاده بود. او محمود کلاری را «کندوی عسل سینمای ایران» نامید و سپس از تجربه کار با او در فیلم سینمایی «ساعت ۵ عصر» صحبت کرد و گفت: «من فکر می‌کردم نور و تصویر را به خوبی می‌شناسم اما بعد از کار با محمود کلاری فهمیدم چیز زیادی نمی‌دانم.» سیدروح‌الله حجازی نیز که برای فیلمنامه فیلم بسپید به رنگ مروارید برگزیده جشنواره شده بود، طی سخنانی خواستار چاپ عکس‌های محمود کلاری شد، چرا که عکس‌های ویژه‌ای که مربوط به تاریخ ما است توسط وی به ثبت رسیده است. او اشاره داشت بخشی از این عکس‌ها مربوط به حضرت امام خمینی (ره) است.

برنده‌ها

در بخش فیلم‌های بین‌الملل؛ انیمیشن کوتاه «پیش خدمت» در بخش فیلم کوتاه و فیلمنامه کامپوزیا پرتوی و بازی محسن تنابنده برای فیلم «فراری» حائز رتبه برتر شدند. همچنین در بخش پویانمایی نیز جایزه‌ها به فیلم «داش اکل»، «بدو رستم بدو» و «درخت پرتقال» تعلق گرفت. در بخش فیلم‌های نیمه‌بلند و کوتاه داستانی، فیلمنامه «قرص برنج»، طراحی صحنه «بیماری» و کارگردانی «مرضیه» به عنوان بهترین‌ها برگزیده شدند. «مرضیه» به عنوان بهترین فیلم نیز در این بخش انتخاب شد.

در بخش فیلم‌های نیمه‌بلند و کوتاه مستند، پژوهش فیلم



جشن ۹۰ سالگی

خیلی از ما خانم ژاله علو را با بازی در سریال روزی روزگاری می‌شناسیم، در این مراسم جشن ۹۰ سالگی ایشان هم گرفته شد. به بهانه آنکه ژاله علو در ۱۴ مرداد ۹۰، ۹۰ ساله شده است، در این مراسم با آوردن کیک بزرگی با تصویری از چهره ژاله علو به همراه موسیقی «تولدت مبارک» با صدای زنده یاد محمد نوری، تولد وی را جشن گرفتند و در میان استقبال مخاطبان شمع‌های تولد ۹۰ سالگی اش را با حضور جمشید مشایخی، محمدباقر قالیباف و فرزاد حسنی (مجری مراسم) در اختتامیه جشنواره فیلم شهر فوت کردند.

مشایخی به روزگاری اشاره کرد که در دهه ۲۰ و زمانی که تلویزیون نبود و رادیو گوش می‌دادند: «خانم ژاله علو در رادیو تئاتر اجرا می‌کردند، روزهای جمعه سر ظهر تئاتر رادیویی اجرا می‌شد و عزیز من (ژاله علو) نقش مهمی داشت. خانم علو از ابتدا زیبا بود، اما به دلیل هنری که داشت سال‌ها گذشت و زیباتر شد.» وی سپس در پایان صحبت‌هایش یک بیت شعر را برای ژاله علو خواند: «گر در سرت هوای وصال است حافظا / باید که خاک درگاه اهل هنر شوی».

قالیباف، شهردار تهران ضمن تقدیر از ژاله علو، گفت: «این دو عزیز که امروز در اینجا هستند، سرمایه‌های مهم و بزرگ ایران هستند و امروز در دنیا ملت ما را به فرهنگ و هنری که دارد می‌شناسند. خانم علو از کسی مثل من که دهه ۴۰ به دنیا آمده می‌شناسد و با آن خاطره دارد تا کودک و نوجوان امروزی. من شادایی و نشاط را برای این خانم عزیز از خداوند

«گراند هتل»، «دستاورد فنی» «مانکن‌های قلعه حسن خان» و کارگردانی «حامی» برگزیده شدند. در بخش فیلم‌های بلند مستند، کارگردانی «متهمین دایره بیستم» و فیلم «مانکن‌های قلعه حسن خان» به عنوان بهترین‌ها انتخاب شدند. در بخش فیلم‌های ویدئویی، فیلمنامه و تصویربرداری «بسپید به رنگ مروارید» و کارگردانی «فرزدانی» برگزیده شدند. همچنین در بخش فیلم‌های سینمای ایران تندیس و جایزه بهترین فیلمنامه این بخش به کامپوزیا پرتوی برای نگارش فیلمنامه فراری رسید. جایزه بهترین بازیگر نقش زن به «پردیس احمدیه» برای ایفای نقش در فیلم «لاک قرمز» اهدا شد. «ناصر هاشمی» به عنوان بهترین بازیگر نقش اول مرد برای ایفای نقش در فیلم «برادرم خسرو» انتخاب شد. تندیس و جایزه بهترین دستاورد فنی و هنری به «مهرداد میرکیانی» و «عبدالله اسکندری» برای «چهره‌پردازی فیلم سینمایی «لاتوری» رسید. «محمدحسین مهدویان» نیز برای کارگردانی فیلم «ماجرای نیمروز» به عنوان برترین کارگردان انتخاب شد. همچنین تندیس و جایزه ویژه هیأت داوران به احسان بیگلری برای فیلم «برادرم خسرو» رسید.

«ابد و یک روز» نیز به عنوان بهترین فیلم انتخاب شد. تندیس و جایزه بهترین اثر از نظر پرداختن به موضوعات شهری نیز به «بهمن کامیار» و «محسن قرایی» برای ساخت فیلم سینمایی «سدمعیر» اهدا شد. تندیس و جایزه ویژه دبیر ششمین جشنواره فیلم شهر هم به «منیر قیدی» برای کارگردانی فیلم «ویلاهای» تقدیم شد. ▶

استارت آخر

یوسین بولت از دنیای قهرمانی خداحافظی کرد



دو سال پیش در رقابت های قهرمانی پکن، گاتلین و بولت در برابر هم قرار گرفتند. این رقابت یکی از نفس گیرترین نبردهای این رشته ورزشی بود. در ۲۰ متر آخر دو قهرمان به همدیگر زنجیر شده بودند؛ شانه به شانه. اما در نهایت گاتلین تعادل خود را از دست داد و این بولت بود که در برابر فلاش دوربین ها به عنوان نفر اول از خط پایان عبور کرد. اما در رقابت شنبه شب گاتلین استمرار خود را حفظ کرد. کولمن هم شروع فوق العاده ای داشت و بعد از طی ۷۰ متر، نفر اول بود. اما نفس سرد بولت از سرعت او کاست و این گاتلین بود که در غفلت کولمن به مقام اول رسید. این پایان تلخی بود برای یک اسطوره؛ از آن پایان هایی که هیچ کس دوست نداشت. انگار قرار نبود او شکست ناپذیر کنار برود... در تمام این سال ها او تبدیل به یک نماد بزرگ از چیزی بود که به آن «سرعت» می گویند...

دوندای که در ۱۰ سال اخیر تمامی مدال های طلا در دوی ۱۰۰ متر جهان و المپیک را از آن خود کرده بود، در گام آخر نتوانست به اقتدار خود ادامه دهد و قهرمانی را به رقیب آمریکایی اش واگذار کرد. دونده ۳۱ ساله جامائیکایی که از المپیک ۲۰۰۸ به رکوردشکنی پرداخت و توانست رکوردهای ۱۰۰ متر و ۲۰۰ متر جهان و المپیک را بارها جابه جا کند، در بهترین مسابقه خود ۱۰۰ متر را در ۹ ثانیه و ۵۸ صدم ثانیه دویده است، رکوردی که بعید به نظر می رسد به این زودی شکسته شود. او ۱۰ سال مداوم تا سال ۲۰۱۷ به عنوان قهرمان ۳ دوره المپیک و چند دوره قهرمان جهان خودش را معرفی کرد و خیلی زود تصمیم به خداحافظی گرفت اما در شرایطی که همگان تصور یک خداحافظی باشکوه برای پلنگ جامائیکایی داشتند، او در گام آخر به سکوی سومی جهان سقوط کرد تا قهرمان نشدن را هم تجربه کند.

آرزوی یک ستاره

شاید بولت شنبه در لندن شکست خورده باشد و با شکست کارش را به پایان برده باشد، اما هرگز آمار و ارقامی که به جای گذاشت فراموش نخواهد شد. برای بولت همواره این طور بود که رقیبانش در طول مسابقه معمولاً مشغول خواندن نام او پشت لباس مشهور زرد رنگش بودند. به نظر مسابقه برای او شخصی بود و کسی جز او شرکت نمی کرد. بولت در سال های ورزش کردنش توانست الگویی برای بسیاری از ورزشکاران باشد و خیلی ها از او الهام گرفتند. هر ۴ سال یک بار وقتی مسابقه دو یوسین بولت در بازی های المپیک را می دیدیم، دنیا برای ۱۰

ثانیه متوقف می شد. همیشه هم در این ۱۰ ثانیه ها دونده جامائیکایی به ما چند صدم ثانیه تخفیف می داد. از ۹،۶۹ پکن تا ۹،۶۳ لندن تا ۹،۸۱ در سن ۲۹ سالگی در ریو همه نگاه ها در دنیا به او بود، نه فقط نگاه هموطنانش. دلیلش این بود که بولت در همین چند ثانیه به همه نشان می داد محدودیتی وجود ندارد و با زدن رکورد دنیا ثابت کرد هر چیزی دست یافتنی است. رکورد دو ۱۰۰ متر با ۹،۵۸ و دو ۲۰۰ متر با ۱۹،۱۹ در سال ۲۰۰۹ در برلین به او رسید. دل ورزش برای او تنگ می شود، خودش اما امیدوار است که رکوردهایش حالا حالا با جابه جایی باشد: «از همه تماشاگرانی که برای حمایت من آمده بودند، معذرت می خواهم که نتوانستم عملکرد بهتری داشته باشم. پیش از این به دنیا ثابت کرده ام که من یکی از بزرگترین ورزشکاران جهان هستم. فکر نمی کنم این مسابقه چیزی را تغییر بدهد. من کار خودم را به عنوان یک ورزشکار انجام دادم و این رشته ورزشی را به اوچ رساندم و نشان دادم که دو میدانی در حال بهتر شدن است. نمی توانم ناامید شوم. من بهترین عملکردم را به نمایش گذاشتم و سخت است که بخواهم پس از انرژی ای که هواداران من به دادند، ناراحت باشم. آنها پس از پایان مسابقه ماندند و مرا تشویق کردند. پس از پایان این رقابت به گاتلین تبریک گفتم. او در طول سال های اخیر سخت کوشید و امشب او مرد برتر میدان بود. در این مسابقه خیلی به خودم فشار آوردم و سعی کردم استارت خوبی بزنم، چون می دانستم در غیر این صورت ممکن است به دردمر پیفتم. در همان ابتدا کمی عقب افتادم و سعی کردم در ادامه فاصله را جبران کنم، اما در نهایت تلاش من برای جبران فاصله ام با گاتلین و کولمن کافی نبود. من در مسابقه آخرم ۱۰۰ متر را در ۹ ثانیه و ۹۵ صدم ثانیه دویدم. این نشان می دهد که من در مسیر درست قرار دارم. من بارها در مسابقات جهانی بوده ام و می دانم که آماده هستم. با این حال امیدوارم رکورد من را نشکنند. می خواهم به بچه هایم زمانی که ۲۰ ساله شدند بگویم ببینید که من هنوز بهترین هستم. فکر می کنم در این دوران کسی نیست که بتواند این کار را انجام دهد. شاید در نسل بعد و ۱۰ سال دیگر این اتفاق بیفتد.»

بولت تصمیم جدی برای ادامه ورزش خود در رشته فوتبال دارد و عشق او به تیم منچستر یونایتد همچنان رویای بازی با پیراهن این تیم را در قلب خود نگه داشته است. بولت از هدف بعدی خود این طور گفت: «همه می دانند که من همیشه در مورد فوتبال صحبت می کنم و هنوز در انتظار تماس مورییو برای پیوستن به یونایتد هستم. تا روز آخر فصل نقل و انتقالات امسال در انتظار

تماس مورییو خواهیم بود. از نظر من زلاتان نمایش درخشانی در فصل قبل داشت و اگر به انتخاب من بود یک بار دیگر با او قرارداد امضای کردم.»

قهرمانی یک منفور

بولت در شرایطی قافیه را به جاستین گاتلین آمریکایی واگذار کرد که این دونده ۳۵ ساله به خاطر محرومیت چند ساله اش به دلیل استفاده از مواد نپروزا، محبوبیت چندانی بین هواداران ندارد. البته گاتلین هم که پیش از این شکست های سنگینی از بولت خورده بود، بالاخره انتقامش را در روز خداحافظی بولت از دو ۱۰۰ متر گرفت و او را شکست داد. گاتلین برای رسیدن به این موفقیت روزهای بسیار بدی را پشت سر گذاشته بود. شاید بدترین اتفاق برای یک ورزشکار در طول تاریخ این باشد. اتهام دوپینگ، محرومیت و حواشی بی اندازه بهانه کافی نبودند تا گاتلین دست از تلاش بردارد سن به معنی واقعی برای او تنها یک عدد بود. او سال های سال، المپیک پشت المپیک، قهرمانی های جهان پشت سر هم به عنوان نفر دوم پایین تر از بولت ایستاد اما در سن ۳۵ سالگی بالاخره صاعقه جامائیکایی را گرفت تا از این به بعد تاج و تخت سلطه سرعت در دست او باشد. بعد از تحقق این رویا گاتلین ۳۵ ساله به پیش پای بولت ۳۰ ساله زانو زد تا اعلام کند درست است او را در این رقابت پشت سر گذاشت، اما بولت همچنان با رکوردهای جاودانه اش افسانه خواهد ماند. گاتلین بعد از مسابقه در کنفرانس خبری گفت: «من همیشه به رقبایم احترام می گذارم. به بولت احترام گذاشتم چون او کارهای زیادی برای این رشته انجام داده است.» بولت در حالی با رکورد ۹،۹۵ آخرین مسابقه ۱۰۰ متر خود را سپری کرد که پیش تر با ۹،۵۸ رکورد دنیا را در این ماده شکسته بود و بعد هم با ۱۹،۱۹ ثانیه، رکورددار دو ۱۰۰ متر دنیا شد. با این حال، این دونده ۳۰ ساله معتقد است سوم شدن در دو ۱۰۰ متر لندن، نمی تواند اثری را که او روی مردم گذاشته، از بین ببرد: «من قبلاً توانایی هایم را ثابت کرده ام و دلیلی ندارد بخواهم خودم را به کسی ثابت کنم. بعید است فعلاً کسی پیدا شود و کارهایی را که انجام داده ام، تکرار کند.» هواداران که به شدت از شکست بولت ناراحت شده بودند، نمی توانستند این موضوع را فراموش کنند. هنگام اهدای جوایز، وقتی مدال طلای گاتلین به گردنش آویخته شد، شروع به هو کردن او کردند، هر چند عده کمی او را تشویق می کردند. همچنین زمانی که مدال برنز به گردن بولت آویخته شد به شدت مورد تشویق هواداران قرار گرفت. ▶



بیانیه بانک انصار به مناسبت روز خبرنگار

و ارتجاع منطقه است که با ایران هراسی و ترسیم تصویر وارونه از اسلام به عنوان دینی خشونت گرا و حامی تروریسم در قالب گروه‌های الحادی و تکفیری، به تضعیف بنیان‌های انسانی، وحدت و اقتدار امت اسلامی پرداخته و به بهانه مبارزه با تروریسم خود ساخته، به فروش سلاح‌های مرگ‌آفرین صدها میلیارد دلاری می‌پردازند.

این بیانیه در پایان با اشاره به مناسبت جامعه رسانه‌ای کشور با نهادهای سازمان‌های مختلف جامعه چنین آورده است: «بانک انصار با پاسداشت خاطره جاودانه شهدای رسانه و تبریک و تهنیت این روز فرخنده به آحاد روزنامه‌نگاران، خبرنگاران، عکاسان، نویسندگان و اهالی شریف رسانه‌ای کشور، قدردانی خود از پوشش خبری و انعکاس رویدادها، عملکرد، دستاورد و توانمندی‌های شبکه بانکی و به ویژه بانک ارزش مدار انصار را در رسانه‌ها ابراز و انتظار دارد که اصحاب رسانه به شکلی واقع‌بینانه و منصفانه نسبت به اطلاع‌رسانی در حوزه پولی و بانکی اقدام نمایند تا این شبکه عظیم مالی و پولی با اهتمام همگانی و اقدامات حرفه‌ای، نقش راستین خود را به عنوان بانک مقاوم در توسعه اقتصادی و تحقق اقتصاد مقاومتی به خوبی ایفا کند.»

نسبت به واقعیات جامعه ایران و روابط بین‌المللی آگاه سازند و در راستای مقابله با غول‌های رسانه‌ای جهان استکباری که همه نیروهای اهریمنی خود را در ضدیت با انقلاب اسلامی ایران بسیج کرده‌اند، به نشر اخبار رهایی‌بخش بپردازند.

در این بیانیه همچنین آمده است: «جامعه مطبوعاتی و اصحاب رسانه ایران اسلامی نسبت به سعادت‌مندی و رستگاری جامعه نه تنها ایران اسلامی بلکه جامعه جهانی متعهدند و امر به معروف و نهی از منکر را رسالتی الهی و انسانی می‌پندارند که با هیچ ارزشی در جهان قابل مقایسه نیست. رساندن پیام‌های الهی، پرهیز دادن افراد از گناه و ترویج روح بشر دوستانه و از همه مهم‌تر مقابله با استکباری مستکبران و مزدوران منطقه‌ای آنان ملهم از سرچشمه نور انقلاب اسلامی است و برای این جامعه افتخاری ابدی به شمار می‌آید که صارمی‌ها و دیگر شهدای این عرصه آن را جلوه‌گر ساختند.

رسالت سنگین دیگری که این سپاهیان آگاهی‌بخشی و رستگاری نسبت به هموطنان و افکار عمومی در سراسر جهان احساس می‌کنند، افشای سناریوهای استکباری نظام سلطه و صهیونیسم جهانی

بانک انصار به مناسبت ۱۷ مرداد ماه، سالروز شهادت محمود صارمی، خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی که در سال ۱۳۷۷ در مزار شریف به همراه دیپلمات‌های ایرانی به دست طالبان به شهادت رسید، بیانیه‌ای صادر کرد. در ابتدای این بیانیه آمده است: «هفدهم مردادماه ۱۳۹۶، نوزدهمین سالروز شهادت خبرنگار شجاع و فداکار خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران است که به پاس شجاعت‌ها، تعهد و پایمردی آن خبرنگار شهید، روز «خبرنگار» نام گرفته است. این نامگذاری صرفنظر از وجاهت تاریخی ثبت یک رویداد افتخارآمیز، فرصتی ارزشمند را فراهم می‌آورد تا با مرور عملکرد اصحاب رسانه و مطبوعات، از مجاهدت‌ها، میراث فاخر و نقش آگاهی‌بخش آنان تجلیل و رسالت خطیر و مقدس آنان در توسعه همه‌جانبه میهن اسلامی و تحقق آرمان‌های انقلاب شکوهمند اسلامی بازشناسی شود».

این بیانیه افزوده است که رسانه‌های متعدد کشور با انعکاس رخدادهای موضوعات اجتماعی و انسانی و مبتنی بر ارزش‌های جامعه اسلامی در مقیاس ملی، منطقه‌ای و جهانی، می‌کوشند افکار عمومی داخلی و جهانیان را

پرچم بانک انصار بر فراز قله سبلان



به همت جمعی از کارکنان بانک انصار پرچم این بانک بر فراز قله سبلان به اهتزاز درآمد.

به گزارش اداره کل روابط عمومی و تبلیغات، جمعی از کارکنان بانک انصار با همراهی گروه کوهنوردی و طبیعت‌گردی «آوای کوه» در تاریخ ۹۶/۵/۱۳ به قله سبلان صعود کردند.

این گزارش می‌افزاید، سبلان در استان اردبیل، شهرستان مشگین شهر قرار دارد و با ارتفاع ۴۸۱۱ متر سومین قله مرتفع ایران محسوب می‌شود.

این کوه، آتشفشانی غیرفعال و دارای دامنه‌هایی زیبا بوده که به دلیل جاذبه‌های منحصر به فرد طبیعی، علی‌الخصوص وجود دریاچه آب شیرین در دهانه آتشفشان یکی از مقاصد اصلی کوهنوردان داخلی و خارجی محسوب می‌شود.

مشارکت در سود و زیان اصل بانکداری بدون ربا است



مدیرعامل موسسه اعتباری گفت: «در فعالیتهای اسلامی، اصلی تحت عنوان مشارکت در سود و زیان وجود دارد، که در فعالیتهای بانکی اجرا نمی شود.»

به گزارش روابط عمومی موسسه اعتباری کوثر؛ دکتر عیسی رضایی در حاشیه جلسه معاونان و مدیران با بیان این مطلب اظهار داشت: «قانون کنونی عملیات بانکداری بدون ربا که پس از پیروزی انقلاب اسلامی به تصویب مجلس رسید در زمان خود حرکتی انقلابی در کل نظام بانکی کشور ایجاد کرد. این قانون در زمان خود قانون خوبی بود در عین حال هر قانونی ممکن است نیاز به اصلاح داشته باشد.»

مدیرعامل موسسه اعتباری کوثر تصریح کرد: «از آنجا که نیازها و استانداردهای نظام بانکداری در سطح دنیا و نیز در داخل ایران نسبت به گذشته تغییر کرده است، ضروری است که این قانون به روز شود.»

وی افزود: «از جمله مسائلی که امروز در زمینه بانکداری بدون ربا وجود دارد و علما و مسئولان به آن اشاره می کنند نحوه پیاده سازی مدل بانکداری غیرربوی و مشارکت بانک با مشتریان است.»

نایب رئیس هیات مدیره موسسه اعتباری کوثر در بخش دیگری از سخنان خود در خصوص اشکالات اساسی ساختار فعلی در بخش تجهیز منابع اظهار داشت: «فرضا در سپرده ها تعیین سود قطعی برای طبقات مختلف سپرده ها شامل سپرده های بلندمدت و کوتاه مدت و اشخاصی که بین دوره تسویه می کنند، چگونه باید محاسبه و پرداخت شود؟ اصولاً آیا پرداخت سود قبل از کسب درآمد صحیح است؟ هر چند که آن را سود علی الحساب

قانون تازه این موضوع مطرح می شود که آیا شدنی است که تمامی تسهیلات اعطایی مشارکتی را به ریز رصد کرده و سود و زیان آن را مشخص کرد یا نه؟ این موضوع نیز یک معضل بسیار اساسی و گلوگاه است.

مدیرعامل موسسه اعتباری کوثر تأکید کرد: «بررسی های انجام شده بیانگر آن است که در هیچ کشوری مسائل بانکداری اسلامی به طور کامل منطبق با احکام اسلامی نبوده و می توان ادعا کرد مدل بانکداری اسلامی که منطبق بر احکام اسلامی و فقه تشیع که در کشوری اجرا شده باشد، وجود ندارد تا ما از آن مدل، الگو بگیریم.»

نام گذاری کنیم، اما شیوه آن تداعی کننده روش ربوی است.»

دکتر رضایی در ادامه به اشکالات بخش مصرف منابع اشاره کرد و گفت: «بر اساس احکام اسلامی در «مضاربه» در نهایت مضارب و عامل در سود و زیان آن معامله شریک هستند اما در بانکداری فعلی، بانک ها فقط در سود پروژه ها و تسهیلات شریک می باشند و در زیان سهیم نیستند.»

به گفته ایشان، علاوه بر آن بر اساس قوانین مالیاتی در پایان سال بانک باید سود دوره را شناسایی نماید که هنوز قطعی نیست و این موضوع ارتباطی به بانک ندارد و باید قوانین توسط مجلس اصلاح شود. البته پس از اصلاح

جریان آزاد اطلاع رسانی بازدارنده بسیاری از مفاسد اقتصادی و اجتماعی است



نایب رئیس هیات مدیره موسسه اعتباری کوثر تصریح کرد: «در این میان جایگاه شهدای رسانه نشان از رسالت خطیر خبرنگاران در جنگ نرم دشمنان و آشکار کردن حق و حقیقت و ایجاد وحدت، همدلی و غرور ملی دارد.»

دکتر رضایی با اشاره به نامگذاری ۱۷ مردادماه به عنوان روز خبرنگار اظهار داشت: «روز خبرنگار گرامی داشت نام و یاد شهدای اصحاب رسانه است. از تلاش های صادقانه خبرنگاران ایران اسلامی در زمینه اطلاع رسانی و آگاهی بخشی به جامعه در نظام بانکی تقدیر و تشکر می نمایم و امیدوارم در سایه الطاف ایزد سبحان در راستای اعتلای نام ایران اسلامی موفق و پیروز باشند.»

«نقش اصحاب خبر و رسانه به عنوان مشعل داران توسعه آگاهی که با به کارگیری هنر، مهارت، تدبیر و دانش خود، فضایی سالم برای اطلاع رسانی شفاف و ارتباطات اثربخش بین مردم و سازمان ها را فراهم می کنند، انکارناپذیر بوده و قابل تقدیر است.»

دکتر رضایی افزود: «جریان آزاد اطلاع رسانی به جز در موارد امنیتی می تواند بازدارنده بسیاری از مفاسد اقتصادی و اجتماعی باشد که این وظیفه خطیر بر عهده خبرنگاران گرامی نهاده شده، که امید است رسالت خود را به دور از هرگونه جهت گیری صنفی و شخصی به نحو احسن ایفا کنند.»

مدیرعامل موسسه اعتباری کوثر با تبریک ۱۷ مردادماه روز خبرنگار، این روز را روز پاسداشت تلاش بی وقفه خبرنگارانی دانست که به راستی تجسم امانت، مسئولیت، تعهد، دلسوزی و وظیفه اند و وجدان بیدار جامعه و تصویرگر زمان هستند.

به گزارش روابط عمومی موسسه اعتباری کوثر، دکتر عیسی رضایی به مناسبت گرامی داشت روز خبرنگار طی پیامی از تلاش های فعالان عرصه خبر و اطلاع رسانی تقدیر کرد.

مدیرعامل موسسه اعتباری کوثر با اشاره به نقش اصحاب رسانه در دنیای ارتباطات و اطلاعات گفت:



عصر طلایی دایناسورها

نام مؤلف: عرفان خسروی

ناشر: نشر طلایی

تعداد صفحات: ۶۴



کتاب «عصر طلایی دایناسورها»، یک دانشنامه تصویری و مختصر در مورد موجودات درشت هیکلی است که سال‌ها پیش در زمین زندگی می‌کردند: دایناسورها! بعد از آنکه نویسنده کتاب، عرفان خسروی، کتاب «فرهنگ‌نامه دایناسورها» را نوشت و با استقبال گسترده مخاطبان روبه‌رو شد، این استقبال او را تشویق کرد تا کتاب حاضر را بنویسد.

این کتاب، روی حس کنجکاوی کودکان و نوجوانان حساب ویژه‌ای باز کرده است و مخاطبان اصلی کتاب را نوجوانان تشکیل می‌دهند؛ گواه این مطلب، مقدمه‌ای است که خود نویسنده در ابتدای کتاب نگاشته است. به‌علاوه، فضای تصویری و نقاشی‌مانند کتاب، تابلوهای رنگارنگی از زندگی دایناسورها را در برابر چشمان تصویرخواه مخاطب قرار می‌دهد و مهر تأییدی است بر اینکه این کتاب برای نوجوانان پرسشگر و کنجکاو نوشته شده است. نکته جالب برای دایناسورها که ذهن مخاطب را قلقلک می‌دهد، دیدن تصاویر این موجودات است و این کتاب با آگاهی صحیح از این نیاز، به صرف نوشته اکتفا نکرده و بیشتر تصویرمحور بوده است.

روزآمدی، واژه‌نامه، حمایت از محیط‌زیست و آشناسازی مخاطب با روش علمی از ویژگی‌های کتاب است. در انتهای کتاب نیز نقشه جامع زندگی دایناسورها و خلاصه آنچه در کتاب است، به‌صورت مختصر برای مخاطب بازعرضه می‌شود.





بیژن و منیرّه

نام مؤلف: سوسن طاقدیس، تصویرگر: محرم اسلام‌نژاد

ناشر: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان

تعداد صفحات: ۳۲

کتاب «بیژن و منیرّه» نوشته سوسن طاقدیس و با تصویرگری محرم اسلام‌نژاد، یکی از مجموعه کتاب‌های مصور «نامه نامور» است. این کتاب، اقتباسی از داستان بیژن و منیرّه در شاهنامه ابوالقاسم فردوسی است. بیژن و منیرّه داستانی است که بازنویسی آن بر عهده سوسن طاقدیس بوده است. سوسن طاقدیس، نویسنده کتاب‌های کودک و نوجوان است که کار خود را با نوشتن داستان «بابای من دزد بود» در کیهان بچه‌ها شروع کرد و جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی برای کتاب «قدم یازدهم» در سال ۱۳۸۶، از جمله افتخارات مهمی هستند که سوسن طاقدیس آن‌ها را کسب کرده است.

داستان بیژن و منیرّه روایت علاقه پاک میان «بیژن»، پسر گیو که از پهلوانان و دلوران دربار کیخسرو، پادشاه ایران بود و «منیرّه»، دختر افراسیاب شاه سرزمین توران است.

مجموعه «نامه نامور»، برای گروه سنی «د» یعنی دانش‌آموزان دوره متوسطه اول طراحی شده و مجموعه ارزشمندی برای آشنایی نسل جدید با داستان‌ها و حکایت‌های شاهنامه است.

این مجموعه ۱۲ جلدی در سال ۱۳۹۲ برای بار نخست در ۵۰۰۰ نسخه منتشر شد و در سال ۱۳۹۳ با همین شمارگان به انتشار مجدد رسید. اختصار، جذابیت بصری و روایتگری هنری، از ویژگی‌های برجسته این مجموعه دوازده‌گانه به‌شمار می‌رود.





عنوان کتاب: هنر بافتنی بزرگسالان

نام مؤلف: مریم یوسفی

ناشر: بین المللی حافظ



عنوان کتاب: هنر بافتنی خردسالان

نام مؤلف: اکرم ذاکری

ناشر: بین المللی حافظ

